



Paper type: Research Article

Investigating the Effectiveness of Corporate Social Responsibility on Employee Satisfaction: A Case Study of Petrochemical Employees

Shahnaz Mashaiekh^{*1}, Shadi Ghanbari Mazlaghan²

Received: 2024/11/20

Accepted: 2025/04/28

Abstract

Objective: Corporate Social Responsibility (CSR) has emerged as both a critical philosophy and a strategic approach that influences employees' attitudes. While most CSR research has focused on the relationship between CSR activities and external customers, relatively few studies have examined the impact of CSR from employees' perspectives. This study investigates the effect of CSR on employee engagement, satisfaction, and retention.

Method: Data were collected from 350 employees working in petrochemical companies. A questionnaire was used for data collection, and all measurement scales were adapted from previous studies. A convenience sampling method was applied, and the respondents included both managerial and non-managerial employees of petrochemical firms. Participants were asked to rate their opinions on a five-point Likert scale ranging from 1 (strongly disagree) to 5 (strongly agree). The employees were personally contacted, and the questionnaires were collected three weeks after distribution. Out of 400 questionnaires distributed, 350 valid responses were received. Data analysis was performed using SPSS. Correlation analysis was employed to examine the strength of the relationship between CSR and employee satisfaction.

Findings: The results of the correlation analysis indicated a positive and significant relationship between CSR and employee satisfaction ($r = 0.754$, $p < 0.001$). This initial relationship provided evidence supporting the research hypotheses. Furthermore, a multiple regression analysis was conducted to test the effect of CSR on employee satisfaction. The results showed that CSR has a positive and significant impact on employee satisfaction ($\beta = 0.527$, $p < 0.001$). The adjusted coefficient of determination ($\text{Adj-}R^2 = 36.9\%$) revealed that CSR explains a substantial portion of the variance in employee satisfaction. This means that for every one-unit increase in CSR, employee satisfaction increases by 0.527.

Conclusion: These findings are highly significant for both decision-makers and researchers. They suggest that organizations can enhance employee satisfaction and retention by engaging in social activities—such as identifying and meeting community needs, contributing to environmental improvement, supporting employee welfare, producing high-quality products for customers, and adhering to ethical standards.

Keywords: Corporate Social Responsibility, Level of Employees Satisfaction, Petrochemical Employees.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Mashaiekh, Sh., & Ghanbari Mazlaghan, Sh. (2025). Investigating the Effectiveness of Corporate Social Responsibility on Employee Satisfaction: A Case Study of Petrochemical Employees. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(11), 1-19. (In Persian).

¹. Associate Prof, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.

***Corresponding Author:** sh.mashaiekh@alzahra.ac.ir

². Phd Candidate, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

بررسی میزان اثربخشی مسئولیت اجتماعی شرکت بر میزان رضایت‌مندی کارکنان:

بررسی موردی کارکنان پتروشیمی

شهناز مشایخ^۱، شادی قنبری مزلقان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

چکیده

هدف: مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) به عنوان یک فلسفه انتقادی و یک استراتژی که بر نگرش کارکنان تأثیر می‌گذارد، ظهور کرده است. درحالی که بیشتر پژوهش‌های CSR بر رابطه بین فعالیت‌های CSR و مشتریان خارجی متمرکز است، مطالعات نسبتاً کمی تأثیر CSR را از دیدگاه کارکنان بررسی می‌کنند. این مطالعه تأثیر CSR را بر مشارکت، رضایت و حفظ کارکنان مورد بررسی قرار داد.

روش: داده‌ها از ۳۵۰ کارمند شاغل در شرکت‌های پتروشیمی جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد و تمامی مقیاس‌ها از مطالعات قبلی اقتباس شدند. از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و پاسخ‌دهندگان شامل کارکنان مدیریتی و غیرمدیریتی شرکت‌های پتروشیمی بودند. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا نظرات خود را در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از ۱ کاملاً مخالف تا ۵ کاملاً موافق ارزیابی کنند. با کارکنان شخصاً تماس گرفته شد و پرسش‌نامه‌ها سه هفته پس از توزیع جمع‌آوری شد. از ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده، ۳۵۰ پاسخ جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از SPSS استفاده شد. تحلیل همبستگی برای بررسی قدرت ارتباط بین متغیرهای CSR و رضایت کارکنان استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل همبستگی نشان داد بین CSR و رضایت کارکنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r = 0.754$, $p < 0.001$). این ارتباط اولیه شواهدی را در حمایت از فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌کند. علاوه بر این، برای آزمون تأثیر CSR بر رضایت کارکنان، تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد. نتایج نشان داد CSR به طور مثبت و معناداری بر رضایت کارکنان تأثیر دارد ($\beta = 0.527$, $p < 0.001$). ضریب تعیین تعدیل‌شده ($\text{Adj-R}^2 = 36.9\%$) نشان داد که CSR توضیح‌دهنده بخش قابل توجهی از تغییرات رضایت کارکنان است. این بدان معناست که با افزایش یک واحد در CSR، رضایت کارکنان به میزان ۰.۵۲۷ افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: این یافته‌ها برای تصمیم‌گیرندگان و محققان بسیار مهم است و نشان می‌دهد که سازمان‌ها می‌توانند از طریق مشارکت دادن خود در فعالیت‌های اجتماعی، به عنوان مثال، شناسایی نیازهای جامعه و برآوردن آنها، کار برای محیطی بهتر، مشارکت در رفاه کارکنان، تولید محصولات باکیفیت برای مشتریان و پیروی از آنها، رضایت و حفظ کارکنان خود را افزایش دهند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت اجتماعی شرکت، میزان رضایت‌مندی کارکنان، کارکنان پتروشیمی.



10.71600/JACGR.2024.977451



استناد: مشایخ، شهناز؛ قنبری مزلقان، شادی (۱۴۰۴). بررسی میزان اثربخشی مسئولیت اجتماعی شرکت بر میزان رضایت‌مندی کارکنان:

بررسی موردی کارکنان پتروشیمی. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴ (۱۱)، ۱-۱۹.

^۱. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: sh.mashaiekh@alzahra.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

مقدمه

اهمیت مسئولیت اجتماعی شرکتی^۱ (CSR) برای موفقیت سازمانی به‌خوبی در ادبیات تثبیت شده است. بسیاری از شرکت‌ها متوجه شده‌اند که CSR یک مفهوم باارزش است که دنیای تجارت آن را استراتژیک می‌داند. مشخص شده است که CSR با بسیاری از نتایج سطح کلان مانند عملکرد شرکت، عملکرد محیطی، اعتماد به برند و سهم بازار مرتبط است. بااین‌حال، ظاهراً توجه کمتری به نتایج سطح خرد CSR مانند رفتارهای کارکنان و تصمیمات خرید مصرف‌کننده شده است (چانگ و همکاران^۲، ۲۰۲۱). این مطالعه به بررسی تأثیر CSR بر رفتارهای سطح کارکنان در زمینه کشور می‌پردازد. مطالعاتی در مورد تأثیر CSR بر رفتار کارکنان در کشورهای غربی و اقتصادهای توسعه‌یافته انجام شده است، اما توجه کمتری به تأثیر CSR بر نتایج کارکنان در اقتصادهای درحال توسعه داده شده است. این مطالعه با مطالعه یک صنعت پتروشیمی ایران، پایگاه دانش را برای گنجاندن دیدگاه آسپایی در جریان پژوهش‌ها را گسترش می‌دهد. چندین مطالعه نشان داده است که شرکت‌هایی که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی را انجام می‌دهند از مزایایی مانند رضایت مشتری و ارزیابی‌های مطلوب مشتری برخوردار هستند. با این حال، اثربخشی فعالیت‌های CSR بر ذی‌نفعان داخلی (به‌عنوان مثال، کارکنان) تا حد زیادی نادیده گرفته شده است، اگرچه یک نظرسنجی جهانی اخیر از ۱۱۲۲ مدیر اجرایی شرکت نشان می‌دهد که مدیران عامل درک می‌کنند که کسب‌وکارها از CSR سود می‌برند؛ زیرا جذابیت را برای کارکنان بالقوه و موجود افزایش می‌دهد. اعتقاد بر این است که صنایع تولیدی (به‌عنوان مثال، مواد شیمیایی، منسوجات، نفت، معدن، تنباکو) که زباله‌ها را در محیط منتشر می‌کنند و کالاهای مضر برای جامعه تولید می‌کنند، برای مشروعیت‌بخشیدن به فعالیت‌های تجاری خود و بهبود تصویر خود، در CSR شرکت می‌کنند. صنعت پتروشیمی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا باید با ضایعات و آلاینده‌های زیست‌محیطی زیادی دست‌وپنجه نرم کند. خطرات ناشی از این صنعت برای طبیعت بسیار شدید است و بنابراین مسئولیت رفتار اجتماعی و مسئولانه بر دوش این صنعت روزبه‌روز در حال افزایش است. در مقابل، ما استدلال می‌کنیم که شرکت‌ها در صنایع غیرتولیدی (مانند شرکت‌های بانکی، مالی، حسابداری و نرم‌افزاری) خطرات اجتماعی کمتری ایجاد می‌کنند؛ زیرا این صنایع تولیدی خدمات مفیدی را برای جامعه با فرایندهای مدیریت دوستانه اجتماعی ارائه می‌کنند (یو و همکاران^۳، ۲۰۱۹). این باعث می‌شود که فرض کنیم برخلاف صنایع تولیدی که کالاهای مضر برای جامعه تولید می‌کنند یا از فرایندهایی استفاده می‌کنند که در نهایت به جامعه آسیب می‌رسانند، صنایع غیرتولیدی ممکن است برای CSR تحت فشار نباشند. دلیل انتخاب صنعت پتروشیمی این است که به محیط‌زیست مرتبط می‌باشد و کالاهای مضر برای جامعه تولید می‌کند. برای دستیابی به موفقیت سازمانی، برای سازمان‌ها بسیار مهم است که کارکنان خود را درگیر، راضی و حفظ کنند. در میان عوامل مختلفی که می‌تواند به سازمان‌ها در دستیابی به رفتارهای مثبت کارکنان کمک کند، CSR به همان اندازه مؤثر است.

اخیراً کارکنانی که در بخش تولید کار می‌کنند، معنای بیشتری به جنبه‌های مسئولیت اجتماعی سازمان‌های خود می‌دهند. اگر سازمان‌ها استراتژی‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی را تدوین نکنند، کارکنان ممکن است رفتارهای منفی داشته باشند؛ بنابراین، تأثیر CSR بر نتایج کارکنان به‌ویژه در زمینه صنعت تولید باید به طور مفصل مورد بررسی قرار گیرد. این روابط در دنیای غرب به‌خوبی برقرار شده است، اما تأثیر CSR بر رفتار کارکنان در کشورهای درحال توسعه هنوز وجود ندارد (چو و همکاران^۴، ۲۰۱۹). علاوه بر این، مطالعات قبلی عمدتاً تأثیر فعالیت‌های CSR را در سطح کلان بررسی کرده‌اند، و تأثیر آن را بر نتایج سطح کارکنان کاهش داده‌اند. برای به‌دست‌آوردن درک جامع‌تری از مفهوم CSR، تمرکز بر مبانی خرد آن مهم است. این مطالعه به بررسی تأثیر CSR بر حفظ، مشارکت و رضایت کارکنان در صنعت پتروشیمی ایران می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر CSR بر رضایت کارکنان، مشارکت کارکنان و حفظ کارکنان است. زمینه پژوهش مختص کارمندی است که در شرکت‌های مختلف تولید پتروشیمی مشغول به کار در ایران هستند. علاوه بر این، این مطالعه همچنین دستیابی به هدف بررسی

¹ Corporate Social Responsibility

² Chang et al

³ Yoo et al

⁴ Cho et al

تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رضایت کارکنان است. براین اساس، کارکنانی که درک مطلوبی از اقدامات مسئولیت‌پذیر اجتماعی سازمان خود داشتند، کمتر به ترک سازمان فکر می‌کردند (چریان و همکاران^۱، ۲۰۱۹). بنابراین، این مطالعه ادبیات تعامل موجود را با افزودن یک توانمندساز جدید به فهرست پیشینیان موجود، ارتقا می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهد که چگونه سازمان‌ها می‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های CSR خود برای افزایش مشارکت کارکنان، رضایت کارکنان و کاهش قصد جابه‌جایی استفاده کنند. علاوه بر این، یافته‌ها مشوق‌هایی را به مدیران کسب‌وکار ارائه می‌کند تا CSR را به اجرا بگذارند و CSR را با استراتژی سازمانی در هر سطحی در سازمان ادغام کنند. علاوه بر این، این شواهد که مزایای CSR را برای سازمان‌ها برجسته می‌کنند، احتمالاً سازمان‌ها را ترغیب می‌کنند تا به طور فزاینده‌ای CSR را به یک فرصت تبدیل کنند. همه آن‌ها باید با تلاش‌های CSR سازمان همسو باشند. در واقع یک چشم‌انداز یا یک بیانیه استراتژی که جهت‌گیری اجتماعی را نشان می‌دهد می‌تواند علاوه بر گزارش و انتقال تلاش‌های سازمان در حوزه اجتماعی، مزایای بیشتری برای سازمان داشته باشد. با توجه به اهمیت فزاینده CSR در اقتصادهای در حال توسعه، این مطالعه همچنین تلاشی است برای روشن‌سازی نقش این مفهوم در چنین کشورهایی که با چالش‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مواجه هستند.

شرایط منحصربه‌فرد این کشورها، از جمله نوسانات اقتصادی، نیازهای اجتماعی گسترده‌تر و فشارهای زیست‌محیطی، اهمیت CSR را دوچندان می‌کند. به‌ویژه در صنعت پتروشیمی ایران، جایی که پیامدهای زیست‌محیطی بیشتر حس می‌شود، تدوین و اجرای استراتژی‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در تقویت تعامل کارکنان، بهبود تصویر برند، و حتی ایجاد مزیت‌های رقابتی عمل کند. این پژوهش با ارائه شواهد جدید، می‌کوشد نشان دهد که CSR چگونه می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر کارکنان و ذی‌نفعان داخلی، به پایداری و موفقیت سازمان‌ها در اقتصادهای در حال توسعه کمک کند. علاوه بر این، این مطالعه با ارائه شواهد متقاعدکننده در مورد مزایای تجاری ملموس ابتکار CSR، به نگرانی‌های مدیران شرکت‌ها برای اثبات پتانسیل تجاری و ارزش ناشی از تلاش‌های CSR آن‌ها می‌پردازد. بقیه مطالعه به روش زیر سازماندهی شد. بخش دوم در مورد بررسی ادبیات و فرضیه پژوهش است. بخش سوم روش‌شناسی و بخش چهارم شامل نتایج و بحث درباره نتایج است. بخش پنجم نتیجه‌گیری و پژوهش‌های آتی را نشان می‌دهد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مسئولیت اجتماعی شرکت: مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از دهه ۵۰ آغاز شد و تاکنون ادامه پیدا کرده و تکامل یافته است و در طول این دوره، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از رویه‌های ناهماهنگ و داوطلبانه به یک تعهد واضح و صریح در پاسخ به فشارهای ذی‌نفعان توسعه یافته و به تدریج به یک تعهد مستمر آتی تبدیل شده است. علی‌رغم این تغییرات قابل‌ملاحظه در چشم‌انداز مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مشکلات ناشی از تعریف آن همچنان باقی است (جعفرپور ایناللو و همکاران، ۱۴۰۲).

مسئولیت اجتماعی شرکتی مسئولیتی است برای انتفاع و نه برای سازمان‌های انتفاعی به دلیل تأثیر آن‌ها بر ذی‌نفعان، محیط طبیعی و جامعه گسترده‌تر. بر پاسخگویی و شفافیت اقدامات شرکتی متمرکز است که شامل تلاش‌های اجتماعی، اخلاقی، زیست‌محیطی و اقتصادی است که اغلب داوطلبانه هستند و در داخل و خارج از بازار و معاملات تجاری قرار می‌گیرند. شورای جهانی تجارت برای توسعه پایدار مسئولیت اجتماعی شرکتی را به عنوان "تعهد مستمر کسب‌وکار برای رفتار اخلاقی و کمک به توسعه اقتصادی و درعین حال بهبود کیفیت زندگی نیروی کار، خانواده‌های آن‌ها و همچنین جامعه محلی و جامعه به‌طور کلی" تعریف می‌کند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ (OECD) مسئولیت اجتماعی شرکت را به عنوان "سهم تجاری در توسعه پایدار" می‌داند. در نتیجه، رفتار شرکتی نه تنها باید تضمین‌کننده بازده سهام‌داران، دستمزد کارکنان، و محصولات و خدمات برای مصرف‌کنندگان باشد، بلکه باید به نگرانی‌ها و ارزش‌های اجتماعی و محیطی نیز پاسخ دهد. کمیسیون اروپایی^۳ (CE) مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را این‌گونه تعریف می‌کند: CSR رفتاری است فراتر از الزامات قانونی که به طور داوطلبانه اتخاذ شده است.

^۱ Cherian

^۲ Organisation for Economic Cooperation and Development

^۳ European Commission

کسب‌وکارها باید تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در عملیات خود ادغام کنند. CSR یک «افزونه» اختیاری برای فعالیت‌های اصلی کسب‌وکار نیست، بلکه روشی است که کسب‌وکارها در آن مدیریت می‌شوند (کیم و همکاران^۱، ۲۰۱۹).

خاستگاه مسئولیت اجتماعی شرکت: مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) در بحث در مورد نقش تجارت در جامعه متولد شد. این موضوع ناشی از نگرانی‌های اجتماعی در مورد نتایج منفی عملیات تجاری مانند کار کودکان، شرایط بدکار، اضافه‌کاری بدون دستمزد و تخریب محیط‌زیست است. در حال حاضر، به طور گسترده‌ای برای تعریف روابط غیرتجاری بین شرکت‌ها با سایر بازیگران اجتماعی و جامعه به‌طور کلی استفاده می‌شود. اغلب با اشاره به سازمان‌های انتفاعی (به‌عنوان مثال، شرکت‌های تجاری، مشاغل، شرکت‌ها) استفاده می‌شود، اما می‌تواند برای سازمان‌های غیرانتفاعی مانند ادارات دولتی، سازمان‌های شهرداری، سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های اجتماعی نیز اعمال شود (هریستوف و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

رفتار اخلاقی بخش مهمی از CSR است که در آن کسب‌وکارها تشویق می‌شوند نه تنها از منطق تجاری پیروی کنند، بلکه مطابق با هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی رفتار کنند. CSR فراتر از مسئولیت‌های قانونی تعیین شده در قوانین ملی است که رفتار شرکت را تنظیم می‌کند و کسب‌وکار را تشویق می‌کند تا فراتر از انطباق قانونی برای پیروی از اهداف و ارزش‌های جامعه که در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نهادی تعبیه شده‌اند و به نگرانی‌های اجتماعی در حال تغییر پاسخ دهند. CSR به‌عنوان یک اقدام داوطلبانه توسط قانون تحمیل نمی‌شود و شامل اقدامات شرکتی است که فراتر از مسئولیت سهام‌داران برای دستیابی به مشتریان، کارکنان، تأمین‌کنندگان و جوامع است (چو و همکاران، ۲۰۱۹).

کارول^۳ (۱۹۷۹) پیشنهاد کرد که مسئولیت اجتماعی یک شرکت توسط چهار نوع مسئولیت اجتماعی - اقتصادی، قانونی، اخلاقی، و اختیاری یا بشردوستانه که به شکل هرمی مرتب شده‌اند، شکل می‌گیرد. هرم CSR با مسئولیت اقتصادی به‌عنوان یک منطق اصلی و نقش اصلی کسب‌وکار در جامعه برای تولید کالاها و خدمات موردنیاز و خواست مصرف‌کنندگان و کسب سود قابل قبول آغاز می‌شود. سطح بعدی مسئولیت قانونی است؛ زیرا تجارت باید "با قوانین و مقررات اعلام شده توسط دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی مطابقت داشته باشد". سومین سطح بالاتر، مسئولیت اخلاقی است که "آن دسته از فعالیت‌ها و اقداماتی را که توسط اعضای جامعه مورد انتظار یا ممنوع است، حتی اگر در قانون مدون نشده‌اند" توصیف کند. رأس هرم، مسئولیت بشردوستانه است که «اقدامات شرکتی را در پاسخ به انتظارات جامعه است که مبنی بر کسب‌وکارها می‌باشند» را مشخص می‌کند. ویسر^۴ (۲۰۰۸) با اذعان به ارتباط CSR در کشورهای در حال توسعه، می‌توان توالی متفاوتی از هرم CSR را برای کشورهای در حال توسعه پیشنهاد کرد که با مسئولیت اقتصادی در پایه شروع می‌شود و به دنبال آن مسئولیت‌های بشردوستانه، قانونی و اخلاقی قرار می‌گیرد. برخی نویسندگان مسئولیت زیست‌محیطی را به‌عنوان یک لایه جداگانه در هرم مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) در کشورهای در حال توسعه معرفی کرده‌اند. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل محتوای تعاریف CSR نشان می‌دهد که این مفهوم شامل پنج بعد اصلی است: ذی‌نفعان، اجتماعی، اقتصادی، داوطلبانه و محیطی^۵ است (نیروجان^۶، ۲۰۲۴).

توسعه CSR در مدیریت عمومی: مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) روابط متقابل پیچیده بین مشاغل و جامعه بزرگ‌تر را توصیف می‌کند. برنامه‌های CSR در حال تبدیل شدن به یک عنصر کلیدی از استراتژی کسب‌وکار هستند؛ زیرا نشان‌دهنده یک مزیت رقابتی است که عملکرد شرکت را در عین حمایت از جامعه افزایش می‌دهد. تأثیر بر جامعه، محیط‌زیست، ذی‌نفعان مختلف، تأمین‌کنندگان، توزیع‌کنندگان، خرده‌فروشان، رقبا، دولت‌ها، مشتریان، کارمندان و طبیعت همگی باید در هنگام ساختار سازمان تدوین شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۹).

رضایت‌مندی کارکنان: رضایت شغلی یک نگرش جهانی است که از بسیاری نگرش‌های ساده در سه حوزه ناشی می‌شود: (۱) ویژگی‌های فردی، (۲) روابط گروهی خارج از شغل، و (۳) عوامل شغلی خاص. این مؤلفه‌ها را نمی‌توان برای تجزیه و تحلیل

¹ Kim et al

² Hristov et al

³ Carroll

⁴ Visser

⁵ Stakeholder, Social, Economic, Voluntary, and Environmental

⁶ Nirojan

جدا کرد. رضایت کارکنان اصطلاحی است که برای توصیف کارکنانی به کار می‌رود که نیازها و انتظارات متفاوتی در رابطه با رضایت و برآورده شدن در کار دارند. بر اساس مطالعات متعدد، رضایت کارکنان عامل مهمی در مشارکت کارکنان، دستیابی به هدف و روحیه مثبت در محیط کار است. رضایت کارکنان میزان رضایت کارگران از شغل و شرایط کاری خود را اندازه‌گیری می‌کند. همه از مدیران گرفته تا عوامل حفظ منابع انسانی باید مشارکت و وفاداری کارکنان را درک کنند تا مشخص شود که نیروی کار چقدر به سازمان متعهد است و آیا کارکنان از نحوه انجام کارها برای تعیین احتمال ماندن در شرکت راضی هستند یا خیر. رضایت کارکنان یکی از جنبه‌های حیاتی مدیریت منابع انسانی است (یو و همکاران، ۲۰۱۹). شرکت‌ها باید رضایت کارکنان را تضمین کنند، زیرا پایه و اساس افزایش بهره‌وری، پاسخگویی، کیفیت و خدمات مشتری است. رضایت کارکنان در محل کار را نمی‌توان دست‌کم گرفت. رضایت شغلی تحت تأثیر عوامل مختلفی در محل کار، از جمله بسته‌های پاداش، فرصت‌های پیشرفت، محیط‌های کاری و جامعه کاری است. علاوه بر این، تأثیر عامل تعیین‌کننده به عنوان یک فشارسنج برای رضایت یا ناراضی شغلی و همچنین نتیجه عمل می‌کند. برای دستیابی به تعادل، هنگام پرداختن به مسائل رضایت شغلی، ناراضی شغلی باید در نظر گرفته شود. کارمندانی که از شغل خود ناراضی هستند ممکن است کار خود را ترک نکنند، اما احساس ناامیدی آن‌ها ممکن است بر آن‌ها و همکارانشان و کیفیت عملکرد و خدماتی که ارائه می‌دهند تأثیر بگذارد. کارکنان ناراضی نسبت به همکاران خود دشمنی می‌کنند (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

علاوه بر این ریف^۱ (۲۰۱۱)، مطالعه‌ای را برای درک رضایت شغلی از دیدگاه کارکنان انجام داد و کشف کرد که پنج عامل رضایت شغلی را تعیین می‌کنند: استقلال، اختیار مهارت، حمایت برتر، فرصت‌های تحصیل بیشتر، و روابط با همکاران. توانمندسازی روشی است برای نزدیک شدن به احساس و رفتار به گونه‌ای که گویی در قدرت است و سازمان را حفظ می‌کند. نرخ جابه‌جایی بالا یا فعالیت کناره‌گیری، افزایش هزینه‌ها در استخدام کارمندان جدید، فروش و درآمد کمتر، و رضایت کمتر مشتری، همگی پیامدهای رضایت شغلی پایین هستند. کمک به رضایت شغلی می‌تواند یک سرمایه‌گذاری سودآور برای هر شرکتی باشد. رضایت کارکنان یکی از قابل اعتمادترین پیش‌بینی‌کننده‌های عملکرد مثبت بلندمدت شرکت است. رضایت شغلی بالا با بهره‌وری بالاتر مرتبط است، کارکنانی که از شغل خود راضی هستند، مسئولیت‌های خود را با اخلاص و فداکاری انجام می‌دهند (چریان و همکاران، ۲۰۱۹).

مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و رضایت کارکنان: پژوهشگران و دست‌اندرکاران اغلب به CSR عمدتاً به عنوان یک فعالیت سازمانی با تصمیمات، فعالیت‌ها و نتایج در سطح سازمانی فکر می‌کنند، اما از آنجایی که اجرای موفقیت‌آمیز و استراتژیک فعالیت‌های CSR به تعهد کارکنان بستگی دارد، نیاز شدیدی به پژوهش‌های جامع وجود دارد. به فرایندها و موارد احتمالی که برنامه‌های CSR و نتایج کارکنان را به هم مرتبط می‌کنند، رسیدگی کنید. این رابطه همچنین پیامدهای مستقیمی برای نقش مدیریت منابع انسانی در CSR دارد (کیم و همکاران، ۲۰۱۸).

کارفرمایان که کارکنان خود را به عنوان یک دارایی، به عنوان یک سرمایه فکری بسیار گران‌بها می‌بینند، تمایل دارند با آن‌ها به خوبی رفتار کنند. برخی از آن‌ها آن قدر خوب رفتار می‌کنند که این شرکت‌ها توسط کارمندان به عنوان بهترین مکان برای کار و در برخی موارد برای زندگی شناخته می‌شوند. هنگامی که کارکنان درک می‌کنند که شرکت‌های آن‌ها از جامعه و همچنین سایر ذی‌نفعان مراقبت می‌کنند، تمایل دارند سطح رضایت بیشتری را از کارفرما نشان دهند (پارک و همکاران، ۲۰۱۷). به عنوان مثال، اگر سازمانی با حفظ محیط طبیعی، مسئولانه رفتار کند، استراتژی‌های مؤثری برای حفاظت از طبیعت ابداع کند، سیستم‌های مدیریت زیست‌محیطی کارآمد ایجاد کند، رفتارهای سازگار با محیط‌زیست را در بین کارکنان تلقین کند، و زباله‌ها را با در نظر گرفتن همه ذی‌نفعان دفع کند، کارکنان احساس می‌کنند. در چنین سناریویی، هم‌ذات‌پنداری با سازمان نیز افزایش می‌یابد و کارکنان تمایل دارند از کار در چنین سازمانی احساس رضایت بیشتری داشته باشند (دروک و همکاران، ۲۰۱۸).

¹ Ref

² Park et al

³ De Roeck et al

مطالعه‌ای در بین پرستاران در ایالات متحده توسط ورقس و همکاران^۱ (۲۰۱۶) انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که پرستارانی که دریافتند بیمارستان‌های آن‌ها با ارائه خدمات درمانی رایگان به افراد مستحق از بیماران مراقبت می‌کنند، دارای پروتکل‌های مدیریت پسماند مناسب هستند، سیاستی را اجرا می‌کنند. مسئولیت اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست طبیعی تاحدامکان و همکاری با همه ذی‌نفعان هر زمان که در مورد طبیعت و منافع جامعه بود، میزان رضایت ناشی از شغل و بیمارستان‌های این‌چنینی بالاتر بود. برعکس، پرستاری که مسئولیت اجتماعی بیمارستان خود را پایین‌تر و بی‌اثر می‌دانست، احساس تعلق به سازمان به طور قابل‌ملاحظه‌ای بدتر می‌شود. این‌گونه پرستاران از سازمان فعلی خود ناراضی بودند و دستکاری‌های آزمایشی تأیید می‌کرد که آن‌ها به طور حرفه‌ای در مورد مراقبت از بیماران صحبت نمی‌کنند و وظایف محوله را طبق ابلاغ انجام نمی‌دهند (کیم و همکاران، ۲۰۲۲).

چانگ و همکاران در سال ۲۰۲۱ طی پژوهشی به بررسی رضایت کارکنان، مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد مالی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که عملکرد CSR یک شرکت با گردش کارکنان و رضایت کارکنان همبستگی مثبت دارد و علاوه بر این، مسئولیت اجتماعی شرکت با عملکرد مالی شرکت همبستگی مثبت دارد. نتایج از این ایده حمایت می‌کند که رضایت کارکنان به‌عنوان یک عامل میانجی تأثیر دستاوردهای CSR بر سلامت مالی عمل می‌کند.

آل‌هابی و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت، عملکرد کارکنان، و قصد جابه‌جایی توسط شناسایی و تعهد سازمانی تعدیل شده پرداختند. یافته‌ها نشان داد شناسایی و تعهد سازمانی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد کارکنان و قصد جابه‌جایی را کانالیزه می‌کند. این مطالعه بر اهمیت CSR، شناسایی سازمانی و تعهد در بخش بانکداری عربستان سعودی تأکید می‌کند. این بینش‌های ارزشمندی را برای بانک‌ها فراهم می‌کند تا عملکرد کارکنان را افزایش دهند، قصد گردش مالی را کاهش دهند و ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت را تقویت کنند.

ممون و همکاران^۳ در سال ۲۰۲۳ طی پژوهشی به بررسی رابطه بین رضایت شغلی و عملکرد کارکنان در صنعت ساخت‌وساز پاکستان پرداختند. یکی از مهم‌ترین اهداف یک شرکت، به حداکثر رساندن عملکرد کارکنان برای دستیابی به آن اهداف است. یک مرور ادبیات مفصل برای شناسایی عوامل مختلف مورد استفاده قرار گرفت که سپس بر اساس ارتباط آن‌ها با صنعت ساخت‌وساز پاکستان با مصاحبه با ده مهندس مجرب در فهرست کوتاه قرار گرفتند. در مجموع ۱۱ رضایت شغلی و هشت پارامتر عملکرد کارکنان کشف شد. در مجموع ۸۵ نمونه به‌عنوان بخشی از فرایند جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. باتوجه به نتایج، تمامی مدل‌ها تولنایی بالایی در محاسبه افزایش معیارهای عملکرد کارکنان از طریق متغیرهای پیش‌بینی‌کننده دارند.

نیروجان (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) در عصر "عادی جدید" پرداخته‌اند. CSR اساساً به دنبال ایجاد تعادل میان عملکرد مالی و تأثیر مثبت بر محیط‌زیست و جامعه است و تعهد به شیوه‌های تجاری اخلاقی و رفاه ذی‌نفعان را نشان می‌دهد. در این دوره، کسب‌وکارها بیش از پیش به ارزش مسئولیت اجتماعی شرکتی در مواجهه با مسائل جهانی در حال تغییر پی برده‌اند. مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) در عصر "عادی جدید" اهمیت بیشتری پیدا کرده است، زیرا شرکت‌ها با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستند. رویدادهای جهانی موجب تغییر پارادایمی شده‌اند که نیازمند استراتژی‌های قوی و مسئولیت‌پذیر اجتماعی است. CSR چارچوبی استراتژیک برای کسب‌وکارها فراهم می‌کند تا نیازهای جامعه را برآورده کنند، اعتماد سهام‌داران را جلب نمایند و با انتظارات متغیر سازگار شوند. با قرار دادن شرکت‌ها به‌عنوان مشارکت‌کنندگان مسئول در رفاه جامعه و محیط‌زیست، CSR نه تنها با الزامات اخلاقی همسو می‌شود، بلکه پایداری بلندمدت را در چشم‌اندازی جهانی که دائماً در حال تغییر است، تقویت می‌کند. تجزیه و تحلیل انتقادی CSR در این عصر، محیط تجاری پویایی را نشان می‌دهد که در آن شرکت‌ها رویکردهای خود را برای پاسخ به نیازهای متغیر تنظیم می‌کنند. یافته‌های کلیدی نشان می‌دهند که CSR برای تقویت پایداری بلندمدت، جلب اعتماد سهام‌داران و افزایش انعطاف‌پذیری، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. ادبیات موجود بر ارزش رفتار

¹ Varghese et al² Alnehabi et al³ Memon et al

بررسی میزان اثربخشی مسئولیت اجتماعی شرکت بر میزان ...

اخلاقی، حفاظت از محیط زیست و مشارکت های اجتماعی تأکید دارد و در عین حال، اجرای موفق CSR را در دوران تحولات جهانی برجسته می سازد. در نهایت، ارزیابی ها نشان می دهند که CSR چگونه به شرکت ها کمک می کند تا نه تنها از نظر مالی، بلکه از نظر اجتماعی و زیست محیطی نیز در مواجهه با تغییرات عظیم پایدار باشند.

ارتباطات میان پیشینه پژوهش های ایران و سایر کشورها در زمینه تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) قابل توجه است و نیازمند توضیح بیشتر برای روشن تر کردن نقاط مشترک و تفاوت های موجود در این پژوهش ها است.

شباهت ها در پژوهش های ایران و سایر کشورها

ارتباط مثبت CSR با رضایت کارکنان: نتایج پژوهش های چانگ و همکاران (۲۰۲۱) و نیروجان (۲۰۲۴) در کشورهای غربی و اقتصادهای توسعه یافته، نشان داده اند که CSR تأثیر مثبتی بر رضایت و حفظ کارکنان دارد. این یافته ها با پژوهش های انجام شده در ایران، مانند صنعت پتروشیمی، هم راستا هستند؛ جایی که تلاش های CSR به بهبود روحیه و تعهد کارکنان منجر شده است.

ارتباط CSR با بهبود عملکرد سازمانی: چه در پژوهش هایی در ایران و چه در مطالعات بین المللی، مانند پژوهش های آلن های و همکاران (۲۰۲۳) در عربستان سعودی، بر اهمیت CSR در بهبود عملکرد کارکنان و کاهش تمایل به ترک سازمان تأکید شده است. این ارتباط نشان دهنده تأثیر جهانی و بین المللی CSR بر نتایج مثبت سازمانی است.

تمرکز CSR بر ذی نفعان داخلی و خارجی: مشابه نتایج مطالعات ورس و همکاران (۲۰۱۶) در ایالات متحده، مطالعات ایرانی نیز تأثیر CSR بر ذی نفعان داخلی، به ویژه کارکنان، را تأیید کرده اند. این نشان می دهد که CSR، فراتر از مشتریان خارجی، بر بهبود شرایط ذی نفعان داخلی نیز مؤثر است.

تفاوت ها در پژوهش های ایران و سایر کشورها

زمینه اجتماعی و فرهنگی: در اقتصادهای در حال توسعه نظیر ایران، CSR اغلب با تأکید بر مسائل اجتماعی خاص، مانند بهبود محیط کار و کاهش اثرات زیست محیطی، بیشتر شناخته می شود. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته، تمرکز CSR ممکن است بیشتر بر نوآوری های پایدار و ارتباط آن با جذب مشتری باشد (مثال: پژوهش پارک و همکاران، ۲۰۱۷).

نقش CSR در صنایع خاص: پژوهش های مربوط به صنعت پتروشیمی ایران نشان داده اند که CSR بیشتر بر کاهش آلاینده ها و تلاش های محیط زیستی متمرکز است. اما در مقابل، در کشورهای توسعه یافته، صنایع خدماتی مانند بانکداری بیشتر بر CSR برای ایجاد مزایای رقابتی و توسعه نام تجاری تمرکز دارند (آلن های و همکاران، ۲۰۲۳).

توسعه پایدار در اقتصادهای در حال توسعه: برخلاف کشورهای توسعه یافته، پژوهش های ایران تأکید بیشتری بر مسئولیت پذیری اجتماعی برای کاهش نابرابری های اجتماعی و بهبود شرایط اقتصادی کارکنان دارند. به ویژه در صنعت پتروشیمی که پیامدهای زیست محیطی بیشتری دارد، CSR برای تضمین مشروعیت سازمانی نقشی حیاتی ایفا می کند.

فرضیه پژوهش: بین CSR درک شده و رضایت کارکنان رابطه مثبت وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این مطالعه یک استراتژی برای جمع آوری داده ها از نمونه ای ابداع کرد که می توانند به طور منطقی معرف ویژگی های جمعیت باشد. راهبرد نمونه گیری مورد استفاده برای جمع آوری داده ها، نمونه گیری آسان بود، زیرا به دلیل عدم همکاری بخش های منابع انسانی، امکان جمع آوری چارچوب نمونه گیری برای محقق فراهم نشد تا جزئیات کاملی از کارکنان شاغل در سایت های مختلف به محقق ارائه شود. نظرسنجی ها شخصاً بین کارکنان توزیع شد و به آن ها یک هفته فرصت داده شد تا پاسخ دهند. قبل از توزیع پرسش نامه، مجوز رسمی از مقامات مربوطه درخواست شد تا اجازه جمع آوری داده ها را به محقق بدهند.

هدف از این مطالعه با مقامات مربوطه در میان گذاشته شد. محقق همچنین از محرمانه بودن و ناشناس بودن آن ها اطمینان حاصل کرد. این پژوهش از یک استراتژی نمونه گیری ابداعی برای جمع آوری داده ها استفاده کرده است که می تواند به طور منطقی معرف ویژگی های جمعیت هدف باشد. راهبرد نمونه گیری مورد استفاده برای جمع آوری داده ها، نمونه گیری آسان^۱ بود. این

^۱ Convenience Sampling

روش به دلیل محدودیت‌های عملیاتی، از جمله عدم همکاری بخش‌های منابع انسانی در ارائه چارچوب نمونه‌گیری و اطلاعات کامل کارکنان شاغل در سایت‌های مختلف، انتخاب شد. نظرسنجی‌ها به صورت حضوری بین کارکنان توزیع شدند و برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها یک هفته زمان داده شد. پیش از توزیع پرسش‌نامه، مجوزهای رسمی از مقامات مربوطه دریافت و هدف پژوهش با آن‌ها در میان گذاشته شد. برای اطمینان بخشی به شرکت کنندگان، محرمانه بودن و ناشناس ماندن اطلاعات آن‌ها تضمین شد.

مشکلات نمونه‌گیری در دسترس و محدودیت‌ها

نمایندگی محدود جمعیت: به دلیل استفاده از نمونه‌گیری آسان، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به کل جمعیت کارکنان صنعت پتروشیمی ممکن است محدود باشد. این روش در معرض سوگیری است، زیرا احتمال دارد کارکنانی که انگیزه یا زمان بیشتری برای شرکت در نظرسنجی دارند، بیشتر نمایندگی شوند. **عدم تنوع جغرافیایی:** محدودیت در دسترسی به تمامی سایت‌ها و شعبه‌های مختلف شرکت‌های پتروشیمی، منجر به محدودیت در پوشش جغرافیایی شده است. **مشارکت غیرتصادفی:** شرکت کنندگان به صورت غیرتصادفی انتخاب شده‌اند، که می‌تواند منجر به ایجاد سوگیری در داده‌ها شود.

تلاش‌های انجام شده برای کاهش محدودیت‌ها

برای کاهش تأثیر محدودیت‌های روش نمونه‌گیری، محقق اطمینان حاصل کرد که شرکت کنندگان از تمامی سطوح سازمانی (مدیریتی و غیرمدیریتی) انتخاب شوند. همچنین، توضیحات شفاف درباره هدف پژوهش و تضمین محرمانگی اطلاعات، موجب افزایش مشارکت داوطلبانه کارکنان شد.

در این مطالعه ۳۵۰ نفر از کارکنان انتخاب شدند و حجم نمونه با استفاده از فرمول یامان^۱ (۱۹۶۷) تعیین شد.

$$n = \frac{N}{1 + Ne^2} \quad \text{رابطه (۱)}$$

n = نشان دهنده جمعیت

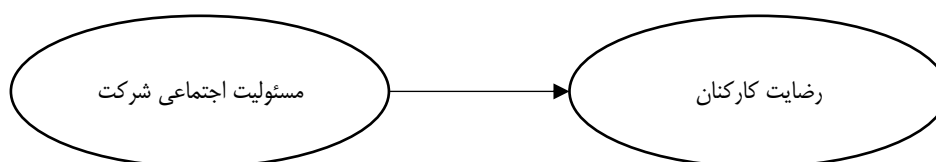
e = خطای تخمین

N = مخفف حجم نمونه است و ۵ درصد امتیاز گرفته شده است.

به منظور بررسی این روابط، پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده کرده و داده‌ها را از پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری کرده است. ماهیت پژوهش اکتشافی بوده و از رویکرد قیاسی استفاده شده است؛ زیرا هدف پژوهش، آزمون مجموعه‌ای از فرضیه‌ها بوده است. روش‌های مورد استفاده برای یک طرح پژوهش خاص به ارتباط بین متغیرها، هدف اصلی مطالعه و نوعی داده بستگی دارد.

چارچوب نظری

همان‌طور که در شکل ۱ آمده است، CSR متغیر مستقل یا پیش‌بینی کننده است. یک پیامد یا متغیر وابسته این مطالعه وجود دارد. متغیر وابسته رضایت کارکنان است. مدل نشان می‌دهد که CSR با سطح رضایت کارکنان رابطه مثبت دارد. با افزایش درک CSR، کارکنان تمایل بیشتری برای ماندن در سازمان‌های فعلی نشان می‌دهند. چارچوب نظری در شکل زیر ارائه شده است.



شکل ۱. نمودار مفهومی

¹ Yamane

توسعه ابزار

ابزار برای واحد مشاهده سطح فردی توسعه داده شد. هر یک از پاسخ‌دهندگان این مطالعه باید اندازه‌گیری CSR درک شده، مشارکت کارکنان، رضایت و حفظ را کامل کنند. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا نظرات خود را در مورد میزان موافقت یا عدم موافقت اظهارات ارزیابی کنند. تمام پاسخ‌ها توسط یک فرد ثبت شد. همچنین از پاسخ‌دهندگان در مورد جزئیات دموگرافیک مانند سن، جنسیت، تجربه، مدرک تحصیلی و... سؤال شده است.

اندازه‌گیری متغیرها

مسئولیت اجتماعی شرکت: در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی مسئولیت اجتماعی کارول استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰.۷۱۱ بود. هدف اصلی این پرسش‌نامه، اندازه‌گیری میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان و شناسایی نقاط قوت و ضعف در این زمینه است. پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان کارول ۲۰ سؤال دارد و طبق ۴ مؤلفه طراحی شده است. ۴ مؤلفه‌ی این پرسش‌نامه شامل موارد زیر است:

- مسئولیت‌پذیری اقتصادی (۵ سؤال)
- مسئولیت‌پذیری قانونی (۵ سؤال)
- مسئولیت‌پذیری اخلاقی (۵ سؤال)
- مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۵ سؤال)

این پرسش‌نامه که بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای ساخته شده است.

رضایت کارکنان: در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی رضایت کارکنان مینه‌سوتا استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰.۹۲ بود. پرسش‌نامه مینه‌سوتا به سنجش رضایت شغلی افراد در مؤلفه‌های زیر می‌پردازد:

- نظام پرداخت (۳ سؤال)
- نوع شغل (۴ سؤال)
- فرصت‌های پیشرفت (۳ سؤال)
- جو سازمانی (۲ سؤال)
- سبک رهبری (۴ سؤال)
- شرایط فیزیکی (۳ سؤال)

این پرسش‌نامه دارای ۱۹ سؤال است و جواب هر سؤال به‌صورت طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای است.

اعتبار و کاربرد مقیاس‌ها در پژوهش ایران

در محیط پژوهش ایران، ابزارهای اندازه‌گیری نظیر پرسش‌نامه مسئولیت اجتماعی کارول و پرسش‌نامه رضایت کارکنان مینه‌سوتا توانسته‌اند به عنوان ابزارهای معتبر در پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرند. مطالعه‌های متعدد نشان داده‌اند که این مقیاس‌ها از قابلیت اطمینان و اعتبار لازم در جامعه آماری ایران برخوردارند.

برای پرسش‌نامه مسئولیت اجتماعی کارول، تحقیقات انجام‌شده در ایران نشان داده‌اند که این ابزار به‌طور مؤثر جنبه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را می‌سنجد. مقدار آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه در پژوهش‌های مختلف معمولاً بالاتر از ۰.۷۰ گزارش شده است که نشان‌دهنده سازگاری داخلی بالای این ابزار در محیط ایران می‌باشد.

پرسش‌نامه رضایت کارکنان مینه‌سوتا نیز به‌طور گسترده‌ای در محیط‌های کاری و سازمانی ایران استفاده شده است. مقیاس‌های مرتبط با رضایت کارکنان، همچون رضایت از نظام پرداخت، فرصت‌های پیشرفت، و سبک رهبری، توانسته‌اند در فرهنگ کاری ایران کاربرد قابل توجهی داشته باشند. مقدار آلفای کرونباخ بالای ۰.۹۰ در مطالعات مشابه تأییدکننده اعتبار و پایایی بالای این ابزار در پژوهش‌های ایرانی است. بنابراین، استفاده از این ابزارها در محیط ایران نه تنها امکان بررسی و تحلیل دقیق متغیرهای پژوهش را فراهم می‌آورد، بلکه نتایج به دست آمده قابل اتکا و کاربردی در بهبود عملکرد سازمان‌ها است.

در پژوهش حاضر، جهت بررسی همبستگی متغیرها از آزمون پیرسون و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار SPSS و معادلات ساختاری PLS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش اطلاعات جمعیت‌شناختی

نگاره (۱) به صورت خلاصه به توصیف جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش می‌پردازد:

نگاره ۱. خلاصه‌ای از توصیف جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

ردیف	نوع مشخصات	مشخصات	تعداد	فراوانی نسبی (درصد)
۱	جنسیت	آقا	۲۰۹	۵۹/۷۱
		خانم	۱۴۱	۴۰/۲۹
		کارشناسی	۱۰۶	۳۰/۲۸
۲	مدرک تحصیلی	کارشناسی‌ارشد	۲۰۵	۵۸/۵۷
		دکتری	۳۹	۱۱/۱۴
		۳ تا ۵ سال	۸۹	۲۵/۴۲
۳	سابقه کاری مرتبط	۶ تا ۱۰ سال	۱۸۷	۵۳/۴۲
		بیشتر از ۱۰ سال	۷۴	۲۱/۱۴

تجزیه و تحلیل آمار توصیفی

آمار توصیفی حاکی از تمایل مثبت در متغیر رضایت‌مندی در این پژوهش بود. مقادیر میانگین برای متغیرهای مسئولیت اجتماعی شرکت و رضایت کارکنان بالا و مقادیر انحراف معیار بسیار پایین است که قدرت بیشتری را در متغیرها نشان می‌دهد.

نگاره ۲. میانگین و انحراف معیار

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
مسئولیت اجتماعی شرکت	مسئولیت‌پذیری اقتصادی	۳.۸۶۴
	مسئولیت‌پذیری قانونی	۳.۷۵۴
	مسئولیت‌پذیری اخلاقی	۳.۶۹۵
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۳.۸۴۲
رضایت‌مندی کارکنان	نظام پرداخت	۳.۹۷۵
	نوع شغل	۳.۸۵۷
	فرصت‌های پیشرفت	۳.۸۵۴
	جو سازمانی	۳.۷۴۸
	سبک رهبری	۳.۹۹۵
	شرایط فیزیکی	۳.۸۷۵

همان‌طور که در نگاره (۲) مشاهده می‌گردد بر اساس نظرات و تجربه افراد مشخص است، میانگین تقریباً خوبی برآورد شده است. همان‌گونه که قابل مشاهده است اکثر سؤالات متغیرها میانگین بالای ۳ به دست آورده‌اند و این نتیجه‌ای خوب است. همچنین سایر تحلیل‌های مربوط به آمارهای توصیفی داده‌های پژوهش را نیز می‌توان در جداول بالا بررسی نمود (انحراف معیار). انحراف معیار یکی از شاخص‌های پراکندگی است که نشان می‌دهد به طور میانگین داده‌ها چه مقدار از مقدار متوسط فاصله دارند. باتوجه به این که انحراف معیار مجموعه‌ی داده‌ها نزدیک به صفر است، نشانه دهنده‌ی آن است که داده‌ها نزدیک به میانگین هستند و پراکندگی اندکی دارند؛ درحالی‌که انحراف معیار بزرگ و کوچک‌تر از بازه‌ی (+۲ و -۲) بیانگر پراکندگی قابل توجه داده‌ها است.

تجزیه و تحلیل قابلیت اطمینان

پایایی مقیاس‌ها با توجه به آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. برای متغیرهای مورد بررسی در نگاره ۳ نشان داده شده است. همه متغیرها با توجه به مقادیر بالای ۰.۷ قابل اعتماد بودند.

نگاره ۳. نتایج قابلیت اطمینان برای همه متغیرها

متغیرها	آلفای کرونباخ
مسئولیت اجتماعی شرکت	۰.۷۶۸
رضایت‌مندی کارکنان	۰.۸۴۴

تجزیه و تحلیل همبستگی

از تحلیل همبستگی برای بررسی قدرت ارتباط بین متغیرهای مختلف استفاده می‌شود. مقدار همبستگی از -۱ تا +۱ متغیر است. مقادیر همبستگی مطابق انتظار در جهت مثبت یافت شد. نگاره ۴ تجزیه و تحلیل همبستگی بین همه متغیرها را نشان می‌دهد

نگاره ۴. تجزیه و تحلیل همبستگی

همبستگی		مسئولیت اجتماعی شرکت	رضایت‌مندی کارکنان
مسئولیت اجتماعی شرکت	ضریب	۱	۰.۷۵۴
	Sig		۰.۰۰۰
رضایت‌مندی کارکنان	ضریب	۰.۷۵۴	۱
	Sig	۰.۰۰۰	

نگاره ۴ نشان می‌دهد که بین CSR و رضایت‌مندی کارکنان همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($r = 0.754$)، و سطح معناداری بسیار پایین ($Sig = 0.000$) تأیید می‌کند که این ارتباط از لحاظ آماری قابل اطمینان است. این یافته‌ها شواهد محکمی ارائه می‌دهند که فرضیه‌های پیشنهادی در پژوهش حمایت شده‌اند. همچنین، مقدار همبستگی مثبت نشان می‌دهد که افزایش سطح مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها همواره همراه با افزایش سطح رضایت کارکنان است. این نتیجه، اهمیت توجه به CSR به عنوان یک ابزار مؤثر در تقویت رابطه میان سازمان و کارکنان را برجسته می‌کند. این همبستگی‌ها پایه‌ای قوی برای تحلیل‌های آماری بعدی، نظیر رگرسیون، فراهم می‌آورند که می‌توانند به صورت دقیق‌تر نقش CSR در پیش‌بینی رضایت شغلی کارکنان را بررسی کنند. در بخش بعدی، به بررسی جزئی‌تر تأثیر مستقیم CSR بر رضایت کارکنان با استفاده از تحلیل رگرسیون پرداخته خواهد شد.

تحلیل رگرسیون

در این مطالعه، یک متغیر مستقل (CSR) و یک متغیر وابسته (رضایت کارکنان) وجود داشت. ما می‌خواهیم تأثیر پیش‌بینی‌کننده (CSR) را بر روی یک نتیجه (رضایت کارکنان) آزمایش کنیم. به منظور آزمون فرضیه‌ها، تحلیل رگرسیون انجام شد. نگاره ۵ خلاصه مدل اثر پیش‌بینی‌کننده (CSR) را بر یک پیامد (رضایت کارکنان) نشان می‌دهد.

نگاره ۵. تجزیه و تحلیل رگرسیون

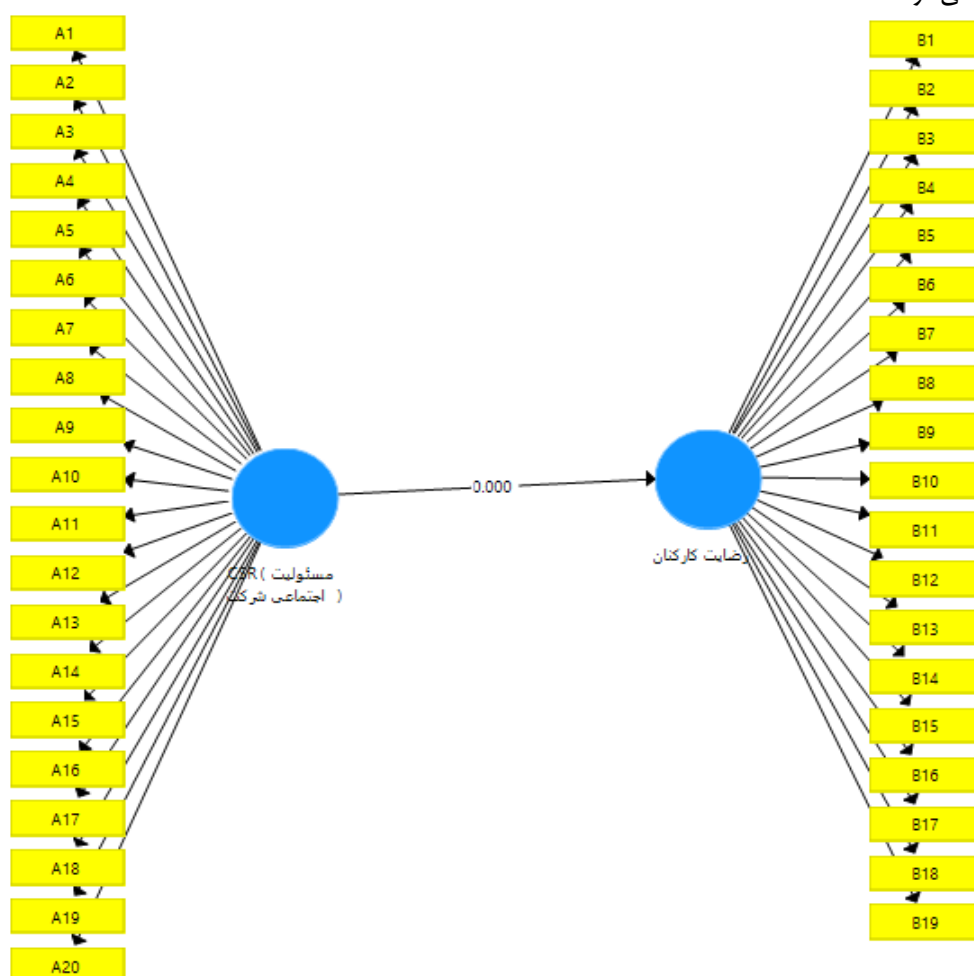
متغیرها		رضایت‌مندی کارکنان
p	Coef Value	
۰.۰۰۰	۰.۵۲۷	مسئولیت اجتماعی شرکت
۰.۰۰۰	۶.۲۰۴	مقدار ثابت
۳۶.۹		Adj-R ²
	۳۵۰	N

نگاره ۵ نتایج رگرسیون را نشان می‌دهد. متغیر مستقلی که در معادله رگرسیون وارد شد CSR است در حالی که متغیر وابسته معادله رضایت کارکنان در مدل ۱ است. ضریب بتای تأثیر CSR بر رضایت کارکنان ۰/۵۲۷ با سطح خطای ۱ درصد یا سطح

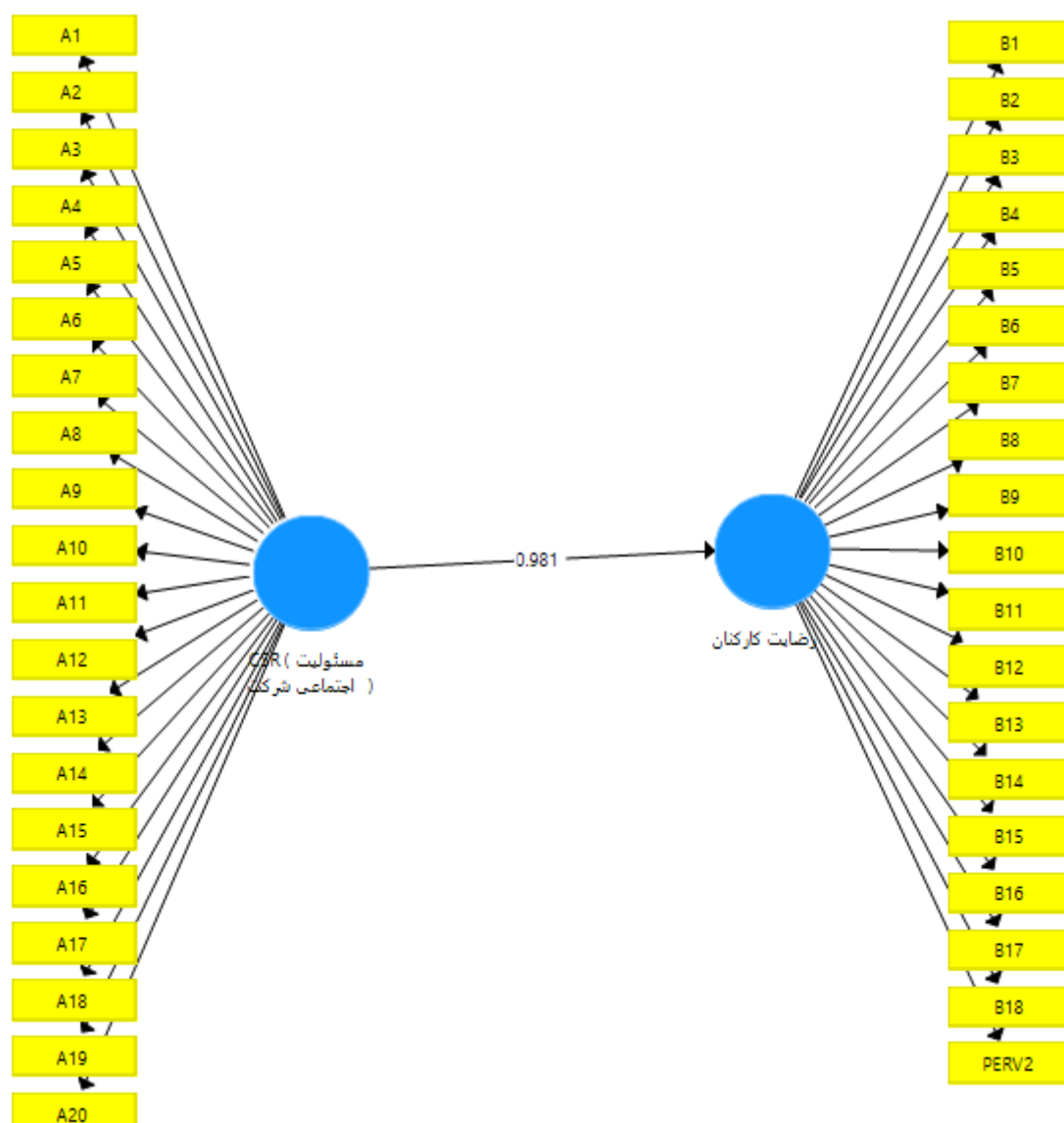
اطمینان ۹۹ درصد به دست آمد. این بدان معناست که برای تغییر واحد در CSR، تغییر در رضایت کارکنان ۰.۵۲۷ خواهد بود؛ بنابراین، با افزایش درک در مورد CSR، رضایت کارکنان از شرکت نیز افزایش می‌یابد که از فرضیه ۱ حمایت می‌کند مبنی بر اینکه ارتباط مثبتی بین CSR و رضایت کارکنان وجود دارد. همچنین، مقدار ثابت (۶.۲۰۴) نشان می‌دهد که حتی در غیاب CSR، سطح رضایت پایه‌ای کارکنان قابل اندازه‌گیری است. اما شاخص Adj-R2 با مقدار ۳۶.۹ درصد بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از تغییرات در رضایت کارکنان به وسیله CSR توضیح داده می‌شود. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت انکارناپذیر CSR به عنوان یک ابزار مدیریتی است که می‌تواند بهبود قابل ملاحظه‌ای در تجربه کاری کارکنان ایجاد کند. در نهایت، با توجه به تعداد نمونه (N=350)، پژوهش حاضر بر تعمیم‌پذیری نتایج تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ارتباط مثبت میان CSR و رضایت کارکنان می‌تواند به عنوان یک اصل راهنما برای مدیران در توسعه سیاست‌های سازمانی مورد استفاده قرار گیرد.

ضرایب معناداری Z (مقادیر t) و نتایج روابط مستقیم

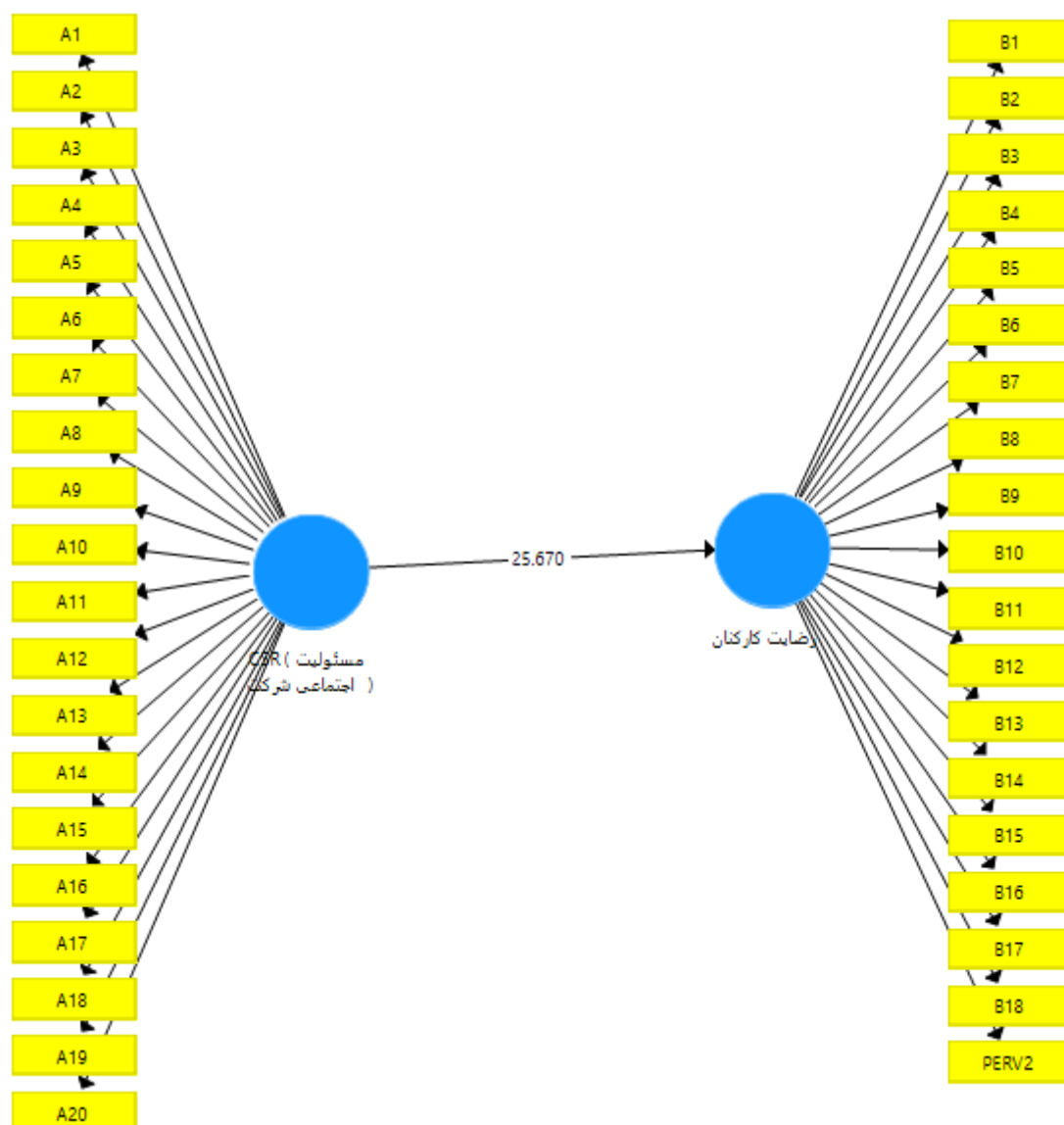
باتوجه به نمودارهایی که در ادامه آمده؛ چون ضرایب t برای فرض پژوهش مقدار بالایی به دست آمده است، لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن اکثر آن‌ها تأیید می‌شود و همچنین در شکل و نگاره ذیل به مقدار ضرایب معناداری و ضرایب مسیر پرداخته می‌شود.



شکل ۲. معناداری (sig)



شکل ۳. ضرایب مسیر



شکل ۴. مقادیر آماره t

نگاره ۶. نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معناداری فرضیات مدل

فرضیه پژوهش	ضریب مسیر	مقادیر t-	معناداری (sig)	نتیجه آزمون
مسئولیت اجتماعی شرکت بر میزان رضایت‌مندی تأثیر دارد.	۰.۹۸۱	۲۵.۶۷۰	۰.۰۰۰	قابل قبول

باتوجه به نمودارها و نگاره فوق چون ضریب مسیر مقدار مثبت و نزدیک به عدد یک است (۰/۹۸۱) و این مقدار نیز معنی‌دار است (۰/۰۰۰) و همچنین ضریب t برای عرضه پژوهش مقدار بالایی (بالتر از ۱/۹۶) به دست آمده است، لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

شرکت‌های سرآمد، حساسیت و تمرکز خاص و ویژه‌ای به مسئولیت اجتماعی در زمان حال و آینده دارند و بیشتر این دیدگاه را سعی می‌کنند که رواج دهند، چنان‌که مسئولیت‌های اجتماعی، در ارزش‌های این سازمان و در ذات آنان نفوذ کرده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی یک موضوع دارای ارزش ویژه در مدیریت جدید است؛ چرا که توجه نکردن مدیران به مسئولیت اجتماعی سدی از خدمت مؤثر آنان به جامعه و توسعه و اعتبار سازمان خواهد شد. در زمان حال مدیرها باید به منظور رسیدن به

هدف‌های سازمان به اقداماتی دست نزنند که مورد قبول جامعه و مردم باشد. مدیران سازمان‌ها حتی در مقابل تفکر خود نسبت به اجتماع مسئول و جوابگو است و بایستی در صدد کسب رضایت عموم مردم و تأمین نیازهای آن‌ها و جوابگویی نسبت به مسئولیت‌هایی که به عهده آنان واگذار شده است باشند؛ به علت این که پذیرفتن مسئولیت اجتماعی سبب به‌وجودآمدن اعتماد عمومی که از اساسی‌ترین سرمایه‌های اجتماعی است می‌شود.

در صورتی که شرکت‌های پتروشیمی به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل نمایند سبب بهبود رضایت مشتریان می‌شود. این شرکت زمانی می‌تواند به هدف‌های خود دست یابد که مشتریان درک مناسب و درستی از مسئولیت‌های این شرکت داشته باشند و بدانند که این شرکت به مسئولیت اجتماعی پایبند است. در این صورت مشتریان به این شرکت اعتماد خواهند کرد و در صورت اعتماد، میزان رضایتشان از عملکرد این شرکت بیشتر خواهد شد. در غیر این صورت عدم رضایت بر مشتریان حاکم خواهد شد و دیگر اعتمادی به شرکت نخواهند کرد که این علاوه بر این که مضرات و زیان‌هایی برای خود این شرکت دارد؛ بلکه سبب بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شد. عمل به وظایف و فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی باعث بیشترشدن اعتماد عمومی و افزایش اعتماد باعث افزایش رضایت مشتریان از خدمات ارائه شده این شرکت خواهد شد. به‌منظور بالا بردن ادراک مشتری‌ها از مسئولیت اجتماعی شرکت‌های پتروشیمی، کارکنان این شرکت بایستی نسبت به عملکردش به مسئولیت اجتماعی پایبند باشند و به آن مبادرت ورزند در این صورت موجب افزایش رضایت، در نهایت ارزش بازار شرکت خواهد شد. کارکنانی که درک مطلوبی از اقدامات مسئولیت‌پذیر اجتماعی سازمان خود داشتند، از سازمان خود رضایت داشتند؛ بنابراین، این مطالعه ادبیات رضایت موجود را با افزودن یک توانمندساز جدید به فهرست پیشینیان موجود، ارتقا می‌دهد. به طور خاص، زمانی که کارکنان بر این باورند که سازمان از استراتژی‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی حمایت می‌کند، می‌توانند با رضایت بیشتری کار کنند و سپس مشارکت بیشتری را در سازمان ابراز کنند.

نتیجه‌گیری و پژوهش‌های آتی

پژوهش حاضر با پر کردن شکاف‌های کلان موجود در مطالعات پیشین و ارائه بینش‌های عملی جدید، به طور قابل توجهی به توسعه دانش در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها کمک کرده است. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های چانگ و همکاران (۲۰۲۱) همراستا است؛ آن‌ها نیز نشان دادند که CSR بهبود رضایت و کاهش گردش کارکنان را به دنبال دارد. همان‌طور که در مطالعه آلن‌هایی و همکاران (۲۰۲۳) اشاره شد، CSR نقش مؤثری در کاهش قصد جابه‌جایی کارکنان و ارتقای عملکرد آنان دارد. این نتایج در پژوهش حاضر نیز تأیید شده است. نتایج پژوهش نیروجان (۲۰۲۴) نشان داد که CSR در عصر "عادی جدید" به پایداری بلندمدت کمک می‌کند. این یافته‌ها با پژوهش حاضر که بر مزایای مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی CSR تأکید دارد، همخوانی دارد. پژوهش حاضر در مقایسه با آلن‌هایی و همکاران (۲۰۲۳)، که به بررسی نقش متغیرهای میانجی نظیر شناسایی و تعهد سازمانی پرداخته بودند، در این زمینه محدودتر عمل کرده است. این تفاوت نشان‌دهنده فرصتی برای تحقیقات آتی است. برخلاف مطالعات نیروجان (۲۰۲۴) که به صنایع مختلف پرداخته است، پژوهش حاضر تنها به داده‌هایی از صنعت پتروشیمی محدود شده و قابلیت تعمیم آن محدودتر است. پژوهش ممون و همکاران (۲۰۲۳) بر رضایت شغلی و عملکرد کارکنان در صنعت ساخت‌وساز تمرکز کرده است، درحالی که پژوهش حاضر تأکید بیشتری بر حفظ و مشارکت کارکنان در صنعت پتروشیمی دارد. این تفاوت می‌تواند ناشی از ویژگی‌های خاص هر صنعت باشد.

این مطالعه با مشاهده ارتباط بین تلاش‌های CSR یک سازمان، رضایت کارکنان و حفظ کارکنان به مجموعه ادبیات موجود می‌افزاید که در آن کمبود شدید ادبیات آکادمیک در رابطه با رضایت کارکنان از CSR با نگرش‌ها و رفتارها در محل کار وجود دارد. این مطالعه با بررسی کردن ارتباط مستقیم بین CSR و رضایت، مشارکت و حفظ کارکنان، کمک جدیدی می‌کند. این مقاله ادبیات موجود در CSR را گسترش می‌دهد که در درجه اول بر ذی‌نفعان خارجی با بررسی تأثیر آن بر حفظ کارکنان تمرکز دارد؛ بنابراین، این مطالعه شکاف کلان را پر می‌کند و به نیاز به پژوهش‌های سطح خرد در جریان CSR می‌پردازد که توسط محققان برجسته شده است. علاوه بر این، یافته‌های فوق‌انگیزه‌هایی را برای مدیران کسب‌وکار برای اعمال CSR و ادغام CSR با استراتژی سازمانی در هر سطحی از سازمان ارائه می‌دهد. همه آن‌ها باید با تلاش‌های CSR سازمان همسو باشند. در

واقع یک چشم انداز یا یک بیانیه استراتژی که جهت‌گیری اجتماعی را نشان می‌دهد می‌تواند علاوه بر گزارش و انتقال تلاش‌های سازمان در حوزه اجتماعی، مزایای بیشتری برای سازمان داشته باشد. علاوه بر این، این مطالعه با ارائه شواهد متقاعدکننده در مورد مزایای تجاری ملموس ابتکار CSR، به نگرانی‌های مدیران شرکت‌ها برای اثبات پتانسیل تجاری و ارزش ناشی از تلاش‌های CSR آن‌ها می‌پردازد. علاوه بر این، نتایج مطالعه بینش‌هایی را به مدیران کسب‌وکار ارائه می‌کند و به نگرانی‌های آن‌ها در مورد چگونگی همسوسازی و ادغام بهتر CSR با سیاست‌ها، شیوه‌ها و ابتکار کارکنان مربوط به منابع انسانی پاسخ می‌دهد.

تطبیق مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) با استراتژی‌های کلان سازمانی نیازمند رویکردی هماهنگ و نظام‌مند است که اهداف اجتماعی و اقتصادی شرکت را همسو سازد. در این راستا، سازمان‌ها باید ابتدا یک بیانیه استراتژی روشن ارائه دهند که اهمیت CSR را به عنوان بخشی از مأموریت و چشم‌انداز سازمان تأیید کند. این بیانیه می‌تواند راهنمایی برای هماهنگی تلاش‌های CSR در تمام سطوح سازمان باشد و از تداخل با دیگر اولویت‌های استراتژیک جلوگیری کند.

در صنایع مختلف، تطبیق CSR با استراتژی‌ها می‌تواند بر اساس نیازها و الزامات آن صنعت تنظیم شود. برای مثال، در صنایع تولیدی، CSR می‌تواند بر کاهش اثرات زیست‌محیطی و مدیریت پسماند متمرکز شود، درحالی‌که در صنایع خدماتی، تأکید بر شفافیت و اخلاق حرفه‌ای باشد. در صنایع پتروشیمی، استراتژی‌های CSR می‌تواند با تمرکز بر کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی، حمایت از جوامع محلی و ارتقای ایمنی کارکنان طراحی شوند. چنین تطبیقی نه تنها موجب بهبود تصویر عمومی سازمان می‌شود، بلکه مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی قابل‌توجهی نیز ایجاد می‌کند.

همچنین، سازمان‌ها می‌توانند با ادغام CSR در فرایندهای منابع انسانی، مانند آموزش کارکنان برای آشنایی با اهمیت مسئولیت اجتماعی و تشویق آنان به مشارکت در برنامه‌های CSR، تأثیر بیشتری بر رفتار و نگرش کارکنان داشته باشند. ادغام این برنامه‌ها با سیاست‌های مدیریت استعداد و ایجاد فرصت‌های مشارکت در تصمیم‌گیری می‌تواند حس تعلق و مشارکت کارکنان را تقویت کند.

برای صنایع مختلف، توسعه سیستم‌های ارزیابی عملکرد CSR که به طور خاص با ویژگی‌های آن صنعت مطابقت داشته باشد، می‌تواند به بهبود اجرای برنامه‌های CSR کمک کند. این سیستم‌ها می‌توانند شامل شاخص‌های عملکردی مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی باشند و به سازمان‌ها امکان دهند تا تأثیر تلاش‌های CSR را به صورت کمی و کیفی ارزیابی کنند.

در نهایت، همکاری بین صنایع مختلف و سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی در ایجاد چارچوب‌های مشترک برای ترویج CSR می‌تواند گام مهمی در جهت ارتقای پایداری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی باشد.

مدیریت صنعت پتروشیمی باید راهبردهایی را برای بهبود فرایندهای مسئولیت اجتماعی در نظر بگیرد، زیرا این روشی مؤثر برای بهبود رفتارهای مثبت کارکنان مانند مشارکت کارکنان، رضایت کارکنان و حفظ کارکنان است. حفظ کارمندان بسیار مهم است؛ زیرا استخدام کارمند جدید پرهزینه است؛ بنابراین به منظور حفظ کارکنان، سازمان‌ها باید راه‌هایی را برای بهبود فرایندهای مسئولیت اجتماعی در نظر بگیرند.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود دامنه نمونه‌گیری به صنایع مختلف گسترش یابد تا قابلیت تعمیم نتایج بیشتر شود و تفاوت‌های احتمالی بین صنایع در تأثیر CSR بر رضایت و حفظ کارکنان مشخص گردد. همچنین، بررسی متغیرهای میانجی و تعدیل‌کننده‌ای مانند تجربه کاری و شرایط محیط کار برای تحلیل دقیق‌تر روابط بین CSR و رفتارهای کارکنان ضرورت دارد. استفاده از روش‌های ترکیبی جمع‌آوری داده‌ها مانند مصاحبه‌های عمقی و مشاهدات می‌تواند واریانس روش رایج را کاهش داده و داده‌های معتبرتری فراهم کند. تحلیل سری زمانی تأثیر CSR نیز برای بررسی پایداری این تأثیرات در گذر زمان توصیه می‌شود. علاوه بر این، مطالعه اثرات CSR بر سایر ذی‌نفعان از جمله مشتریان و جامعه محلی می‌تواند به درک بهتری از مزایای گسترده‌تر CSR کمک کند.

برخی از محدودیت‌های مطالعه حاضر وجود دارد. ابتدا، داده‌های این مطالعه از تعداد محدودی از کارمندان چند شرکت پتروشیمی به طور گسترده‌ای شناخته شده جمع‌آوری شد، و درحالی‌که پاسخ‌دهندگان تصمیم گرفتند بخشی از این پژوهش باشند،

به این پژوهش یک تعمیم محدود می‌دهد. ثانیاً، این مطالعه چندین متغیر کنترلی یا متغیرهای میانجی مانند تجربه کاری، شرایط محیط کار را برای مشاهده سایر ابعاد که می‌تواند به درک بهتر روابط پیشنهادی در این مقاله منجر شود، شامل نمی‌شود. سوم، در ادامه، ما برای جمع‌آوری داده‌ها به یک منبع واحد تکیه کردیم، یعنی پرسش‌نامه‌ای که خود طراحی شده است، ممکن است مشکل واریانس روش رایج ظاهر شود.

در نتیجه افزایش مزیت رقابتی و افزایش توان شرکت در جذب حمایت‌کنندگان را منجر می‌شود. ایجاد تصور ذهنی مناسب از شرکت به‌عنوان شرکتی که کارایی و اثربخشی بالایی دارد، خود می‌تواند رضایت هر چه بیشتر مشتری را نیز به همراه داشته باشد. با به‌کارگیری و توجه به عوامل موردنظر در رعایت این مسئولیت اجتماعی که می‌تواند در قبال جامعه، مردم و مشتریان و حتی کارکنان هم باشند، می‌تواند اثربخشی خود را هم در امر تولید و ارائه خدمات و هم در ایجاد و ارائه الگویی که منجر به برقراری رضایت، ثبات و حفظ امنیت در اجتماع می‌گردد را نشان دهد.

منابع

جعفرپور ایناللو، هومن،، نخعی، حبیب اله، و طالب نیا، قدرت الله. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر معیارهای مدیریت محیطی مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت های تولیدی با تاکید بر معیارهای مالی نوین در حسابداری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۴۷)، ۳۲۳-۳۴۲.

- Alnehabi, M., Al-Mekhlafi, A.-B. A. (2023). The Association between Corporate Social Responsibility, Employee Performance, and Turnover Intention Moderated by Organizational Identification and Commitment. *Sustainability*, 15(9), 14202.
- Carroll, A. B. , (1979). A Three-Dimensional Conceptual Model of Corporate Performance. *Academy of Management Review*, 4(4), 497-505.
- Chang, C.-H., Lin, H.-W., Tsai, W.-H., Wang, W.-L., & Huang, C.-T. (2021). Employee Satisfaction, Corporate Social Responsibility and Financial Performance. *Sustainability*, 13(18), 9996.
- Cherian, J., Umar, M., Thu, P. A., Nguyen-Trang, T., Sial, M. S., & Khuong, N. V. (2019). Does Corporate Social Responsibility Affect the Financial Performance of the Manufacturing Sector? Evidence from an Emerging Economy. *Sustainability*, 11(4), 1182.
- Cho, S. J., Chung, C. Y., & Young, J. (2019). Study on the Relationship between CSR and Financial Performance. *Sustainability*, 11(2), 343
- De Roeck, K., & Maon, F. (2018). Building the theoretical puzzle of employees' reactions to corporate social responsibility: An integrative conceptual framework and research agenda. *Journal of Business Ethics*, 149, 609-625.
- Hristov, I., Appolloni, A., Chirico, A., & Cheng, W. (2021). The role of the environmental dimension in the performance managementsystem: A systematic review and conceptual framework. *Journal of Cleaner Production*, 293, 126075.
- Jafarpour Inaloo, H., Nakhaei, T., & Talebnia., Gh. (2023). Investigating the impact of social criteria on the financial performance of manufacturing companies with an emphasis on modern financial criteria. *Accounting and Corporate Governance Research*, 3(1), 101-126. (in Persian)
- Kim, B. J., Kim, M. J., & Lee, J. (2022). The influence of corporate social responsibility on employee safety behavior: The mediating effect of psychological safety and the moderating role of authentic leadership. *Front Public Health*, 10, 1090404.
- Kim, J. Y., Nurunnabi, M., Kim, T. H., & Jung, S. Y. (2018). The influence of corporate social responsibility on organizational commitment: The sequential mediating effect of meaningfulness of work and perceived organizational support. *Sustainability*, 10, 2208.
- Kim, J., Cho, K., Park, & C. K. (2019). Does CSR Assurance Affect the Relationship between CSR Performance and Financial Performance?. *Sustainability*, 11, 5682.

- Memon, A. H., Khahro, S. H., Memon, N. A., Memon, Z. A., & Mustafa, A. (2023). Relationship between Job Satisfaction and Employee Performance in the Construction Industry of Pakistan. *Sustainability*, 15, 8699.
- Nirojan, K. (2024). Corporate Social Responsibility in the Modern World: Review. *Informatics. Economy. Control - Informatics. Economics. Management*, 33(1), 0201–0212.
- Park, S., Kim, E. J., & Sung, M. (2017). Corporate social responsibility in Korea: How to communicate with local stakeholders. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 24, 634–647.
- Visser, W. (2008). *Corporate Social Responsibility in Developing Countries*. The Oxford Handbook of Corporate Social Responsibility. 10.1093/oxfordhb/9780199211593.003.0021.
- Yamane, T. (1967). *Statistics: An Introductory Analysis, 2nd Edition*, New York: Harper and Row. (n.d.). <https://www.sciepub.com/reference/180098>
- Yoo, J. M., Choi, W., & Chon, M. L. (2019). Do Employees Matter in the Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance?. *Sustainability*, 11(22), 6251.



Paper type: Research Article

Usage of Collaborative Learning in Accounting Education

Gholamreza Kordestani¹, Shima Shahmohammadi^{*2}

Received: 2024/12/10

Accepted: 2025/06/29

Abstract

Objective: Collaborative learning is an innovative teaching approach that strengthens problem-solving skills and critical thinking through group activities. This study aims to introduce collaborative learning and its techniques as a new approach in teaching accounting courses and to demonstrate its impact with practical examples.

Method: The research methodology involves a review of several qualitative articles with a content analysis framework, employing a descriptive-analytical approach to describe and evaluate the content of the selected studies.

Finding: Findings indicate that a collaborative learning approach in accounting education leads to increased creativity and academic achievement among learners. If the goal of accounting education is to foster creativity and support lifelong and sustainable learning, the adoption of collaborative learning as one of the modern teaching methods should be considered.

Conclusion: Incorporating this approach into accounting classes can provide a fulfilling learning experience within a social context. This study is innovative in presenting how new methods like collaborative learning can be applied in accounting education and offers guidance for interested educators.

Keywords: Accounting Education, Active Learning Methods, Collaborative Learning.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Kordestani, Gh., & Shahmohammadi, Sh. (2025). Usage of Collaborative Learning in Accounting Education. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(11), 21-34. (In Persian).

¹. Prof., Department of Accounting, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran.

². Ph.D Candidate, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran.

*Corresponding Author: sh.shahmohammadi@edu.ikiu.ac.ir



نوع مقاله: علمی پژوهشی

کاربرد یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری

غلامرضا کردستانی^۱، شیما شاه محمدی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

چکیده

هدف: یادگیری مشارکتی رویکردی نوین در تدریس است که مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی را از طریق فعالیت‌های گروهی تقویت می‌نماید. در پژوهش حاضر سعی بر این است تا ضمن معرفی یادگیری مشارکتی و تکنیک‌های آن به‌عنوان رویکردی جدید در تدریس دروس حسابداری و بیان تأثیرات آن، با استفاده از مثال‌هایی کاربردی این رویکرد در تدریس دروس حسابداری تشریح گردد.

روش: در این پژوهش روش کار مرور چندین مقاله از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوا است و از رویکرد توصیفی تحلیلی برای توصیف و ارزیابی محتوای مقالات استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که رویکرد مبتنی بر یادگیری مشارکتی در آموزش دروس حسابداری منجر به افزایش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی فراگیران می‌گردد. چنانچه هدف نظام آموزشی در رشته حسابداری رشد و پرورش خلاقیت و یادگیری پایدار و مادام‌العمر در فراگیران باشد از رویکرد یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از روش‌های نوین آموزش باید استفاده گردد.

نتیجه‌گیری: گنجاندن این رویکرد در کلاس‌های دروس حسابداری می‌تواند تجربه رضایت‌بخشی را برای فراگیران از یادگیری در یک زمینه اجتماعی فراهم کند. این پژوهش از منظر معرفی نحوه به‌کارگیری روش‌های نوینی همانند یادگیری مشارکتی در تدریس دروس حسابداری دارای نوآوری است و می‌تواند رهنمودی برای علاقه‌مندان فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: آموزش حسابداری، روش‌های آموزش فعال، یادگیری مشارکتی.



10.71600/JACGR.2024.977451



استناد: کردستانی، غلامرضا؛ شاه محمدی، شیما (۱۴۰۴). کاربرد یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴(۱۱)، ۲۱-۳۴.

^۱. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

^۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. *نویسنده مسئول: sh.shahmohammadi@edu.ikiu.ac.ir

مقدمه

هدف این پژوهش، بررسی نقش یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری است و به بررسی اثرات مثبت یادگیری مشارکتی بر تفکر انتقادی، حل مسئله، و توانایی‌های عملی دانشجویان می‌پردازد. طبق گزارش کمیته بدفورد که توسط انجمن حسابداری آمریکا^۱ در ارتباط با ساختار، محتوا و دامنه آتی آموزش حسابداری در سال ۱۹۸۴ تشکیل شده بود، محتوای برنامه آموزش حسابداری در سطح دانشگاه‌ها در پنجاه سال گذشته تغییر واقعی نکرده است و تنها تغییر آن، مربوط به افزایش تعداد و برنامه‌ها بوده است (نحاس و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین مشکلات مربوط به آموزش و یادگیری گزارش شده توسط کمیته بدفورد صرفاً محدود به سال ۱۹۸۴ نمی‌گردد، به‌طوری که اپوستولو^۲ و همکاران طی تقریباً ۲۰ سال بررسی (از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۶) در مورد پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش و یادگیری حسابداری بیان کردند که به‌غیر از چند مورد استثنا، متأسفانه برنامه آموزشی حسابداری یک محصول راکد شده و نیازمند تغییر است و وقت آن است که پژوهشگران الگوهای مؤثر برای تضمین یادگیری را شناسایی، مستندسازی و در مورد آن جستجو کنند (اپوستولو و همکاران، ۲۰۱۷). چون توسعه و پیاده‌سازی الگوهای مؤثر یادگیری از اقدامات مهم و اساسی برای آموزش حسابداری است، در بسیاری از کشورها استفاده از روش‌های تدریس نوین آغاز گردیده‌است و یکی از این روش‌ها رویکرد یادگیری مشارکتی است که روشی جدید در تدریس محسوب شده و مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی را از طریق کارگروهی افزایش می‌دهد (عظیمی و همکاران، ۱۳۸۵). در سال‌های اخیر به رویکرد یادگیرنده محور توجه ویژه‌ای شده است که بر تعامل یادگیرنده با محتوا، همتایان، مدرس و ساخت دانش تأکید دارد؛ هرچند هنوز تدریس یک‌طرفه که فقط متمرکز بر انتقال محتوای آموزشی است، طرفدارانی دارد و آن را روشی مؤثر می‌پندارند (مسونده و وان آلت، ۲۰۱۷)، اما در مقابل رویکرد یادگیرنده محور بر تعامل تأکید می‌ورزد و بر پویایی محیط یادگیری تأکید دارد (لی و هانافین^۴، ۲۰۱۶).

نظام آموزش در ایران بدین صورت است که مربیان بر روش‌های سنتی به ویژه سخنرانی تکیه کرده و شاگردان را ترغیب به حفظ و تکرار مفاهیم علمی می‌کنند و با اینکه در مجالس علمی و آموزشی و حتی اجرایی، از فعال بودن شاگردان، رشد فکری و آزاد اندیشی صحبت می‌شود، اما چنین نظرگاه‌هایی در عمل جنبه شعارگونه به خود گرفته و از بهتر شدن روحیه همکاری و صمیمیت در بین شاگردان و رشد مهارت‌های ارتباطی آن‌ها صحبت می‌گردد، ولی در عمل نه‌تنها گام مؤثری در این راستا برداشته نمی‌شود، بلکه اغلب اوقات همکاری و رفاقت به نوعی رقابت تبدیل شده که نتیجه آن افزایش حس حسادت، کینه توزی و دشمنی در بین شاگردان است. توان آموزشی هر جامعه، رشد و توسعه آن جامعه را رقم می‌زند و با سنجش میزان دستیابی دانش‌آموختگان آن نظام به هدف‌های آموزشی، می‌توان کارایی هر نظام آموزشی را برآورد کرد. هدف‌های آموزشی از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده روش‌ها و برنامه‌های آموزشی است. در صورتی که معلم تنها ارائه دهنده اطلاعات و دانسته‌ها و دانش‌آموز پذیرنده غیرفعال آن‌ها باشد این بدین معنی است که آموزش سنتی نوعی نگاه یک بعدی به آموزش است که انتقال دانش به دانش‌آموزان را تنها وظیفه آموزش و پرورش می‌داند، اما در روش‌های آموزشی نوین، به فعال بودن و رشد همه‌ی ابعاد وجودی دانش‌آموزان تأکید می‌شود، آموزش‌یار نه فقط انتقال دهنده دانش است، بلکه فرآیند آموزش و رشد ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان را آسان می‌کند (گل محمدنژاد بهرامی، ۱۳۹۷). بنابراین لازم است تا نتایج پژوهش حاضر مورد توجه قرار گیرد تا بتوان نظام آموزشی مشارکتی و حس گروهی را در بین دانش‌آموزان و جامعه معلمین برقرار کرد.

سؤال پژوهش این است که یادگیری مشارکتی به‌عنوان رویکردی نوین در آموزش حسابداری چگونه می‌تواند اثرگذار باشد؟ برای پاسخ به این سؤال با مرور چندین مقاله مرتبط مبتنی بر تحلیل محتوا به توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم پرداخته شده و با تشریح کاربردهایی از یادگیری مشارکتی در تدریس دروس حسابداری این رویکرد نوین تشریح گردیده است.

پژوهش‌های مرتبط فراوانی وجود دارند که تأثیر روش تدریس مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی، روابط اجتماعی، عزت نفس و مانند آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اما تأثیر آن بر خودکارآمدی و یا مهارت‌های ارتباطی در آموزش حسابداری، مشابه تحقیق

^۱ American Accounting Association (AAA)

^۲ Apostolou

^۳ Msonde & Van Aalst

^۴ Lee & Hannafin

حاضر مطالعه نشده است. پیشرفت علم و گسترش دامنه علوم مختلف، ضرورت اخذ معلومات بیشتری را در زمان کوتاهتر اجتناب ناپذیر ساخته است.

یادگیری مشارکتی به یک روش آموزشی اشاره دارد که فراگیران در گروه‌هایی برای رسیدن به اهداف مشترک، فعالیت داشته و به جای اینکه به تنهایی کار کنند، از سهیم شدن در عقاید یکدیگر سود برده و مهارت‌ها و توانایی‌های خود را برای موفقیت کل اعضای گروه به کار می‌گیرند. در واقع این رویکرد به عنوان روشی همسال محور معرفی شده که عملکرد تحصیلی را بالا برده و در افزایش خودکارآمدی فراگیران نقش دارد (گل محمدنژاد بهرامی، ۱۳۹۷). در ادامه مفهوم یادگیری مشارکتی معرفی شده و به ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده است؛ سپس تکنیک‌های یادگیری مشارکتی و نقش یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری توضیح داده شده و در پایان ادبیات پژوهش، کاربردهایی از یادگیری مشارکتی در تدریس دروس حسابداری تشریح شده؛ و در نهایت پژوهش با نتیجه‌گیری از مباحث ذکر شده پایان پذیرفته است.

مبانی نظری

یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یک روش آموزشی است که فراگیران را به صورت گروهی برای دستیابی به یک هدف مشترک درگیر می‌نماید. هدف از یادگیری مشارکتی تشویق فراگیران به همکاری با یکدیگر برای حل مشکلات، به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و یادگیری از یکدیگر است. یادگیری مشارکتی می‌تواند با کمک به فراگیران در توسعه مهارت‌های بین فردی، مانند ارتباط، همدلی و شایستگی اجتماعی، مفید باشد. همچنین می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا در یادگیری خود مشارکت و انگیزه بیشتری داشته باشند، زیرا با هم برای رسیدن به یک هدف مشترک کار می‌کنند (بالوچ و برودی^۱، ۲۰۱۷).

چاندر^۲ (۲۰۱۵) بیان می‌کند که رویکردهای ساختاریافته برای ایجاد راه حل برای مشکلات دنیای واقعی باید در یادگیری گنجانده شود. یادگیری مشارکتی می‌تواند به صورت همتا به همتا یا در گروه‌های بزرگ‌تر اتفاق بیفتد. یادگیری با همتایان یا آموزش همتایان نوعی از یادگیری مشارکتی است که دانش‌آموزان را در جفت یا گروه‌های کوچک قرار می‌دهد تا برای بحث درباره مفاهیم یا یافتن راه حل برای مشکلات با هم کار کنند. این اغلب در یک جلسه کلاس پس از آشنایی دانش‌آموزان با مطالب درسی از طریق خواندن یا ویدئو قبل از کلاس و یا از طریق سخنرانی‌های مربی رخ می‌دهد. مشابه این ایده که دو یا سه سر بهتر از یک هستند، بسیاری از مربیان دریافته‌اند که از طریق آموزش همتایان، دانش‌آموزان با پرداختن به سوء تفاهم‌ها و روشن کردن باورهای غلط به یکدیگر آموزش می‌دهند. از دیگر رویکردهای یادگیری مشارکتی رویکرد ساختاریافته (SCL^۳) است. تان^۴ (۲۰۱۹) اظهار می‌کند که از رویکرد یادگیری مشارکتی ساختاریافته (SCL) برای آموزش مطالعات موردی در دوره حسابداری مدیریت پیشرفته استفاده می‌شود. رویکرد SCL برای کمک به دانش‌آموزانی است که در مطالعات موردی بی‌تجربه هستند. ساختار در طول یادگیری مشارکتی از طریق استفاده از یک کتاب کار به دست می‌آید و حاوی فعالیت‌هایی است که دانش‌آموزان را در مورد نحوه تفکر انتقادی درباره ارائه مورد و نحوه مشارکت معنادار در بحث‌های گروهی راهنمایی می‌کند. یک نظرسنجی بر اساس یک طرح پیش آزمون گذشته‌نگر برای به دست آوردن درک دانش‌آموزان از اثربخشی رویکرد استفاده شد. دانش‌آموزان بیان کردند که دانش، مهارت‌های تفکر انتقادی و مهارت‌های کارگروهی را پس از پایان دوره کسب کردند. آن‌ها همچنین این دوره را جذاب و رضایت بخش یافتند.

در واقع یادگیری مشارکتی تلاشی است برای رشد مهارت‌های اجتماعی که به دانش‌آموزان فرصتی می‌دهد تا با گروه وسیع‌تری از افراد به راحتی مطالعه داشته باشند یا اعمالی را انجام دهند. مهارت‌های گروهی پایه مانند گوش کردن به حرف دیگران، آرام صحبت کردن، همراه گروه ماندن تا زمانی که کار به اتمام می‌رسد و مهارت‌هایی مانند رعایت نوبت دیگران، بیان نظرات، تشویق دیگران به مشارکت، کمک خواستن به هنگام نیاز و... از جمله مهارت‌های اجتماعی است که در گروه شکل

^۱ Baloch & Brody

^۲ Chandra

^۳ Structured Collaborative Learning

^۴ Tan

می‌گیرد. به عبارت دیگر گروه فرصت ابراز شخصیت را برای فرد فراهم می‌سازد و جایی است که فرد در آن گذشت، تحمل، فداکاری، اطاعت، همکاری و شجاعت و... را می‌آموزد و به تناسب ذوق و استعداد خود، مسئولیت می‌پذیرد (حسینی ضرابی و همکاران، ۱۴۰۰). یادگیری مشارکتی فقط یک تکنیک کلاس درس نیست بلکه یک فلسفه شخصی است. در تمام موقعیت‌هایی که افراد به صورت گروهی گرد هم می‌آیند، روشی برای برخورد با افراد با توجه به برجسته کردن توانایی‌ها و مشارکت‌های اعضای گروه پیشنهاد می‌کند. اصل اساسی یادگیری مشارکتی مبتنی بر همکاری اعضای گروه است. برای اجرای مؤثر آموزش برای توسعه پایدار، باید راهبردهای یادگیری آموزشی مناسب انتخاب و استفاده شود (چاندر، ۲۰۱۵). در نگاره زیر برخی از ویژگی‌های روش یادگیری سنتی و یادگیری مشارکتی مقایسه گردیده است.

نگاره ۱. مقایسه روش یادگیری سنتی و مشارکتی

مفاهیم	یادگیری سنتی	یادگیری مشارکتی
تعریف	یک روش آموزشی برای درگیری فراگیران به صورت فردی در جهت دستیابی به یک هدف مشترک	یک روش آموزشی برای درگیری فراگیران به صورت گروهی در جهت دستیابی به یک هدف مشترک
هدف	تشویق تکی فراگیر برای حل مشکلات	تشویق فراگیران به همکاری با یکدیگر برای حل مشکلات، به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و یادگیری از یکدیگر
اصل اساسی	مبتنی بر کار فردی	مبتنی بر همکاری اعضای گروه
کاربرد	افزایش انگیزه در جهت کار تکی	افزایش انگیزه در جهت شرکت در مشارکت
نظریه	متأثر از نظریه تحولی شناختی پیازه	متأثر از نظریه تحولی شناختی ویگوتسالی
نوع وابستگی مثبت	بیرونی: اگر فرد می‌خواهد موفق شود بنابراین به تنهایی باید تلاش کند	درونی: اگر گروه می‌خواهد موفق شود بنابراین به کمک همدیگر نیاز دارند
نوع مهارت	مهارت‌های فردی	مهارت‌های اجتماعی
نوع آموزش	یک روش اکتشاف فردی	مؤثر بودن فکر کردن، صحبت کردن، فعالیت نسبت به هم گروه‌ها، در انجام کار
تعامل	اساسی بودن بین کودک و دنیای فیزیکی‌اش در رشد شناختی	تأکید بر بر کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر استفاده از روش‌های نوین تدریس افزایش یافته و در مطالعات داخلی و خارجی تأثیرات روش‌های نوین تدریس مانند یادگیری مشارکتی و یادگیری مبتنی بر تیم بر یادگیری حسابداری و بر بهبود مهارت‌های اجتماعی بررسی گردیده است. و در برخی از پژوهش‌ها مقایسه‌ای بین اثربخشی روش‌های تدریس مشارکتی فعال با روش‌های سنتی نظیر سخنرانی صورت گرفته است. خلاصه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تأثیرات یادگیری مشارکتی در نگاره ۲ گردآوری گردیده است.

نگاره ۲. مرور مطالعات پیشین

ردیف	نام پژوهشگر، سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۱	رضائی رمی و سلیمی (۱۴۰۲)	تأثیر یادگیری مشارکتی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان	دانش‌آموزان می‌توانند مفاهیم پیچیده را از طریق یادگیری مشارکتی به سادگی یاد بگیرند، همکاری بیشتری داشته باشند و از طریق بحث و گفتگوهای سازنده و رودرو، مشارکت خلاقانه بیشتری داشته باشند.
۲	طیبی راد و همکاران (۱۴۰۱)	کاربست روش‌های نوین در آموزش حسابداری به صورت مجازی، تجربه‌ای نوین در دوران همه‌گیری کرونا	آموزش مشارکتی باعث می‌شود تا فراگیران از لحاظ شناختی بیشتر با موضوع درگیر شوند، اطلاعات با طبقه‌بندی بهتری در حافظه بلندمدت یادگیرندگان جای گیرد و ضروری است در کلاس‌های مجازی توجه ویژه‌ای به استفاده از آن شود.

ردیف	نام پژوهشگر، سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۳	حسینی ضرابی و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی روش‌های ایجاد تعامل و بهبود مشارکت دانشجویان در فرایند یادگیری در آموزش عالی	یافته‌های تحقیق شامل ۹ روش ایجاد تعامل و ۱۳ ویژگی تعامل اثربخش در فرایند یادگیری است. که با کاربردی آن در عمل، محیط یادگیری پویا و فعال ایجاد می‌شود.
۴	نحاس و همکاران (۱۳۹۹)	بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر تیم ^۱ (TBL) بر یادگیری حسابداری	نتایج نشان‌دهنده یادگیری بهتر دانشجویان گروه آزمون (TBL) در مقایسه با گروه کنترل (سنتی) است.
۵	حیرانی و همکاران (۱۳۹۹)	مقایسه اثربخشی روش تدریس ترکیبی - مشارکتی فعال با سخنرانی در درس تهیه صورت‌های مالی رشته حسابداری	نتایج نشان می‌دهد که روش تدریس ترکیبی - مشارکتی فعال نسبت به روش سخنرانی تأثیر معناداری بر میزان یادگیری داشته و اثربخش‌تر است.
۶	آنیثا و کاویتا ^۲ (۲۰۲۲)	بهبود مهارت‌های حل مسئله از طریق یادگیری مشارکتی به کمک فناوری در دوره ریاضیات مهندسی	نتایج نشان داد که علاقه دانشجویان به موضوعی که به یادگیری مشارکتی می‌پردازد، بیشتر از سایر موضوعاتی بود که با استفاده از روش‌های آموزشی مرسوم تدریس می‌شدند. و یادگیری مشارکتی منجر به بهبود عملکرد و بهبود مهارت‌های حل مسئله می‌گردد.
۷	مندو لازارو ^۳ و همکاران (۲۰۲۲)	تأثیر یادگیری مشارکتی بر اهداف تحصیلی دانشجویان دانشگاهی	نتایج نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی ابزار مؤثری برای تشویق دانشجویان به توسعه اهداف تحصیلی است. و این رویکرد دانشجویان را به مشارکت کامل با وظایفی که برای کسب دانش و مهارت‌ها تعیین می‌شود، سوق می‌دهد.
۸	انسور آمبالا ^۴ (۲۰۲۱)	تأثیر رویکردهای یادگیری مشارکتی بر نتایج ارزیابی در کلاس تئوری حسابداری	نتایج تأیید می‌کند که در امتحانات کلاس‌های مبتنی بر یادگیری مشارکتی، این رویکرد به‌طور قابل توجهی نمرات سؤالات مبتنی بر حل مسئله و سؤالات کیفی را بهبود می‌بخشد، اضطراب قبل از امتحان را کاهش می‌دهد و باعث ارتقای دانش می‌گردد.
۹	تان (۲۰۱۹)	استفاده از رویکرد مشارکتی ساختاریافته در دوره حسابداری مدیریت	نتایج نشان می‌دهد که استفاده از رویکرد مشارکتی در بین دانشجویان باعث کسب بیشتر دانش و بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی و کار گروهی می‌گردد.
۱۰	رایلی و وارده ^۵ (۲۰۱۷)	رویکردهای یادگیری فعال، یادگیری مشارکتی فعال و یادگیری غیرفعال در دوره سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری	نتایج حاکی از حمایت از یادگیری فعال است که از طریق عملکرد فراگیر در سؤالات امتحانی و بازخورد دانش‌آموز در پرسش‌نامه اندازه‌گیری شده است. دانش‌آموزان در محیط‌های فعال فردی و مشارکتی بازخورد مثبتی در مورد رضایت، یادگیری درک‌شده و اثربخشی روش گزارش کردند.
۱۱	چاندرا (۲۰۱۵)	یادگیری مشارکتی برای پیشرفت تحصیلی	نتایج مطالعه نشان می‌دهد روش یادگیری بر پیشرفت در زبان انگلیسی تأثیر می‌گذارد. بین نمرات پیشرفت زبان انگلیسی دانشجویان مقطع کارشناسی با استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی و یادگیری فردی تفاوت معناداری وجود دارد.

شواهد تجربی نشان می‌دهد که آموزش مشارکتی باعث می‌شود تا فراگیران از لحاظ شناختی بیشتر با موضوع درگیر شوند، اطلاعات با طبقه‌بندی بهتری در حافظه بلندمدت یادگیرندگان جای گیرد و ضروری است در کلاس‌های مجازی توجه ویژه‌ای به استفاده از آن شود. همچنین روش تدریس ترکیبی - مشارکتی فعال نسبت به روش سخنرانی تأثیر معناداری بر میزان یادگیری داشته و اثربخش‌تر است. به علاوه علاقه دانشجویان به موضوعی که به یادگیری مشارکتی می‌پردازد، بیشتر از سایر موضوعاتی

¹ Team-Based Learning

² Anitha & Kavitha

³ Mendo-Lázaro

⁴ Nsor-Ambala

⁵ Riley & Ward

بود که با استفاده از روش‌های آموزشی مرسوم تدریس می‌شدند. یادگیری مشارکتی منجر به بهبود عملکرد و بهبود مهارت‌های حل مسئله می‌شود و همچنین ابزار مؤثری برای تشویق دانشجویان به توسعه اهداف تحصیلی است.

با توجه به خلاصه پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه‌گیری کرد یادگیری مشارکتی اشاره به نوعی آموزش دارد که دانش‌آموزان برای رسیدن به اهداف مشترک، در گروه‌هایی با هم کار می‌کنند. در یادگیری مشارکتی، به جای اینکه دانش‌آموزان به تنهایی کار کنند، در عقاید یکدیگر سهیم شده و سود می‌برند و به همدیگر کمک می‌کنند که همه به نسبتی از موفقیت دست پیدا کنند. در واقع کار گروهی دانش‌آموزان و مهارت‌های آنها با همدیگر برای موفقیت هر یک از اعضای گروه بسیار با اهمیت می‌باشد.

گام‌های اساسی برای کاربرست یادگیری مشارکتی

در یادگیری برای مشارکت موفقیت‌آمیز لازم است چند گام اساسی در نظر گرفته شود:

- گام اول: تشکیل گروه‌های یادگیری توسط فراگیران.
- گام دوم: فراهم سازی تکالیف، اهداف و مواد درسی لازم را برای فراگیران توسط مربی و تأکید بر ماهیت مشارکتی انجام تکالیف توسط وی و حائز اهمیت بودن تأکید فوق.
- گام سوم: نظارت و سرپرستی بر پیشرفت هر گروه توسط مربی و اقدام به تدریس مهارت‌های مشارکتی توسط وی و در نهایت توضیح ضرورت یک مفهوم درسی توسط مربی.
- گام چهارم: انجام ارزشیابی کیفیت کار هر گروه توسط مربی (جانسون^۱ و همکاران، ۱۹۹۸).

یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری

برای رشته‌ای مانند حسابداری که شامل مفاهیم، اصول و استانداردهای فنی پیچیده مرتبط با معاملات تجاری است، روش سنتی آموزش کافی نیست. مطالب درسی حسابداری به‌طور سنتی به‌عنوان «موضوعات خشک» شناخته شده‌اند، و پر از تعاریف ساختار یافته از اصطلاحات فنی، قوانین، معیارها، مفاهیم پیچیده، ارقام مهم و مبهم هستند و اغلب دانشجویان حسابداری به دلیل عدم انعطاف‌پذیری در حل مسائل و عدم مهارت‌های ارتباطی، مورد انتقاد وسیعی قرار گرفته‌اند (اسپرینگر و بورثیک^۲، ۲۰۰۴).

استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری^۳ ضروری می‌داند که آموزش‌های حسابداری حرفه‌ای جهت یادگیری باید با هدف ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای صورت گیرد و یکی از مهارت‌های حرفه‌ای که انتظار می‌رود توسط آموزش حسابداری ارتقا یابد مهارت‌های تعاملی و ارتباطی است. مهارت‌های تعاملی و ارتباطی طبق این استاندارد به معنای همکاری با سایر اعضا برای دستیابی به اهداف و اتخاذ تصمیمات اثربخش است و شامل موارد ذیل می‌باشد:

- انجام کار گروهی
 - ظرفیت تحمل و پذیرش نظرات مختلف در فرآیند مشورتی
 - مذاکره در مورد پیشنهادها و راه حل‌های مناسب در زمینه موضوعات حرفه‌ای
 - ارائه بحث، گزارش و دفاع مؤثر از نظرات با استفاده از ارتباط رسمی، غیر رسمی، نوشتاری و گفتاری (نشریه ۱۹۹، ۱۳۹۸)
- در واقع آموزش و یادگیری در حسابداری از طریق روش‌های تعاملی و ارتباطی موضوعی است که کمیسیون تغییر در آموزش حسابداری و انجمن حسابداران رسمی آمریکا معرفی کرده‌اند و این مراجع خواهان تنوع بخشیدن به رویکرد دانشجو محور در آموزش دروس حسابداری می‌باشند (استنلی و مارسدن^۴، ۲۰۱۲) و برای بهبود کیفیت آموزش حسابداری، آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها نیازمند اصلاح می‌باشد (هسل^۵ و همکاران، ۲۰۰۵). به این دلیل که در آموزش سنتی اغلب از روش سخنرانی برای تدریس مفاهیم و مطالب درسی استفاده می‌شود به دانشجو فرصت تحلیل داده نمی‌شود. در واقع دانشجویان در حالت انفعالی قرار گرفته و توانایی حل

¹ Johnson

² Springer & Borthick

³ International Accounting Education Standards (IAES)

⁴ Stanley & Marsden

⁵ Hassall

مسئله را پیدا نمی‌کنند و در موقعیت‌های واقعی در استفاده از معلومات خود دچار مشکل می‌شوند (بابا نظری و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین جهت جلوگیری از منفعل شدن دانشجویان حسابداری سیستم آموزشی باید به‌دنبال تکنیک‌هایی باشد که برای این مقصود طراحی گردیده‌اند (آپوستولو و همکاران، ۲۰۱۷) و یکی از این تکنیک‌ها، یادگیری مشارکتی است.

کاربردهای یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری

یادگیری مشارکتی در آموزش دروس حسابداری در مباحث متعددی کاربرد دارد که در پژوهش حاضر سه نوع کاربرد با اهمیت این یادگیری مطرح می‌گردد.

- استفاده از یادگیری مشارکتی در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی
- استفاده از یادگیری مشارکتی در تئوری حسابداری
- استفاده از یادگیری مشارکتی در حسابداری مدیریت
- استفاده از یادگیری مشارکتی در ارتباط با هر یک از موارد فوق ارائه گردیده است.
- استفاده از یادگیری مشارکتی در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی

نحوه به‌کارگیری رویکرد مشارکتی در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی به‌عنوان اولین مثال ارائه می‌گردد. اصولاً تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی از دیدگاه مدرسین کار دشواری است و نیازمند تلفیق قضاوت و خلاقیت است و این کار به‌سادگی یک محاسبه عددی نمی‌باشد. و از دیدگاه فراگیران تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی مستلزم ترکیب اطلاعات حسابداری و فرمول‌های محاسبه نسبت‌ها در یک ارزیابی مالی است. مشکل اصلی محاسبه نسبت‌های مالی نیست، بلکه دانشجویان عموماً در تفسیر و نتیجه‌گیری با مشکل مواجه می‌شوند (عظیمی، ۱۳۸۵).

بنابراین تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی طی دو بخش صورت‌می‌گیرد:

۱. بخش سخنرانی ۲. بخش کارگروهی.

دو سری جزوه درسی قبل از شروع تدریس آماده می‌گردد، که هر کدام شامل صورت‌های مالی یک شرکت خاص و فهرستی از نسبت‌های اصلی یا هر نوع نسبت مورد نظر دیگر است. انتظار می‌رود در طی این کلاس دانشجویان از این جزوه‌ها استفاده کنند. در بخش سخنرانی و ارائه درس از جزوه اول و در بخش کارگروهی از جزوه دوم استفاده خواهد شد. در بخش سخنرانی پس از توزیع سری اول جزوه‌ها ابتدا مندرجات صورت‌های مالی بررسی می‌شود.

چهار دسته اصلی نسبت‌ها شامل: نسبت‌های فعالیت، نسبت‌های نقدینگی، نسبت‌های بدهی و نسبت‌های سودآوری تشریح می‌گردد.

در این بخش دانشجویان به‌صورت تصادفی انتخاب شده و از آن‌ها خواسته می‌شود برخی از نسبت‌ها را با استفاده از صورت‌های مالی و مطابق با آنچه که قبلاً توضیح داده شده محاسبه کنند. پس از اینکه محاسبات انجام گردید، نسبت‌های مالی دسته به دسته بررسی شده و تجزیه و تحلیل ارائه می‌شود. خلاصه نسبت‌های فوق در نگاره زیر ارائه گردیده‌است.

نگاره ۳. خلاصه نسبت‌های صورت‌های مالی

نسبت	تعریف
فعالیت (کارایی)	میزان چابکی شرکت در عملکرد یا نحوه استفاده از دارایی در جهت درآمدزایی را نشان می‌دهد. در واقع اینکه چطور یک شرکت می‌تواند به بهترین نحو از منابع خود استفاده کند، موضوعی است که در محاسبه نسبت‌های فعالیت نمایان می‌شود.
نقدینگی	این نسبت‌ها نشانگر قدرت شرکت در بازپرداخت بدهی‌ها و به‌طور کلی پرداختی‌های کوتاه می‌باشد.
بدهی	نشان می‌دهد که شرکت به چه میزان از اهرم استفاده کرده است و هرچه این نسبت بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری و واگذاری وام به این شرکت پرخطر تر می‌باشد.
سودآوری	میزان موفقیت شرکت در کسب سود را نسبت به موارد مختلف می‌سنجد.

منبع: یافته‌های پژوهش

ایجاد شک و ابهام در این گونه موارد ممکن است، مفید باشد، مثلاً هنگام تجزیه و تحلیل نقدینگی شرکت مورد نظر، حالتی را می‌توان بیان کرد که در آن سرمایه در گردش با متوسط صنعت برابر بوده اما نسبت جاری و آنی به ترتیب بیشتر و کمتر از متوسط صنعت باشد. شایان ذکر است که ابهامات و موارد دیگری نیز در هنگام حل مسئله گروهی قابل طرح است و هدف از مطرح ساختن این گونه ابهامات این است که دانشجویان توجه داشته باشند که تنها میزان یک نسبت نمی‌تواند مبنای نتیجه‌گیری باشد و آمار و ارقام متناقض باعث مباحثه و ایجاد مهارت‌های تفکر انتقادی می‌شود (عظیمی، ۱۳۸۵).

گام اول: پس از کامل شدن بخش سخنرانی و تجزیه و تحلیل، دانشجویان در گروه‌های یادگیری رسمی قرار می‌گیرند. گروه‌ها فوق نباید کمتر از سه نفر و بیشتر از پنج نفر باشند، برای تشکیل این گروه‌ها لازم است میزهای تحریری وجود داشته باشند که دانشجویان روبه‌رو در مقابل هم قرار بگیرند.

گام دوم: در این مرحله سری دوم جزوه‌ها بین دانشجویان توزیع می‌شود و از آن‌ها درخواست می‌شود که نسبت‌های مالی را اندازه‌گیری (محاسبه) کنند و به‌طور مشترک از وضعیت مالی شرکت مورد نظر، تجزیه و تحلیل کتبی ارائه نمایند. پیشنهاد می‌گردد که وظیفه محاسبه نسبت‌ها تقسیم شود و هر عضو کار عضو دیگر را بررسی کند. به عبارت دیگر گروه مسئولیت محاسبات انجام شده را بر عهده می‌گیرد نه یک فرد خاص، و به هر یک از گروه‌ها اعلام می‌گردد که از بین خود نماینده‌ای را انتخاب کنند تا نتایج کارکرد گروه را به کلاس ارائه نماید. انتظار می‌رود در مدت ۴۵ دقیقه وظایف محوله توسط گروه‌ها انجام گردد.

گام سوم: در زمان انجام تکالیف توسط گروه‌ها، نظارت بر پیشرفت کار هر گروه توسط مربی انجام می‌گردد. مربی در هنگام تأیید محاسبات نباید به ارائه پاسخ بپردازد، دانشجویان ضعیف‌تر به این دلیل که اشتباهات خود را در مقابل دیگر دانشجویان آشکار می‌کنند از مباحثه گروهی بهره می‌برند. زمانی که دانشجویان در حال نوشتن تحلیل خود هستند، مربی از آن‌ها درخواست می‌کند که از تحلیل خود دفاع کنند. بسیاری از آنها در استدلال‌های اساسی از روی داده‌ها، تجربه کمی دارند، این مداخله معمولاً منجر به بحث‌های جدی و تفکر مجدد روی حل‌های آزمایشی و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی می‌گردد.

گام چهارم: پس از سپری شدن زمان تعیین شده، نماینده هر گروه جهت ارائه تجزیه و تحلیل پای تابلو حاضر می‌گردد. در نهایت تجزیه و تحلیل نهایی خوانده می‌شود و ائتلاف در تجزیه و تحلیل‌ها بررسی شده و به موضوع بحث کلاسی پرداخته می‌شود. در صورت دشوار نبودن مسئله عنوان شده، گروه‌ها برای رسیدن به تحلیل‌های درست به بحث می‌پردازند و پس از ارائه تحلیل‌های گروه‌ها، با خلاصه کردن نتایج صحیح و یادداشت نمودن نکات مهم، مسئله پایان می‌یابد (عظیمی، ۱۳۸۵).

استفاده از یادگیری مشارکتی در تئوری حسابداری

مثال دوم در زمینه آموزش درس تئوری حسابداری با استفاده از رویکرد مشارکتی (روش اندیشیدن دو نفره و به اشتراک گذاشتن^۱) است. استاد سؤال یا مشکلی را در رابطه با مطالب درس تئوری حسابداری مطرح می‌کند. به دانشجویان چند دقیقه فرصت داده می‌شود تا خودشان درباره سؤال یا مشکل فکر کنند. دانشجویان با یک شریک جفت می‌شوند و افکار خود را در مورد سؤال یا مشکل مطرح می‌کنند. زوج ایده‌های خود را با بقیه دانشجویان کلاس به اشتراک می‌گذارند. مربی بحث را خلاصه می‌کند و در مورد موضوع بازخورد ارائه می‌کند (ویلیس^۲، ۲۰۲۱).

استفاده از یادگیری مشارکتی در حسابداری مدیریت

در آخرین مثال استفاده از رویکرد یادگیری مشارکتی ساختار یافته در کلاس‌های درس حسابداری مدیریت ارائه می‌شود (تان، ۲۰۱۹).

پیاده‌سازی این رویکرد شامل ۳ گام اصلی است:

- سازمان‌دهی گروه‌های مشارکتی

^۱ THINK-PAIR-SHARE

^۲ Willis

- تشریح فعالیت‌ها در رویکرد SCL که شامل مراحل زیر است: ارائه کتاب کار به تمام فراگیران، آماده‌سازی توسط مشاوران و انجام تکالیف قبل از کلاس، ارائه توسط گروه مشاور و واگذاری به گروه‌های ذینفع، فعالیت‌های گروه ذی‌نفعان، بازخورد مربی و ارزیابی‌ها
- مقایسه با روش سنتی

توضیحات گام اول: کلاس به گروه‌های پنج یا شش نفره تقسیم می‌شود.

توضیحات گام دوم: فعالیت‌های لازم در رویکرد یادگیری مشارکتی ساختار یافته تشریح می‌گردد.

ابتدا در هفته اول کلاس به فراگیران یک کتاب کار داده می‌شود و این کتاب فراگیران را درمورد چگونگی ارزیابی ارلته‌های کلاسی و شرکت در بحث‌ها راهنمایی می‌کند و مربی باید اطمینان داشته‌باشد که فراگیران آمادگی قبلی کافی دارند، همچنین باید فعالیت‌های خاصی به فراگیران اختصاص داده شود تا کارایی و مشارکت و رضایت آن‌ها در طول دوره SCL افزایش یابد. کتاب کار با در نظر گرفتن این ایده‌ها ایجاد شده تا این رویکرد به آرامی بتواند پیش رود. چیدمان کتاب کار به موازات فعالیت‌های انجام شده توسط فراگیران است.

در مرحله بعد آماده‌سازی توسط مشاوران انجام می‌شود، هر هفته به یک گروه از فراگیران نقش مشاور در حالی که به گروه‌های باقی مانده نقش ذی‌نفعان (مثلاً هیئت‌مدیره، کارمندان) اختصاص داده می‌شود و هر گروه به‌عنوان مشاور در طول دوره یک‌بار فرصت ارائه دارد. قبل از شروع کلاس گروه مشاور موظف است مسائل و مشکلات اصلی موضوع مورد بحث را شناسایی کرده و توصیه‌های مناسب را ارائه دهد. این گروه بایستی خلاصه‌ای یک صفحه‌ای از ارائه را تهیه کرده و قبل از ارائه بین تمام گروه‌های ذینفع توزیع نماید.

ارائه توسط گروه مشاور در کلاس انجام می‌شود و کلیه اعضای گروه مشاور ملزم به ارائه در کلاس هستند. سپس هر یک از اعضای گروه مشاور به یکی از گروه‌های ذینفع می‌پیوندند و به‌عنوان ناظر به صحبت‌های اعضای گروه گوش می‌دهد و یادداشت‌برداری می‌کند، اما در بحث‌های اعضای گروه شرکت نمی‌کند. در خارج از کلاس مشاور ملزم است که گزارشی در مورد نگرانی‌ها و مسائل گروه ذینفعی که به‌عنوان ناظر حضور داشته در مورد موضوع مورد بحث ارائه دهد.

اکنون در این مرحله فعالیت‌هایی که بایستی گروه ذی‌نفعان انجام دهند را تشریح می‌کنیم، هر یک از اعضای گروه بایستی بعد از ارائه گروه مشاور نکات مطروحه ارائه شده را ارزیابی و در کتاب کار یادداشت‌برداری نماید و به سؤالاتی که این شکل پاسخ دهد؛ آیا مسائلی وجود دارد که گروه ارائه دهنده به‌خوبی به آن پرداخته باشد؟ آیا مسائلی وجود دارد که نادیده گرفته شده باشد یا گروه مشاور کمتر به آن پرداخته باشد؟ ویژگی‌های مثبت یا منفی توصیه‌های گروه ارائه دهنده چه مواردی است؟ پس از ارزیابی‌های فردی اعضای گروه ذی‌نفعان برای بحث و گفتگو گرد هم می‌آیند و در نهایت رهبر گروه گزارشی از توصیه‌ها، نگرانی‌ها و تصمیمات در مورد موضوع مورد بحث تهیه می‌کند و به‌صورت خلاصه و در حد ۴ دقیقه در کلاس ارائه می‌دهد.

در مرحله بعد مربی در پایان سخنرانی‌های گروه‌های ذینفع خلاصه‌ای از نکات برجسته و نگرانی‌های مطرح شده را ارائه می‌کند و نکاتی که توسط هیچ گروهی ارائه نشده است را نیز مورد بحث قرار می‌دهد و فراگیران نکات مهم را در کتاب کار یادداشت می‌نمایند.

در مرحله پایانی گام دوم، ارزیابی انجام می‌شود، برای اطمینان از اینکه فراگیران به‌طور مشترک کار می‌کنند از هر دو نوع ارزیابی فردی و گروهی استفاده می‌شود. رهبر گروه موظف است ارائه را برای نمره گروه انجام دهد و یادداشت‌های مکتوب فردی در مورد موضوع، برای نمره فردی لحاظ می‌گردد. یادداشت‌های فردی فرصتی برای یادگیری عمیق‌تر و تأمل در بحث‌ها فراهم می‌کند (تان، ۲۰۱۹).

توضیحات گام سوم: در روش سنتی مطالعات موردی معمولاً با استفاده از ارائه موردی آموزش داده می‌شود و به‌دنبال آن یک سؤال باز مطرح شده و با جلسه پرسش و پاسخ پایان می‌یابد (وایل^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). اما در رویکرد یادگیری مشارکتی از گروه‌های یادگیری مشارکتی برای بحث در مورد ارائه به جای جلسه پرسش و پاسخ استفاده می‌شود، فراگیران فرصت بیشتری برای مشارکت دارند و دیدگاه‌های مشابه شنیده می‌شود. این رویکرد، ساختاری برای بحث‌های گروهی ارائه می‌کند و مشارکت همه اعضای گروه و کاهش تسلط

¹ Weil

یک عضو بر بحث را در پی داشته و در نهایت استفاده از کتاب کار به‌عنوان ابزاری برای یادگیری و راهنمایی فراگیران در تفکر انتقادی و مشارکت سازنده آن‌ها در این رویکرد نقش بسزایی دارد (تان، ۲۰۱۹). خلاصه‌ای از کاربردهای یادگیری مشارکتی در تدریس دروس حسابداری در نگاره ۴ ارائه گردیده است.

نگاره ۴. خلاصه کاربردهای یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری

تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی	تئوری حسابداری	حسابداری مدیریت
۱ تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی طی دو بخش: ۱. بخش سخنرانی ۲. بخش کارگروهی	روش اندیشیدن دو نفره و به اشتراک گذاشتن	سازمان‌دهی گروه‌های مشارکتی و تشکیل گروه‌های پنج یا شش نفره
۲ تشکیل گروه‌های یادگیری رسمی توسط فراگیران و تعامل چهره به چهره	مطرح شدن مسئله یا مشکلی را در رابطه با مطالب درس تئوری حسابداری	ارائه کتاب کار و اختصاص فعالیت‌های خاص به فراگیران، شناسایی مسائل مهم توسط گروه مشاور
۳ توزیع جزوه‌ها، تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی به‌صورت مشترک و مستند شده و ارائه توسط نماینده گروه	جفت شدن دانشجویان با یک شریک و مطرح کردن افکار خود را در مورد سؤال یا مشکل	ارائه توسط گروه مشاور، یادداشت برداری و اظهارنظر توسط مابقی اعضای گروه و تلخیص یافته‌ها
۴ نظارت مربی بر پیشرفت کار هر گروه و دفاع فراگیران از مباحث مطرح شده و تحلیل‌ها	اشتراک‌گذاری ایده‌های زوج با دانشجویان کلاس	ارزیابی مطالب توسط گروه‌های ذی‌نفعان، تحلیل و ارائه نکات مهم توسط مربی و جمع بندی مطالب
۵ تجزیه و تحلیل نهایی، تلخیص یافته‌های صحیح و یادداشت نکات بااهمیت	خلاصه کردن بحث توسط مربی و ارائه بازخورد توسط موضوع	استفاده از گروه‌های یادگیری به‌جای جلسه پرسش و پاسخ، فرصت بیشتر فراگیران برای مشارکت و استفاده از کتاب کار برای راهنمایی و یادگیری.

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

روش‌های آموزشی نوین با رشد خلاقیت و پیشرفت تحصیلی فراگیران مرتبط هستند. و رویکرد یادگیری مشارکتی یکی از رویکردهای نوین نظام آموزشی است که می‌تواند به‌عنوان روشی جدید و فعالیتی ارزشمند نقش مهمی در پرورش خلاقیت و بهبود مهارت‌های اجتماعی فراگیران داشته‌باشد. گنجاندن یادگیری مشارکتی در کلاس‌های دروس حسابداری می‌تواند تجربه رضایت‌بخشی را برای فراگیران از یادگیری در یک زمینه اجتماعی فراهم کند و مهارت‌های ارتباطی بین فردی، حرفه‌ای و نوشتاری آن‌ها را توسعه دهد و فراگیران را تشویق می‌کند تا با هم کار کنند، انتقادی فکر کنند و مهارت‌های کارگروهی و حل مسئله را توسعه دهند. نتایج فوق در راستای اظهارات تان (۲۰۱۹) است که بیان می‌کند استفاده از رویکرد مشارکتی در بین دانشجویان باعث کسب بیشتر دانش، رضایت و بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی و کار گروهی می‌گردد. همچنین از بین کاربردهای یادگیری مشارکتی در آموزش دروس حسابداری نتایج فوق مطابق با استفاده از یادگیری مشارکتی در حسابداری مدیریت می‌باشد. این نکته حائز اهمیت است که مهارت‌های لازم در جامعه امروزی به‌طور پیوسته با اولویت‌های فرهنگی و آموزشی ما در حال تغییر بوده و در حال حاضر نظام آموزشی ما به‌تدریج از روش‌های سنتی تدریس فاصله گرفته و به‌سمت رویکردهای نوین آموزش و آموزش مبتنی بر تعامل و مشارکت گروهی در حال حرکت است. با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان اظهار نمود که رویکرد مبتنی بر یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری منجر به افزایش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی فراگیران می‌گردد و توصیه می‌شود چنانچه هدف نظام آموزشی در رشته حسابداری رشد و پرورش خلاقیت و یادگیری پایدار و مادام‌العمر در فراگیران است از رویکرد یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از روش‌های نوین آموزش استفاده گردد. نتیجه فوق همسو با تمام یافته‌های پیشینه پژوهش مورد نظر می‌باشد. در این مقاله، به رویکرد یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری پرداخته شد. با این وجود، این رویکرد را می‌توان با سایر مسائلی که در آن به کار مشترک نیاز است، تطبیق داد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که مربیان فعالیت‌های کلاسی را طراحی کنند تا بتوانند به دانش‌آموزان اجازه دهند رویکردی مشارکتی اتخاذ کنند. از

طرفی رویکرد یادگیری مشارکتی در آموزش حسابداری دارای چندین ویژگی است که می‌تواند برای تشویق دانش‌آموزان به کار مشترک استفاده شود که شامل فرآیند تفکر و بحث، یادداشت‌های فردی و گروهی برای اطمینان از همسویی علایق شخصی دانش‌آموزان با علایق گروهی و فرصت‌هایی برای همه دانش‌آموزان برای شرکت در بحث‌هایی است که توسط یک رهبر نظارت می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که در آموزش از جمله آموزش دروس حسابداری نتایج پژوهش حاضر مد نظر قرار گیرد.

منابع

- بابانظری، ژاله، منصوری، پریرسا، امینی، میترا، زارع، نجف، و رئیسی، حمیده (۱۳۹۶). مقایسه تاثیر آموزش احیای قلبی ریوی (CPR) به روش یادگیری مبتنی بر تیم تعدیل شده (MTBL) و روش سنتی بر دانش و مهارت دانشجویان رشته پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز. *نشریه آموزش پرستاری*، ۶(۳)، ۸-۱۶.
- حسینی ضرابی، حامد، خراسانی، اباصلت، رضایی زاده، مرتضی، و مظاهری تهرانی، محمدعلی. (۱۴۰۰). بررسی روش های ایجاد تعامل و بهبود مشارکت دانشجویان در فرایند یادگیری در آموزش عالی: یک مرور نظام مند. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۱۶(۱)، ۷۷-۹۶.
- حیرانی، فروغ، شاهمرادی، نسیم، تاک، فاطمه، و پیمان فر، مهرسا. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی روش تدریس ترکیبی - مشارکتی فعال با سخنرانی در درس تهیه صورتهای مالی رشته حسابداری. *فصلنامه آموزش پژوهی نوین*، ۶(۲۴)، ۱-۱۶.
- رضائی رمی، فرشته، و سلیمی، لادن. (۱۴۰۲). تاثیر یادگیری مشارکتی بر بهبود مهارتهای اجتماعی دانش‌آموزان. *پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۶(۵۹)، ۷۸-۹۲.
- طیبی راد، وحیده، دیانتی دلمی، زهرا، غلامی جمکرانی، رضا، عباسیان، حسین، و بختیاری، ابوالفضل. (۱۴۰۱). کاربست روش‌های نوین در آموزش حسابداری به صورت مجازی، تجربه ای نوین در دوران همه گیری کرونا. *مجله دانش حسابداری*، ۱۳(۴)، ۶۹-۹۰.
- عظیمی، مجید. (۱۳۸۵). یادگیری مشارکتی و کاربست آن در آموزش حسابداری. *حسابرس*، ۳۴(۸)، ۴۷-۵۱.
- کمیته تدوین استانداردها. (۱۳۹۸). *استانداردهای بین المللی آموزش حسابداری (نشریه ۱۹۹)*. مدیریت آموزش و تحقیقات سازمان حسابرسی. انتشارات سازمان حسابرسی. تهران.
- گل محمدنژاد بهرامی، غلامرضا. (۱۳۹۷). مقایسه اثر بخشی یادگیری مشارکتی و سنتی بر مهارتهای ارتباطی و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه. *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، ۱۱(۴۱)، ۳۹-۵۸.
- نحاس، کاظم، کرمی، غلامرضا، حجازی، رضوان، و خواجوی، شکراله. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر یادگیری مبتنی بر تیم (TBL)، بر یادگیری حسابداری. *نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۵)، ۵۵-۷۰.
- Anitha, D., & Kavitha, D. (2022). Improving problem-solving skills through technology assisted collaborative learning in a first year engineering mathematics course. *Interactive Technology and Smart Education*, 20(4), 534-553.
- Apostolou, B., Dorminey, J. W., Hassell, J. M., & Rebele, J. E. (2017). Accounting education literature review (2016). *Journal of Accounting Education*, 39, 1-31.
- Azimi, Majid (2006). The impact of cooperative learning and its application in accounting education. *Auditor Journal*, 34, 47-5. (In Persian).
- Babanazari, Z., Mansouri, P., Amini, M., Zare, N., & Raiesi, H. (2017). Comparison of the effects of cardiopulmonary resuscitation training through modified team based learning and traditional method on knowledge and skills of nursing students in the College of Nursing and Midwifery, Shiraz. *Journal of Nursing Education*, 6(3), 8-16. (In Persian).
- Baloche, L., & Brody, C. M. (2017). Cooperative learning: Exploring challenges, crafting innovations. *Journal of education for teaching*, 43(3), 274-283.
- Chandra, R. (2015). Collaborative learning for educational achievement. *IOSR Journal of Research & Method in Education (IOSR-JRME)*, 5(2), 4-7.

- Golmohammad Nezhad Bahrami, Gh. (2017). The Comparison the Effectiveness of Cooperative and Traditional Learning on the Student Communication Skills and Self-Efficacy. *Education and Evaluation* , 11(41), 39-58. (In Persian).
- Hassall, T., Joyce, J., Montañó, J. L. A., & Anes, J. A. D. (2005, December). Priorities for the development of vocational skills in management accountants: A European perspective. *In Accounting forum*, 29(4), 379-394.
- Heyrani, F., Shahmoradi, N., Taak, F., & Peyman Far, M. (2021). Comparing the Effectiveness of Active Hybrid-Participatory Teaching Method with Lecture Method in the Course of Preparing Financial Statements in Accounting. *Quarterly Journal of Education Studies*, 6(24), 1-16. (In Persian).
- Hosseini Zarrabi, H., Khorasani, A., Rezaeizadeh, M., & Mazaheri Tehrani, M. A. (2021). Investigating the methods of creating interaction and improving students' engagement in the learning process in higher education: A systematic review. *New Educational Approaches*, 16(1), 77-96. (In Persian).
- Johnson, D. W., Johnson, R. T., & Smith, K. A. (1998). Cooperative learning returns to college what evidence is there that it works?. *Change: the magazine of higher learning*, 30(4), 26-35.
- Lee, E., & Hannafin, M. J. (2016). A design framework for enhancing engagement in student-centered learning: Own it, learn it, and share it. *Educational Technology Research and Development*, 64, 707-734.
- Mendo-Lázaro, S., León-del-Barco, B., Polo-del-Río, M.-I., & López-Ramos, V. M. (2022). The impact of cooperative learning on university students' academic goals. *Frontiers in Psychology*, 12, 787210.
- Msonde, S. E., & Van Aalst, J. (2017). Designing for interaction, thinking and academic achievement in a Tanzanian undergraduate chemistry course. *Educational Technology Research and Development*, 65, 1389-1413.
- Nahas, K., Karami, G., Hejazi, R., & Khajoy, S. (2020). Investigation the Effect of Team-Based Learning (TBL) on Active Learning in Accounting. *Accounting and Auditing Research*, 12(45), 55-70. (In Persian).
- Nsor-Ambala, R. (2022). The impact of collaborative learning approaches on assessment outcomes in an accounting theory class. *Accounting Education*, 31(1), 1-38.
- Rezaei Rami, Fereshteh & Salimi, Ladan (2023). The effect of collaborative learning to improve students' social skills. *Journal of New Advances in Psychology, Educational Sciences, and Education*, 6(59), 78-92. (In Persian)
- Riley, J., & Ward, K. (2017). Active Learning, Cooperative Active Learning, and Passive Learning Methods in an Accounting Information Systems Course. *Accounting Education*, 32(2).1-16.
- Springer, C. W., & Borthick, A. F. (2004). Business simulation to stage critical thinking in introductory accounting: Rationale, design, and implementation. *Issues in accounting education*, 19(3), 277-303.
- Standards Development Committee. (2019). *International Accounting Education Standards (Publication 199)*. Education and Research Management of the Auditing Organization. Auditing Organization Publications. Tehran . (In Persian).
- Stanley, T., & Marsden, S. (2012). Problem-based learning: Does accounting education need it?. *Journal of Accounting Education*, 30(3-4), 267-289.
- Tabibi Rad, V., Dianti Deilami, Z., Gholami Jamkarani, R., Abbasian, H., & Bakhtiari, A. (2022). Application of new methods in virtual accounting education, innovative experience during the Corona epidemic. *Journal of Accounting Knowledge*, 13(4), 69-90. (In Persian).
- Tan, H. C. (2019). Using a structured collaborative learning approach in a case-based management accounting course. *Journal of Accounting Education*, 49, 100638.

- Weil, S., Oyelere, P., & Rainsbury, E. (2004). The usefulness of case studies in developing core competencies in a professional accounting programme: a New Zealand study. *Accounting Education*, 13(2), 139-169.
- Willis, J. (2021). *How cooperative learning can benefit students this year*. Edutopia: George Lucas Educational Foundation.



Paper type: Research Article

Provide the Banks' Performance Pattern Based on Corporate Governance and Political Communication and its Prediction Based on (FA), (DT) and (SVM) Algorithms

Mohsen Hamidian^{*1}

Received: 2025/01/12

Accepted: 2025/06/29

Abstract

Objective: The present study is based on the study of explaining the nonlinear regression model of commercial banks' performance based on corporate governance components and political connections and its prediction based on FA, DT and SVM algorithms.

Method: The present study was developed with a descriptive-causal approach and in the first step; research hypotheses were developed. Next, financial information of 17 banks listed on the Tehran Stock Exchange for a 10-year period from the beginning of 2015 to the end of 2024 was extracted; research variables were calculated and hypotheses were tested through multivariate linear regression and neural networks and finally, using nonlinear regression; an optimal model was presented.

Finding: The findings indicated that the size of the board of directors does not have a significant effect on the financial performance of banks, the independence of the board of directors has a positive and significant effect on the financial performance of banks, and the duality of the CEO's role has a positive and significant effect on the financial performance of banks. Also, based on neural networks; It was concluded that the firefly algorithm performed better than the support vector machine and decision tree algorithms in predicting the financial performance of banks based on the defined criteria, and the decision tree algorithm also performed better than the support vector machine algorithm.

Conclusion: Since corporate governance can be defined as a set of mechanisms for directing and controlling banks, these mechanisms can take the form of guidelines and cultural norms that banks can follow. By adhering to them, banks can enhance their information transparency, improve their accountability to stakeholders, and optimize their operational processes. Such mechanisms can also reduce agency costs and improve the overall performance of banks.

Keywords: Political communication, Corporate governance, Performance, Bank.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Hamidian, M (2025). Provide the Banks' Performance Pattern Based on Corporate Governance and Political Communication and its Prediction Based on (FA), (DT) and (SVM) Algorithms. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(11), 35-56. (In Persian).

¹. Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

***Corresponding Author:** Hamidian_2002@yahoo.com



نوع مقاله: علمی پژوهشی

ارائه الگوی عملکرد بانک‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی و پیش‌بینی آن بر اساس الگوریتم‌های (FA)، (DT) و (SVM)

محسن حمیدیان^{۱*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر بر پایه بررسی تبیین الگوی رگرسیون غیرخطی عملکرد بانک‌های تجاری بر اساس مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی و پیش‌بینی آن بر اساس الگوریتم‌های FA، DT و SVM بنا نهاده شده است. **روش:** پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی- علی تدوین شده و در گام اول؛ فرضیه‌های پژوهش تدوین شد. در ادامه اطلاعات مالی ۱۷ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره زمانی ۱۰ ساله از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان ۱۴۰۲ استخراج؛ متغیرهای پژوهش محاسبه و از طریق رگرسیون خطی چند متغیره و شبکه‌های عصبی، به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده و در نهایت با استفاده از رگرسیون غیر خطی؛ الگوی بهینه ارائه شد.

یافته‌ها: یافته‌ها بیان داشت اندازه هیأت‌مدیره بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر معناداری ندارد، استقلال هیأت‌مدیره بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر مثبت و معناداری داشته و دواگانگی نقش مدیرعامل بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین بر اساس شبکه‌های عصبی؛ این نتیجه حاصل شد که الگوریتم کرم شب تاب در جهت پیش بینی عملکرد مالی بانکها بر اساس معیارهای تعریف شده؛ عملکرد بهتری نسبت به الگوریتم‌های ماشین‌بردار پشتیبان و درخت تصمیم داشته است و همچنین الگوریتم درخت تصمیم عملکرد بهتری نسبت به الگوریتم ماشین‌بردار پشتیبان داشته است.

نتیجه‌گیری: از آنجا که راهبری شرکتی می‌تواند به صورت مجموعه سازوکارهایی هدایت و کنترل بانک‌ها تعریف شود، این سازوکارها به صورت دستورالعمل‌ها و هنجارهای فرهنگی تعریف شود که بانک‌ها می‌توانند از طریق رعایت نمودن آنها، ضمن تحقق فرآیند شفافیت اطلاعاتی پاسخ‌گویی خود را مقابل ذینفعان بهتر نموده و فرآیندهای کاری خود را بهتر نمایند. اینگونه سازوکارها می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های نمایندگی عملکرد بانک‌ها را نیز بهبود بخشد.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، راهبری شرکتی، عملکرد، بانک.



10.71600/JACGR.2024.977451



استناد: حمیدیان، محسن (۱۴۰۴). ارائه الگوی عملکرد بانک‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی و پیش‌بینی آن بر اساس الگوریتم‌های (FA)، (DT) و (SVM). پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴(۱۱)، ۳۵-۵۶.

مقدمه

دنیای بانکداری به صورت غیر قابل پیش‌بینی در حال رشد و توسعه است. بهبود عملکرد بانک‌ها، از ارکان اساسی رقابت آن‌ها می‌باشد. بدیهی است هرچه بانک‌ها بتوانند عملکرد خود را بهبود بخشند، زمینه‌سازی وجود آن‌ها در بازارهای رقابتی به صورت بهتری فراهم می‌شود. از طرفی ضرورت توجه به عوامل موثر بر بهبود عملکرد مالی بانک‌ها خالی از لطف نیست. از این فاکتور می‌توان به ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی اشاره نمود. آنچه که مشخص است هرچه میزان افشای اطلاعات راهبری شرکتی از طرف بانک‌ها بیشتر باشد، اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر شده و از این منظر عملکرد مالی بانک‌ها به صورت بهتری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نقطه مقابل بانک‌ها تمایل دارند از طریق کاهش ارتباطات سیاسی مخرب و افشای روزافزون اطلاعات راهبری شرکتی، عملکرد مالی مطلوب خود را نشان داده و کیفیت ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی خود را بهتر کنند. باید دانست نظریه اقتصاد سیاسی بصورت تقریبی از نیمه دوم قرن ۲۰ به متون مالی و اقتصادی وارد شد. نظریه مذکور چشم اقتصاددانان، سیاستمداران و جامعه‌شناسان را به خود معطوف کرد. بر اساس مندرجات این نظریه، فعالیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی به هم وابسته هستند. بدین صورت که فعالیت‌ها و تصمیمات اقتصادی بر ارتباطات سیاسی و تصمیمات و روابط سیاسی بر عملکرد شرکت‌ها و موسسات مالی، تأثیرگذار هستند. از طرفی نظریه مذکور بیان داشت که روابط سیاسی در مقابله با روابط اقتصادی، عاملی اساسی‌تر در جهت اثرگذاری بر عملکرد است. زیرا اعتقاد بر این است که روابط سیاسی، تحت تأثیر تصمیمات دولت، شکل می‌گیرد (لاتن و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

در چندین سال گذشته؛ در هنگام سقوط ارزش بازار سهام بسیاری از شرکت‌ها و همچنین بروز بحران‌های مالی در صنایع مختلف، چشم جهان به اثرات مثبت راهبری شرکتی در کنترل این امر دوخته شد. چراکه مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی می‌توانست از طریق بهبود روابط درون‌سازمانی با مجموعه‌های مختلف برون‌سازمانی؛ زمینه‌ساز عملکرد مطلوب باشد (تسیسم^۲، ۲۰۱۹). با توجه به تأثیرات ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی بر فعالیت‌های مالی؛ ضرورت توجه به فاکتورهای راهبری شرکتی در جهت ارتقای عملکرد در صنایع بانکی به صورت بیشتر احساس می‌گردد. چراکه بانک‌ها از مهمترین نهادهای مالی هستند که وظیفه اصلی خود را جذب سپرده‌های مشتریان می‌دانند و این امر باعث می‌شود بانک‌ها به واسطه جایگاهی که دارند، در کانون توجه اکثر ذی‌نفعان باشند (ویجیانا و گرای^۳، ۲۰۱۸). بانک‌های ایران به منظور انجام رسالت اصلی خود که افزایش روزافزون ثروت و خلق ارزش افزوده است؛ همواره در جهت بهبود عملکرد خود مصمم بوده‌اند. زیرا این موسسات مالی و بانک‌ها هستند که اصلی‌ترین نقش اقتصادی در بهبود اوضاع کشور را به عهده دارند. بدیهی است ضمن انجام این وظایف در کنار لزوم حفظ منافع سرمایه‌گذاران، و ایجاد اعتماد بانک‌ها برای مشتریان می‌تواند زمینه‌ساز عملکرد بهتر آنان باشند (سعدی، ۱۳۹۵). یکی دیگر از عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز تعامل صحیح بانک‌ها و مشتریان باشد؛ لزوم رعایت اصول راهبری شرکتی از سوی بانک‌ها و توسعه روزافزون آن است. در سال‌های اخیر شاهد تغییرات چشم‌گیری در حوزه استقرار سیستم‌های راهبری شرکتی در ساختار مالی بانک‌ها بوده‌ایم که این امر در دوره‌های گذشته توسط بانک‌های کشورهای توسعه یافته مورد توجه قرار گرفته است. در نقطه مقابل؛ ذی‌نفعان و سپرده‌گذاران علاقه خود به استقرار نظام راهبری شرکتی در بانک‌ها را نشان داده‌اند. چراکه راهبری شرکتی و عدم وجود ارتباطات سیاسی مضر می‌تواند در تخصیص بهینه منابع بانکی، نقش مثبتی ایفا کرده و موجبات شکوفایی اقتصاد را فراهم کند. از این منظر، در کشورهای مختلف، قانون‌گذاران تلاش کرده‌اند در ارتباط محیط فعالیت بانک‌ها، اصولی از راهبری شرکتی نظیر پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی، تشریح وظایف هیات‌مدیره و مدیر عامل، لزوم جدا بودن نقش مدیر عامل از سیاست هیات‌مدیره، ایجاد کمیته حسابرسی و تأسیس واحد حسابرسی داخلی را پیاده‌سازی نمایند تا در سایه این امر، اثرات مخرب ارتباطات سیاسی را کاهش داده و احتمال رو به رو شدن با بحران‌های مالی را کاهش دهند (کونگ و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

¹ Latan et al

² Tessem

³ Wijayana & Gray

⁴ Cong et al

در بانک‌ها و موسسات مالی، راهبری شرکتی مترادف با مفهوم اداره امور تجاری بوده و این امر مشتمل بر شناسایی و تبیین اهداف، روشن نمودن وضعیت ریسک‌پذیری و حفظ منافع سهامداران و سایر ذینفعان می‌باشد. بر اساس این امر؛ گویی هدف از استقرار نظام راهبری شرکتی در بانک‌ها و موسسات مالی، بیشینه‌سازی روابط صحیح و تبیین اختیارات و قدرت به صورت صحیح است. بگونه‌ای که استفاده صحیح از منابع بانکی در جهت حصول اهداف مد نظر بوده و بهبود عملکرد مالی، در صدر اهداف قرار گیرد. (کراینگ^۱، ۲۰۱۳). ذکر این نکته ضروری است که پیشرفت‌های حاصل شده در عصر حاضر، دسترسی اطلاعاتی بین بانکی را فراهم کرده و این بستر را فراهم کرده است که بانک‌های مختلف از وضعیت عملکرد همدیگر، مطلع باشند. لذا می‌بایست آگاهی مردم از کارایی بانک‌ها و چگونگی استفاده آنان از منابع در دسترس، فراهم گردد؛ چرا که ارتباط بین بانکی و همچنین تعامل میان بانک‌ها و مردم، بسترساز ارزیابی عملکرد آنان است. در این زمینه، ارزیابی عملکرد مالی، یکی از معیارهایی است که گستردگی ارتباط میان بانک‌های مختلف را الزام کرده و باعث می‌شود که افشای مختلف استفاده از صورت‌های مالی بانک‌ها، زمینه‌های لازم را برای تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی و تعامل بهتر میان اقشار مختلف با بانک‌ها را فراهم آورد. همچنین باید دانست لازمه کاهش جرایم مالی و ارتقای عملکرد مالی بانک‌ها، ایجاد سازوکارهای نظارتی موثر است. چرا که تعیین ساختار مالکیت مطلوب و ترکیب بهینه سهامداران، از مهمترین ابزار کنترل و حکمرانی مطلوب در بانک‌ها بوده و بر سیاست‌های عملیاتی بانک‌ها موثر بوده و می‌تواند به بهبود عملکرد مالی آنان کمک کند. در نقطه مقابل؛ ممکن است که مشکلات نمایندگی در قالب ارتباطات سیاسی بوجود آید که نتیجه این امر؛ گرایش بانک‌ها به اهداف سیاسی خاصی است که ممکن است عملکرد مالی آنان را تحت تأثیر قرار دهد (هاس و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

عملکرد بانک‌ها تحت تأثیر حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی می‌تواند نقش مهمی در ثبات، شفافیت و سودآوری آنها داشته باشد. حاکمیت شرکتی به سیاست‌ها و مکانیسم‌هایی اشاره دارد که نحوه اداره و کنترل بانک‌ها را تعیین می‌کند. عوامل کلیدی شامل ترکیب هیئت مدیره (رعایت استقلال، تخصص و تنوع اعضا)، شفافیت مالی و گزارش‌دهی (افشای اطلاعات، حسابرسی مستقل)، حقوق سهامداران و ذی‌نفعان (حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران خرد) و سیستم‌های کنترل داخلی و مدیریت ریسک (کاهش فساد و سوءمدیریت) می‌باشد. ارتباطات سیاسی به روابط بانک‌ها با مقامات دولتی و نهادهای حکومتی اشاره دارد. این ارتباطات می‌تواند معایبی نظیر تخصیص ناکارآمد منابع (وام‌دهی به پروژه‌های سیاسی-اقتصادی)، افزایش فساد و رانت‌خواری (تبانی بین بانک‌ها و سیاستمداران)، کاهش انگیزه برای بهبود کارایی (اتکا به مزایای سیاسی-رقابت) و بی‌ثباتی در بلندمدت (در صورت تغییر دولت یا سیاست‌ها) را داشته باشد. بانک‌های با حاکمیت قوی معمولاً ارتباطات سیاسی را به شکل حرفه‌ای‌تر مدیریت می‌کنند و از آن برای منافع بلندمدت استفاده می‌کنند. در مقابل، بانک‌های با حاکمیت ضعیف ممکن است به دلیل نفوذ سیاسی، استقلال عملیاتی خود را از دست بدهند.

مطالعات نشان می‌دهند که در برخی کشورها (مانند ایران)، ارتباطات سیاسی گاه منجر به تضعیف حاکمیت شرکتی می‌شود (مثلاً انتصاب مدیران غیرمتخصص بر اساس روابط). حاکمیت شرکتی مطلوب می‌تواند اثرات منفی ارتباطات سیاسی را کاهش دهد که در این مسیر؛ شفاف‌سازی روابط سیاسی (مثلاً افشای وام‌های مرتبط با دولت) برای کاهش فساد ضروری است. اندازه هیأت‌مدیره یکی از ابعاد مهم حاکمیت شرکتی است که تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد. نظریه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده‌اند که عمدتاً حول محور تئوری نمایندگی، تئوری ذی‌نفعان و تئوری منابع محور قرار دارند. تضاد منافع بین سهامداران (مالکان) و مدیران (عوامل) ممکن است منجر به تصمیم‌گیری‌های ناکارآمد شود. هیأت‌مدیره بزرگتر ممکن است نظارت قوی‌تر داشته باشد اما با مشکلات هماهنگی و تصمیم‌گیری کند مواجه شود. از طرفی در هیأت‌مدیره کوچک‌تر تصمیم‌گیری سریع‌تر اما احتمال تسلط مدیران اجرایی بیشتر است. بر این اساس فرضیه اول بشرح زیر تبیین می‌گردد. استقلال هیأت‌مدیره یکی از ابعاد کلیدی حاکمیت شرکتی است که تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد. هیأت‌مدیره مستقل می‌تواند با کاهش تضاد منافع، بهبود نظارت و افزایش شفافیت، به عملکرد بهتر بانک منجر شود. بانک‌های با هیأت‌مدیره مستقل، کیفیت گزارش‌های مالی بالاتری دارند (کاهش تقلب حسابداری). از طرفی مدیران مستقل معمولاً تخصص مالی بالاتری

¹ Craig² Hass et al

دارند و می‌توانند در اداره ریسک‌های بانکی مؤثرتر عمل کنند. استقلال هیأت‌مدیره معمولاً با عملکرد بهتر بانک‌ها مرتبط است، اما باید از تعادل بین استقلال و کارایی عملیاتی اطمینان حاصل کرد. بر این اساس فرضیه دوم بشرح زیر تبیین می‌گردد.

فرضیه اول: اندازه هیأت‌مدیره بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر دارد.

فرضیه دوم: استقلال هیأت‌مدیره بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر دارد.

فرضیه سوم: دוגانگی نقش مدیرعامل بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: الگوریتم کرم شبتاب توان بالاتری جهت پیش‌بینی عملکرد مالی نسبت به الگوریتم درخت تصمیم دارد.

فرضیه ششم: الگوریتم درخت تصمیم توان بالاتری جهت پیش‌بینی عملکرد مالی نسبت به الگوریتم رگرسیون ماشین‌بردار پشتیبان دارد.

پیشینه پژوهش

شنان‌حسین (۱۴۰۰) به بررسی نقش حاکمیت شرکتی در افزایش عملکرد بانک‌های اسلامی پرداخت. این مطالعه مجموعه‌ای از نتایج را به دست آورد که مهمترین آنها عبارتند از: دین اسلام به صورت عملی و واقع بینانه به امور مالی عمومی می‌پردازد و قوانین بانکی مبنای قانونی کار بانک‌های اسلامی در پرتو حاکمیت شرکتی است و هدف اصلی بانک‌های سنتی در وهله اول تامین پول است. این مطالعه توصیه نمود که دولت عراق باید با این موانعی که مانع اعمال حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی می‌شود مقابله کند. امیرلو (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های ایران پرداخت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین متغیرهای کلان اقتصادی شامل نرخ ارز و نرخ تورم با عملکرد رابطه منفی و معناداری وجود دارد ولی بین متغیر کلان تولید ناخالص داخلی با عملکرد رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید. همچنین بین مولفه‌های حاکمیت شرکتی شامل اندازه هیأت‌مدیره و استقلال هیأت‌مدیره با عملکرد رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید. رشیدی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که سرمایه فکری تأثیر مثبت و معناداری بر بازده دارایی دارد و هیچ تأثیری بر رشد دارایی ندارد. در حالی که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبتی بر بازده دارایی و تأثیری بر رشد دارایی‌های شرکت ندارد. اکبری (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک‌پذیری و عملکرد بانک‌ها با تأکید بر نقش حاکمیت شرکتی پرداخت. نتایج نهایی تحقیق نشان داد که تورم اثر مثبت بر ریسک و اثر منفی بر نرخ بازده دارایی بر جای می‌گذارد. همچنین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نیز اثر منفی معناداری بر ریسک دارد؛ در حالیکه تأثیر معناداری بر نرخ بازده دارایی ندارد. همچنین بخش دیگر یافته‌ها نشان داد که حاکمیت شرکتی اثر تعدیلگر معناداری بر رابطه بین شاخص‌های کلان اقتصادی و شاخص‌های عملکردی بانک‌های فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران ندارد. غلامزاده (۱۳۹۷) به بررسی عملکرد بانک‌ها در طول بحران مالی پرداخت. یافته‌ها تحقیق نشان داد که عامل بحران مالی دارای اثر منفی بر عملکرد بانک‌ها بوده و باعث افت سودآوری و عملکرد آنها شده است. همچنین ضریب منفی عامل مالکیت نشان داد که بانک‌های دولتی در مقایسه با سایر بانک‌ها، از عملکرد ضعیف‌تری برخوردار بوده‌اند. مازندرانی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی و ریسک در بانک‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌های بدست آمده حاکی از آن است که بین ارتباطات سیاسی و بازده دارایی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین ارتباطات سیاسی و ریسک عدم دریافت بدهی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رضائی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بحران مالی و سودآوری و سایر شاخص‌های عملکرد در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج نشان داد بحران مالی تأثیر معناداری بر سودآوری و عملکرد بانک‌ها داشته است. محمد^۱ (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکها پرداخت. وی بیان داشت یکی از ابعاد آسیب‌شناسی نظام بانکی، بررسی چالش‌هایی است که به مسائل درون‌بانکی و ساختارهای داخلی و نحوه اداره بانک‌ها و همچنین مسائل برون‌بانکی و

بسترهای نهادی مرتبط می‌شود. جان و همکاران^۱ (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی بر عملکرد بانکها پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیرهای نسبت کفایت سرمایه، استقلال هیات‌مدیره و درصد سهامداران نهادی اثر منفی و معناداری بر ریسک نکول بانکها دارند. تسیم^۲ (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر راهبری شرکتی و ارتباطات سیاسی بر عدم تقارن اطلاعاتی بانکها پرداخت. وی دریافت که حاکمیت شرکتی دربرگیرنده کلیه فرآیندها و ساختارهایی است که موسسات مالی را در امر هدایت و راهبری امور، با هدف اطمینان از امنیت و سلامت عملکرد آنها یاری می‌نماید. ناتیسسی^۳ (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر راهبری شرکتی و ترکیب هیات‌مدیره بر پایداری مالی بانکها پرداخت. وی دریافت که راهبری شرکتی، اندازه هیات‌مدیره، استقلال هیات‌مدیره و جدایی نقش مدیر عامل از ریاست هیات‌مدیره بر پایداری مالی بانکها، تأثیر مثبت و معناداری دارند. چن و همکاران^۴ (۲۰۱۸) به ارائه الگوی تأثیر ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی بر عملکرد بانکها در شرایط بروز بحران‌های مالی پرداختند. آنان دریافتند که ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر منفی و معنادار، راهبری شرکتی بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر مثبت و معنادار دارد و تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی بانکها در طول بحران‌های مالی، قوی‌تر و تأثیر راهبری شرکتی بر عملکرد مالی بانکها در طول بحران‌های مالی، ضعیف‌تر است. دنیز و همکاران^۵ (۲۰۱۸) به بررسی نقش راهبری شرکتی بر پایداری مالی بانکها پرداخت. آنان دریافتند که استقرار یک نظام جامع و موثر حاکمیت شرکتی می‌تواند بر توسعه و نیز عملکرد کارای بازارهای مالی، تخصیص بهینه منابع، جلوگیری از مواجهه شدن بانکها با بحران نقدینگی و حتی ورشکستگی آنها تأثیرگذار باشد.

روش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی بوده و از آنجایی که در پژوهش حاضر، وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات، از طریق اطلاعات گذشته مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، در ردیف مطالعات توصیفی - همبستگی گنجانده می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، عبارتند از کلیه سایت‌های سازمان بورس اوراق بهادار تهران و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط. بدین صورت که پس از استخراج داده‌های لازم پیرامون متغیرهای پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی مرتبط، با انجام آزمون‌های مختلف از طریق نرم‌افزارهای آماری مورد نیاز، نتایج بدست آمده به کل جامعه تعمیم داده خواهد شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، گذر از دو مرحله ضروری است. در مرحله اول آمار توصیفی متغیرها تشریح می‌شود که بر اساس آنان، وضعیت متغیرها از نظر عمومی و بر اساس شاخص‌های پراکندگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله دوم آزمون‌های آماری تشریح می‌گردند. بدین صورت که در ابتدا با استفاده از آزمون جارک - برا به بررسی نرمال بودن جملات خطای مدل آزمون فرضیه‌ها پرداخته می‌شود. در گام بعد از طریق آزمون لوین، لین و چو، پایداری متغیرها به چالش کشیده می‌شود. در مرحله بعد از طریق شاخص‌های تلرانس و عامل تورم واریانس، هم‌خطی میان متغیرها محک داده می‌شود. در ادامه واریانس ناهمسانی متغیرها با استفاده از آزمون وایت بررسی و انتخاب روش داده‌های تابلویی (Panel) در برابر داده‌های تلفیقی (Pooling) با استفاده از آزمون F لیمر صورت می‌پذیرد. در ادامه با استفاده از آزمون هاسمن، به انتخاب روش اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی پرداخته شده و در نهایت با استفاده از رگرسیون چند خطی چندمتغیره، به آزمون فرضیه‌ها پرداخته می‌شود. در نهایت بر اساس یافته‌های شبکه‌های عصبی و رگرسیون غیرخطی توانی به ارائه الگو پرداخته شده است. در جهت آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم؛ از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود.

$$FPER_{it} = \beta_0 + \beta_1 BDS_{it} + \beta_2 IBD_{it} + \beta_3 DUAL_{it} + \beta_4 POL_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 CFO_{it} + \beta_9 CS_{it} + \beta_{10} BTM_{it} + \beta_{11} TANG_{it} + \beta_{12} CASH_{it} + \beta_{13} CUR_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم از الگوریتم‌های شبکه‌های عصبی استفاده خواهد شد.

¹ Jan et al

² Tseem

³ Naciti

⁴ Chen et al

⁵ Deniz et al

متغیرهای پژوهش**متغیر وابسته**

عملکرد مالی (FPER)

عملکرد مالی بر اساس نسبت کیوتوبین از رابطه زیر قابل محاسبه است:

$$Q_{i,t} = \frac{COMVAL + SBOND + STDEPT}{SRC}$$

که در این رابطه:

Q_{it} : نسبت کیوتوبین، COMVAL: ارزش بازار سهام عادی، SBOND: ارزش دفتری بدهی‌های بلندمدت، STDEPT: ارزش دفتری بدهی‌های کوتاه‌مدت و SRC: ارزش دفتری دارایی‌های بانک می‌باشد.

متغیرهای مستقل

اندازه هیأت مدیره (BDS): اندازه هیأت مدیره از طریق محاسبه تعداد کل اعضای هیأت مدیره قابلیت سنجش پیدا می‌کند. استقلال هیأت مدیره (IBD): استقلال هیأت مدیره از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$IBD = \frac{\text{تعداد اعضای غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره}}{\text{تعداد کل اعضای هیأت مدیره}}$$

دوگانگی نقش مدیرعامل (DUAL): متغیر مذکور بصورت یک متغیر دوجوهی تعریف می‌گردد. بدین صورت که اگر نقش مدیر عامل از نقش ریاست هیأت مدیره تفکیک شده باشد؛ امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر مبنای محاسبات خواهد بود. ارتباطات سیاسی (POL): در این پژوهش همانند پژوهش جامعی و عزیزی (۱۳۹۹)؛ از دو معیار بدهی‌های بلندمدت و حضور اعضای وابسته به دولت و سایر ارکان نظام سیاسی در ترکیب هیأت مدیره بانکها استفاده شده است. چنانچه نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌های بانک و نیز نسبت اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت به کل اعضای هیأت مدیره شرکت بیش از میانه سایر بانکها باشد، به آن‌ها عدد یک تعلق می‌گیرد؛ در غیر این صورت عدد صفر تعلق خواهد گرفت.

متغیرهای کنترلی

گزارش زیان (LOSS): متغیر مذکور بصورت یک متغیر دوجوهی تعریف می‌گردد. بدین صورت که اگر بانک در هر سال زیان خالص گزارش کرده باشد؛ امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر مبنای محاسبات خواهد بود. اندازه بانک (SIZE): اندازه بانک از لگاریتم طبیعی مانده دارائیه‌ها در پایان سال قابل محاسبه است.

$$SIZE = \ln(\text{all assets})$$

اهرم مالی (LEV): متغیر مذکور از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$LEV = \frac{\text{کل بدهی‌ها}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

جریان‌های نقدی عملیاتی (CFO): متغیر مذکور از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$CFO = \frac{\text{جریان‌های نقدی حاصل از فعالیتهای عملیاتی}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

ساختار سرمایه (CS): متغیر مذکور از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$CS = \frac{\text{تسهیلات مالی دریافتی (بلندمدت + کوتاه‌مدت)}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (BTM): متغیر مذکور از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$BTM = \frac{\text{حقوق صاحبان سهام عادی}}{\text{تعداد سهام} * \text{ارزش بازار هر سهم}}$$

نسبت دارایی‌های مشهود (TANG): متغیر مذکور از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$TANG = \frac{\text{دارایی‌های مشهود}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

نسبت نگهداشت وجه نقد (CASH): متغیر مذکور از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$CASH = \frac{\text{وجه نقد} + \text{سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

نسبت دارایی‌های جاری (CUR): متغیر مذکور از رابطه زیر قابل محاسبه است.

$$CUR = \frac{\text{دارایی‌های جاری}}{\text{بدهی‌های جاری}}$$

الگوریتم‌های پیش‌بینی کننده

الگوریتم کرم شب تاب (FA)

الگوریتم کرم شب تاب یا FireflyAlgorithm (به اختصار FA) در اواخر سال ۲۰۰۷ و توسط Xin-SheYang معرفی شده است، که ایده اصلی آن از ارتباط نوری میان کرم‌های شب تاب الهام گرفته شده است. این الگوریتم را می‌توان از مظاهر هوش ازدحامی یا SwarmIntelligence دانست، که در آن از همکاری اعضای ساده و کم‌هوش، مرتبه بالاتری از هوشمندی ایجاد می‌شود که قطعاً توسط هیچ یک از اجزا قابل حصول نیست. الگوریتم FA یک الگوریتم فراکتشافی، با الهام از رفتارهای کرم شب تاب مصنوعی است. این الگوریتم با این فرضیه فرمول‌بندی شده است که همه کرم شب تاب‌ها تمایل جنسی دارند، به طوری که یک کرم شب تاب به تمام کرم شب تاب‌های دیگر را جذب می‌کند. اگر کرم شب تاب‌ی روشن‌تر از کرم شب تاب داده شده، وجود داشته باشد آن را به طور تصادفی حرکت خواهد داد. روشنایی باید با تابع هدف در ارتباط باشد. الگوریتم FA با مدلسازی رفتار مجموعه‌ای از کرم‌های شب تاب و تخصیص مقداری مرتبط با برزندگی مکان هر کرم شب تاب به عنوان مدلی برای میزان رنجدانه‌های شب تاب و به روز کردن مکان کرم‌ها در تکرارهای متوالی الگوریتم به جستجوی جواب بهینه مسئله می‌پردازد. در واقع دو مرحله اصلی الگوریتم در هر تکرار فاز به روز کردن رنجدانه و فاز حرکت هستند. کرم‌های شب تاب به سمت کرم‌های شب تاب دیگر با رنجدانه بیشتر که در همسایگی آنها باشند حرکت می‌کنند. به این ترتیب طی تکرارهای متوالی مجموعه به سمت جواب بهتر متمایل می‌گردد.

الگوریتم ماشین بردار (SVM)

ماشین بردار پشتیبان یکی از الگوریتم‌های نظارت‌شده یادگیری ماشین است. ساده‌ترین تفسیری که می‌توان برای عملکرد تابع ماشین بردار پشتیبان ارائه داد آن است که در الگوریتم ماشین بردار پشتیبان، فاصله نزدیک‌ترین نمونه داده‌ها تا خط جداساز (مرز بین دسته‌ها) محاسبه می‌شود (این نمونه داده‌ها ممکن است به هر دسته‌ای تعلق داشته باشند). ماشین بردار پشتیبان یک الگوریتم دسته‌بندی بسیار قدرتمند است. وقتی از آن همراه با الگوریتم‌های جنگل تصادفی و دیگر ابزارهای یادگیری ماشین استفاده کنیم، این الگوریتم می‌تواند مدلی بسیار قابل توجه برای دسته‌بندی داده‌ها ارائه کند. الگوریتم ماشین بردار پشتیبان هنگامی که قدرت پیش‌بینی بالا مورد نیاز باشد یک گزینه بسیار عالی است. تصویرسازی این الگوریتم‌ها کار دشواری محسوب می‌شود، زیرا فرمول‌بندی پیچیده‌ای دارند.

درخت تصمیم (DT)

یکی از پرکاربردترین الگوریتم‌های داده کاوی، الگوریتم درخت تصمیم است. در داده کاوی، درخت تصمیم یک مدل پیش‌بینی کننده است به طوری که می‌تواند برای هر دو مدل رگرسیون و طبقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. زمانی که درخت برای کارهای طبقه‌بندی استفاده می‌شود، به عنوان درخت طبقه‌بندی (Classification Tree) شناخته می‌شود و هنگامی که برای فعالیت‌های

رگرسیون به کار می‌رود درخت رگرسیون (Regression DecisionTree) نامیده می‌شود.

درخت‌های طبقه‌بندی برای طبقه‌بندی یک مجموعه رکورد به کار می‌رود. به صورت رایج در فعالیت‌های بازاریابی، مهندسی و پزشکی استفاده می‌شود. در ساختار درخت تصمیم، پیش‌بینی به دست آمده از درخت در قالب یک سری قواعد توضیح داده می‌شود. هر مسیر از ریشه تا یک برگ درخت تصمیم، یک قانون را بیان می‌کند و در نهایت برگ با کلاسی که بیشترین مقدار رکورد در آن تعلق گرفته برچسب می‌خورد.

جامعه آماری مورد مطالعه در پژوهش فعلی؛ بانک‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به لحاظ آنکه در پژوهش فعلی؛ کل جامعه آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مفهوم نمونه‌گیری مصداق نخواهد داشت. این پژوهش طی سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ صورت گرفته است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش بر اساس شاخص‌های پراکندگی (شامل میانگین، میانه، بیشترین، کمترین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی) در نگاره ۱ نشان داده شده است.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
عملکرد مالی	FPER	۱.۵۰۵	۱.۸۸۱	۲.۴۴۶	۱.۱۶۶	۱.۹۱۵
اندازه هیأت مدیره	BDS	۱.۹۴۶	۲.۱۹۷	۲.۳۹۸	۱.۶۰۹	۰.۱۸۰
استقلال هیأت مدیره	IBD	۰.۴۴۴	۰.۳۳۳	۰.۵۵۶	۰.۱۱۱	۱.۴۲۰
بحران های مالی	CRI	۲.۰۷۴	۲.۲۵۶	۵.۶۸۲	۱.۴۰۰	۱.۹۰۲
اندازه بانک	SIZE	۱۲.۹۶۷	۱۲.۹۱۷	۱۸.۰۱۴	۹.۰۵۴	۰.۴۹۱
اهرم مالی	LEV	۰.۶۳۶	۰.۶۷۸	۰.۸۷۶	۰.۳۹۸	۱.۶۶۵
جریان های نقدی عملیاتی	CFO	۰.۶۱۲	۰.۵۱۱	۰.۹۵۳	-۰.۰۸۹	۰.۱۹۹
ساختار سرمایه	CS	۰.۳۵۱	۰.۳۲۵	۰.۷۱۱	۰.۳۳۸	۰.۴۴۲
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰.۹۲۲	۰.۹۹۵	۱.۳۶۴	۰.۱۹۷	۰.۷۵۶

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی (متغیرهای دوجویی)

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	مشاهدات
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	۰.۲۵۷	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۲۵۲
ارتباطات سیاسی	POL	۰.۳۱۷	۱.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۲۵۲
گزارش زیان	LOSS	۰.۱۷۱	۱.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۲۵۲

آزمون نرمال بودن جملات خطای مدل فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون مذکور در نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره ۳. نتایج آزمون نرمال بودن جملات خطای مدل فرضیه‌های پژوهش

متغیر	نماد	آماره جاک - برا	احتمال آماره جاک - برا
جملات خطای مدل فرضیه‌های اول تا چهارم	Resid1	۲۵۶.۲۵۵	۰.۰۷۴

به لحاظ بیشتر بودن مقدار احتمال آماره جاک - برا از سطح خطای ۵٪؛ نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای مدل فرضیه‌های پژوهش؛ احراز می‌گردد.

پایایی متغیرهای پژوهش

نتیجه آزمون مذکور در نگاره ۴ نشان داده شده است.

نگاره ۴. نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	آماره لوین، لین و چو	احتمال آماره لوین، لین و چو
عملکرد مالی	FPER	-۲۱.۲۵۴	۰.۰۰۰۰
اندازه هیأت مدیره	BDS	-۱۱.۲۰۱	۰.۰۰۰۰
استقلال هیأت مدیره	IBD	-۵۶.۹۸۵	۰.۰۰۰۰
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	-۱۰.۱۲۵	۰.۰۰۰۰
ارتباطات سیاسی	POL	-۵۴.۵۶۹	۰.۰۰۰۰
گزارش زیان	LOSS	-۴۰.۱۵۲	۰.۰۰۰۰
اندازه بانک	SIZE	-۳۶.۹۵۶	۰.۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۶۰.۲۵۴	۰.۰۰۰۰
جریان های نقدی عملیاتی	CFO	-۹۹.۲۵۳	۰.۰۰۰۰
ساختار سرمایه	CS	-۴۶.۲۵۱	۰.۰۰۰۰
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	-۶۳.۳۶۵	۰.۰۰۰۰
نسبت دارایی های مشهود	TANG	-۵۴.۱۵۸	۰.۰۰۰۰
نگهداشت وجه نقد	CASH	-۱۹.۲۵۷	۰.۰۰۰۰
نسبت جاری	CUR	-۱۶.۲۵۱	۰.۰۰۰۰

از منظر اینکه احتمال آماره آزمون آزمون لوین، لین و چو در تمامی متغیرها، کمتر از سطح خطای ۵٪ است؛ پایایی متغیرها در دوره مورد بررسی، تأیید می‌گردد.

همخطی

نتایج بررسی همخطی در نگاره ۵ نشان داده شده است.

نگاره ۵. نتایج بررسی همخطی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره‌های همخطی	تولرانس	عامل تورم واریانس
اندازه هیأت مدیره	BDS	۰.۴۲۲	۲.۳۷۰
استقلال هیأت مدیره	IBD	۰.۴۱۵	۲.۴۱۰
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	۰.۴۴۴	۲.۲۵۲
ارتباطات سیاسی	POL	۰.۴۱۹	۲.۳۸۷
گزارش زیان	LOSS	۰.۴۱۳	۲.۴۲۱
اندازه بانک	SIZE	۰.۴۵۴	۲.۲۰۳
اهرم مالی	LEV	۰.۴۷۴	۲.۱۱۰
جریان های نقدی عملیاتی	CFO	۰.۴۰۵	۲.۴۶۹
ساختار سرمایه	CS	۰.۴۱۳	۲.۴۲۱
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰.۴۲۲	۲.۳۷۰
نسبت دارایی های مشهود	TANG	۰.۴۶۳	۲.۱۶۰
نگهداشت وجه نقد	CASH	۰.۴۱۱	۲.۴۳۳
نسبت جاری	CUR	۰.۴۱۴	۲.۴۱۵

به این دو دلیل که برای همه متغیرها؛ مقدار تلرانس، بیش از ۰/۲ و عامل تورم واریانس، کمتر از سطح استاندارد پنج می‌باشد؛ فرض نبود همخطی میان متغیرهای پژوهش تأیید می‌گردد.

آزمون ناهمسانی واریانس

در پژوهش فعلی، از آزمون وایت برای تشخیص ناهمسانی واریانس استفاده شده و نتایج در نگاره ۶ بیان شده است.

نگاره ۶. نتایج بررسی واریانس ناهمسانی متغیرهای پژوهش			
فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
اول تا چهارم	۵.۲۵۶	(۳ و ۱۵۷)	۰.۰۷۸۵
پنجم و ششم	بعلت استفاده از الگوریتم‌های شبکه‌های عصبی، اجرای این آزمون برای فرضیه‌های مذکور ضرورتی ندارد.		

به لحاظ آنکه احتمال آماره وایت بیش از سطح خطای ۵٪ است، نتایج دال بر حاکی از همسانی واریانس داشته و احراز شد که مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

آزمون F لیمر و هاسمن

در گام نخست و در جهت زمینه‌سازی آزمون فرضیه‌های پژوهش، انتخاب الگوی رگرسیونی مناسب در اولویت است. در مرحله نخست، با استفاده از آزمون F لیمر، به انتخاب الگوی داده‌های تابلویی در برابر داده‌های تلفیقی پرداخته شده است که نتیجه آزمون مذکور در نگاره ۷ نشان داده شده است.

نگاره ۷. انتخاب الگوی داده‌های تابلویی در مقابل داده‌های تلفیقی در فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
اول تا چهارم	۲۱.۲۵۶	(۷۷ و ۹۵)	۰.۰۰۰۰
پنجم و ششم	بعلت استفاده از الگوریتم‌های شبکه‌های عصبی، اجرای این آزمون برای فرضیه‌های مذکور ضرورتی ندارد.		

به لحاظ آنکه احتمال آماره آزمون F لیمر، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، استفاده از داده‌های تابلویی تأیید می‌گردد. به این دلیل و به منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی، جهت انجام رگرسیون و آزمون فرضیه‌ها، از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتیجه آزمون مذکور در نگاره ۸ نشان داده شده است.

نگاره ۸. انتخاب الگوی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی در فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
اول تا چهارم	۵۰.۱۲۳	۶	۰.۰۰۰۰
پنجم و ششم	بعلت استفاده از الگوریتم‌های شبکه‌های عصبی، اجرای این آزمون برای فرضیه‌های مذکور ضرورتی ندارد.		

به لحاظ آنکه احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. لذا استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه‌های مذکور تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش

نتایج اجرای مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه‌های مذکور در نگاره (۹) نشان داده شده است.

نگاره ۹. مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش

متغیرها	آماره‌ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت		C	۰.۱۱۱	۰.۲۴۲	۰.۸۰۹۹
اندازه هیأت مدیره		BDS	۴۷.۱۰۰	۰.۶۹۹	۰.۴۸۸۱
استقلال هیأت مدیره		IBD	۷۷.۰۶۵	۲.۹۹۱	۰.۰۰۴۵
دوگانگی نقش مدیرعامل		DUAL	۷۸.۱۶۲	۲.۷۰۶	۰.۰۰۹۶
ارتباطات سیاسی		POL	-۳۸.۹۶۴	-۲.۱۷۲	۰.۰۳۵۲
گزارش زیان		LOSS	-۰.۳۳۳	-۰.۴۵۲	۰.۶۵۳۷
اندازه بانک		SIZE	-۴۶.۸۵۷	-۱.۶۰۶	۰.۱۱۵۳
اهرم مالی		LEV	۶۶.۴۸۷	۰.۶۴۹	۰.۵۱۹۴
جریان های نقدی عملیاتی		CFO	-۶۵.۲۵۷	-۱.۲۱۸	۰.۲۲۹۷
ساختار سرمایه		CS	-۵۲.۷۷۶	-۲.۳۸۲	۰.۰۲۱۵
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار		BTM	-۷۳.۱۷۰	-۰.۵۲۱	۰.۶۰۵۲
نسبت دارایی های مشهود		TANG	-۶۴.۱۴۸	-۰.۹۶۱	۰.۳۴۱۷
نگهداشت وجه نقد		CASH	-۳۷.۸۱۲	-۰.۳۲۲	۰.۷۴۹
نسبت جاری		CUR	۸۴.۹۷۸	۱.۸۶۹	۰.۰۶۸۲
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	
۰.۹۱۴	۰.۸۵۲	۱.۹۸۷	۵۱۶۷۱	۰.۰۰۰۰	

نتایج حاصل از نگاره فوق تشریح کننده این مطالب است که اندازه هیأت مدیره بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر ندارد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۴۷.۱۰۰)؛ سطح معناداری آماره t (۰.۴۸۸۱)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می باشد. از این رو فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می گردد. استقلال هیأت مدیره بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر مثبت و معناداری دارد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۷۷.۰۶۵)؛ سطح معناداری آماره t (۰.۰۰۴۵)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می باشد. از این رو فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می گردد. دوگانگی نقش مدیرعامل بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر مثبت و معناداری دارد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۷۸.۱۶۲)؛ سطح معناداری آماره t (۰.۰۰۹۶)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می باشد. از این رو فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می گردد. ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی بانکها، تأثیر منفی و معناداری دارد. زیرا ضمن منفی بودن علامت ضریب رگرسیونی (-۳۸.۹۶۴)؛ سطح معناداری آماره t (۰.۰۳۵۲)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می باشد. از این رو فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می گردد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل بیان می دارد حدود ۸۵٪ تغییرات عملکرد مالی بانکها، توسط تغییرات متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. برای بررسی معنادار بودن مدل، از آزمون F استفاده شده است که نتایج مربوط به آزمون مذکور بیان می دارد که مدل رگرسیونی برآزش شده، از اعتبار کافی برخوردار می باشد. زیرا احتمال آماره آزمون مربوطه (۰.۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می باشد. در گام آخر؛ برای بررسی خودهمبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شد که مقدار آن برابر با ۱.۹۸۷ بوده و چون در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می گردد.

یافته‌های شبکه‌های عصبی

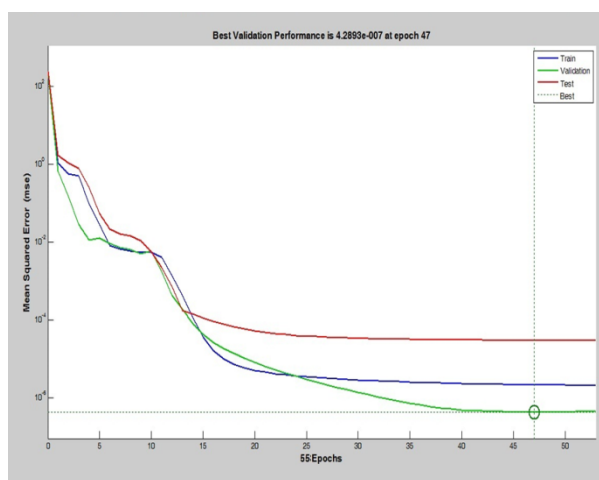
پیش‌بینی عملکرد مالی با استفاده از الگوریتم کرم شب تاب

در ابتدا داده‌های ورودی شبکه را مشتمل بر متغیرهای مستقل را به شبکه معرفی می‌کنیم. مدل شبکه عصبی شامل دو مرحله است.

۱- آموزش و یادگیری^۱

۲- تست (آزمون) وزن‌ها و محاسبه خطا

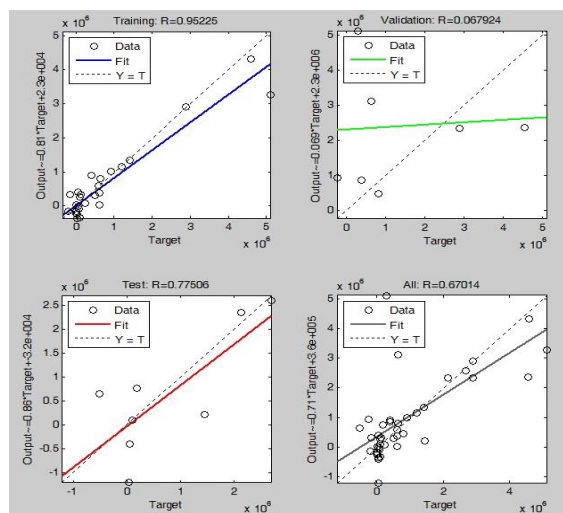
بر اساس مدل کرم شب‌تاب ۷۰٪ X را در لایه‌های ورودی و خروجی تعریف می‌کنیم. شبکه با استفاده از آموزش و train و با استفاده از هوش مصنوعی یکسری وزن‌ها را تعریف کرده و در مرحله بعد این وزن‌ها را با ۳۰٪ باقیمانده Xها؛ آزمون می‌کند و عملکرد مالی را بدست می‌آورد و آزمون انجام شده تا مشخص کند مقدار پیش‌بینی شده تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است و خطا را محاسبه کند. شبکه عمل، آموزش را آنقدر انجام داده تا به نقطه بهینه آموزش برسد، (نقطه بهینه آموزش سطحی از آموزش است که در آن شبکه توانسته با استفاده از آموزش و یادگیری بهترین وزن‌ها را برآورد کند). وقتی وزن‌ها را با ۳۰٪ باقیمانده Xها تست کنیم؛ مقادیر پیش‌بینی شده کمترین اختلاف را با واقعیت دارد. برای جلوگیری از آموزش بیش از حد شبکه به صورت تدریجی تعدادی تکرار آموزش داده می‌شود و سپس با داده‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد تا حداقل در صفحه چند خطا پیدا شود و از این تعداد حداقل پایین‌ترین آنها در نظر گرفته می‌شود و آموزش بهینه شبکه بر اساس آنها انتخاب می‌شود. پس از آموزش در دفعات متفاوت بهترین آموزش انتخاب می‌گردد. در اینجا ۵۵ بار عمل آموزش انجام شده که در مرتبه ۴۷ یادگیری نسبت به دفعات بعدی بهتر بوده است. پس مجموعه ۴۷ به عنوان یادگیری شبکه انتخاب می‌شود.



نمودار ۱. آموزش شبکه عصبی الگوریتم کرم شب تاب

میزان بهینه آموزش در یادگیری به صورت نمودار آمده است. میزان نیکویی برازش آنها نیز مشخص گردیده و داده‌های ورودی و هدف را بر هم منطبق گردانده است. نتایج حاصل از آموزش شبکه عصبی اوزان شبکه است که بر روی خطوط ارتباطی میان نرون‌ها و سایر اجزا چه ورودی و چه خروجی می‌نشیند.

¹ Train



نمودار ۲. آموزش شبکه عصبی

نتایج حاصل از آموزش شبکه عصبی اوزان شبکه است که بر روی خطوط ارتباطی میان نرون‌ها و سایر اجزا (چه ورودی و چه خروجی) می‌نشیند. اوزان بین لایه ورودی و لایه پنهان در نگاره مربوطه آمده است. با توجه به نگاره اوزان می‌توان به پیش‌بینی عملکرد مالی با استفاده از الگوریتم کرم شبتاب پرداخت. نمودار بالا نمایانگر پیش‌بینی شبکه بر اساس داده‌های ورودی و مقایسه آنها با مقادیر واقعی است. نمودار قرمز رنگ (سمت چپ) پیش‌بینی با شبکه عصبی است و نمودار آبی (سمت راست) رنگ مقادیر واقعی آن است.

پیش‌بینی عملکرد مالی با استفاده از الگوریتم رگرسیون ماشین‌بردار پشتیبان

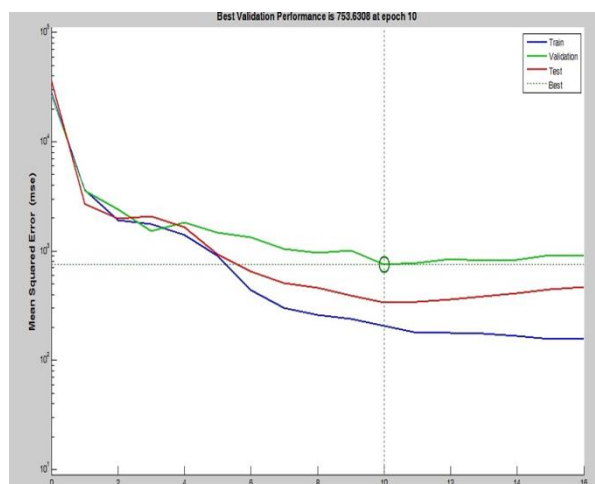
ابتدا با استفاده از جعبه ابزار مطلب؛ چارچوب شبکه عصبی را طراحی می‌کنیم. داده‌های ورودی شبکه را که مشتمل بر متغیرهای مستقل هستند را نیز به شبکه معرفی و برای آن مشخص می‌کنیم. حال با استفاده از همین جعبه ابزار شبکه بایستی آموزش انجام شود. آموزش شبکه با استفاده از الگوریتم رگرسیون ماشین‌بردار پشتیبان صورت پذیرفته است. مدل شبکه عصبی شامل دو مرحله است.

۱- آموزش و یادگیری

۲- تست (آزمون) وزن‌ها و محاسبه خطا

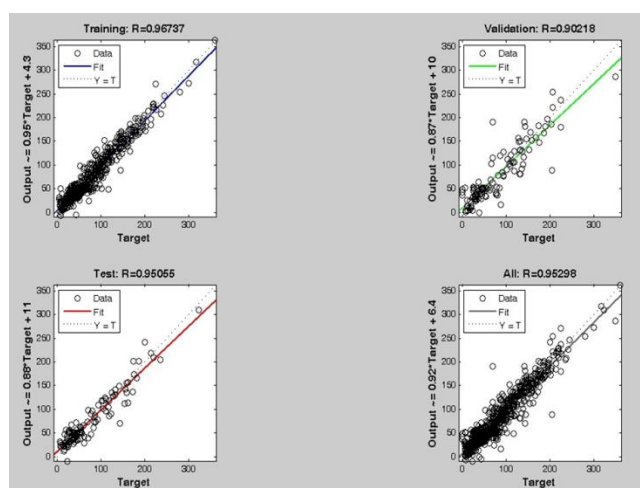
بر اساس مدل رگرسیون ماشین‌بردار پشتیبان ۷۰٪ X (متغیرهای مستقل شامل ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی) و Y (عملکرد مالی) را در لایه‌های ورودی و خروجی تعریف می‌کنیم. شبکه با استفاده از آموزش و train و با استفاده از هوش مصنوعی یکسری وزن‌هایی را تعریف کرده و در مرحله بعد این وزن‌ها را با ۳۰٪ باقیمانده X (متغیرهای مستقل) آزمون می‌کند و عملکرد مالی را بدست می‌آورد و آزمون کرده تا مشخص کند مقدار پیش‌بینی شده تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است و خطا را محاسبه کند. شبکه عمل آموزش را آنقدر انجام داده تا به نقطه بهینه آموزش برسد، (نقطه بهینه آموزش سطحی از آموزش است که در آن شبکه توانسته با استفاده از آموزش و یادگیری بهترین وزن‌ها را برآورد کند). وقتی وزن‌ها را با ۳۰٪ باقیمانده X تست کنیم مقادیر پیش‌بینی شده کمترین اختلاف را با واقعیت دارد. برای جلوگیری از آموزش بیش از حد شبکه به صورت تدریجی تعدادی تکرار آموزش داده می‌شود و سپس داده‌ها آزمون قرار می‌گیرد تا حداقل در صفحه چند خطا پیدا شود و از این تعداد حداقل پایین‌ترین آنها در نظر گرفته می‌شود و آموزش بهینه شبکه بر اساس آنها انتخاب می‌شود.

پس از آموزش در دفعات متفاوت بهترین آموزش انتخاب می‌گردد. در اینجا ۲۶ بار عمل آموزش انجام شده که در مرتبه ۱۰ یادگیری نسبت به دفعات بعدی بهتر بوده است. پس مجموعه ۱۰ به عنوان یادگیری شبکه انتخاب می‌شود.



نمودار ۳. آموزش شبکه عصبی الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان

میزان بهینه آموزش در یادگیری به صورت نمودار آمده است. میزان نیکویی برازش آنها نیز مشخص گردیده و داده‌های ورودی و هدف را بر هم منطبق گردانده است. نتایج حاصل از آموزش شبکه عصبی اوزان شبکه است که بر روی خطوط ارتباطی میان نرون‌ها و سایر اجزا چه ورودی و چه خروجی می‌نشیند.

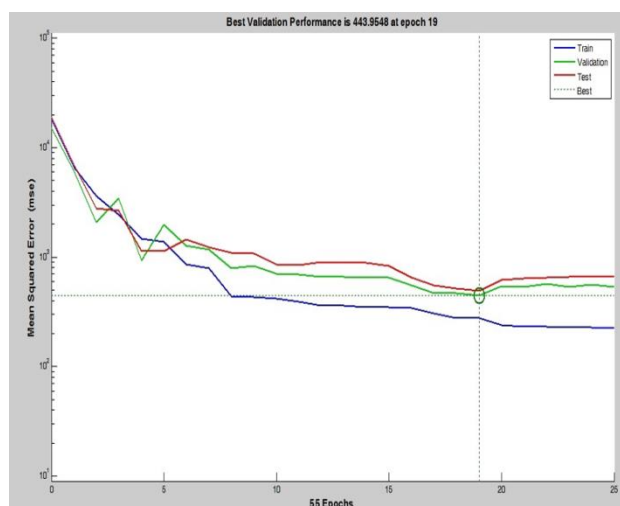


نمودار ۴. آموزش شبکه عصبی

میزان بهینه آموزش در یادگیری به صورت نمودار آمده است. میزان نیکویی برازش آنها نیز مشخص گردیده و داده‌های ورودی و هدف را بر هم منطبق گردانده است. نتایج حاصل از آموزش شبکه عصبی اوزان شبکه است که بر روی خطوط ارتباطی میان نرون‌ها و سایر اجزا چه ورودی و چه خروجی می‌نشیند. اوزان بین لایه ورودی و لایه پنهان در نگاره مذکور آمده است. با توجه به نگاره اوزان می‌توان به پیش‌بینی عملکرد مالی با استفاده از الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان پرداخت. نمودار بالا نمایانگر پیش‌بینی شبکه بر اساس داده‌های ورودی و مقایسه آنها با مقادیر واقعی است. نمودار قرمز رنگ (سمت چپ) پیش‌بینی با شبکه عصبی است و نمودار آبی رنگ (سمت راست) مقادیر واقعی آن است.

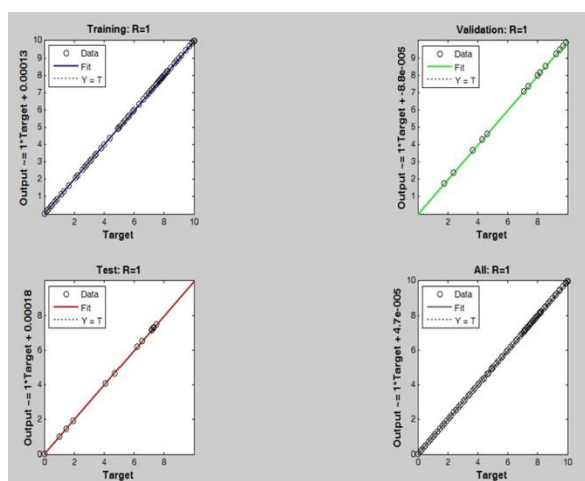
پیش‌بینی عملکرد مالی با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم

ابتدا با استفاده از ابزار مطلب؛ چارچوب شبکه عصبی را طراحی می‌کنیم. داده‌های ورودی شبکه را نیز به شبکه معرفی و برای آن مشخص می‌کنیم. بر اساس مدل درخت تصمیم ۷۰٪ X (متغیرهای مستقل شامل ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی) و Y (عملکرد مالی) را در لایه‌های ورودی و خروجی تعریف می‌کنیم. شبکه با استفاده از آموزش و $train$ و با استفاده از هوش مصنوعی یکسری وزن‌هایی را تعریف کرده و در مرحله بعد این وزن‌ها را با ۳۰٪ باقیمانده X ها (متغیرهای مستقل) آزمون می‌کند و عملکرد مالی را بدست می‌آورد و آزمون کرده تا مشخص کند مقدار پیش‌بینی شده تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است و خطا را محاسبه کند. شبکه عمل آموزش را آنقدر انجام داده تا به نقطه بهینه آموزش برسد، (نقطه بهینه آموزش سطحی از آموزش است که در آن شبکه توانسته با استفاده از آموزش و یادگیری بهترین وزن‌ها را برآورد کند). وقتی وزن‌ها را با ۳۰٪ باقیمانده X ها تست کنیم مقادیر پیش‌بینی شده کمترین اختلاف را با واقعیت دارد. برای جلوگیری از آموزش بیش از حد شبکه به صورت تدریجی تعدادی تکرار آموزش داده می‌شود و سپس با داده‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد تا حداقل در صفحه چند خطا پیدا شود و از این تعداد حداقل پایین‌ترین آنها در نظر گرفته می‌شود و آموزش بهینه شبکه بر اساس آنها انتخاب می‌شود. پس از آموزش در دفعات متفاوت بهترین آموزش انتخاب می‌گردد. در اینجا ۵۵ بار عمل آموزش انجام شده که در مرتبه ۱۹ یادگیری نسبت به دفعات بعدی بهتر بوده است. پس مجموعه ۱۹ به عنوان یادگیری شبکه انتخاب می‌شود.



نمودار ۵. شبکه عصبی الگوریتم درخت تصمیم

میزان بهینه آموزش در یادگیری به صورت نمودار آمده است. میزان نیکویی برازش آنها نیز مشخص گردیده و داده‌های ورودی و هدف را بر هم منطبق گردانده است. نتایج حاصل از آموزش شبکه عصبی اوزان شبکه است که بر روی خطوط ارتباطی میان نرون‌ها و سایر اجزا چه ورودی و چه خروجی می‌نشیند.



نمودار ۶. آموزش شبکه عصبی

میزان بهینه آموزش در یادگیری به صورت نمودار آمده است. میزان نیکویی برازش آنها نیز مشخص گردیده و داده‌های ورودی و هدف را بر هم منطبق گردانده است. نتایج حاصل از آموزش شبکه عصبی اوزان شبکه است که بر روی خطوط ارتباطی میان نرون‌ها و سایر اجزا (چه ورودی و چه خروجی) می‌نشیند. اوزان بین لایه ورودی و لایه پنهان در نگاره مربوطه آمده است. با توجه به نگاره اوزان می‌توان به پیش‌بینی عملکرد مالی با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم پرداخت. نمودار بالا نمایانگر پیش‌بینی شبکه بر اساس داده‌های ورودی و مقایسه آنها با مقادیر واقعی است. نمودار قرمز رنگ (سمت چپ) پیش‌بینی با شبکه عصبی است و نمودار آبی رنگ (سمت راست) مقادیر واقعی آن است.

مقایسه توان الگوریتم‌های شبکه‌های عصبی در خصوص پیش‌بینی عملکرد مالی

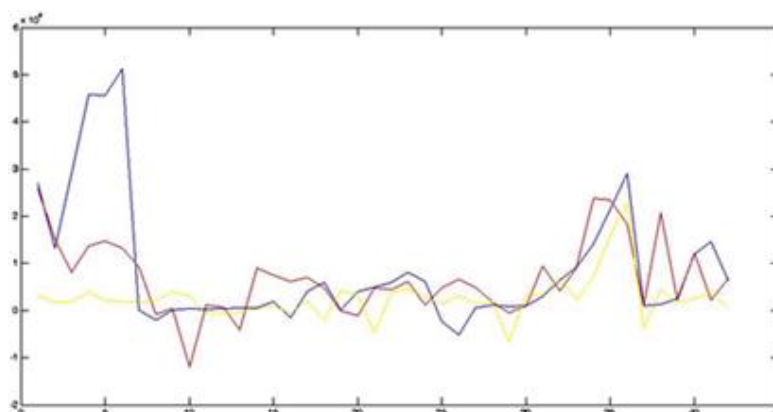
در این قسمت برای مقایسه دو رویکرد از میانگین حداقل مربعات خطا استفاده می‌کنیم. خطا در پیش‌بینی به معنای فاصله پیش‌بینی تا مقدار واقعی است. می‌دانیم هر چه پیش‌بینی ما به مقدار واقعی نزدیک‌تر باشد عملکرد پیش‌بینی بهتر است. پس از انجام محاسبات مدل به عنوان نماینده برای پیش‌بینی قیمت مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت نیز مدل‌های بدست آمده با یکدیگر مقایسه شد تا مدل بهینه انتخاب شود.

برای اینکه نتایج بهتری و مشخص‌تری بدست آید در ابتدا مقادیر واقعی با مقادیر پیش‌بینی شده در هر سه مدل مقایسه گردیدند و به صورت خلاصه در نگاره زیر آمده‌اند:

نگاره ۱۰. خلاصه نتایج شبکه‌های عصبی

واقعی	الگوریتم کرم شب تاب	الگوریتم درخت تصمیم	الگوریتم ماشین بردار پشتیبان
-۰.۰۹۵	-۰.۰۳۲	۰.۲۱۸	۰.۳۵۶

حال در شکل زیر نتایج حاصل از سه الگوریتم کرم شب‌تاب، الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان و الگوریتم درخت تصمیم با هم مقایسه می‌گردند:



نمودار ۷. مقایسه سه الگوریتم کرم شب تاب، الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان و الگوریتم درخت تصمیم

در این نمودار رنگ زرد مربوط به الگوریتم کرم شب تاب می باشد، رنگ قرمز مربوط به الگوریتم درخت تصمیم و رنگ آبی مربوط به الگوریتم ماشین بردار پشتیبان می باشد. همان گونه که مشاهده می شود در نمودار بالا خطای الگوریتم کرم شب تاب و پرش های آن کمتر از خطاهای الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان و الگوریتم درخت تصمیم است. بنابراین می توان بیان داشت که به علت پراش های کمتر شبکه عصبی در الگوریتم کرم شب تاب توان پیش بینی آن را بالاتر از دو الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان و الگوریتم درخت تصمیم دانست و همچنین هم چنین میزان پراش های الگوریتم درخت تصمیم کمتر از الگوریتم ماشین بردار پشتیبان می باشد. بنابراین الگوریتم درخت تصمیم توان بالاتری جهت پیش بینی عملکرد مالی نسبت به الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان را دارد. با توجه با مباحث مطرح شده و فرضیات مطرح در این پژوهش مشاهده می شود که ترکیب شبکه عصبی مصنوعی، توانایی پیش بینی عملکرد مالی از منظر راهبری شرکتی و روابط سیاسی را دارند و با توجه به RMSE هر سه مدل ارائه شده با استفاده از شبکه عصبی در این پژوهش قدرت پیش بینی عملکرد مالی را دارا می باشند؛ اما به صورت دقیق تر نتایج بیانگر این مطلب می باشد که:

- (۱) الگوریتم کرم شب تاب توان بالاتری جهت پیش بینی عملکرد مالی نسبت به الگوریتم رگرسیون ماشین بردار دارد.
 - (۲) الگوریتم کرم شب تاب توان بالاتری جهت پیش بینی عملکرد مالی نسبت به الگوریتم درخت تصمیم دارد.
 - (۳) الگوریتم درخت تصمیم توان بالاتری جهت پیش بینی عملکرد مالی نسبت به الگوریتم رگرسیون ماشین بردار پشتیبان دارد. لذا فرضیه های پنجم و ششم پژوهش تأیید شدند.
- بر اساس نتایج رگرسیون غیر خطی؛ اگر Y_1 : عملکرد مالی بانکها، POL: ارتباطات سیاسی، BDS: اندازه هیأت مدیره، IBD: استقلال هیأت مدیره و DUAL: دوگانگی نقش مدیرعامل باشد مدل رگرسیونی چندمتغیره غیرخطی برای تبیین عملکرد مالی بانکها بصورت زیر، طراحی خواهد شد.

$$Y_1 = \alpha + (POL)^{\beta_1} + (BDS)^{\beta_2} + \beta_3(IBM)^{\beta_3} + \beta_4(DUAL)^{\beta_4}$$

که با تبدیل مدل رگرسیونی غیر خطی مذکور، به مدل های خطی؛ الگوی اصلی پژوهش بصورت زیر طراحی می گردد:

$$\ln Y_1 = \ln \alpha + \beta_1 \ln(POL) + \beta_2 \ln(BDS) + \beta_3 \ln(IBM) + \beta_4 \ln(DUAL)$$

بحث و نتیجه گیری

تحلیل یافته های حاصل از روابط سیاسی و عملکرد بانکها

به لحاظ موقعیتی و نوع کارکرد؛ بانکها از اجزای مهم کشور در حوزه مالی هستند. چراکه این موسسات مالی کارکردهای مهمی نظیر مدیریت ریسک، یکپارچه سازی، پردازش اطلاعات، ارائه نظارت بر وام گیرندگان و ... را عهده دار هستند. در ایران و در راستای توجه به موارد یاد شده و در راستای اجرایی نمودن اصل ۴۴ قانون اساسی؛ وظایف بانکها در جهت بحران بازار سرمایه و تقویت نمودن توان بخش خصوصی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. زیرا به لحاظ موقعیتی؛ چنانچه فعالیت بانکها و موسسات

مالی دچار اختلال شود؛ این اختلال به سایر بخش‌ها نیز سرایت کرده و ارتباط بین قسمت‌های مختلف نیز مختل می‌شود. از جمله مزایای وجود ارتباطات سیاسی در بانک‌ها، سهولت دسترسی مجدد به وام از بانک وابسته به دولت و دولت است. از طرفی واضح است که دولت این توان را دارد که فرآیند ارزش‌آفرینی را در بانک‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند، را به صورت بهتری اجرایی نماید. باید دانست شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی قوی تر هستند، این توان را دارند که از طریق اعمال فشار از بانک‌های دولتی طلب وام نموده و از این طریق، از این وام‌ها بهره‌مند شوند. در صورتی که این فشارها بر دوش بانک‌ها بود و شرکت‌های صاحب وام؛ هیچ‌گونه فشاری را متحمل نخواهند شد. از منظر دیگر، بانک‌ها در جهت تضمین نمودن امنیت سیستم بانکی تلاش دارند، اولویت اصلی‌شان (به جای سهامداران) اعتباردهندگان باشد. در این مسیر ممکن است ناخواسته و به علت فشارهای وارد شده عملکرد بانک‌ها به علت منافع دولت، تغییر مسیر دهد. لذا به جای بیشینه‌سازی ارزش سهام، اهداف دیگری توسط بانک‌ها دنبال خواهد شد. این گونه مشکلات نمایندگی می‌تواند به صورت اخذ وام‌های سیاسی و یا گرایش‌های جدید سیاسی در جهت تغییر اهداف بانک‌ها و در جهت بهتر شدن فعالیت‌های دولت نیز ظهور کند که این امر می‌تواند عملکرد بانک‌ها را دچار اختلال نموده و زمینه‌سازی مواجه با بحران مالی بانکی را فراهم کند.

تحلیل یافته‌های حاصل از رابطه راهبری شرکتی و عملکرد بانک‌ها

در بانک‌ها و موسسات مالی، موضوع راهبری شرکتی؛ عملکرد بانک‌ها را از نظر ویژگی‌های هیات مدیره، انگیزه‌های مدیران در جهت حصول اهداف بانک‌ها و ... را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. با توجه به این امر که معمولاً در بانک‌ها مرسوم است که مدیران ارشد از میان سهامداران اصلی انتخاب شوند، ممکن است این امر به علت عدم دانش کافی و عدم تخصص کافی از سوی سهامداران محقق گردد و مدیران از میان سهامداران اصلی انتخاب شوند. لذا این امر ممکن است باعث انتخاب افرادی شود که ممکن است جزو سهامداران اصلی نباشند که این عقاید در راستای عقاید سهامداران و در راستای بیشینه‌سازی ثروت سهامداران نباشد. لذا می‌توان بیان داشت که راهبری شرکتی می‌تواند از طریق سازوکارهایی، اعم از سازوکارهای درونی و بیرونی به عملکرد بانک‌ها، اثرگذار بوده و حفظ منافع سهامداران را مشخص و از طریق هم جهت نمودن منافع مدیران و سهامداران در سایه کاهش هزینه‌های نمایندگی عملکرد بانک‌ها را نیز بهبود بخشد. از آنجا که راهبری شرکتی می‌تواند به صورت مجموعه سازوکارهایی هدایت و کنترل بانک‌ها تعریف شود، این سازوکارها به صورت دستورالعمل‌ها و هنجارهای فرهنگی تعریف شود که بانک‌ها می‌توانند از طریق رعایت نمودن آن‌ها، ضمن تحقق فرآیند شفافیت اطلاعاتی پاسخ‌گویی خود را مقابل ذینفعان بهتر نموده و فرآیندهای کاری خود را بهتر نمایند. اینگونه سازوکارها می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های نمایندگی عملکرد بانک‌ها را نیز بهبود بخشد.

پیشنهادهای

پیشنهادهای حاصل از رابطه روابط سیاسی و عملکرد بانک‌ها

به مدیران بانک‌ها پیشنهاد می‌گردد که از طریق عدم بکارگیری اعضای از هیأت‌مدیره که به دولتی یا نهادهای دولتی وابسته باشد و همچنین عدم واگذاری سهام به سهامدارانی که حداقل ده درصد حق رأی را داشته باشند؛ زمینه‌های بهبود عملکرد مالی را فراهم آورند.

به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که به طبقه‌بندی بانک‌های هدف سرمایه‌گذاری بر اساس وجود روابط سیاسی و عدم وجود روابط سیاسی پرداخته و در بانک‌هایی اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند که دارای روابط سیاسی نباشند؛ زیرا به تبع این امر، در این گونه واحدهای تجاری، عملکرد مالی در سطح مطلوبی بوده و این امر می‌تواند تضمین‌کننده انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری موفق باشد. همچنین به آنان پیشنهاد می‌گردد انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌هایی که دارای روابط سیاسی نیستند را مد نظر داشته و در نهایت ارزیابی عملکرد بانک‌های هدف سرمایه‌گذاری بر اساس بررسی معیارهای مختلف را سرلوحه ارزیابی‌های خود قرار دهند.

ارائه الگوی عملکرد بانک‌ها بر اساس حاکمیت شرکتی و...

به مراجع استانداردگذاری پیشنهاد می‌گردد که به تدوین استاندارد لازم برای تفکیک بانک‌های دارای روابط سیاسی نسبت به سایر بانک‌ها و همچنین تدوین استاندارد مشخص برای سنجش صحیح بانک‌های دارای روابط سیاسی اهتمام ورزند.

پیشنهادهای حاصل از رابطه راهبری شرکتی و عملکرد بانک‌ها

به مدیران پیشنهاد می‌گردد که از طریق استفاده بیشتر از اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت‌مدیره، جدا نمودن نقش مدیر عامل از نقش ریاست هیأت‌مدیره، عدم ثبات مدیر عامل برای دوره زمانی طولانی‌مدت، تلاش برای افزایش سهام شناور شرکت، واگذاری سهام به سهامداران نهادی و سهامداران بالای پنج درصد و همچنین تأسیس واحد حسابرسی داخلی زمینه‌های بهبود عملکرد بانک‌های تحت کنترل را فراهم آورند.

به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که به رتبه‌بندی بانک‌های نمونه بر اساس میزان افشای اطلاعات راهبری شرکتی پرداخته و تلاش خود را برای سرمایه‌گذاری در بانک‌هایی که در سطح بالایی از نظر افشای اطلاعات راهبری شرکتی وجود دارند؛ به حداکثر رسانند.

به مراجع استانداردگذاری نیز پیشنهاد می‌گردد به تدوین استانداردهای لازم برای سنجش صحیح راهبری شرکتی پرداخته و از طریق الزام بانک‌ها به بکارگیری و رعایت آیین‌نامه راهبری شرکتی؛ در جهت بهبود عملکرد مالی گام‌های اساسی را بردارند.

پیشنهادهای پژوهش‌های آتی

- بررسی نقش رتبه اعتباری در تعدیل رابطه ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی با عملکرد بانک‌ها در شرایط بروز بحران‌های مالی.

- بررسی نقش اعتماد اجتماعی در تعدیل رابطه ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی با عملکرد بانک‌ها در شرایط بروز بحران‌های مالی.

- بررسی نقش مسئولیت‌های اجتماعی در تعدیل رابطه ارتباطات سیاسی و راهبری شرکتی با عملکرد بانک‌ها در شرایط بروز بحران‌های مالی.

منابع

- اکبری، آزاده. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک پذیری و عملکرد بانک‌ها با تاکید بر نقش حاکمیت شرکتی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، موسسه آموزش عالی خزر - محمودآباد، دانشکده علوم انسانی.
- امیرلو، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های ایران. *پارسی کارشناسی ارشد*، موسسه آموزش عالی کار خرمدره.
- جوان، سوسن. (۱۳۹۵). تاثیر راهبری شرکتی بر عملکرد مالی (مطالعه موردی بانک‌های منتخب). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد*، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده علوم اقتصادی.
- رحیمیان، نظام‌الدین، محمدی، حمید، صالحی‌راد، معصومه. (۱۳۹۲). نقش سازوکارهای راهبری شرکتی در عملکرد بانک‌ها. *مجله بررسی‌های حسابداری*. دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۹۷-۱۱۹.
- رشیدی، شقایق. (۱۳۹۸). تاثیر سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه خاتم.
- رمضانی، رامین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بحران مالی و سودآوری و سایر شاخص‌های عملکرد در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، دانشکده علوم انسانی.
- سعدی، یاسر. (۱۳۹۵). تاثیر راهبری شرکتی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری*، موسسه آموزش عالی روزبهان.

غلامزاده، سحر. (۱۳۹۷). بررسی عملکرد بانک‌ها در طول بحران مالی. پایان‌نامه کارشناسی/ارشد رشته حسابداری، موسسه آموزش عالی قدیر - لنگرود.

مازندرانی، شیدا. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی و ریسک در بانکهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی/ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی لامعی گرگانی.

Akbari, A.(2018).*Examining the impact of macroeconomic variables on risk-taking and bank performance with an emphasis on the role of corporate governance*. Domestic master's thesis, Khazar Institute of Higher Education - Mahmudabad, Faculty of Humanities (in Persian).

Amirlou, M.(2019).*Investigating the impact of macroeconomic variables and corporate governance on the performance of Iranian banks*. Parsai inside the country, master's degree, Khorramdare Institute of Higher Education (in Persian).

Chen, Hung-Kun, Liao, Yin-Chi, Lin, Chih-Yung, Yen, Ju-Fang.(2018).*The Effect of the Political Connections of Government Bank CEOs on Bank Performance during the Financial Crisis*.Journal of Financial Stability <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2018.02.010>.

Cong, Yunyu ,Fang, fang, Sun, Qiang, Ye.(2022). Information assimilation and stock return synchronicity: Evidence from an investor relations management platform. Emerging Markets ReviewAvailable online 17 June 2022...

Craig, Deegan.(2013).*financial accounting theory Australia Mc Graw -Hill* NO.1 11)Zimmerman, Jerold

Deniz, Anginer, Asli, Demirguc-Kunt, Harry, Huizing, KebinM.(2018). *Corporate governance of banks and financial stability*. Volume 130, Issue 2, November 2018, Pages 327-346

Gholamzadeh, S.(2017).*Examining the performance of banks during the financial crisis*. Master's thesis in the field of accounting, Qadir Institute of Higher Education – Langrod (in Persian).

Jamei, R, Azizi, B.(2019).*The effect of political communication on the financing of business units through bank facilities, considering the role of independence of the board of directors*. Financial accounting and auditing researches, period 12, number 47 - serial number 47 (in Persian).

Jan, Ahmad Ali Fong-Woon LaiMuhammad Tahir.(2021). *Developing an Islamic Corporate Governance framework to examine sustainability performance in Islamic Banks and Financial Institutions*. Journal of Cleaner Production25 June 2021...

Javan, S.(2016).*The effect of corporate governance on financial performance (case study of selected banks)*. Master's Thesis in Economics, Payam Noor University, Tehran Province, Faculty of Economic Sciences (in Persian).

Latan, Hengky,Charbel Jose Chiappetta Jabbour, Ana Beatriz Lopes de Sousa Jabbour, Samuel Fosso Wamba c, Muhammad Shahbaz.(2018).*Effects of environmental strategy, environmental uncertainty and top management's commitment on corporate environmental performance: The role of environmental management accounting*. Journal of Cleaner Production 180 (2018) 297 -306.

Mazandarani, S.(2016).*Investigating the effect of political communication on financial performance and risk in accepted banks of Tehran Stock Exchange*. Master's thesis in accounting, Gorgani Institute of Higher Education (in Persian).

Mohammad, Hossein Ronaghi.(2022). *Contextualizing the impact of blockchain technology on the performance of new firms: The role of corporate governance as an intermediate outcome*. The Journal of High Technology Management Research15 June 2022...

Naciti, Valeri.(2019). *Corporate governance and board of directors: The effect of a board composition on firm sustainability performance*.

- Rahimian, N, Mohammadi, H, Salehirad, M.(2012).*The role of corporate governance mechanisms in the performance of banks*. Volume 1, Number 1, Winter 2012, Pages 119-97 (in Persian).
- Ramezani, R.(2015).*Investigating the relationship between financial crisis and profitability and other performance indicators in banks admitted to the Tehran Stock Exchange*. Master's thesis in accounting, Islamic Azad University, Quds branch, Faculty of Humanities (in Persian).
- Rashidi, S.(2018).*The impact of intellectual capital and corporate governance on the financial performance of banks admitted to the Tehran Stock Exchange*. Master's thesis, Khatam University (in Persian).
- Saadi, Y.(2015).*The effect of corporate governance on the performance of banks admitted to the Tehran Stock Exchange*. Master's thesis in accounting, Rozbahan Institute of Higher Education (in Persian).
- Shanan Hossein, M.(1400).*The role of corporate governance in increasing the performance of Islamic banks*. Dissertation within the country for master's degree, Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Higher Education Institute of Science and Education (in Persian).
- Tessem, Abiot.(2019). *The impact of corporate governance and political connections on information asymmetry: International evidence from banks in the Gulf Cooperation Council member countries*. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Volume 35, June 2019, Pages 1-17.



Paper type: Research Article

Presenting the Agility Model of Financial Reporting Based On Grounded Theory

Mahnaz Gholinezhad¹, Rasoul Abdi^{*2}, Ali Jafari³, Nader Rezaei⁴

Received: 2025/04/20

Accepted: 2025/07/15

Abstract

Objective: In today's world, characterized by rapid market changes, technological advancements, and unpredictable economic conditions, agility in financial reporting has become essential for organizations to respond to dynamic business environments, enhance decision-making, and maintain competitiveness. This study aims to present a financial reporting agility model grounded in Strauss and Corbin's grounded theory.

Method: Methodologically, this research is an applied and exploratory study. The statistical population included professors, experts, and specialists in accounting during the year 2024–2025. Using theoretical purposive sampling, 17 participants were selected based on the criterion of theoretical saturation. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using open, axial, and selective coding, culminating in the development of the final model.

Findings: The analysis revealed 209 open codes, 27 subcategories, and six main categories: causal factors, contextual factors, core phenomenon, intervening factors, strategies, and consequences.

Conclusion: The findings offer practical insights for investors, creditors, stockbrokers, and corporate managers to make informed decisions, thereby improving the speed, accountability, capability, quality, and transparency of financial reporting. Ultimately, this contributes to enhanced financial reporting agility.

Keywords: Financial reporting agility, Financial reporting transparency, Financial reporting flexibility, Grounded theory.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Gholinezhad, M., Abdi, R., Jafari, A., & Rezaei, N. (2025). Presenting the Agility Model of Financial Reporting Based On Grounded Theory. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(11), 57-80. (In Persian).

¹. Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

². Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. *Corresponding Author: abdi57@iau.ir

³. Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

⁴. Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

ارائه مدل چابکی گزارشگری مالی مبتنی بر نظریه داده بنیاد

مهناز قلی نژاد^۱، رسول عبدی^{۲*}، علی جعفری^۳، نادر رضایی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

چکیده

هدف: در دنیای امروز که با تغییرات سریع بازار، پیشرفت‌های فناوری و شرایط اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی همراه است، چابکی در گزارشگری مالی جهت توانایی سازمان‌ها در پاسخگویی به تغییرات سریع محیط کسب‌وکار، بهبود تصمیم‌گیری و حفظ رقابت‌پذیری به یک ضرورت تبدیل شده است. لذا هدف از انجام این تحقیق ارائه مدل چابکی گزارشگری مالی مبتنی بر نظریه داده بنیاد بوده است.

روش: پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات، اکتشافی و با استفاده از نظریه داده بنیاد (اشتراوس و کوربین) انجام شد. جامعه آماری کلیه اساتید، کارشناسان و متخصصان و اساتید خبره فعال در حوزه حسابداری در سال ۱۴۰۳ بودند و از روش نمونه‌گیری هدفمند نظری ۱۷ نفر و بر اساس معیار اشباع نظری استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شدند و مدل نهایی مشخص شد.

یافته‌ها: بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها ۲۰۸ کدباز، ۲۷ زیر مقوله و ۶ مقوله اصلی شامل عوامل علی، بسترها و زمینه‌ها، پدیده محوری، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها استخراج گردید.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش برای استفاده سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، کارگزاران بورس، مدیران شرکت سهامی جهت اتخاذ تصمیم‌های مفید و به تبع آن باعث افزایش سرعت، پاسخگویی، توانمندی، کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی و در نهایت بهبود چابکی گزارشگری مالی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: چابکی گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی، انعطاف‌پذیری گزارشگری مالی، نظریه داده بنیاد.



10.71600/JACGR.2024.977451



استناد: قلی نژاد، مهناز؛ عبدی، رسول؛ جعفری، علی؛ رضایی، نادر (۱۴۰۴). ارائه مدل چابکی گزارشگری مالی مبتنی بر نظریه داده بنیاد.

پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴ (۱۱)، ۵۷-۸۰.

۱. گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲. گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. *نویسنده مسئول: abdi57@iau.ir

۳. گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۴. گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

مقدمه

محصول نهایی سیستم اطلاعات حسابداری، گزارش صورت‌های مالی است و هدف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات مالی برای سرمایه‌گذاران موجود و بالقوه، وام‌دهندگان و طلبکاران جهت تصمیم‌گیری درباره فراهم کردن منابع است. به عبارت دیگر، گزارش مالی باید اطلاعات مربوط به میزان، زمان‌بندی و عدم قطعیت جریان‌های نقدی آتی یک نهاد را فراهم کند (شاکسپیر^۱، ۲۰۲۰). در این راستا می‌توان گفت، سازمان‌هایی می‌توانند به موفقیت دست یابند که از رویکردها و راهبردهایی جدید مانند چابکی استفاده کنند. چابکی در قلمرو تصمیمات مالی می‌تواند به منظور کسب به گزارشگری مالی کمک وافری نماید (جهانبخش قره باغی و پورزمانی، ۱۴۰۰). چابکی گزارشگری مالی به توانایی سازمان‌ها در ارائه اطلاعات مالی به‌روز، دقیق و قابل اتکا در کوتاه‌ترین زمان، تطبیق سریع فرآیندهای گزارشگری مالی خود در پاسخ به محیط‌های تجاری در حال تغییر، الزامات نظارتی و انتظارات ذینفعان ممکن اشاره دارد. در دنیای امروز که با تغییرات سریع بازار، پیشرفت‌های فناوری و شرایط اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی همراه است، چابکی در گزارشگری مالی به یک ضرورت تبدیل شده است. این موضوع به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های سریع و آگاهانه‌تری داشته باشند، ریسک‌ها را به‌موقع مدیریت کنند و در رقابت با سایر شرکت‌ها موفق‌تر عمل نمایند. با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و اتوماسیون، سازمان‌ها می‌توانند فرآیندهای گزارشگری مالی خود را بهینه‌سازی کرده و شفافیت و پاسخگویی مالی را افزایش دهند (ادیری^۲، ۲۰۲۴).

چابکی در گزارشگری مالی به معنای توانایی سازمان‌ها در ارائه اطلاعات مالی به‌روز، دقیق و قابل اتکا در زمان مناسب است تا تصمیم‌گیرندگان بتوانند به‌سرعت به تغییرات واکنش نشان دهند و فرصت‌های جدید را شناسایی کنند. برای مثال، شرکت‌هایی که از سیستم‌های گزارشگری بلادرنگ استفاده می‌کنند، می‌توانند به‌سرعت به نوسانات قیمت‌ها یا تغییرات تقاضا واکنش نشان دهند و استراتژی‌های خود را تنظیم کنند (ایشاک و همکاران^۳، ۲۰۲۴). گزارشگری مالی چابک به شرکت‌ها کمک می‌کند تا مشکلات مالی مانند کمبود نقدینگی یا افزایش بدهی‌ها را قبل از تبدیل شدن به بحران، شناسایی و برطرف کنند (ریستیناواتی و هارتونو^۴، ۲۰۲۳). چابکی در گزارشگری مالی به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا فرصت‌های جدید را سریع‌تر شناسایی کرده و از رقبا پیشی بگیرند. برای مثال، یک شرکت خرده‌فروشی که از سیستم‌های گزارشگری بلادرنگ استفاده می‌کند، می‌تواند به‌سرعت به تغییرات رفتار مصرف‌کننده واکنش نشان دهد و استراتژی‌های بازاریابی خود را تنظیم کند (راگازو و همکاران^۵، ۲۰۲۲). در مجموع طی سال‌های اخیر بدلیل عدم کارایی و کفایت گزارشگری مالی، ضرورت بهبود شیوه گزارشگری، ذهن استفاده‌کنندگان و ارائه‌دهندگان گزارش‌ها را به خود مشغول کرده است (ادو^۶، ۲۰۲۲) و گله‌مندی‌های اساسی از گزارش‌های متعارف، عمدتاً متوجه عدم شفافیت و جامعیت و پاسخگویی به شرایط پرتحول کنونی و تأمین انتظارات استفاده‌کنندگان می‌باشد. از سویی پیامدهای عملی تحقیق در مورد چابکی گزارشگری مالی بسیار گسترده است و می‌تواند بر بهبود کیفیت گزارش‌های مالی، افزایش شفافیت، کاهش هزینه‌ها و بهبود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر بگذارد. با توجه به توسعه دامنه استفاده‌کنندگان از گزارشات، رشد و توسعه نهادهای سرمایه‌گذاری، تغییرات در دیدگاه‌ها از مفهوم ارزش زایی سازمان‌ها و به تبع آن تغییر در انتظارات استفاده‌کنندگان از محتوای گزارشات، و با توجه به توسعه تکنولوژی اطلاعات، امروزه گزارشگری به شیوه سنتی کارایی و کارآمدی خود را از دست داده است و نیاز به چابکی در این حوزه را افزایش داده است لذا در این پژوهش برای کمک به مدیران در راستای ارتقای کیفیت گزارشگری مالی منحصراً بر چابکی تمرکز می‌شود و عوامل تأثیرگذار در توسعه چابکی گزارشگری مالی، همچنین بسترها و زمینه‌های لازم شناسایی می‌شوند و با تأکید بر موانع و عوامل تسهیل‌گر جهت توسعه چابکی گزارشگری مالی راهبردهای کاربردی ارائه می‌شود و در نهایت پیامدهای توسعه چابکی گزارشگری مالی نیز شناسایی می‌گردند. در اینجا با ارائه مدل چابکی گزارشگری مالی محقق در پی آن است که به ارائه بهترین گزارش از لحاظ دقت و شفافیت در کمترین زمان ممکن و با بهترین

¹ Shakespeare

² Adeyeri

³ Ishak et al

⁴ Ristianawati & Hartono

⁵ Ragazou et al

⁶ Edu

کیفیت که توانایی شناسایی تغییرات و پاسخ سریع و فعالانه به آنها را داشته باشد کمک نماید. بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ گویی به این سؤال است که مدل چابکی گزارشگری مالی مبتنی بر نظریه داده بنیاد چگونه خواهد بود؟

مبانی نظری

پارادایم چابکی برای ارتقای توانایی در محیط پویا و پیش بینی ناپذیری سازمانی مطرح شده است چابکی به معنای توانایی حرکت سریع، چالاک، فعال، آسان و قادر بودن به تفکر سریع با یک روش هوشمندانه است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۹). چابکی نیازمند توانایی مدیریت و کاربرد دانش است. در این صورت سازمان توانایی بالقوه برای استمرار حیات در محیط کسب و کار متغیر و پیش بینی ناپذیر بدست می آورد. چابکی، توانایی ایجاد و پاسخ به تغییر به منظور بقا و شکوفایی در یک محیط تصادفی و آشفته است. چابکی، ظرفیت سازگاری با تغییرات است (دوز و کوسونن^۱، ۲۰۱۰). گزارشگری مالی چیزی بیش از یک توصیف ساده از جریان های نقدی آتی است، زیرا به مدیران فرصت می دهد تا تصمیم بگیرند چه زمانی، چگونه و چه مواردی را در صورت های مالی گزارش کنند چون گزارشگری مالی به موقع و با کیفیت بالا می تواند کارایی سرمایه گذاری را بهبود بخشد و با کاهش عدم تقارن اطلاعات و بهبود نظارت، تقریباً بر هر جنبه ای از تصمیمات مالی تأثیر بگذارد (شکسپیر، ۲۰۲۰؛ فیرنانتی و کارمودیاندری^۲، ۲۰۲۰). به موقع بودن گزارشگری مالی یکی از ویژگی های حاکمیت شرکتی خوب است زیرا سهامداران و سایر ذینفعان به اطلاعات جدید و تازه نیاز دارند و هر چه زمان بیشتری از پایان سال تا افشا بگذرد، اطلاعات کهنه تر می شود و ارزش آن کمتر می شود (نورفاتیمه و بیدوری^۳، ۲۰۲۳). چابکی گزارشگری مالی به عنوان توانایی سازمان ها در ارائه اطلاعات مالی به موقع، دقیق و سازگار با تغییرات محیطی و قوانین نوظهور تعریف می شود که از فناوری های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و سیستم های ابری برای بهبود فرآیندهای گزارشگری و تسهیل گر تصمیم گیری ذینفعان داخلی و خارجی استفاده می کند (یاجیتباسیوغلو^۴، ۲۰۱۷). اصول بنیادی آن شامل سرعت (کاهش تأخیر در انتشار گزارش ها)، انعطاف پذیری (سازگاری با الزامات متغیر نظارتی)، شفافیت (ارائه اطلاعات مالی بدون ابهام) و دقت (کاهش خطاها از طریق اتوماسیون) است. این چارچوب با نظریه هایی مانند نظریه نمایندگی (جنسن و مککلینگ^۵، ۱۹۷۶)، که بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران تأکید دارد، نظریه مبتنی بر منابع (بارنی^۶، ۲۰۰۱)، که استفاده از فناوری را به عنوان مزیت رقابتی می داند، و نظریه سیستم های اطلاعاتی (الادوان و الادوان^۷، ۲۰۲۳)، که نقش زیرساخت های دیجیتال را در گزارشگری شفاف تحلیل می کند، پشتیبانی می شود. این رویکرد یکپارچه، سازمان ها را قادر می سازد تا در محیط پویای کسب و کار امروزی پاسخگو و رقابتی باقی بمانند (سپهوتانگ و همکاران^۸، ۲۰۲۴).

چابکی گزارشگری مالی به عنوان یک ضرورت در عصر دیجیتال، نیازمند ترکیبی از تئوری های علمی و فناوری های نوین است. تئوری هایی مانند نمایندگی، ذینفعان و ساخت یابی تعدیل شده، نقش مهمی در درک عوامل مؤثر بر چابکی گزارشگری مالی ایفا می کنند. از سوی دیگر، فناوری های دیجیتال و چارچوب های گزارشگری یکپارچه، ابزارهای کلیدی برای تحقق این هدف هستند. سازمان ها باید با به کارگیری این تئوری ها و فناوری ها، به سرعت و دقت در ارائه اطلاعات مالی دست یابند تا بتوانند در محیط های پویا و رقابتی امروز موفق باشند (رئوف و همکاران^۹، ۲۰۲۴).

با بررسی ادبیات و پیشینه های موجود می توان گفت چابکی را توانایی یک شرکت برای واکنش سریع به نیازمندی های بازار و نیازهای ذینفعان تعریف کرده اند، چابکی یک شرکت نشان دهنده وجود معیارهای موفقیت بلند مدت و پایدار یک شرکت در زمینه مالی است. با توجه به تغییرات روزمره در خدمات و وظایف شرکت ها، تنها راه موفقیت در ارائه خدمات بهتر و با کیفیت تر مالی، چابک سازی گزارشگری مالی می باشد. چابک سازی گزارشگری مالی یک فعالیت با سرعت، سازگار و آگاهانه است که قابلیت سازگاری سریع در واکنش به تحولات و وقایع غیرمنتظره پیش بینی نشده، فرصت های بازار و نیازمندی های ذینفعان را دارد.

¹ Doz & Kosonen

² Firnanti & Karmudiandri

³ Nurfatimah & Biduri

⁴ Yigitbasioglu

⁵ Jensen & Meckling

⁶ Barney

⁷ Aladwan & Al Adwan

⁸ Sihotang

⁹ Rouf

محمدی و همکاران (۱۴۰۴) نشان داد که هرچقدر اثربخشی کمیته حسابرسی شامل؛ اندازه، تخصص حسابداری، استقلال و تجربه اعضا، بیشتر شود، پیچیدگی گزارش‌های مالی کاهش می‌یابد.

یافته‌های مشایخ و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد رابطه معناداری بین خوانایی صورت‌های مالی و تأخیر گزارش حسابرسی وجود ندارد، نتایج مولائی و کردستانی (۱۴۰۰) نشان داد که اندازه و تخصص موسسه حسابرسی موجب کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌شوند در حالی که اظهارنظر مشروط، حق الزحمه و تداوم انتخاب حسابرس و ضعف کنترل‌های داخلی، تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را افزایش می‌دهند. جهانبخش قره باغی و پورزمانی (۱۴۰۰) نشان دادند که اختلالات شخصیتی مدیریتی با چابکی گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری دارد، پژوهش مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) تأثیر توانایی مدیریتی بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی را تأیید نمودند. کلاری دارون کلاً (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای نشان دادند که به‌موقع بودن و قابلیت اطمینان می‌توانند کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا دهند، ایزدینیا و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که انعطاف پذیری مالی بر سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبتی دارد. نیککار و محمدی (۱۳۹۸) مشخص کردند که استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی تأثیر مثبتی دارند. از طرفی در تحقیقات خارجی در مطالعه‌ای خدیر و همکاران^۱ (۲۰۲۳) نشان دادند حسابرسی داخلی چابک، حسابرسی داخلی ناب، و حسابرسی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبتی دارند. نتایج پژوهش احمید و همکاران^۲ (۲۰۲۲) نشان داد که استانداردهای گزارشگری مالی به طور قابل توجهی بر گزارشگری مالی موفق، حسابرسی داخلی چابک و شایستگی حسابرسان تأثیر گذاشته است. ایوب محمد حسن و همکاران (۲۰۲۳) با بررسی چابکی در کمیته حسابرسی و عملکرد مالی نشان دادند که بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، سود هر سهم و نسبت ارزش، استقلال کمیته حسابرسی، مطابقت با استانداردهای حسابداری بر اساس چابکی کمیته حسابرسی بهبود پیدا می‌کنند. یافته‌های ستیوان و یولینا^۳ (۲۰۲۲) مشخص کرد که چابکی فرایند کسب‌وکار و گزارش‌دهی مالی تأثیر کلی قابلیت فناوری اطلاعات را به سمت مزیت رقابتی افزایش می‌دهد. بر اساس پژوهش راهمادی و همکاران^۴ (۲۰۲۴) مشخص شد که رایج‌ترین اثر پیاده‌سازی چابکی در سیستم حسابداری، بهینه‌سازی هزینه‌ها برای عملکرد مالی بهینه است. نتایج کوستا و همکاران^۵ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی، یعنی کیفیت اقلام تعهدی و به‌موقع بودن، موجب رفع قصور و کوتاهی شرکت‌ها می‌شود و در پیش‌بینی مشکلات مالی نقش قابل توجهی دارد. به علاوه سینگ و همکاران^۶ (۲۰۲۲) نشان دادند که حسابرسان پرمشغله، گزارشگری مالی به‌موقع و کیفیت گزارشگری بالایی ندارند. به علاوه نورفاتیما و بیدوری (۲۰۲۳) تأثیر سودآوری، ویژگی‌های شرکت و حاکمیت شرکتی بر تأخیر گزارش حسابرسی را معکوس گزارش نمودند، حسیوان و حسیوان^۷ (۲۰۲۲) تأثیر سودآوری، اهرم، نقدینگی، اندازه شرکت، نظر حسابرس را بر به‌موقع بودن ارائه صورت‌های مالی تأیید نمودند؛ چن و همکاران^۸ (۲۰۲۲) نشان دادند که اثرات ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی بر تأخیر حسابرسی با تأکید بر پیچیدگی گزارشگری مالی مرتبط است، کاواسه و همکاران^۹ (۲۰۲۱) نشان دادند که ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (تخصص هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و عملکرد نقش هیئت مدیره) و کیفیت حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری دارند، اوسی و تاکتاک^{۱۰} (۲۰۱۸) نشان دادند که اثربخشی کمیته حسابرسی بر به‌هنگام بودن گزارشگری مالی مثبت و معنی‌دار است. هم‌چنانکه مشخص است به طور مشخص در مورد چابکی گزارشگری مالی پژوهش خاصی صورت نگرفته است و بیشتر بحث چابکی گزارشگری مالی را می‌توان از طریق مفاهیم به‌موقع بودن گزارشگری مالی، انعطاف پذیری گزارشگری و یا تأخیر در گزارشگری و ... مورد بررسی قرار داد و کما این که این مفاهیم در پژوهش‌هایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به علاوه تحقیقات قبلی بیشتر بر چابکی به عنوان یک نوع سازمان برای استارت آپ‌ها بر اساس توسعه سیستم اطلاعات متمرکز شده است. به

¹ Khudhair et al

² Ahmed et al

³ Setiawan & Yuliana

⁴ Rahmadi et al

⁵ Costa et al

⁶ Singh

⁷ Hasibuan & Hasibuan

⁸ Chen et al

⁹ Kaawaase et al

¹⁰ Oussii & Taktak

همین دلیل، اطلاعات کمی در مورد پذیرش اصول و ساختارهای چابک در کسب و کارهای موجود، به ویژه در رابطه با فرآیندهای گزارشگری مالی، ارائه شده است (ایوب محمد حسن و همکاران^۱، ۲۰۲۳).

فرآیندهای تجاری چابک، انعطاف پذیر و پاسخگو، می‌توانند ارزش بیشتری را برای ذینفعان فراهم کنند و به سرعت با تغییرات در محیط کسب و کار سازگار شوند تا نیازهای آنان را برآورده کنند و مزیت رقابتی ایجاد کنند (راهمادی و همکاران، ۲۰۲۴). به علاوه استانداردهای بین المللی برای گزارشگری مالی مؤثر نیازمند الزامات بالایی برای توانایی حسابرس، حسابرسی داخلی چابک و استانداردهای گزارشگری مالی مؤثر است (اهمید و همکاران، ۲۰۲۲). از مسائل و مشکلات موجود در زمینه گزارشگری مالی می‌توان از عدم قدرت پاسخگویی سریع و به موقع، به نیازهای اطلاعاتی ذینفعان، وجود قوانین و مقررات متعدد و نبود پاسخگویی که مفهومی کردن آن نیازمند اطلاعات قابل اتکا، قابل فهم، صحیح و به موقع برای استفاده‌کنندگان می‌باشد و نیز عدم گزارشگری مالی شفاف، نام برد (چن و همکاران، ۲۰۲۲؛ اوسی و تاکتاک، ۲۰۱۸)، که همه این عوامل می‌توانند در مفهوم چابکی گزارشگری مالی ادغام شوند، گزارش‌گری مالی می‌تواند به طور همزمان با کاهش هزینه‌های مخاطره اخلاقی، کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود بخشد و با ارائه انگیزه‌هایی به مدیران برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری نزدیک‌بینانه، کارایی سرمایه‌گذاری را کاهش دهد (روپچادهوری و همکاران، ۲۰۱۹).

از آنجایی که با مطالعه‌ی تحقیقات انجام شده قبلی در مورد مدل چابکی گزارشگری، پژوهشی یافت نشد این پژوهش زمینه ساز توسعه مفاهیم نظری در مورد چابکی گزارشگری مالی خواهد بود همچنین رویکرد پژوهشی این تحقیق برخلاف پژوهش‌های گذشته به صورت ترکیبی می‌باشد و تلفیقی از دو رویکرد کمی و کیفی است. روش جمع‌آوری مطالعات انجام شده تاکنون اکثراً با استفاده از داده‌های اقتصاد سنجی بوده است و کمتر به نظر سنجی و مصاحبه اشاره و نیز همانطور که از نتایج مطالعات گذشته می‌توان برآورد کرد اجماع کاملی در مورد عوامل مؤثر بر چابکی گزارشگری مالی وجود ندارد و در این راستا نیاز به تحقیقات بیشتری وجود دارد تا این عوامل به طور کامل مشخص گردند. لذا در این بخش با توجه به مبانی نظری مطرح شده سؤال‌های پژوهش به تفکیک ماهیت انجام تحلیل به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

۱- عوامل علی تأثیرگذار بر چابکی گزارشگری مالی کدامند؟

۲- عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر چابکی گزارشگری مالی کدامند؟

۳- شرایط مداخله گر تأثیرگذار بر چابکی گزارشگری مالی کدامند؟

۴- راهبردهای چابکی گزارشگری مالی کدامند؟

۵- پیامدهای چابکی گزارشگری مالی کدامند؟

۶- مدل نهایی چابکی گزارشگری مالی چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از منظر هدف، پژوهشی کاربردی محسوب می‌شود و از حیث گردآوری داده‌ها، به صورت کیفی و با ماهیت اکتشافی طراحی شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد استقرایی و مبتنی بر روش نظریه داده‌بنیاد اجرا گردید. برای تحلیل داده‌ها، از روش پیشنهادی اشتراوس و کوربین با تمرکز بر عینیت‌گرایی استفاده شد.

روش نظریه سازی داده بنیاد فرایندی تحقیقی است که بوسیله آن تئوری بر پایه‌ی مفاهیم اصلی منتج از داده‌ها، شکل می‌گیرد. این تئوری از رویکرد استدلالی استقرائی بهره می‌گیرد، به این معنی که روند شکل‌گیری تئوری از جزء به کل شکل می‌گیرد.

یکی از فرآیندهای کلیدی در نظریه پردازی داده بنیاد، کد گذاری^۲ است که در طی آن داده‌های جمع‌آوری شده، تجزیه و تحلیل می‌شوند. با مرور داده‌های جمع‌آوری شده در کدگذاری، نام‌ها و برچسب‌هایی به برخی از اجزای تشکیل دهنده آنها

¹ Ayoob Mohammed Hassan

² Coding

اختصاص داده می‌شود که از اهمیت نظری یا برجستگی خاصی درباره موضوع برخوردار هستند. استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۰) سه مدل کدگذاری را پیشنهاد کرده‌اند:

مرحله نخست (کدگذاری باز): در ابتدا، محتوای تمامی مصاحبه‌ها به صورت مکتوب ثبت می‌شود. سپس، کدگذاری باز با استفاده از روش شناسایی نکات کلیدی انجام می‌گیرد. در این فرایند، داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها روی کاغذ نوشته شده و با تحلیل دقیق خط به خط و پاراگراف به پاراگراف، کدهای باز استخراج می‌شوند. مرحله دوم (کدگذاری محوری): این مرحله، دومین گام در تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه داده‌بنیاد است و هدف آن ایجاد ارتباط میان مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری باز است. در کدگذاری محوری، کدهای تولیدشده در مرحله قبل بازنگری شده و با رویکردی جدید، به منظور برقراری پیوند میان کدها، بازآرایی می‌شوند. این فرایند به تشکیل گروه‌ها و مقوله‌ها منجر می‌شود، به طوری که کدهای مشابه در گروه‌های مشخص خود قرار می‌گیرند. برای اطمینان از جامعیت، تمامی کدها دوباره بررسی شده و با متن اصلی مقایسه می‌شوند تا هیچ نکته‌ای از قلم نیفتد. در این مرحله، ممکن است چندین کد باز تحت یک کد محوری واحد دسته‌بندی شوند.

مرحله سوم (کدگذاری انتخابی یا نظریه‌سازی): پس از انجام کدگذاری باز و محوری، نوبت به دسته‌بندی نهایی داده‌ها می‌رسد. هدف اصلی نظریه داده‌بنیاد، خلق نظریه است، نه صرفاً توصیف پدیده. در این مرحله، مقوله‌ها باید به صورت نظام‌مند به یکدیگر مرتبط شوند. کدگذاری انتخابی، که بر پایه نتایج دو مرحله قبلی شکل می‌گیرد، گام کلیدی در نظریه‌پردازی است. در این فرایند، مقوله محوری به صورت منظم با سایر مقوله‌ها مرتبط شده و این روابط در قالب یک روایت منسجم ارائه می‌گردد. همچنین، مقوله‌هایی که نیاز به اصلاح یا توسعه دارند، بهبود می‌یابند. در دسته‌بندی کدها، کدهای محوری استخراج شده از مصاحبه‌ها گروه‌بندی شده و گروه‌های تشکیل شده با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا مقوله‌های اصلی و ابعاد آنها شناسایی شوند. مراجعه به پیشینه نظری پژوهش در این مرحله می‌تواند به دقت و غنای بیشتر گروه‌بندی‌ها کمک کند. این سه نوع کدگذاری، اساساً سطوح مختلف کدگذاری را نشان می‌دهند و هر کدام به نکات متمایزی در بین مقوله‌ها در نظریه پردازی داده بنیاد اشاره می‌کند.

جامعه آماری شامل کلیه خبرگان حسابداری و حسابرسی و اساتید دارای کتب و یا پژوهش در حوزه مالی و حسابداری (خصوصاً در بحث گزارشگری) بود معیارهای ورود نمونه‌ها، داشتن تجربه در گزارشگری مالی چه از لحاظ تحصیلات دانشگاهی و چه از لحاظ بررسی صورت‌های مالی، داشتن حداقل دو پژوهش کیفیت در رابطه با گزارشگری و صورت‌های مالی داخل کشور (کتب و مقاله در مورد گزارشگری مالی)، حداقل تحصیلات فوق لیسانس و سابقه کاری ۱۰ ساله در حوزه حسابداری یا حسابداری مدیریت بالای ۵ سال و برای اساتید دانشگاهی سابقه ۱۰ ساله بود بر اساس معیارهای بیان شده، ابتدا فهرستی از محققان در دسترس حیطه‌های گزارشگری تهیه شد سپس از طریق مذاکره تلفنی، رودررو و ایمیل، درباره اهداف پژوهش توضیح داده شد و از آنها برای انجام مصاحبه دعوت به عمل آمد. در پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری هدفمند (تعمدی یا قضاوتی) بوده است و بر پایه انتخاب معیارهای بیان شده توسط پژوهشگر با توجه به قضاوت شخصی و هدف‌های مطالعه و ماهیت پژوهش استوار است و تا حد رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری انجام گرفت، در نهایت و از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند با ۱۷ نفر مصاحبه شد. که مشخصات آنها در نگاره (۱) ارائه شده است.

¹ Strauss & Corbin

نگاره ۱. ویژگی‌های مشارکت کنندگان در پژوهش

ویژگی نمونه	تعداد	تحصیلات	سن
اساتید دانشگاهی	۱۰	استادیار	۲
		دانشیار	۵
		استاد تمام	۳
حسابدار و حسابرس متخصص	۷	کارشناسی ارشد	۳
		دکتری	۴
			۱
مجموع	۱۷		

برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که بر اساس اصل اشباع نظری انجام گرفت. طراحی سؤالات مصاحبه با بهره‌گیری از پیشینه پژوهشی موجود و فرایند توسعه چابک در گزارشگری مالی صورت پذیرفت. بر اساس دیدگاه گویا و لینکلن (۱۹۸۵)، ارزیابی کیفیت مطالعات کیفی بر پایه چهار معیار، شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری انجام می‌شود. برای اطمینان از اعتبار، نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت، حضور طولانی‌مدت پژوهشگر در میدان پژوهش برقرار شد و چندجانبه‌نگری داده‌ها اعمال گردید. در راستای اطمینان‌پذیری، بازرسی دقیق داده‌ها، مستندسازی جامع فرآیندها، روش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها توسط پژوهشگر و چندجانبه‌نگری پژوهشگر انجام شد. در چندجانبه‌نگری، از منابع متنوع برای تأیید یافته‌های مصاحبه استفاده شد و داده‌های یک منبع با منابع دیگر تقویت گردید. به‌طور مشخص، از منابع متعددی مانند دیدگاه‌های موجود درباره موضوع، مطالعات پیشین، مصاحبه با خبرگان مختلف و تحلیل همزمان داده‌ها توسط دو پژوهشگر بهره گرفته شد. برای تأییدپذیری، نتایج به‌صورت موازی بررسی شده و انعکاسی بودن آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. در جهت انتقال‌پذیری، توصیف جامعی از محیط پژوهش، ویژگی‌های شرکت‌کنندگان و تنوع دیدگاه‌ها و تجربیات مصاحبه‌شوندگان ارائه شد. تحلیل داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری انجام شد. در کدگذاری باز، کدهای اولیه استخراج شده از مصاحبه‌ها (با روش شناسایی نکات کلیدی) بررسی شدند. کدهایی که به موضوعات مشترک اشاره داشتند، گروه‌بندی شده و مفاهیم اولیه را شکل دادند. از مقایسه و دسته‌بندی این مفاهیم، مقوله‌ها استخراج شدند. در کدگذاری محوری، برای برقراری ارتباط میان مقوله‌های اصلی و فرعی، از مدل پارادایمی استفاده شد تا اجزای کلیدی شامل شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، متغیرهای مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی شوند. در نهایت، در کدگذاری انتخابی، بر اساس روابط شناسایی شده میان مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در مراحل قبلی، مقوله‌ها به‌صورت نظام‌مند به یکدیگر مرتبط شده و چارچوب نظری پژوهش ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

در مرحله کدگذاری باز، همان‌طور که در نگاره (۲) نشان داده شده است، صاحب‌نظران در هفده مصاحبه انجام‌شده به مجموعه گسترده‌ای از عوامل در پاسخ به سؤالات پژوهش اشاره کردند. پس از حذف مفاهیم مشابه، حجم وسیعی از محتوای مصاحبه‌ها استخراج شد. به بیان دقیق‌تر، در این مرحله مضامین متعددی شناسایی شدند که با استفاده از فرایند تحلیل رفت‌وبرگشتی داده‌ها، این مضامین تلفیق و تقلیل یافتند. به این ترتیب، مجموعه اولیه کدها به تعداد کمتری کد کاهش پیدا کرد. برای جلوگیری از تکرار، کدهای اولیه مشابه یا نزدیک به هم از نظر مفهومی در یک گروه واحد ادغام شدند و این فرایند به شکل‌گیری مفاهیمی منجر شد که در نهایت مقوله‌ها را تشکیل دادند.

نگاره ۲. مفاهیم و مقولات شناسایی شده در رابطه با سؤالات مصاحبه

مقوله اصلی	کدهای باز	فراوانی	شماره مصاحبه شونده	شناسه
انعطاف‌پذیری و انطباق گزارشگری مالی	قابلیت سازگاری آگاهانه و سریع با تغییرات محیطی	۹	م ۷، م ۱۲، م ۳	C1
	انطباق با نیاز اطلاعاتی افراد ذینفع، ذیحق و ذیعلاقه	۱۰	م ۹، م ۱۰	C2
	انطباق با استانداردهای گزارشگری مالی	۹	م ۲، م ۵، م ۷، م ۱۱	C3
سرعت و عدم تأخیر در گزارشگری	شناخت فرصت‌های بازار و نیازمندی‌های ذینفعان	۱۱	م ۱۱، م ۱۲، م ۱۳	C4
	توانایی شناسایی سریع تغییرات محیطی	۱۰	م ۲، م ۶، م ۷، م ۱۰	C5
	پاسخگویی سریع و به‌موقع به نیازهای اطلاعاتی ذینفعان	۱۱	م ۱۴، م ۱۶، م ۱، م ۶	C6
شفافیت گزارشگری مالی	واکنش مناسب و فعالانه به فرصت‌ها و نیازها	۱۰	م ۸، م ۹، م ۱۰	C7
	پاسخگویی و افشای به‌موقع بودن اطلاعات	۱۲	م ۲، م ۹، م ۳، م ۵	C8
	توانایی انجام عملیات در کوتاه‌ترین زمان	۱۰	م ۵، م ۶، م ۷	C9
پایداری مالی و خلق ارزش بلندمدت	نداشتن تأخیر در افشای اطلاعات مالی	۹	م ۷، م ۸، م ۹	C10
	به‌هنگام بودن حسابرسی	۹	م ۸، م ۹، م ۱۰	C11
	توانایی گزارشگری مالی در انتقال اطلاعات مرتبط	۹	م ۴، م ۶، م ۷	C12
شرایط محیطی نامطمئن	قابلیت اطمینان کیفیت گزارشگری	۱۱	م ۲، م ۱۵	C13
	قابلیت مقایسه‌پذیری کیفیت گزارشگری	۱۰	م ۱۰، م ۱۴، م ۱۱	C14
	قابل فهم بودن گزارشگری مالی	۱۱	م ۶، م ۷، م ۸، م ۹	C15
شرایط محیطی نامطمئن	صورت‌های مالی قابلیت اتکا	۹	م ۴، م ۱۰، م ۱۲، م ۱۳	C16
	گزارش‌های دقیق و شفاف در زمان مناسب	۱۱	م ۳، م ۸، م ۱۰	C17
	ایجاد فرصت‌های رشد سرمایه‌گذاری	۹	م ۱۱، م ۶، م ۷، م ۸	C18
شرایط محیطی نامطمئن	کسب سهم بیشتری از بازار	۱۰	م ۶، م ۷، م ۱	C19
	افزایش قابلیت‌های پویای شرکت	۱۱	م ۶، م ۷، م ۸، م ۱	C20
	توانایی تفکر سریع و هوشمندانه	۹	م ۱۲، م ۱۳	C21
شرایط محیطی نامطمئن	توانایی سنجش رقبا	۱۱	م ۷، م ۱۵	C22
	انتخاب و تطبیق‌پذیری ساختار مطلوب سرمایه	۹	م ۶، م ۷	C23
	تنوع کارایی تأمین و تجهیز و تزریق منابع مالی	۱۱	م ۱۱، م ۱۳	C24
شرایط محیطی نامطمئن	افزایش بازده قیمت سهام	۱۰	م ۴، م ۵، م ۹	C25
	شرایط کشور (جنگ و تحریم و...)	۹	م ۸، م ۹	C26
	نرخ تورم	۱۰	م ۱۲، م ۷، م ۶	C27
شرایط محیطی نامطمئن	نرخ ارز	۱۰	م ۳، م ۹، م ۱۲	C28
	گسترده‌تر شدن فضای رقابتی	۹	م ۴، م ۶	C29
	عدم قطعیت جریان‌های نقدی آتی	۹	م ۱، م ۱۳، م ۱۵	C30
شرایط محیطی نامطمئن	نرخ دستمزدها و هزینه‌های جاری	۹	م ۸، م ۱، م ۶، م ۷	C31
	تغییرات روزمره در خدمات و وظایف شرکت‌ها	۱۰	م ۱۱، م ۲، م ۶، م ۷	C32
	تغییرات سریع در استانداردها بر اساس تأثیرات محیطی	۹	م ۲، م ۳، م ۱۳	C33
ساختار سازمانی و مالی مناسب	تغییر در ساختار حقوقی شرکت	۱۰	م ۶، م ۱۷	C34
	فرهنگ سازمانی	۱۱	م ۴، م ۷، م ۱۱	C35
	ساختار سازمانی منسجم	۹	م ۳، م ۸، م ۱۲	C36
ساختار سازمانی و مالی مناسب	نوآوری و دانش مالی شرکت	۱۰	م ۹، م ۱۴، م ۱۵	C37
	سلامت اقتصادی شرکت	۹	م ۷، م ۸، م ۹، م ۱۰	C38
	وجود فشارهای اهرمی همچون میزان بدهی‌های شرکت	۹	م ۱۱، م ۱۵	C39
ساختار سازمانی و مالی مناسب	وضعیت سودآوری شرکت	۱۰	م ۴، م ۱۱، م ۶، م ۷	C40
	سرعت انطباق‌پذیری سازمان با تغییرات محیطی	۱۲	م ۱، م ۵، م ۱۰، م ۱۴	C41

مقوله اصلی	کدهای باز	فراوانی	شماره مصاحبه شونده	شناسه
ویژگی‌ها و قابلیت‌های شرکت	نسبت‌های مالی	۱۱	م ۸، م ۹	C42
	شرایط قراردادهای وام	۹	م ۳، م ۴، م ۱۴	C43
	تجدید ارائه صورت‌های مالی	۱۰	م ۵، م ۱۲، م ۱۵	C44
	سطوح بالای حساب‌های دریافتی و موجودی کالا	۹	م ۸، م ۱۵	C45
	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و اهرم مالی	۱۱	م ۶، م ۷، م ۹، م ۱۶	C46
	خوش‌نامی و اعتبار شرکت در افشای گزارش‌های مالی	۱۰	م ۴، م ۱۰، م ۱۴	C47
	اندازه و قدمت شرکت	۹	م ۱۰، م ۹	C48
	خصوصی سازی مالکیت	۹	م ۶، م ۷، م ۸	C49
	پیچیدگی فعالیت و کیفیت کنترل‌های داخلی	۹	م ۶، م ۱۲	C50
	پیچیدگی عملکرد شرکت	۱۰	م ۶، م ۷	C51
	گزارش‌های مالی تلفیقی	۱۲	م ۱۱، م ۱۳	C52
	سودآوری و نسبت ارزش بازار	۱۰	م ۷، م ۱۴	C53
	انطباق شرکت با مقررات کمیته حسابرسی	۱۱	م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۵	C54
	تمرکز مالکیت	۹	م ۱۰، م ۱۳، م ۱۵	C55
	تخصص مالی و تجربی و نظارتی رئیس کمیته حسابرسی و هیئت مدیره	۹	م ۳، م ۴، م ۹	C56
مکانیزم‌ها و ساختار حاکمیت شرکتی	اختیار و استقلال هیئت مدیره	۹	م ۸، م ۹	C57
	تفکیک و یا ترکیب نقش مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره (دوگانگی مدیر عامل)	۱۰	م ۴، م ۵، م ۱۲	C58
	اندازه هیئت مدیره	۹	م ۱، م ۶، م ۷	C59
	وجود کمیته حسابرسی	۹	م ۱۱، م ۲، م ۱۷، م ۷	C60
	نسبت مالکیت سهامداران نهادی	۱۱	م ۶، م ۱۴	C61
	تعداد سهامداران عمده، صنعت	۹	م ۲، م ۱۲	C62
	نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۱۱	م ۴، م ۷، م ۹	C63
	صلاحیت و شجاعت اخلاقی حسابرسان داخلی	۱۰	م ۵، م ۱۶، م ۹	C64
	تعهد قوی در انجام حسابرسی	۹	م ۸، م ۹، م ۱۰	C65
	اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی	۱۱	م ۸، م ۶، م ۷	C66
شایستگی اخلاقی و ساختاری مؤسسه حسابرسی	حق الزحمه حسابرسی	۱۲	م ۱۰، م ۱۳	C67
	چرخش حسابرس	۹	م ۱، م ۶، م ۸	C68
	فصل حسابرسی	۹	م ۶، م ۷، م ۸، م ۹، م ۱۰	C69
	نادیده نگرفتن گزارش‌های نادرست	۹	م ۴، م ۱۰، م ۱۲، م ۱۴	C70
	دقت در تصمیم‌گیری	۱۰	م ۵، م ۱۱، م ۱۲	C71
	تجربه و صلاحیت حرفه‌ای حسابرس	۱۲	م ۱۱، م ۶، م ۷، م ۸	C72
	استقلال حسابرس در تهیه گزارشگری حسابرسی	۱۰	م ۶، م ۷، م ۱	C73
	عدم فشار هیات مدیره یا مدیر عامل	۱۱	م ۶، م ۷، م ۸، م ۱	C74
	کیفیت رابطه حسابرسی داخلی	۱۰	م ۱۱، م ۱۳	C75
	افشاگری داوطلبانه گزارش‌های مالی	۹	م ۷، م ۶، م ۸	C76
حمایت ارکان راهبری	فشار زمانی ادراک شده	۹	م ۲، م ۵، م ۱، م ۶	C77
	حمایت قانون‌گذاران	۹	م ۱۰، م ۱۴	C78
	حمایت نهادهای متولی و تشکل‌های حرفه‌ای حسابداری	۹	م ۳، م ۵	C79
	تصمیمات سیاست‌گذاران در نهادهای بالادستی	۱۱	م ۸، م ۹	C80
	حمایت راهبری شرکتی و سازوکارهای نظارتی	۱۲	م ۴، م ۱۵، م ۱۰	C81

مقوله اصلی	کدهای باز	فراوانی	شماره مصاحبه شونده	شناسه
فشار بازار سرمایه	نسبت نقدینگی بازار سهام	۹	م ۸، م ۱، م ۶ م ۷	C82
	ظرفیت بدهی و اندازه بازار سرمایه	۱۱	م ۱۱، م ۲، م ۴ م ۷	C83
	هزینه‌های سیاسی	۱۰	م ۲، م ۹، م ۱۶ م ۵	C84
	معامله با اشخاص وابسته	۹	م ۵، م ۶ م ۷	C85
	استمرار معاملات سهام و گردش سهام	۱۰	م ۷، م ۸ م ۹	C86
	نرخ بازده مورد نظر سرمایه‌گذاران	۱۱	م ۸، م ۹ م ۱۰	C87
	رویکردها و الزامات حسابداری	۱۰	م ۴، م ۶ م ۷	C88
	وجود قوانین و مقررات متعدد	۹	م ۲، م ۱۵	C89
	کاهش ارزش اطلاعات با تأخیر	۹	م ۱۰، م ۱۴ م ۱۱	C90
	وجود منابع اطلاعاتی زیاد	۹	م ۶ م ۱۶، م ۹ م ۱۰	C91
پیچیدگی گزارشات مالی	فاصله زمانی اندک انتشار صورت‌های مالی با وقوع رویدادهای مربوطه	۱۰	م ۴، م ۱۶، م ۱۲ م ۱۳	C92
	ابهامات گزارشگری مالی	۱۰	م ۳، م ۸ م ۱۰	C93
	محافظه کاری حسابداری	۱۱	م ۱۱، م ۶ م ۷، م ۸	C94
	اجتناب مالیاتی	۱۱	م ۶ م ۱۷، م ۱	C95
	تحریف اطلاعات و ارائه کمتر از واقع ارزش دارایی‌ها	۹	م ۶ م ۷، م ۸ م ۱	C96
	تقارن اطلاعاتی	۹	م ۱۲، م ۱۳	C97
	وجود اضافه بار اطلاعاتی	۱۰	م ۷، م ۱۵	C98
	عدم وجود اطلاعات قابل اتکا، قابل فهم، صحیح	۹	م ۶ م ۷	C99
	عدم گزارش تمام خطاها و اطلاعات توسط حسابرس	۱۰	م ۱۳، م ۱۱	C100
	اهمیت بالای گزارشگری مالی	۱۱	م ۴، م ۵ م ۹	C101
الزامات تشکیل کمیته حسابرسی	اهمیت و موقعیت حسابداری و حسابرسی	۹	م ۸، م ۱۶	C102
	تغییر در انتظارات استفاده‌کنندگان از محتوای گزارشات	۱۱	م ۸، م ۱، م ۱۷ م ۷	C103
	تشریح حسابداری و جایگاه آن در جامعه	۱۰	م ۱۱، م ۲، م ۶ م ۷	C104
	حسابرسی مستمر	۹	م ۶ م ۷	C105
	الزام شرکت‌ها به گزارشگری به‌موقع و سریع	۱۰	م ۷، م ۱۲، م ۳	C106
	مدیریت سرمایه در گردش	۹	م ۹، م ۱۷	C107
	توانایی تأمین منابع مالی در موارد پیش‌بینی نشده	۱۰	م ۲، م ۵، م ۷ م ۱۱	C108
	ایجاد و توسعه‌ی خط مشی هوشمند	۹	م ۱۱، م ۱۶، م ۱۳	C109
	برنامه‌ریزی فروش، عملیاتی و مالی	۹	م ۲، م ۶ م ۷، م ۱۰	C110
	تحلیل ظرفیت و بهای جریان ارزش	۹	م ۱۴، م ۳، م ۶ م ۷	C111
برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ناب	وضعیت جاری و وضعیت آینده‌انگاره‌های جریان ارزش	۱۱	م ۸، م ۹ م ۱۰	C112
	برنامه ریزی برای مزایای مالی حاصل از تغییرات ناب	۱۰	م ۷، م ۸، م ۹ م ۱۰	C113
	برنامه‌ریزی سرمایه‌ای	۱۱	م ۱۱، م ۱۵	C114
	سرمایه‌گذاری در منابع انسانی	۱۰	م ۴، م ۱۵، م ۶ م ۷	C115
	سنجش عملکرد با ردیابی مشارکت در بهبود مستمر، رضایت و آموزش نیروی انسانی	۱۱	م ۱، م ۵، م ۱۰، م ۱۴	C116
	اشتراک‌سازی سود	۹	م ۸، م ۹	C117
	توانمندسازی هیئت مدیره واحد تجاری	۱۱	م ۳، م ۴، م ۱۴	C118
	ایجاد فرصت برای مدیران جهت اعمال قضاوت حرفه‌ای	۹	م ۸، م ۱۶	C119
	نیروی انسانی ماهر و با دانش حسابداری	۱۱	م ۵، م ۱۲، م ۱۵	C120
	مسئولیت‌پذیری اعضا	۹	م ۸، م ۱۵	C121
توسعه ظرفیت‌های انسانی				

مقوله اصلی	کدهای باز	فراوانی	شماره مصاحبه شونده	شناسه
توسعه حسابداری ناب	داشتن مدیران آگاه به تحولات و تغییرات در حوزه گزارشگری	۹	م ۱۴، م ۹، م ۱۳	C122
	داشتن مدیران پاسخگو و با دقت	۱۱	م ۸، م ۹	C123
	انگیزه پاداش و علایق مدیران	۱۰	م ۵، م ۱۴، م ۱۵	C124
	حذف اتلاف منابع فرایندهای گزارشها	۹	م ۲، م ۳، م ۴	C125
	اطلاعات درست، به هنگام و فهم پذیر	۹	م ۱۶، م ۱۰	C126
	قابلیت پیگیری گزارشگری مالی	۱۱	م ۸، م ۹، م ۱۴	C127
	جامعیت گزارشگری مالی	۱۰	م ۱۰، م ۱۱، م ۱۲	C128
	مربوط بودن گزارشگری مالی	۹	م ۵، م ۱۷، م ۱۵	C129
	استقرار سیستم کنترل داخلی اثربخش	۹	م ۶، م ۹	C130
توسعه حسابرسی داخلی مبتنی بر کنترل عملیاتی ناب	تقویت فرهنگ پاسخگویی - پاسخ خواهی	۱۱	م ۵، م ۶، م ۸، م ۹	C131
	تقویت مکانیزم نظارتی و اصلاح ساختارهای آن	۱۰	م ۴، م ۵، م ۱۴	C132
	ارزیابی حسابرسی گزارشات مالی	۱۰	م ۵، م ۱۴، م ۳	C133
	ماتریس حذف تراکنشهای زائد	۱۱	م ۷، م ۹، م ۱۰، م ۱۳	C134
	ارزشیابی موجودی کالا	۱۰	م ۵، م ۸، م ۱۱	C135
تقویت زیرساختارهای گزارشگری مالی	بهبود شرایط و اصلاح ساختار اقتصادی	۹	م ۱، م ۱۱، م ۱۲	C136
	تغییر روش گزارشگری از سنتی به گزارشگری یکپارچه	۹	م ۴، م ۱۰، م ۱۴	C137
	تغییر رویکرد از داراییهای فیزیکی به داراییهای مالی	۱۰	م ۱۰، م ۹	C138
	داشتن دستور العملهای قوی و مناسب	۹	م ۶، م ۷، م ۱۶	C139
	تعیین میزان و چگونگی افشای اطلاعات در این حوزه	۱۱	م ۶، م ۱۲	C140
استانداردسازی گزارشگری از لحاظ کمیت و کیفیت افشاء	کمی نمودن شاخصهای گزارشهای مالی	۱۰	م ۶، م ۷	C141
	استفاده از تجربیات و دستاورد کشورهای توسعه یافته	۹	م ۱۱، م ۱۳	C142
	یکسان سازی با قوانین بین المللی	۱۱	م ۷، م ۴	C143
	داشتن نهادی متولی، منسجم و متخصص	۱۰	م ۶، م ۱۷، م ۸، م ۱۵	C144
	تعیین چارچوب نظری مناسب برای گزارشگری	۹	م ۱۰، م ۱۳، م ۱۵	C145
بکارگیری استراتژیهای رقابتی هوشمندانه	رفع چالشهای پیاده سازی استانداردها	۹	م ۳، م ۴، م ۹	C146
	تدوین فرایند و پیاده سازی استانداردها	۱۱	م ۸، م ۹	C147
	ظرفیت و سرعت در تهیه منابع واکنشهای تدافعی	۹	م ۴، م ۱۶، م ۱۲	C148
	ظرفیت و سرعت در تهیه منابع واکنشهای تهاجمی	۹	م ۱، م ۶، م ۷	C149
	استفاده از فرصت های غیرمنتظره با توجه به سیاست های مالی و ساختار مالی شرکت ها	۹	م ۱۱، م ۲، م ۶، م ۷	C150
طراحی و اجرای سیستم های	استفاده از راهبرد جستجوگرانه یا متحورانه	۱۱	م ۶، م ۱۴	C151
	عدم ریسک گریزی شرکت	۱۱	م ۲، م ۱۲	C152
	تعدیل های مکرر و سازگاری با بازار	۱۰	م ۴، م ۷، م ۹	C153
	استفاده از رویکردهای نوین حسابرسی (حسابرسی مستمر)	۱۱	م ۵، م ۶، م ۹	C154
	استفاده از گزارشگری مالی تحت وب	۹	م ۸، م ۱۴، م ۱۰	C155
طراحی و اجرای سیستم های	استفاده از راهبرد گردش مالی بالا	۹	م ۸، م ۶، م ۷	C156
	پیش بینی و سازگاری با محیط پویا	۹	م ۱۰، م ۱۳	C157
	استراتژی تهاجمی با توجه به اطلاعات آتی	۱۱	م ۱، م ۶، م ۸	C158
	استفاده از ERP	۱۰	م ۶، م ۷، م ۹، م ۱۰	C159
	سیستمی نمودن تهیه گزارشات مالی	۹	م ۴، م ۱۰، م ۱۲، م ۱۴	C160
	ارزیابی آنها در حسابرسی گزارشات مالی	۹	م ۵، م ۱۱، م ۱۲	C161

مقوله اصلی	کدهای باز	فراوانی	شماره مصاحبه شونده	شناسه
اطلاعات مالی	حجم داده‌ها و تنوع اطلاعات	۹	م ۱۱، م ۶، م ۱۵، م ۸	C162
	توسعه ظرفیت‌های فیزیکی گزارشگری مالی	۱۱	م ۶، م ۷، م ۱	C163
	داشتن زیر ساختارهای لازم در حوزه فناوری	۱۰	م ۶، م ۷، م ۸، م ۱	C164
	توان رشد و پرداخت حقوق صاحبان سرمایه	۹	م ۱۱، م ۱۳	C165
	افزایش بهره وری منابع موجود	۱۰	م ۱۷، م ۶، م ۸	C166
	قدرت پرداخت تعهدات	۱۰	م ۲، م ۵، م ۱، م ۶	C167
	کاهش نوسانات قیمتی سهام	۱۰	م ۱۰، م ۱۲	C168
کاهش آشفته‌گی و درماندگی مالی	افزایش ظرفیت بدهی و کاهش هزینه‌های ورشکستگی	۹	م ۳، م ۵	C169
	افزایش ارزش وثیقه گذاری دارایی‌ها خود	۹	م ۸، م ۹	C170
	کارایی تغییر و اصلاح مبالغ زمان‌بندی جریان‌های نقدی	۱۰	م ۴، م ۷، م ۱۰	C171
	کاهش هزینه نمایندگی	۱۱	م ۸، م ۱۷، م ۶، م ۷	C172
	کاهش هزینه‌های عملیاتی	۱۰	م ۱۱، م ۲، م ۴، م ۷	C173
	کاهش هزینه سرمایه	۱۱	م ۲، م ۹، م ۳، م ۵	C174
	اعتباربخشی به گزارش‌های مالی	۱۰	م ۸، م ۹، م ۱۰	C175
توسعه کیفیت و اثربخشی گزارشگری مالی	افزایش اعتماد استفاده کننده از اطلاعات مالی	۱۱	م ۴، م ۱۶، م ۷	C176
	ارتقای ارزش محتوای اطلاعاتی گزارشگری مالی	۹	م ۱۰، م ۱۳	C177
	ایمن‌سازی گزارشگری مالی	۹	م ۵، م ۹	C178
	سریع‌تر و ارزان‌تر کردن گزارشگری مالی	۱۰	م ۶، م ۷، م ۸	C179
	گزارش مرتبط با نیاز و خواسته اطلاعاتی استفاده‌کنندگان	۱۱	م ۱۴، م ۹، م ۱۳	C180
	بهینه سازی فرایندهای گزارشگری مالی	۱۱	م ۵، م ۱۴، م ۱۵	C181
	رفع نقاط ضعف موجود گزارشگری مالی	۹	م ۲، م ۳، م ۴	C182
افزایش وجهه اجتماعی	افزایش ارزش خوشنامی شرکت	۱۱	م ۲، م ۱۰	C183
	توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت	۱۰	م ۶، م ۹	C184
	توسعه سرمایه اجتماعی شرکت	۹	م ۵، م ۸، م ۱۱	C185
	خلق ارزش برای ذینفعان	۱۰	م ۵، م ۱۶، م ۸، م ۹	C186
	هم راستا نمودن منافع افراد، شرکت‌ها و جامعه	۱۱	م ۴، م ۵، م ۱۴	C187
	کاهش دستکاری فعالیت‌های واقعی	۱۱	م ۵، م ۱۴، م ۳	C188
	کاهش اشتباهات و ایرادات گزارشگری سنتی	۹	م ۷، م ۹، م ۱۷، م ۱۳	C189
کاهش عدم تقارن اطلاعاتی	کاهش انگیزه گزارشگری مالی متقلبان	۹	م ۵، م ۸، م ۱۱	C190
	ترویج افشای داوطلبانه اطلاعات	۱۰	م ۱، م ۱۱، م ۱۲	C191
	کاهش فرصت‌های دستکاری سود	۹	م ۸، م ۱۵، م ۱۰	C192
	افزایش پاسخگویی و شفافیت	۱۰	م ۴، م ۶، م ۷	C193
	ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری	۱۱	م ۱۰، م ۱۳	C194
	رشد و توسعه نهادهای سرمایه گذاری	۱۰	م ۵، م ۹	C195
	توسعه دامنه استفاده کنندگان از گزارشات	۱۲	م ۷، م ۱۲، م ۳	C196
تصمیم‌گیری بهینه ذینفعان و اثربخشی سرمایه‌گذاری	بهبود فرصت تصمیم‌گیری برای همه ذینفعان	۱۳	م ۹، م ۱۰	C197
	جلب اطمینان و تأمین انتظارات ذینفعان از سرمایه‌گذاری	۱۰	م ۲، م ۵، م ۷، م ۱۱	C198
	تسهیل گر نظارت سرمایه‌گذاران بر رعایت مفاد قراردادهای	۹	م ۱۱، م ۱۲، م ۱۳	C199
	افزایش نرخ فروش	۹	م ۲، م ۶، م ۷، م ۱۰	C200
	تغییرات و تجدید ساختار در خط تولید	۱۰	م ۱۴، م ۱۶، م ۱، م ۶	C201
	معرفی محصولات جدید و توان بالقوه بازارهای جدید	۱۱	م ۸، م ۹، م ۱۰	C202
	افزایش ارزش روز شرکت	۱۲	م ۲، م ۹، م ۳، م ۵	C203
کسب فرصت‌های بازار رقابتی				

مقوله اصلی	کدهای باز	فراوانی	شماره مصاحبه شونده	شناسه
	افزایش توانایی رقابت پذیری	۹	م ۵، م ۶، م ۷	C204
	شناسایی فرصت‌های نوآورانه	۱۰	م ۱۴، م ۱۶، م ۱	C205
	ارزیابی صحیح‌تر عملکرد آینده واحد تجاری	۹	م ۷، م ۱۲، م ۳	C206
	ارتباطات سریع و پیوسته با بازار سهام	۱۰	م ۹، م ۱۰	C207
	گسترش پیوند با سرمایه‌گذاران خارجی	۹	م ۲، م ۵، م ۷، م ۱۱	C208
	ورود به عرصه اقتصادی جهانی	۱۱	م ۱۱، م ۱۲، م ۱۳	C209

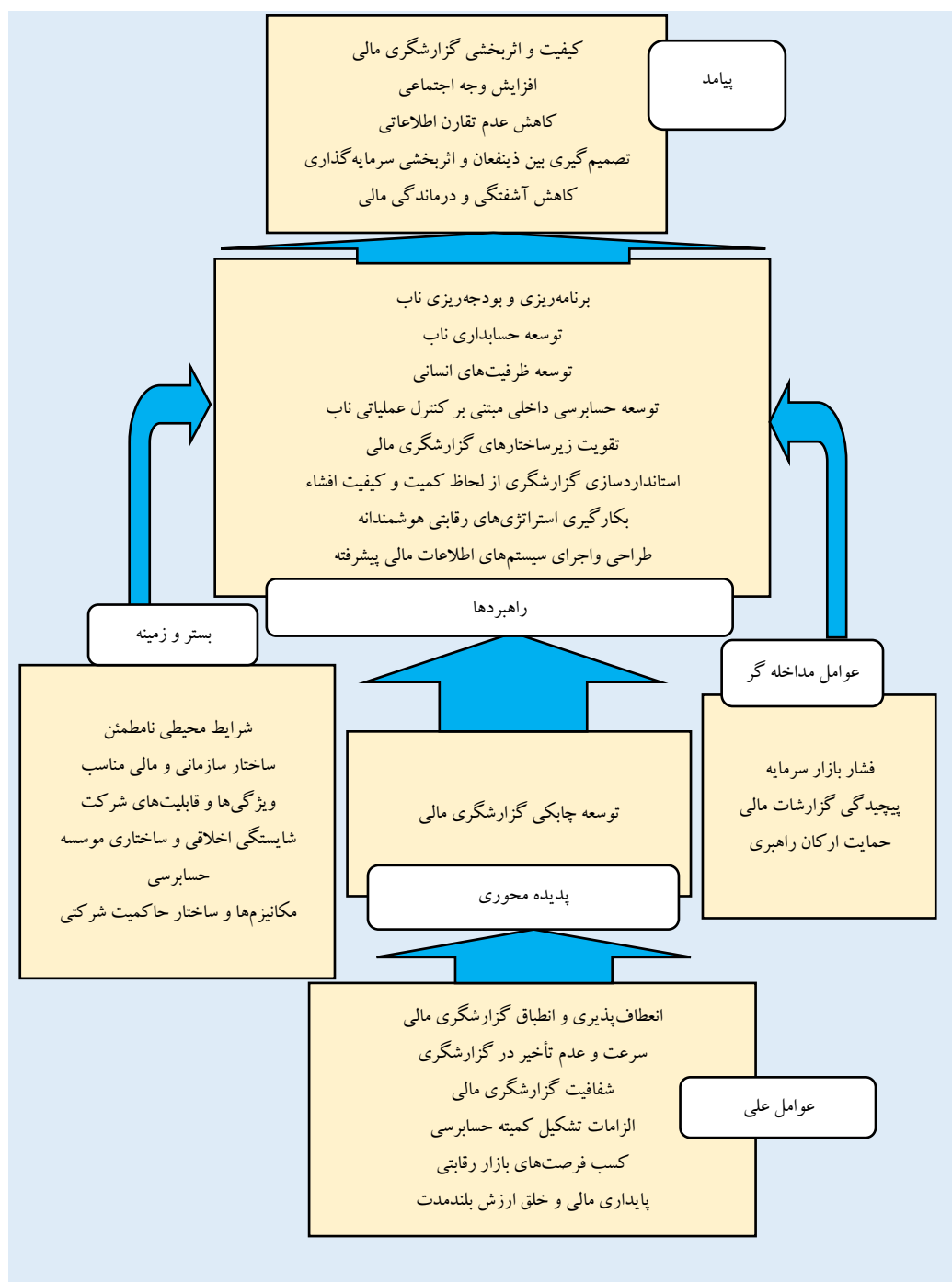
در مرحله کدگذاری محوری علاوه بر گزینش یک مقوله به عنوان مقوله محوری اجزای کدگذاری محوری از قبیل شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، متغیرهای مداخله گر، راهبردها و پیامدها با استفاده از داده‌های گردآوری شده به صورت نگاره (۳) مشخص شدند. مهم‌ترین گام در مرحله کدگذاری انتخابی، ترسیم کدهای منتخب ناشی از مقولات علی، محوری، راهبردی، پیامدی و زمینه‌ای است. مقوله‌ی اصلی (محوری) یا پدیده‌ی اصلی (هسته) مورد مطالعه، پدیده مورد نظر، ایده و فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای است که جریان کنش‌ها و واکنش‌ها به سوی آن رهنمون می‌شوند تا آن را اداره، کنترل و یا به آن پاسخ دهند. پدیده محوری مورد مطالعه در این پژوهش توسعه چابکی گزارشگری مالی می‌باشد.

نگاره (۳). نتایج مربوط به کدگذاری محوری

مقوله اصلی	مقوله‌های منتخب (ابعاد)	مقوله	تعداد مفاهیم
عوامل علی	الزامات	انعطاف‌پذیری و انطباق گزارشگری مالی	۴
		سرعت و عدم تأخیر در گزارشگری	۷
		شفافیت گزارشگری مالی	۶
		الزامات تشکیل کمیته حسابرسی	۶
		کسب فرصت‌های بازار رقابتی	۱۰
		پایداری مالی و خلق ارزش بلندمدت	۸
بسترها و زمینه‌ها	محیط و شرایط لازم	شرایط محیطی نامطمئن	۹
		ساختار سازمانی و مالی مناسب	۱۰
		ویژگی‌ها و قابلیت‌های شرکت	۱۱
		شایستگی اخلاقی و ساختاری موسسه حسابرسی	۱۴
		مکانیزم‌ها و ساختار حاکمیت شرکتی	۹
		چابکی گزارشگری مالی	-
عوامل مداخله گر	محدودکننده‌ها و تسهیل‌گرها	فشار بازار سرمایه	۶
		پیچیدگی گزارشات مالی	۱۳
		حمایت ارکان راهبری	۴
		برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ناب	۹
		توسعه حسابداری ناب	۵
		توسعه ظرفیت‌های انسانی	۷
راهبردها	فرایندها و سازوکارها	توسعه حسابرسی داخلی مبتنی بر کنترل عملیاتی ناب	۶
		تقویت زیرساخت‌های گزارشگری مالی	۶
		استانداردسازی گزارشگری از لحاظ کمیت و کیفیت افشاء	۶
		بکارگیری استراتژی‌های رقابتی هوشمندانه	۱۱
		طراحی و اجرای سیستم‌های اطلاعات مالی پیشرفته	۶
		توسعه کیفیت و اثربخشی گزارشگری مالی	۸

مقوله اصلی	مقوله‌های منتخب (ابعاد)	مقوله	تعداد مفاهیم
	پیامدهای توسعه	افزایش وجهه اجتماعی	۵
	چابکی گزارشگری	کاهش عدم تقارن اطلاعاتی	۶
	مالی	تصمیم‌گیری بهینه ذینفعان و اثربخشی سرمایه‌گذاری	۶
		کاهش آشفتگی و درماندگی مالی	۱۰
مجموع	۶	۲۷	۲۰۸

به طور خلاصه نتایج به دست آمده عوامل علی شامل ۴۱ مفهوم و در مقوله‌های انعطاف‌پذیری و انطباق گزارشگری مالی، سرعت و عدم تأخیر در گزارشگری، شفافیت گزارشگری مالی، الزامات تشکیل کمیته حسابرسی، کسب فرصت‌های بازار رقابتی، پایداری مالی و خلق ارزش بلندمدت دسته‌بندی شد؛ به علاوه شرایط زمینه‌ای بر اساس ۵۳ مفهوم باز در مقوله‌های شرایط محیطی نامطمئن، ساختار سازمانی و مالی مناسب، ویژگی‌ها و قابلیت‌های شرکت، شایستگی اخلاقی و ساختاری موسسه حسابرسی، مکانیزم‌ها و ساختار حاکمیت شرکتی احصا شده است؛ عوامل مداخله‌گر با توجه به ۲۳ کد مفهومی در دو بعد موانع (فشار بازار سرمایه و پیچیدگی گزارشات مالی) و تسهیل‌گرها (حمایت ارکان راهبری) طبقه‌بندی گردید؛ همچنین راهبردها با تأکید بر ۵۶ مفهوم در عواملی همچون برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ناب، توسعه حسابداری ناب، توسعه ظرفیت‌های انسانی، توسعه حسابرسی داخلی مبتنی بر کنترل عملیاتی ناب، تقویت زیرساختارهای گزارشگری مالی، استانداردسازی گزارشگری از لحاظ کمیت و کیفیت افشاء، بکارگیری استراتژی‌های رقابتی هوشمندانه، طراحی و اجرای سیستم‌های اطلاعات مالی پیشرفته دسته‌بندی شدند و در نهایت پیامدها بر اساس ۳۵ کدباز در پنج بعد توسعه کیفیت و اثربخشی گزارشگری مالی، افزایش وجه اجتماعی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تصمیم‌گیری بهینه ذینفعان و اثربخشی سرمایه‌گذاری، کاهش آشفتگی و درماندگی مالی احصا شده‌اند. با استفاده از نتایج کدگذاری باز و محوری، مدل توسعه چابکی گزارشگری مالی را بر اساس پارادایم شش‌گانه به شرح شکل (۱) خواهد بود.



شکل ۱. مدل پارادایمی توسعه چابکی گزارشگری مالی

طبق نظر انورو^۱ (۲۰۲۳) ارزیابی صحت علمی پژوهش‌های کیفی بر پایه چهار معیار اعتبار، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری انجام می‌شود. برای تضمین اعتبار، نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت، پژوهشگر به صورت طولانی مدت در میدان پژوهش حضور داشت و چندجانبه‌نگری داده‌ها اعمال شد. برای اطمینان‌پذیری، بازرسی دقیق داده‌ها، مستندسازی کامل فرایندها، روش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها توسط پژوهشگر و چندجانبه‌نگری پژوهشگر اجرا گردید. در راستای تأییدپذیری، نتایج به صورت موازی بررسی شده و انعکاسی بودن آنها ارزیابی شد. برای انتقال‌پذیری، توصیف جامعی از محیط پژوهش، ویژگی‌های شرکت‌کنندگان و تنوع دیدگاه‌ها و تجربیات مصاحبه‌شوندگان ارائه شد. تحلیل داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری انجام شد. در

¹ Enworo

کدگذاری باز، کدهای اولیه استخراج‌شده از مصاحبه‌ها (با روش شناسایی نکات کلیدی) بررسی شدند و کدهایی که به موضوعات مشترک اشاره داشتند، گروه‌بندی شده و مفاهیم اولیه را تشکیل دادند. از مقایسه و دسته‌بندی این مفاهیم، مقوله‌ها استخراج شدند. در کدگذاری محوری، برای پیوند دادن مقوله‌های اصلی به مقوله‌های فرعی، از الگوی پارادایمی استفاده شد تا اجزای کلیدی شامل شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، متغیرهای مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی شوند. در نهایت، در کدگذاری انتخابی، بر اساس روابط شناسایی‌شده میان مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در مراحل پیشین، مقوله‌ها به‌صورت نظام‌مند به یکدیگر مرتبط شده و چارچوب نظری پژوهش ارائه گردید.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه مدل چابکی گزارشگری مالی مبتنی بر نظریه داده بنیاد بود بر اساس نتایج تحلیل مصاحبه‌ها مشخص شد که عوامل علی شامل در مقوله‌های انعطاف‌پذیری و انطباق گزارشگری مالی، سرعت و عدم تأخیر در گزارشگری، شفافیت گزارشگری مالی، الزامات تشکیل کمیته حسابرسی، کسب فرصت‌های بازار رقابتی، پایداری مالی و خلق ارزش بلندمدت هستند. عوامل علی به عنوان محرک‌های اصلی چابکی گزارشگری مالی شناسایی شده‌اند. بحث حاضر بر نقش سرعت و عدم تأخیر در گزارشگری مالی و شفافیت گزارشگری به عنوان عوامل کلیدی چابکی تأکید دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی مانند رجبی و همکاران (۱۴۰۳) که رابطه مثبت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری با کیفیت سود را نشان دادند، همسو است. همچنین، تأکید بر پاسخگویی به نیازهای ذینفعان و قابلیت اطمینان با پژوهش کلاری دارون کلاً (۱۳۹۹) که به‌موقع بودن و قابلیت اطمینان را به عنوان ارکان کیفیت گزارشگری مالی معرفی کرد، همخوانی دارد. از سوی دیگر، نیک کار و محمدی (۱۳۹۸) و مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) نیز بر اهمیت مدیریت توانمند و استراتژی شرکت در بهبود به‌موقع بودن گزارشگری تأکید داشتند که در بحث حاضر به شکل شناسایی فرصت‌های بازار و واکنش سریع به تغییرات بازتاب یافته است. این عوامل نشان می‌دهند که سازمان‌ها برای دستیابی به چابکی در گزارشگری مالی باید به سرعت و دقت در ارائه اطلاعات مالی توجه کنند، شفافیت را در گزارش‌های خود افزایش دهند و از فرصت‌های بازار رقابتی بهره‌برداری کنند. همچنین، تشکیل کمیته حسابرسی و پایداری مالی به عنوان عوامل کلیدی در ایجاد چابکی گزارشگری مالی شناخته شده‌اند در تفسیر این یافته‌ها باید اشاره کرد قابلیت سازگاری آگاهانه و سریع با تغییرات محیطی، انطباق با نیازهای اطلاعاتی افراد ذی‌نفع و انطباق با استانداردهای گزارشگری مالی و شناخت فرصت‌های بازار و نیازمندی‌های ذینفعان می‌تواند بر توسعه چابکی گزارشگری مالی تأثیرگذار باشند همچنین لازمه توسعه چابکی شناسایی سریع تغییرات محیطی، پاسخگویی سریع و به‌موقع به نیازهای اطلاعاتی ذینفعان، واکنش مناسب و فعالانه به فرصت‌ها و نیازهای غیرمنتظره و در نهایت پاسخگویی و افشای به‌موقع بودن اطلاعات می‌باشد، از سویی توجه به قابلیت اطمینان، مقایسه‌پذیری و قابل فهم بودن نیز کیفیت گزارشگری را ارتقا می‌دهد. در راستای افزایش نرخ فروش، کسب سهم بیشتری از بازار، افزایش بازده قیمت سهام و شناسایی فرصت‌های نوآورانه و تغییرات و تجدید ساختار در خط تولید توجه به ارتباطات سریع و پیوسته با بازار سهام، گسترش پیوند با سرمایه‌گذاران خارجی و ورود به عرصه اقتصادی جهانی از عوامل مهم توسعه تأثیرگذار بر چابکی گزارشگری مالی هستند همچنین الزام شرکت‌ها به گزارشگری به‌موقع و سریع و تغییر در انتظارات استفاده‌کنندگان از محتوای گزارشات اهمیت بالای گزارشگری مالی را نشان می‌دهد.

شرایط زمینه‌ای شامل عواملی هستند که بستر لازم برای تحقق چابکی گزارشگری مالی را فراهم می‌کنند. این شرایط شامل شرایط محیطی نامطمئن، ساختار سازمانی و مالی مناسب، ویژگی‌ها و قابلیت‌های شرکت، شایستگی اخلاقی و ساختاری موسسه حسابرسی، مکانیزم‌ها و ساختار حاکمیت شرکتی هستند. این بحث ساختار سازمانی منعطف و حاکمیت شرکتی قوی را به عنوان بستر چابکی گزارشگری مالی معرفی می‌کند. شایستگی اخلاقی موسسه حسابرسی به عنوان یک عامل زمینه‌ای، با پژوهش کاواسه و همکاران (۲۰۲۱) که تأثیر تخصص هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی داخلی بر گزارشگری مالی را تأیید کردند، همخوانی دارد. علاوه بر این، تأثیر شرایط محیطی نامطمئن (مانند تحریم و تورم) بر نیاز به چابکی، با یافته‌های جهانبخش قره باغی و پورزمانی (۱۴۰۰) درباره رابطه منفی اختلالات مدیریتی با چابکی گزارشگری، ارتباط مفهومی پیدا می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که سازمان‌ها برای دستیابی به چابکی گزارشگری مالی باید در محیط‌های نامطمئن بتوانند به سرعت واکنش نشان

دهند، ساختار سازمانی و مالی منعطفی داشته باشند و از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی برخوردار باشند. همچنین، شایستگی اخلاقی و ساختاری موسسه حسابرسی به عنوان یک عامل مهم در ایجاد اعتماد و شفافیت در گزارشگری مالی شناخته شده است. نظر به مقوله‌های شناسایی شده می‌توان گفت که از یک طرف شرایط کشور (جنگ و تحریم و...)، نرخ تورم، نرخ ارز، گسترده‌تر شدن فضای رقابتی، عدم قطعیت جریان‌های نقدی آتی و تغییرات سریع در استانداردها بر اساس تأثیرات محیطی شرایط محیطی نامطمئن را فراهم آورده است و از طرف دیگر تخصص مالی و تجربی و نظارتی رئیس کمیته حسابرسی و هیئت مدیره، نوآوری و دانش مالی شرکت، سلامت اقتصادی شرکت، وجود فشارهای اهرمی همچون میزان بدهی‌های شرکت، سرعت انطباق‌پذیری سازمان با تغییرات محیطی و پیچیدگی عملکرد شرکت و ساختار سازمانی و مالی شرکت نیز بستری مهم برای توسعه چابکی گزارشگری مالی محسوب می‌شود.

عوامل مداخله گر شامل موانع و تسهیل‌گرها هستند. موانع عواملی هستند که می‌توانند دستیابی به چابکی گزارشگری مالی را با مشکل مواجه کنند. این موانع به سازمان‌ها فشار وارد کرده و باعث کاهش سرعت، دقت و شفافیت در گزارشگری مالی می‌شوند. دو مانع اصلی شناسایی شده در این تحقیق عبارتند از: پیچیدگی گزارشات مالی و فشار بازار سرمایه. این یافته‌ها پیچیدگی گزارشات مالی و فشار بازار سرمایه را به عنوان موانع چابکی گزارشگری معرفی می‌کند. این موضوع با پژوهش چن و همکاران (۲۰۲۲) که ارتباط ویژگی‌های مؤسسات حسابرسی با پیچیدگی گزارشگری را نشان دادند، همسوست. همچنین، تأکید بر حمایت ارکان راهبری به عنوان تسهیل‌گر، با پژوهش اوسی و تاکتاک (۲۰۱۸) درباره اثربخشی کمیته حسابرسی بر بهنگام بودن گزارشگری مالی و یافته‌های خدیر و همکاران (۲۰۲۳) در مورد نقش حسابرسی داخلی چابک، همخوانی دارد. فشار بازار سرمایه به شرایطی اشاره دارد که در آن سازمان‌ها تحت تأثیر انتظارات سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی و سایر ذینفعان قرار می‌گیرند. این فشار می‌تواند باعث شود سازمان‌ها به جای تمرکز بر ارائه اطلاعات دقیق و شفاف، به دنبال دستکاری یا پنهان‌سازی اطلاعات مالی باشند تا انتظارات کوتاه‌مدت بازار را برآورده کنند. این امر می‌تواند به کاهش کیفیت گزارش‌های مالی و تأخیر در ارائه اطلاعات منجر شود. فشار بازار سرمایه همچنین می‌تواند باعث شود سازمان‌ها به جای تمرکز بر اهداف بلندمدت، به صورت کوتاه مدت عمل کنند، که این خود مانعی برای دستیابی به چابکی گزارشگری مالی است و از طرفی پیچیدگی گزارشات مالی به افزایش حجم و دشواری درک اطلاعات مالی اشاره دارد. استانداردهای حسابداری پیچیده، قوانین متعدد و الزامات گزارشگری می‌توانند باعث شوند که تهیه و ارائه گزارش‌های مالی زمان‌بر و پرزحمت شود. این پیچیدگی می‌تواند به تأخیر در گزارشگری مالی و کاهش شفافیت اطلاعات منجر شود. علاوه بر این، پیچیدگی گزارشات مالی می‌تواند باعث سردرگمی ذینفعان شده و توانایی آنها را برای درک و استفاده از اطلاعات مالی کاهش دهد. این امر به نوبه خود می‌تواند چابکی گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. تسهیل‌گرها نیز عواملی هستند که می‌توانند به سازمان‌ها در دستیابی به چابکی گزارشگری مالی کمک کنند. این عوامل باعث کاهش موانع و افزایش سرعت، دقت و شفافیت در گزارشگری مالی می‌شوند. مهم‌ترین تسهیل‌گر شناسایی شده در این تحقیق عبارت است از: حمایت ارکان راهبری. حمایت ارکان راهبری (مانند هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و مدیران ارشد) یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل‌گرکننده چابکی گزارشگری مالی است. زمانی که ارکان راهبری از چابکی گزارشگری مالی حمایت کنند، سازمان‌ها می‌توانند به راحتی منابع لازم را برای بهبود فرآیندهای گزارشگری مالی تأمین کنند. این حمایت می‌تواند شامل تأمین بودجه، استخدام نیروهای متخصص، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر شفافیت و پاسخگویی باشد. علاوه بر این، حمایت ارکان راهبری می‌تواند به کاهش فشارهای داخلی و خارجی کمک کرده و سازمان‌ها را در دستیابی به چابکی گزارشگری مالی یاری کند. در نهایت باید اشاره کرد که فشار بازار سرمایه با توجه به نسبت نقدینگی بازار سهام، هزینه‌های سیاسی و نرخ بازده مورد نظر سرمایه‌گذاران می‌تواند مانعی در راستای توسعه چابکی گزارشگری مالی باشد این در حالی است که رویکردها و الزامات حسابداری بر اساس وجود قوانین و مقررات متعدد پیچیدگی‌های گزارشگری را دو چندان کرده است و با توجه به فاصله زمانی اندک انتشار صورت‌های مالی با وقوع رویدادهای مربوطه و وجود منابع اطلاعاتی زیاد موجب تأخیر در گزارشگری می‌گردد که این تأخیر با محافظه کاری حسابداری، اجتناب مالیاتی تقارن اطلاعاتی همراه می‌باشد. با این وجود حمایت نهادهای متولی و تشکل‌های حرفه‌ای حسابداری و تصمیمات سیاست‌گذاران در نهادهای بالادستی و سازوکارهای نظارتی یک منبع تسهیل‌گر مهم در راستای توسعه چابکی گزارشگری مالی به شمار می‌روند.

راهبردهای شناسایی شده در این تحقیق شامل برنامه ریزی و بودجه ریزی ناب، توسعه حسابداری ناب، توسعه ظرفیت‌های انسانی، توسعه حسابرسی داخلی مبتنی بر کنترل عملیاتی ناب، تقویت زیرساخت‌های گزارشگری مالی، استانداردسازی گزارشگری از لحاظ کمیت و کیفیت افشاء، بکارگیری استراتژی‌های رقابتی هوشمندانه و طراحی و اجرای سیستم‌های اطلاعات مالی پیشرفته هستند. این راهبردها نشان می‌دهند که سازمان‌ها برای دستیابی به چابکی گزارشگری مالی باید به دنبال بهبود فرایندهای داخلی، توسعه منابع انسانی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته در گزارشگری مالی باشند. راهبردهای پیشنهادی مانند استانداردسازی افشاء و استفاده از فناوری پیشرفته، با مطالعات خارجی مانند ستیوان و یولینا (۲۰۲۲) که بر نقش چابکی فرایندهای کسب‌وکار و فناوری اطلاعات در بهبود مزیت رقابتی تأکید داشتند، همسوست. با توجه به این یافته‌ها باید اشاره کرد در راستای توسعه چابکی گزارشگری مالی توجه به برنامه‌ریزی برای مزایای مالی حاصل از تغییرات ناب، تحلیل ظرفیت و بهای جریان ارزش می‌تواند همچون یک خط‌مشی هوشمند عمل نماید، به علاوه با سنجش عملکرد، بهبود مستمر، رضایت و آموزش نیروی انسانی در جهت توانمندسازی نیروی انسانی ماهر و با دانش حسابداری تلاش نمود و از طرفی با داشتن مدیران آگاه به تحولات و تغییرات در حوزه گزارشگری و ایجاد فرصت‌هایی برای مدیران در جهت اعمال قضاوت حرفه‌ای به توانمندسازی هیئت مدیره واحد تجاری کمک نمود و مهم‌تر این که با حذف اتلاف منابع فرایندهای گزارش‌ها و اطلاعات درست، جامع، مربوط، به‌هنگام و فهم پذیر و قابل پی‌گیری به توسعه حسابداری ناب پرداخت و با تغییر روش گزارشگری مالی از گزارشگری سنتی به گزارشگری یکپارچه و تغییر رویکرد از دارایی‌های فیزیکی به دارایی‌های مالی به تقویت زیرساخت‌های گزارشگری مالی پرداخت. همچنین می‌توان با استفاده از تجربیات و دستاوردهای کشورهای توسعه‌یافته، یکسان‌سازی با قوانین بین‌المللی و با داشتن نهادی متولی، منسجم و متخصص در امر گزارشگری یک چارچوب نظری مناسب برای گزارشگری تعیین نمود و با بکارگیری استراتژی‌های رقابتی هوشمندانه همچون ظرفیت و سرعت در تهیه منابع برای واکنش‌های تهاجمی (سرمایه‌گذاری) و استفاده از فرصت‌های غیرمنتظره با توجه به سیاست‌های مالی و ساختار مالی شرکت‌ها از طریق پیش‌بینی و سازگاری با محیط پویا پیوسته ظرفیت‌های لازم برای توسعه چابکی را فراهم آورد.

پیامدهای چابکی گزارشگری مالی در پنج بعد توسعه کیفیت و اثربخشی گزارشگری مالی، افزایش وجه اجتماعی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تصمیم‌گیری بهینه ذینفعان و اثربخشی سرمایه‌گذاری، کاهش آشفتگی و درماندگی مالی شناسایی شده‌اند. کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان یک پیامد، با یافته‌های کوستا و همکاران (۲۰۲۲) درباره نقش کیفیت گزارشگری در رفع قصور شرکتی و پژوهش رجبی و همکاران (۱۴۰۳) که رابطه منفی استاندارد‌های گزارشگری با عدم تقارن اطلاعاتی را نشان دادند، همخوانی کامل دارد. افزون بر این، پیامد تصمیم‌گیری بهینه ذینفعان با نتایج حسیوان و حسیوان (۲۰۲۲) درباره عوامل مؤثر بر به‌موقع بودن گزارش‌ها و پژوهش ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۹) در مورد تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر سیاست‌های تقسیم سود، ارتباط مستقیم دارد. بر اساس توسعه کیفیت و اثربخشی، چابکی گزارشگری مالی به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که اطلاعات مالی را با دقت، سرعت و شفافیت بیشتری ارائه کنند. این امر منجر به بهبود کیفیت گزارش‌های مالی می‌شود، زیرا اطلاعات به‌روز، دقیق و قابل اعتماد در اختیار ذینفعان قرار می‌گیرد. همچنین، اثربخشی گزارشگری مالی افزایش می‌یابد، زیرا سازمان‌ها می‌توانند به سرعت به تغییرات محیطی واکنش نشان داده و اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری را در زمان مناسب ارائه کنند. این بهبود در کیفیت و اثربخشی، اعتماد ذینفعان به گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد. با توجه به افزایش وجه اجتماعی، چابکی گزارشگری مالی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تصویر بهتری از خود در جامعه و نزد ذینفعان ارائه دهند. زمانی که سازمان‌ها قادر باشند اطلاعات مالی خود را به‌صورت شفاف، سریع و دقیق منتشر کنند، اعتماد عمومی نسبت به آنها افزایش می‌یابد. این افزایش اعتماد می‌تواند به بهبود وجه اجتماعی سازمان منجر شود، که خود باعث جذب سرمایه‌گذاران جدید، افزایش رضایت مشتریان و بهبود روابط با سایر ذینفعان می‌گردد. وجه اجتماعی قوی همچنین می‌تواند به عنوان یک مزیت رقابتی برای سازمان عمل کند. به علاوه عدم تقارن اطلاعاتی زمانی رخ می‌دهد که یک طرف مبادله (مانند مدیران شرکت) اطلاعات بیشتری نسبت به طرف دیگر (مانند سرمایه‌گذاران) داشته باشد. چابکی گزارشگری مالی با ارائه اطلاعات به‌موقع و شفاف، این شکاف اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. زمانی که اطلاعات مالی به سرعت و با دقت در اختیار ذینفعان قرار گیرد، امکان دستکاری یا پنهان سازی اطلاعات کاهش یافته و ذینفعان می‌توانند تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تری انجام دهند. این کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به

افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و بهبود کارایی بازار کمک می‌کند. چابکی گزارشگری مالی اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری را در زمان مناسب و با کیفیت بالا در اختیار ذینفعان قرار می‌دهد. این امر به ذینفعان (مانند سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران و کارگزاران بورس) کمک می‌کند تا تصمیم‌های بهینه‌تری اتخاذ کنند. برای مثال، سرمایه‌گذاران می‌توانند با اتکا به اطلاعات به روز و دقیق، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهتری بگیرند. همچنین، مدیران شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از اطلاعات مالی چابک، استراتژی‌های کسب و کار خود را به روزرسانی کرده و به تغییرات بازار واکنش سریع‌تری نشان دهند. در نهایت چابکی گزارشگری مالی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا منابع مالی خود را به صورت مؤثرتری مدیریت کنند. با ارائه اطلاعات مالی به موقع و دقیق، سازمان‌ها می‌توانند ریسک‌های مالی خود را بهتر ارزیابی کرده و از اتخاذ تصمیم‌های پرریسک جلوگیری کنند. این امر به کاهش آشفتگی و درماندگی مالی منجر می‌شود، زیرا سازمان‌ها می‌توانند مشکلات مالی را در مراحل اولیه شناسایی کرده و اقدامات اصلاحی لازم را انجام دهند. همچنین، چابکی گزارشگری مالی باعث افزایش اثربخشی سرمایه‌گذاری می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاران می‌توانند با اطمینان بیشتری در پروژه‌ها و شرکت‌ها سرمایه‌گذاری کنند این پیامدها نشان می‌دهند که چابکی گزارشگری مالی نه تنها به بهبود کیفیت گزارش‌های مالی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش اعتماد ذینفعان، کاهش ریسک‌های مالی و بهبود تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری کمک کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که چابکی گزارشگری مالی یک مفهوم چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برای دستیابی به چابکی در گزارشگری مالی، سازمان‌ها باید به عوامل علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر و راهبردهای شناسایی شده توجه کنند. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که چابکی گزارشگری مالی می‌تواند به بهبود کیفیت گزارش‌های مالی، افزایش شفافیت، کاهش ریسک‌های مالی و بهبود تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری منجر شود. بنابراین، با توجه به اهمیت مبحث چابکی گزارشگری مالی شرکت‌ها و تأثیر آن بر جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، یافته‌های این پژوهش علاوه بر توسعه مبان‌ی نظری چابکی گزارشگری مالی حاوی مفاهیم ارزشمندی برای استفاده سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، کارگزاران بورس، مدیران شرکت سهامی در مورد اخذ تصمیم‌های مفید باشد. و می‌تواند زمینه‌ساز بستر مناسبی برای انجام تحقیقات آتی در این مورد برای سایر مراکز آموزشی و پژوهشی باشد و به تبع آن باعث افزایش سرعت، پاسخگویی، توانمندی، کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی و در نهایت بهبود چابکی گزارشگری مالی می‌شود.

با توجه به بخش‌های مختلف الگوی استخراج شده، پیشنهادهای کاربردی به صورت عملیاتی برای گروه‌های ذینفع در جهت تحقق چابکی در گزارشگری مالی ارائه شود.

جهت تقویت انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری سیستم‌های گزارشگری مالی سازمان‌ها باید از فناوری‌های ابری برای بروزرسانی داده‌ها در زمان واقعی بهره‌گیرند و فرایندهای گزارشگری را طوری طراحی نمایند که امکان اصلاح سریع استانداردها و رویه‌ها را فراهم نمایند.

برای افزایش سرعت و کاهش تأخیر در گزارشگری مالی سازمان‌ها باید یکپارچه‌سازی سیستم‌های حسابداری و حسابرسی برای کاهش زمان پردازش داده‌ها و استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای تحلیل سریع داده‌های مالی و حذف مراحل غیر ضروری در فرآیندهای تأییدیه و کاهش بروکراسی را انجام دهند.

جهت ارتقای شفافیت گزارشگری مالی استفاده از زبان ساده و قابل فهم در گزارش‌های مالی، افشای کامل و دقیق اطلاعات مالی، شامل توضیح منطق برآوردهای حسابداری و روش‌های مورد استفاده و انتشار مراحل تدوین گزارش‌ها به صورت شفاف برای افزایش اعتماد عمومی پیشنهاد می‌شود.

پیشنهاد برای تقویت ساختارهای نظارتی و حاکمیت شرکتی انتصاب اعضای مستقل و متخصص در کمیته‌های حسابرسی، سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه مهارت‌های اعضای هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی و ایجاد سازوکارهای نظارتی قوی برای تضمین استقلال و عملکرد مؤثر این نهادها می‌باشد.

برای بهبود دقت و سرعت گزارشگری مالی بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، بلاک چین و ERP سیستم‌های پیشنهاد می‌گردد.

پیشنهاد برای کاهش پیچیدگی گزارشات مالی، استانداردسازی افشای اطلاعات مالی و کاهش تعدد استانداردهای حسابداری، ارائه راهنمای عملی برای افشای اطلاعات مالی به شرکت‌ها و استفاده از ابزارهای تحلیلی برای شناسایی و حذف اطلاعات غیرضروری از گزارشات است.

جهت توسعه ظرفیت‌های انسانی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای حسابداران و مدیران مالی در زمینه استانداردهای بین‌المللی و فناوری‌های نوین، تشویق کارکنان به توسعه مهارت‌های تحلیلی و تفکر انتقادی و نیز ایجاد برنامه‌های جانشین‌پروری برای حفظ نیروهای متخصص در سازمان پیشنهاد می‌شود.

برای همسویی با الزامات بازارهای جهانی انتشار گزارش‌های مالی به زبان انگلیسی و مطابق با استانداردهای بین‌المللی، همکاری با نهادهای بین‌المللی برای به‌روزرسانی استانداردهای گزارشگری مالی و رفع موانع نظارتی و قانونی برای تسهیل جذب سرمایه‌گذاران خارجی پیشنهاد می‌گردد.

پیشنهاد برای مدیریت ریسک‌های مالی و افزایش پایداری مالی شناسایی و مدیریت ریسک‌های مالی در مراحل اولیه، ایجاد ذخایر نقدی برای مواجهه با بحران‌های مالی و افشای اطلاعات مربوط به ریسک‌های مالی و استراتژی‌های مدیریت آن‌ها در گزارش‌های مالی است.

برای فرهنگ‌سازی و پذیرش تغییر، تشویق مدیران و کارکنان به پذیرش فناوری‌های نوین و روش‌های جدید گزارشگری، ایجاد سازوکارهای تشویقی برای نوآوری در گزارشگری مالی و برگزاری کارگاه‌ها و سمینارها برای ترویج فرهنگ شفافیت و پاسخگویی پیشنهاد می‌گردد.

در نهایت، این تحقیق می‌تواند به عنوان یک چارچوب نظری و عملی برای بهبود چابکی گزارشگری مالی در سازمان‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ایزدی‌نیا، ناصر؛ سعادت‌نیا، علی؛ حاجیان‌نژاد، امین. (۱۳۹۹). تأثیر ارزش انعطاف‌پذیری مالی بر سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۲(۴)، ۱۰۱-۱۱۲.
- برزیده، فرخ؛ بولو، قاسم؛ نخبه‌فلاح، زهرا. (۱۴۰۲). الگوی بهبود افشا در گزارشگری مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۳(۱)، ۱-۲۰.
- جهانبخش قره باغی، حمید؛ پورزمانی، زهرا. (۱۴۰۰). تأثیر اختلالات مدیریتی بر چابکی گزارشگری مالی. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۴(۵۲)، ۱۷-۳۶.
- کلاری دارون کلا، بهمن. (۱۳۹۹). انتخاب مدل مناسب برای مطالعه رابطه بین به‌موقع بودن و قابلیت اطمینان کیفیت گزارشگری مالی. *نشریه مدیریت کاربردی و چابک سازی سازمانی*، ۲(۲)، ۱۹-۱۰.
- مرادی، نعمت‌الله؛ میری، محسن؛ مهتدی، محمد مهدی. (۱۳۹۹). ارائه الگوی بومی چابکی سازمانی در مراکز تحقیقات صنعتی (مورد مطالعه: یک سازمان نظامی تحقیقاتی در عرصه دریایی). *بهبود مدیریت*، ۱۴(۴)، ۱۳۹-۱۷۱.
- مشایخ، شهناز؛ حکمت، هانیه؛ جمشیدی، پروانه. (۱۴۰۳). بررسی اثر خوانایی گزارش‌های مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی، بندهای توضیحی و حق الزحمه حسابرسی. *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۵(۱۷)، ۳۶-۵۷.
- مهرانی، کاوه؛ نظری، هیراد؛ قاسمی فرد، محمدرضا. (۱۳۹۹). توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به‌موقع. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۲(۱)، ۳۲۳-۳۵۱.
- مولائی، پژمان و کردستانی، غلامرضا. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی از سه بعد حسابرسی، حاکمیت شرکتی و عوامل خاص شرکت. *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۲(۵)، ۱۰۰-۱۲۶.
- نیک کار، جواد؛ محمدی، اسلام. (۱۳۹۸). تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۴)، ۸۷-۱۱۰.

- Adeyeri, T. B. (2024). Automating Accounting Processes: How AI is Streamlining Financial Reporting. *Journal of Artificial Intelligence Research*, 4(1), 72-90.
- Ahmed, K. A. R., Abid, I. D., Al-Mandalawi, B. J. M., AlKaabi, B. R. H. (2022). The role of auditors, competencies and agile internal auditing on the effective financial reporting: moderating role of financial reporting standards. *International Journal of Economics and Finance Studies*, 14(03), 81-98.
- Aladwan, M., Al Adwan, A. S. (2023). Cohesion of Accounting Information System Fundamentals and Knowledge Robustness in Financial Reporting. *International Journal of Professional Business Review: Int. J. Prof. Bus. Rev.*, 8(7), 69.
- Ayoob Mohammed Hassan, N., binti Haji Din, D. B., a/p Senasi, D. V. (2023). Reviewing the Relation between Agility in Audit Committee and Financial Performance on Stock Price. *International Journal of Accounting and Management Sciences*. 2(1), 148-178
- Barney, J. B. (2001). Resource-based theories of competitive advantage: A ten-year retrospective on the resource-based view. *Journal of management*, 27(6), 643-650.
- Barzideh, F., Bolou, G., & Nokhbeh Fallah, Z. (2023). Pattern of Improving Disclosure in Financial Reporting. *Empirical Research in Accounting*, 13(1), 1-20. (In Persian)
- Biglarkhai, G. R., & Talebnia, G. (2022). Explain the relationship between the complexity of financial reports used by investors and corporate governance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 11(41), 577-608. (In Persian)
- Chen, C., Jia, H., Xu, Y., & Ziebart, D. (2022). The effect of audit firm attributes on audit delay in the presence of financial reporting complexity. *Managerial Auditing Journal*, 37(2), 283-302.
- Costa, M., Lisboa, I., & Gameiro, A. (2022). Is the financial report quality important in the default prediction? SME Portuguese construction sector evidence. *Risks*, 10(5), 98.
- Doz, Y. L., & Kosonen, M. (2010). Embedding strategic agility: A leadership agenda for accelerating business model renewal. *Long range planning*, 43(2-3), 370-382.
- Edu, A. S. (2022). Positioning big data analytics capabilities towards financial service agility. *Aslib Journal of Information Management*, 74(4), 569-588.
- Enworo, O. C. (2023). Application of Guba and Lincoln's parallel criteria to assess trustworthiness of qualitative research on indigenous social protection systems. *Qualitative research journal*, 23(4), 372-384.
- Falana, G. A., Igbekoyi, O. E., Dagunduro, M. E. (2023). Effect of big data on accounting information quality in selected firms in Nigeria. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*, 7(3), 789-806.
- Firnanti, F., & Karmudiandri, A. (2020). Corporate governance and financial ratios effect on audit report lag. *Firnanti, F*, 15-21.
- Hasibuan, R. P. A., Hasibuan, N. F. A. (2022). Analysis of The Influence of Timely Submission of Financial Statements of Transportation Companies Listed on The Indonesia Stock Exchange 2017-2021. *Journal Economy and Currency Study (JECS)*, 4(1), 87-96.
- Ishak, R., Kamardin, H., Manaf, K. B. A. (2024). Financial Reporting Timeliness and Value Relevance of Accounting Information. In *Conference on Accounting and Business (Icab2024)*, (p.180).
- Izadinia, N., Saadatnia.A. & Hajian Nejad, A. (2021). The Effect of Value of Financial Flexibility on the Dividend Policies in Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 12(4), 101-112. (In Persian)
- Jahanbakhsh Gharebaghi, Hamid. & Pourzamani, Zahra. (2011). the effect of management disorders on financial reporting agility. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 14(52), 17-36. (In Persian)
- Jensen, M. C., Meckling, W. H. (1976). Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of financial economics*, 3(4), 305-360.

- Kaawaase, T. K., Nairuba, C., Akankunda, B., Bananuka, J. (2021). Corporate governance, internal audit quality and financial reporting quality of financial institutions. *Asian Journal of Accounting Research*, 3(5), 115-123.
- Kalari Daroon Kola, B. (2020). Selecting the appropriate model to study the relationship between timeliness and reliability scores of financial reporting quality. *SRPH Journal of Applied management and Agile Organisation*, 2(2), 10-19. (In Persian)
- Khudhair, D. Z., Matrood, A. K., Kuaiber, M. Q. (2023). The Impact of Agile Internal Audit, Lean Internal Audit, and Management Audit, on the Financial Reporting Quality in the Iraqi Oil Companies. *International Journal of Economics and Finance Studies*, 15(4), 145-161.
- Mashayekh, S., Hekmat, H., & Jamshidi, P. (2024). Examining the effect of financial reports readability on the delay of the audit report, audit report explanatory paragraphs and audit fees. *Professional Auditing Research*, 5(17), 36-57. (In Persian)
- Mehrani, K., Nazari, H., & ghasemi fard, M. R. (2020). Managerial Ability and Financial Reporting Timeliness. *Journal of Accounting Advances*, 12(1), 323-351. (In Persian)
- Molaei, P., & kordestani, G. (2022). Factors affecting the delay in submitting the audit report from three dimensions of audit, corporate governance and company specific factors. *Professional Auditing Research*, 2(5), 100-126. (In Persian)
- Moradi, N. A., Miri, M., & Mohtadi, M. M. (2021). Presenting a Native Model of Organizational Agility in Industrial Research Centers (Case Study: A Military Research Organization in the Maritime Field). *Journal of Improvement Management*, 14(4), 137-169. (In Persian)
- Nik kar, J., & Mohamadi, E. (2019). The Effect of the Company's Strategy, political Cost and Power of Management on Financial Reporting Timeliness on the listed companies in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 11(4), 87-110. (In Persian)
- Nurfatimah, S., & Biduri, S. (2023). Audit Report Lag in Manufacturing: Profitability, Characteristics, Governance Impact. *Academia Open*, 8(1), 10-21070.
- Oussii, A. A., Taktak, N. B. (2018). Audit committee effectiveness and financial reporting timeliness: The case of Tunisian listed companies. *African Journal of Economic and Managem*, 7(4), 98.
- Ragazou, K., Passas, I., Garefalakis, A., Dimou, I. (2022). Investigating the research trends on strategic ambidexterity, agility, and open innovation in SMEs: Perceptions from bibliometric analysis. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 8(3), 118.
- Rahmadi, H., Andrayanti, I., & Susanto, I. (2024, June). Implementation of Agile Planning and Accounting in the Era of Digital Information. *In Prosiding Seminar STIAMI*, 11(1), 23-28.
- Rajabi, A. A., panahi, M., & Shojaei, A. (2024). The impact of international financial reporting standards on information asymmetry and earnings quality. *Journal of Accounting and Management Vision*, 7(96), 236-253. (In Persian)
- Ristianawati, Y., Hartono, S. B. (2023). Agility Strategy: Investment Diversification Approach to Sharia Financial Inclusion. *International Journal of Economics, Business and Accounting Research (IJEBAAR)*, 7(2), 78.
- Rouf, M. A., Siddique, M. N. E. A., Akhtaruddin, M. (2024). Exploring corporate financial reporting theories: a systematic approach. *International Journal of Ethics and Systems*, 5(2), 56.
- Roychowdhury, S., Shroff, N., Verdi, R. S. (2019). The effects of financial reporting and disclosure on corporate investment: A review. *Journal of Accounting and Economics*, 68(2-3), 101.
- Sari, M. A. (2024). Investigating the effect of audit opinion & quality in the relationship between financial reporting complexity and audit delay. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 2(1), 1-23. (In Persian)

- Setiawan, A., & Yuliana, O. Y. (2022). *It capability's impact towards competitive advantage through business process agility on Indonesia's accounting firms during pandemic* (Doctoral dissertation, Petra Christian University).
- Shakespeare, C. (2020). Reporting matters: the real effects of financial reporting on investing and financing decisions. *Accounting and Business Research*, 50(5), 425-442.
- Sihotang, H. T., Vinsensia, D., Riandari, F., Chandra, S. (2024). Data-driven corporate growth: A dynamic financial modelling framework for strategic agility. *International Journal of Basic and Applied Science*, 13(2), 84-95.
- Singh, H., Sultana, N., Islam, A., Singh, A. (2022). Busy auditors, financial reporting timeliness and quality. *The British Accounting Review*, 5 (3), 45-62.
- Yigitbasioglu, O. M. (2017). Drivers of management accounting adaptability: the agility lens. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 13(2), 262-281.



Paper type: Research Article

The Impact of Corporate Sustainability on Firms' Financial Performance Considering the Moderating Role of CEO Characteristics

Mahnaz Ahangari^{*1}

Received: 2025/02/22

Accepted: 2025/07/16

Abstract

Objective: This study aims to examine the relationship between corporate sustainability and firm performance, considering the moderating effects of CEO tenure and education.

Method: Employing a correlational-causal approach, panel data from firms listed on the Tehran Stock Exchange between 2017 and 2021 were analyzed using panel regression models. Model selection was based on F-Limer and Hausman tests.

Findings: Results reveal a significant positive relationship between corporate sustainability and firm performance. CEO tenure significantly moderates this relationship, indicating that longer CEO tenure strengthens the impact of corporate sustainability on performance. Conversely, CEO education does not have a significant moderating effect.

Conclusion: These findings highlight the importance of managerial characteristics, particularly CEO tenure, in strategic decision-making and financial analysis, providing valuable insights for managers and investors.

Keywords: CEO Tenure, Corporate Sustainability, Firm Performance, Education.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Ahangari, M (2025). The Impact of Corporate Sustainability on Firms' Financial Performance Considering the Moderating Role of CEO Characteristics. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(11), 81-94. (In Persian).

¹. Department of Accounting, Bardaskan Branch, Islamic Azad University, Bardaskan, Iran.

***Corresponding Author:** Mahnaz.Ahangari@iau.ac.ir



نوع مقاله: علمی پژوهشی

بررسی تأثیر پایداری شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده ویژگی‌های

مدیرعامل

مهناز آهنگری*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده دوره تصدی و تحصیلات مدیرعامل می‌پردازد.

روش: این پژوهش از نوع همبستگی-علی بوده و داده‌های ترکیبی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ را با استفاده از مدل‌های رگرسیونی ترکیبی تحلیل می‌کند. انتخاب مدل مناسب با استفاده از آزمون‌های F لیمر و هاسمن انجام شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت است. همچنین دوره تصدی مدیرعامل به‌صورت معنادار این رابطه را تعدیل می‌کند، به این معنا که مدت زمان تصدی مدیرعامل بر تأثیر پایداری شرکتی بر عملکرد اثرگذار است. در مقابل، تحصیلات مدیرعامل تأثیر معناداری در این رابطه ندارد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها اهمیت ویژگی‌های مدیریتی، به‌ویژه دوره تصدی مدیرعامل، را در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و تحلیل‌های مالی شرکت‌ها نشان می‌دهد و می‌تواند راهنمای مفیدی برای مدیران و سرمایه‌گذاران باشد.

واژه‌های کلیدی: دوره تصدی مدیرعامل، پایداری شرکتی، عملکرد شرکت، تحصیلات.



10.71600/JACGR.2024.977451



استناد: آهنگری، مهناز (۱۴۰۴). بررسی تأثیر پایداری شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده ویژگی‌های مدیرعامل. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴(۱۱)، ۸۱-۹۴.

مقدمه

پایداری شرکتی یکی از مفاهیم اساسی در مدیریت کسب‌وکار است که به اجرای اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اقتصادی در شرکت‌ها اشاره دارد. این مفهوم، که توسط پیمان جهانی سازمان ملل متحد^۱ (۲۰۲۲) تعریف شده است^۲، تأکید دارد که کسب‌وکارها باید به شیوه‌ای فعالیت کنند که نه تنها سودآور باشد، بلکه به توسعه پایدار جوامع و حفاظت از محیط‌زیست نیز کمک کند. در این راستا، توسعه پایدار به‌عنوان راهکاری در نظر گرفته می‌شود که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود، برآورده می‌سازد (یونسکو^۳، ۲۰۲۰). در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی و نهادهای نظارتی توجه بیشتری به گزارش‌های غیرمالی و معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی^۴ (ESG) داشته‌اند. اهمیت این گزارش‌ها به دلیل تأثیر آن‌ها بر شفافیت اطلاعاتی، مدیریت ریسک، و بهبود عملکرد مالی و اجتماعی شرکت‌ها افزایش یافته است (شیخ^۵، ۲۰۱۹). در این میان، هیئت‌مدیره شرکت‌ها نقش کلیدی در ایجاد تعادل میان اهداف مالی و غیرمالی ایفا می‌کنند و مسئولیت دارند که منافع کلیه ذینفعان را در تصمیم‌گیری‌های راهبردی خود لحاظ کنند. مفهوم پایداری شرکتی در ادبیات علمی اغلب به‌جای مسئولیت اجتماعی شرکت به کار رفته است. درحالی‌که مسئولیت اجتماعی بر تعهدات اجتماعی و اخلاقی شرکت‌ها تمرکز دارد، پایداری شرکتی به‌طور گسترده‌تر شامل حاکمیت شرکتی، مدیریت زیست‌محیطی، و مسئولیت اجتماعی است (لوپز و همکاران^۶، ۲۰۲۴). باوجود تأکید فراوان بر اهمیت پایداری شرکتی، مطالعات علمی در مورد تأثیر آن بر عملکرد مالی شرکت‌ها نتایج متناقضی ارائه داده‌اند. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اجرای سیاست‌های پایداری شرکتی، موجب افزایش شهرت برند، بهبود تصویر شرکت و در نتیجه رشد عملکرد مالی می‌شود (شیخ، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، ویژگی‌های مدیرعامل، ازجمله تحصیلات و دوره تصدی، می‌توانند بر رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد مالی تأثیرگذار باشند. مطابق با نظریه رده‌های بالایی^۷، تصمیمات استراتژیک مدیران ارشد تحت تأثیر تجربیات، ارزش‌ها و ویژگی‌های فردی آن‌ها قرار دارد (همبریک و ماسون^۸، ۱۹۸۴). این نظریه بیان می‌کند که ویژگی‌های مدیران ارشد، مانند تحصیلات، تجربه، دوره تصدی، سن و ویژگی‌های شخصیتی، تأثیر مستقیمی بر تصمیمات استراتژیک شرکت دارند. بر اساس این نظریه، مدیران ارشد سازمان‌ها به‌طور کامل منطقی تصمیم‌گیری نمی‌کنند، بلکه تصمیمات آن‌ها تحت تأثیر تجارب، ارزش‌ها، و دیدگاه‌های شخصی‌شان قرار دارد. بنابراین، ویژگی‌های فردی مدیرعامل می‌تواند بر عملکرد سازمان و نتایج مالی تأثیرگذار باشد. در همین راستا، پژوهشات نشان داده‌اند که مدیرعاملانی با تحصیلات مرتبط در حوزه مدیریت و اقتصاد، آگاهی بیشتری از اصول پایداری دارند و در اجرای استراتژی‌های پایدار موفق‌تر عمل می‌کنند (لوپز و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، مدیران عامل با دوره تصدی طولانی‌تر، به دلیل شناخت عمیق‌تر از ساختارهای سازمانی، نقش مؤثرتری در تحقق اهداف پایداری ایفا می‌کنند (بهندری و جوادز^۹، ۲۰۲۳).

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با بررسی نقش ویژگی‌های مدیرعامل (تحصیلات و دوره تصدی) در رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها، به شکاف‌های موجود در ادبیات علمی پاسخ دهد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای مدیران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران اقتصادی در جهت تدوین راهبردهای بهینه پایداری شرکتی باشند.

^۱ UN Global Compact

^۲ ابتکار سازمان ملل در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری شرکتی که شرکت‌ها و سازمان‌ها را تشویق می‌کند تا اصول ده‌گانه این پیمان را در زمینه حقوق بشر، استانداردهای کار، محیط‌زیست و مبارزه با فساد در استراتژی‌ها و عملیات خود بگنجانند.

^۳ UNESCO

^۴ Environmental, Social, Governance (ESG)

^۵ Sheikh

^۶ López et al

^۷ Upper Echelons Theory (UET)

^۸ Hambrick & Mason

^۹ Bhandari & Javakhadze

مبانی نظری تدوین فرضیه‌ها و پیشینه پژوهش

پایداری شرکتی یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه مدیریت مالی و حسابداری است که تأثیر قابل توجهی بر عملکرد شرکت‌ها دارد. پایداری شرکتی اغلب به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر در تحلیل‌های مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد و ابعاد آن شامل مسئولیت اجتماعی شرکت، شفافیت اطلاعاتی، و تأثیرات زیست‌محیطی است (شیخ، ۲۰۱۹). پایداری شرکتی به عنوان یک مفهوم گسترده در مدیریت سازمان‌ها، به توانایی شرکت‌ها در پاسخگویی به نیازهای کنونی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود اشاره دارد (الکینگتون^۱، ۱۹۹۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که پایداری شرکتی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر عملکرد مالی و غیرمالی شرکت‌ها داشته باشد، زیرا این شرکت‌ها معمولاً از منابع و فرصت‌های بلندمدت بهتری برخوردارند (لانو و سرافیم^۲، ۲۰۱۵). پایداری شرکتی، که شامل ابعاد محیط‌زیستی، اجتماعی و حکمرانی^۳ می‌شود، می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد مالی و غیرمالی شرکت‌ها داشته باشد. از جمله مزایای توجه به پایداری می‌توان به افزایش شهرت، بهبود روابط با ذینفعان، کاهش ریسک‌های عملیاتی و افزایش سودآوری اشاره کرد. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که شرکت‌هایی که به پایداری توجه دارند، بازده بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرپایدار دارند و همچنین شرکت‌هایی با عملکرد بالای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری، معمولاً از سودآوری بلندمدت بهتری برخوردار هستند (الباراک و همکاران، ۲۰۲۴). به‌ویژه این شرکت‌ها قادرند از فرصت‌های جدید بازار بهره‌برداری کنند و در بلندمدت عملکرد بهتری را از خود نشان دهند. زنوبی و یوسفی (۱۴۰۲) نشان دادند که پایداری شرکتی به افزایش سودآوری، کاهش هزینه‌های سرمایه، و بهبود ارزش بازار شرکت منجر می‌شود. بر همین اساس فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه اول: بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

عملکرد شرکت یکی از شاخص‌های حیاتی در ارزیابی موفقیت سازمان‌ها است و معمولاً از طریق متغیرهای مالی مانند سودآوری، رشد درآمد، و بازده سرمایه‌گذاری سنجیده می‌شود. بررسی رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد نشان داده است که شرکت‌های پایدار معمولاً عملکرد بهتری از نظر مالی دارند، زیرا آنها استراتژی‌هایی را اتخاذ می‌کنند که همزمان منافع اقتصادی، اجتماعی و محیطی را بهبود می‌بخشد (سورکولا و همکاران^۴، ۲۰۱۰). باین‌حال، برخی محققان معتقدند که اجرای سیاست‌های پایداری ممکن است هزینه‌های عملیاتی را افزایش داده و در کوتاه‌مدت موجب کاهش سودآوری شود. بر اساس نظریه فرصت‌طلبی مدیریت، برخی مدیران ممکن است هزینه‌های اجتماعی را تنها در زمانی که عملکرد مالی شرکت بهبود یافته است، افزایش دهند تا شهرت خود را تقویت کنند، درحالی‌که در شرایط نامساعد اقتصادی از تعهدات پایداری فاصله بگیرند (شیخ، ۲۰۱۹). رابطه میان پایداری و عملکرد مالی می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های فردی مدیرعامل قرار گیرد. برای مثال، خودشیفتگی و غرور بیش‌ازحد مدیرعامل ممکن است باعث شود منابع شرکت در جهت منافع شخصی او مصرف شود و عملکرد پایداری دچار آسیب شود (یاری درمشکانلو و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهش‌ها نشان داده است که دوره تصدی مدیرعامل می‌تواند به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد مالی عمل کند. مدت زمانی که مدیرعامل در یک شرکت فعالیت می‌کند، می‌تواند تأثیر بسزایی در نحوه اجرای استراتژی‌های پایداری و اثرات آن بر عملکرد مالی داشته باشد. مدیرعاملانی که دوره تصدی طولانی‌تری دارند، عموماً دیدگاه بلندمدت‌تری نسبت به استراتژی‌های پایداری داشته و می‌توانند فرآیندهای اجرایی بهتری را برای پیاده‌سازی این سیاست‌ها ایجاد کنند (نقی بهار و قاسم آبادی، ۱۴۰۲). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تأثیر مثبت پایداری شرکتی بر عملکرد مالی در شرکت‌هایی که مدیرعاملان آن‌ها دوره تصدی طولانی‌تری دارند، معنادارتر است، زیرا آن‌ها فرصت کافی برای پیاده‌سازی و مشاهده نتایج استراتژی‌های پایداری دارند (زنوبی و یوسفی، ۱۴۰۱). مدیرعاملانی که مدت طولانی‌تری در شرکت حضور دارند، تجربه و شناخت بیشتری از استراتژی‌های پایداری دارند و می‌توانند آن‌ها را بهتر اجرا کنند. از سوی دیگر، مدیرانی که دوره تصدی کوتاه‌تری دارند، ممکن است تمایلی به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های بلندمدت پایداری نداشته باشند (لوپز و همکاران، ۲۰۲۴). از طرفی الربایی و الباز (۲۰۲۵) در بازارهای در حال توسعه، مانند مصر، نشان می‌دهد

¹ Elkington

² Ioannou & Serafeim

³ Environmental, Social, Governance (ESG)

⁴ Surroca et al

ویژگی‌های CEO از قبیل قدرت و اعتماد به نفس تأثیر معنی‌داری بر عملکرد ESG دارد اما دوره تصدی تأثیر قابل توجهی ندارد. قیصری (۱۴۰۴) نشان داد تفاوت دوره تصدی و سطح تحصیلات مدیرعامل نقش تعدیل‌کننده قوی در رابطه پایداری مالی - عملکرد مالی ندارد. بر همین اساس فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه دوم: دوره تصدی مدیرعامل بر رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت تأثیر معناداری دارد.

تحصیلات مدیرعامل، به‌ویژه در حوزه‌های مدیریت، اقتصاد، مالی و مهندسی، نقش مهمی در درک اهمیت پایداری شرکتی و پیاده‌سازی آن دارد. مدیرعاملانی که تحصیلات مرتبط دارند، معمولاً درک بهتری از مزایای مالی و غیرمالی پایداری شرکتی دارند و می‌توانند برنامه‌های پایداری را به‌طور اثربخش‌تری اجرا کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مدیرعاملانی با تحصیلات سطح بالا، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در استراتژی‌های پایدار دارند، زیرا آن‌ها پایداری را نه به‌عنوان یک هزینه اضافی، بلکه به‌عنوان یک عامل ارزش‌آفرین برای شرکت در نظر می‌گیرند (به‌پندری و جواخز، ۲۰۲۳). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که در شرکت‌هایی که مدیرعاملان تحصیلات بالاتری دارند: گزارش‌دهی ESG شفاف‌تر و گسترده‌تر است (لوپز و همکاران، ۲۰۲۴)، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پایداری افزایش می‌یابد، ارتباط مثبت قوی‌تری بین عملکرد پایداری و عملکرد مالی مشاهده می‌شود (شیخ، ۲۰۱۹) و مدیرعاملانی با تحصیلات عالی، ارتباط قوی‌تری بین اجرای سیاست‌های پایداری و بهبود عملکرد مالی ایجاد می‌کنند. این امر به دلیل توانایی بیشتر آن‌ها در شناسایی فرصت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی و کاهش ریسک‌های زیست‌محیطی و قانونی است (زنوبی و یوسفی، ۱۴۰۱). بر همین اساس فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه سوم: تحصیلات مدیرعامل بر رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

از آنجا که این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر دوره تصدی و تحصیلات مدیرعامل است و از طریق یافته‌های آن سعی خواهد شد راه‌کارهایی در جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های آینده، مورد استفاده تحلیل‌گران بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران قرار گیرد، لذا نوع این تحقیق از حیث هدف، کاربردی قلمداد می‌شود. همچنین استاندارد گزاران و قانون‌گذاران بورس اوراق بهادار، با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توانند در صورت لزوم بازنگری در استانداردها و قوانین موجود در ارتباط با شرکت‌ها یا تدوین استانداردها و قوانین جدید تصمیم‌گیری نمایند.

جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش در دوره مطالعاتی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، در هر سال ۱۴۳ شرکت را مورد بررسی قرار داده‌ایم بنابراین به طور کلی $۷۱۵ = ۱۴۳ \times ۵$ سال - شرکت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. روند تعیین نمونه مورد مطالعه در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره ۱. تعداد شرکت‌های نمونه بر مبنای روش حذفی سیستماتیک

تعداد	شرح
۴۲۷	تعداد شرکت‌های مورد مطالعه در بازه زمانی ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰
(۱۴۶)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش از بورس خارج شده‌اند
(۹۳)	شرکت‌های انتخابی جزو صنایع واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها (شرکت‌های مادر) و بانک‌ها
(۴۵)	تعداد شرکت‌هایی که یادداشت‌های مالی پیوست آن‌ها به صورت کامل (بر اساس داده‌های مورد نیاز) منتشر نشده است.
۱۴۳	نمونه‌ی آماری

تعریف عملیاتی و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: عملکرد شرکت

جهت تعیین عملکرد شرکت از کیوی (Q) توبین (TOBIN) استفاده می‌شود. مقدار Q توبین نیز از تقسیم ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت بدست می‌آید. ارزش دفتری (دارایی‌ها و بدهی‌ها) از ترازنامه شرکت‌ها و ارزش بازار (قیمت مبادله سهام در تعداد سهام) از تابلوی ارزش منتشرشده شرکت‌ها و از طریق نرم افزارهای بورس اوراق بهادار تهران محاسبه می‌شود.

متغیر مستقل: پایداری شرکتی

پایداری شرکت به عنوان متغیر تعدیلگر در نظر گرفته شده است. جهت امتیازدهی سنجش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر اساس (شیخ، ۲۰۱۹) از یک متغیر موهومی بین صفر و یک استفاده می‌شود به طوری که اگر افشای پایداری به خوبی صورت گرفته باشد، ارزشی نزدیک به یک و در غیر اینصورت ارزشی نزدیک به صفر خواهد داشت. برای استخراج شاخص‌های افشای پایداری به گزارش فعالیت هیئت مدیره شرکت‌ها اتکا گردید و بر این اساس ۶۰ شاخص برای ابعاد پایداری تعریف گردید. پنج ویژگی شاخص‌های عملکرد پایداری عبارتند از: الف) قابل مقایسه بودن و قابلیت اندازه‌گیری ب) معنی دار بودن ج) جامعیت د) تداوم و شفافیت ی) کارایی. سطح افشای عملکرد پایداری شرکت طبق پژوهش برزگر و کناری (۱۳۹۵) با استفاده از روابط زیر محاسبه می‌گردد:

$$SUS = CSPECOD + CSPSD + CSPED$$

$$\text{افشای عملکرد اقتصادی شرکت} = \frac{\text{کل اقلام افشا شده بعد اقتصادی}}{\text{تعداد کل اقلام افشا شده اقتصادی}}$$

$$\text{افشای عملکرد اجتماعی شرکت} = \frac{\text{کل اقلام افشا شده بعد اجتماعی}}{\text{تعداد کل اقلام افشا شده اجتماعی}}$$

$$\text{افشای عملکرد زیست محیطی شرکت} = \frac{\text{کل اقلام افشا شده بعد زیست محیطی}}{\text{تعداد کل اقلام افشا شده زیست محیطی}}$$

در روابط بالا کل اقلام افشا شده بیانگر جمع نمرات دریافتی هر شرکت بر اساس شاخص‌های سه بخش فوق و تعداد کل اقلام قابل افشا بیانگر جمع نمرات قابل دریافت شرکت‌ها است. شاخص‌های هر بخش دارای وزن‌های یکسانی هستند. بر این اساس، جمع نمرات قابل دریافت (مخرج کسر) برابر ۶۰ است. به عبارتی حداکثر نمره افشای دریافتی شرکت‌ها برابر با ۶۰ است و چنانچه بیش از نصف باشد، سطح افشا نزدیک به عدد یک و مناسب بوده است و در غیر اینصورت نزدیک به صفر و افشا نمره ضعیف می‌گردد.

متغیر تعدیلگر

- **دوره تصدی مدیرعامل:** یک متغیر نسبی است که عبارت است از مدت سالی که مدیرعامل شرکتی در یک شرکت وظیفه مدیرعاملی را برعهده دارد. هر چه مدت تصدی مدیرعامل افزایش یابد، احتمال در دستکاری سود بیشتر می‌شود و این موضوع باعث تنزل کیفیت اطلاعات در صورتهای مالی خواهد شد و برابر است با تعداد سالهایی که از زمان تصدی آن به عنوان مدیر عامل گذرد.
- **تحصیلات مدیرعامل:** اگر مدیرعامل با مدرک کارشناسی ارشد و دکترا باشد عدد یک می‌گیرد در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

متغیر کنترلی: در پژوهش حاضر از متغیرهای زیر به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده است

- ۱) اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی.
- ۲) اندازه شرکت (Size): با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت برآورد شده است.
- ۳) بازده دارایی (ROA): برابر است با سود قبل از کسر بهره و مالیات به جمع دارایی‌ها.
- ۴) ارزش بازار به ارزش دفتری (MB): از تقسیم ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در پایان سال مالی t بدست می‌آید.

مدل‌های آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این تحقیق به منظور بررسی وجود رابطه خطی بین متغیرها از مدل‌های آماری زیر استفاده شده است:
جهت سنجش فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی (۱) استفاده شده است:
مدل (۱):

$$Q\ Tobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 SUS_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

جهت سنجش فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی (۲) استفاده شده است:
مدل (۲):

$$Q\ Tobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 SUS_{it} + \beta_2 Turne_{it} + \beta_3 ASUS_{it} * Turne_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

جهت سنجش فرضیه سوم پژوهش از مدل رگرسیونی (۳) استفاده شده است:
مدل (۳):

$$Q\ Tobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 SUS_{it} + \beta_2 education_{it} + \beta_3 ASUS_{it} * education_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

یافته‌ها

آمار توصیفی

در نگاره ۲ معیارهای توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

نگاره ۲. معیارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	میان	انحراف معیار	چولگی
کیوتوبین ($Q\ Tobin_{it}$)	۷۱۵	-۸۶۲/۹۸	۲۲۷/۶۸	۶/۱۱۳	۴/۳۲۸	۳۷/۴۰۲	-۱۷/۸۰۷
پایداری شرکتی (SUS_{it})	۷۱۵	۱/۵۲۳	۲/۷۳۲	۲/۱۷۶	۲/۱۹۰	۰/۲۴۵	-۰/۱۸۹
افشای عملکرد اقتصادی ($EG_{i,t}$)	۷۱۵	۰/۴۳۴	۰/۸۶۹	۰/۶۴۸	۰/۶۵۲	۰/۱۴۱	۰/۰۵۹
افشای عملکرد اجتماعی ($EJ_{i,t}$)	۷۱۵	۰/۵۸۸	۱	۰/۷۹۸	۰/۸۲۳	۰/۱۳۶	-۰/۰۲۷
افشای عملکرد زیست محیطی ($MO_{i,t}$)	۷۱۵	۰/۵۰۰	۰/۹۵۰	۰/۷۲۸	۰/۷۵۰	۰/۱۴۱	-۰/۰۳۹
اهرم مالی (LEV_{it})	۷۱۵	۰	۰/۷۸۶	۰/۰۶۱	۰/۰۳۴	۰/۰۸۵	۳/۸۰۳
اندازه شرکت ($Size_{it}$)	۷۱۵	۱۱/۵۵۲	۲۱/۳۲۷	۱۵/۱۴۵	۱۴/۹۷۶	۱/۴۸۲	۰/۷۸۰
بازده دارایی‌ها (ROA_{it})	۷۱۵	-۰/۵۶۶	۰/۶۷۳	۰/۱۶۹	۰/۱۴۹	۰/۱۶۷	۰/۱۹۰
دوره تصدی ($Turne_{it}$)	۷۱۵	۱	۱۱	۳/۳۴۸	۲	۲/۷۵۶	۱/۱۵۷

در این پژوهش در دوره مطالعاتی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، در هر سال ۱۴۳ شرکت را مورد بررسی قرار داده‌ایم بنابراین به طور کلی $۷۱۵ = ۱۴۳ \times ۵$ سال - شرکت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج نگاره ۲ بیانگر آن است که تمام اطلاعات مورد نیاز در این

بررسی تأثیر پایداری شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با...

پژوهش به طور کامل استخراج شده و مشاهده گمشده در پژوهش وجود ندارد. کمترین و بیشترین مقدار متغیرهای پژوهش می‌تواند در شناسایی مشاهدات پرت در تحلیل داده‌های به پژوهشگر کمک کند. در بین متغیرهای پژوهش پراکندگی مشاهدات با توجه به دامنه تغییرات که از تفاضل دو مقدار مذکور حاصل می‌شود برای اندازه شرکت و دوره تصدی مدیرعامل شرکت‌ها بیشتر از سایر متغیرهای پژوهش می‌باشد. البته دوره تصدی با توجه به لزوم بررسی سنوات گذشته با نقطه شروع تصدی در سال ۱۳۹۰ محاسبه شده است. مقیاس اندازه گیری متغیر تحصیلات مدیر عامل به صورت اسمی است و بر همین مبنا نگراره ۳ در رابطه با فراوانی متناظر با میزان تحصیلات افراد در زیر ارائه شده است.

نگاره ۳. نگراره فراوانی متناظر با میزان تحصیلات مدیر عامل

شرح	فراوانی	درصد
میزان تحصیلات مدیرعامل کارشناسی است.	۴۸	۶/۷۱
میزان تحصیلات مدیرعامل کارشناسی ارشد است.	۴۹۸	۶۹/۶۵
میزان تحصیلات مدیرعامل دکتری است.	۱۶۹	۲۳/۶۴

یافته‌های نگراره ۳ نشان داد که فقط ۴۸ نفر معادل با ۶/۷۱ نفر از مدیران عامل لیسانس و ۱۶۹ نفر معادل با ۲۳/۶۴ دارای مدرک دکتری هستند و تعداد زیادی از مدیران عامل در حال حاضر دارای مدرک فوق لیسانس می‌باشند و بیشترین فراوانی را در بین سطوح تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند.

آمار استنباطی

آزمون همبستگی

متناسب با فرضیه‌های پژوهش و به منظور بررسی روابط بین متغیرها در ادامه نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جهت ارزیابی روابط دو به دو متغیرهای پژوهش در نگراره ۴ ارائه شده است.

نگاره ۴. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل، تعدیلگر و وابسته

کیوتوبین	ضریب همبستگی	۱	پایداری شرکتی	تحصیلات مدیرعامل	دوره تصدی
کیوتوبین ($Q\ Tobin_{i,t}$)	ضریب همبستگی آماره آزمون (سطح معناداری)	---			
پایداری شرکتی ($SUS_{i,t}$)	ضریب همبستگی آماره آزمون (سطح معناداری)	۰/۰۹۳۳** ۲/۵۰۳ (۰/۰۱۱۱)	۱ ---		
تحصیلات مدیرعامل ($Eduction_{i,t}$)	ضریب همبستگی آماره آزمون (سطح معناداری)	۰/۰۲۹ ۰/۷۸۶ (۰/۴۳۲)	۰/۰۱۰۶ ۰/۲۸۵ (۰/۷۷۵)	۱ ---	
دوره تصدی ($Tenure_{i,t}$)	ضریب همبستگی آماره آزمون (سطح معناداری)	-۰/۰۴۶۶/۰۱۷ ۰/۶۴۰ (۰/۶۰۴)	-۰/۰۱۹ ۰/۵۱۸ (۰/۶۰۴)	۰/۱۹۳** ۵/۲۶۳ (۰/۰۰۱)	۱ ---

یافته‌های نگراره ۴ نشان داد که ضریب همبستگی بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت (کیوتوبین) ۰/۰۹۳۳ و سطح معناداری متناظر با آماره t ، ۰/۱۱ کمتر از ۰/۰۵ است ($P < ۰/۰۵$) بنابراین رابطه بین متغیرهای مذکور مستقیم و معنادار است و افزایش پایداری شرکتی بهبود عملکرد شرکت را به دنبال خواهد داشت. ضرایب همبستگی بین تحصیلات مدیرعامل و دوره

تصدی مدیرعامل با عملکرد شرکت ۰/۰۲۹ و ۰/۰۱۷- و دارای سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است ($P > 0.05$) بنابراین ارتباط بین متغیرهای مذکور معنادار نیست به همین شکل ضرایب همبستگی بین تحصیلات مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل با پایداری شرکتی ۰/۰۱۰۶ و ۰/۰۱۹- و دارای سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است ($P > 0.05$) لذا رابطه بین متغیرهای مذکور معنادار نیست. ضریب همبستگی بین دوره تصدی مدیرعامل و تحصیلات مدیرعامل ۰/۱۹۳ و سطح معناداری متناظر با آماره t ، ۰/۰۰۱ کمتر از ۰/۰۵ است ($P < 0.05$) بنابراین رابطه بین متغیرهای مذکور مستقیم و معنادار است و هر چقدر میزان تحصیلات مدیر عامل بیشتر باشد دوره تصدی مدیرعامل افزایش خواهد یافت. البته همانگونه که اشاره شد با توجه به تحت تاثیر قرار گرفتن متغیرهای مالی (نسبت مالی) نسبت به متغیرهای کنترلی پژوهش اجرای مدل های رگرسیونی علاوه بر ارزیابی مطلوب تر روابط بین متغیرها، می‌تواند نتایج منطقی تری را نمایش دهد. با عنایت به یکسان بودن سال - شرکت‌ها در دوره مطالعه، برای استفاده از مدل رگرسیونی به روش پانل دیتا، لازم است ابتدا آزمون F لیمر برای سنجش داده‌های پانل در مقابل داده های پولینگ مورد آزمون قرار گیرد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل کننده دوره تصدی و تحصیلات مدیرعامل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، لذا برای اجرای مدل رگرسیونی ابتدا با کمک آزمون F لیمر و سپس آزمون هاسمن (در صورت استفاده از داده‌های پانل) نوع مناسب اجرای مدل را تعیین می‌کنیم و سپس با آزمون‌های تعیین اعتبار مدل را ارزیابی می‌نمائیم تا بتوانیم در فرضیه‌های پژوهش را مورد سنجش قرار دهیم.

آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول: بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

برای ارزیابی فرضیه اول پژوهش مدل رگرسیونی زیر را به مشاهدات برازش می‌دهیم.

$$Q Tobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 SUS_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$Q Tobin_{it}$: کیو توبین به عنوان معیار عملکرد شرکت

SUS_{it} : پایداری شرکتی

$Size_{it}$: اندازه شرکت

LEV_{it} : اهرم مالی

ROA_{it} : بازده دارایی‌ها

و ε_{it} خطای مدل رگرسیونی می‌باشد. فرضیه اول پژوهش در صورت معناداری ضریب رگرسیونی β_1 ، تأیید خواهد شد. در گام نخست اجرای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون F لیمر می‌توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. نتایج آزمون F لیمر بیانگر رد فرضیه صفر و وجود ناهمگنی بین مقاطع در سطح ۵ درصد می‌باشد. در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می‌باشد. در ادامه برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد که نتایج آن بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد نشده و اثرات تصادفی برای برآورد مدل مناسب است ($0.1587 > 0.05$). نتایج $p - value =$ در نگاره ۵ برآورد ضرایب رگرسیونی برای هر یک از متغیرهای پیش بین مدل رگرسیونی ارائه شده است. نتایج نگاره زیر نشان می‌دهد که آماره فیشر ($F_{df_1, df_2} = 13/392$) و بیشتر از آماره متناظر در نگاره فیشر می‌باشد لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می‌باشد. ($0.05 < p - value = 0.001$). ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۱۶/۴۹ درصد تغییرات عملکرد شرکت بر اثر تغییرات متغیر پایداری شرکت به همراه تغییرات در متغیرهای کنترلی می‌باشد.

نگاره ۵. خلاصه نتایج پرازش مدل رگرسیونی و برآورد ضرایب

متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	β_0	-۳۹/۳۱۵	۱۸/۸۱۵	-۲/۰۸۹	۰/۰۳۷۰	
پایداری شرکتی (SUS _{it})	β_1	۱۳/۷۷۹	۵/۵۸۶	۲/۴۶۶	۰/۰۱۳۹	مستقیم و معنادار
اهرم مالی (LEV _{it})	β_2	-۱۰۹/۹۸	۱۶/۷۵۶	-۶/۵۶۳	۰/۰۰۰۱	معکوس و معنادار
اندازه شرکت (Size _{it})	β_3	۱/۵۵۷	۰/۹۳۳	۱/۶۶۸	۰/۰۹۵۶	معنادار نیست
بازده دارایی ها (ROA _{it})	β_4	-۸/۱۴۸	۸/۶۷۳	-۰/۹۳۹	۰/۳۴۷۸	معنادار نیست
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۶۴۹	آماره F		
	آماره دوربین واتسون		۲/۱۶۷	سطح معناداری		
	آزمون F لیمر		۳/۹۲۲	سطح معناداری		
	آزمون هاسمن		۶/۵۹۸	سطح معناداری		

ضریب رگرسیون متناظر با شاخص پایداری شرکتی ۱۳/۷۷۹ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۱۳۹ و کمتر از ۰/۰۵ می باشد؛ لذا با اطمینان ۰/۹۵ تاثیر پایداری شرکتی بر عملکرد شرکت مستقیم و معنادار می باشد ($p = 0.139 < 0.05$). بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع آوری شده و رد فرض صفر در آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه " بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد" با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می گردد.

آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم: دوره تصدی مدیرعامل بر رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد شرکت تأثیر معناداری دارد.

برای ارزیابی فرضیه دوم پژوهش مدل رگرسیونی زیر را به مشاهدات برازش می‌دهیم.

$$QTobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 SUS_{it} + \beta_2 Turne_{it} + \beta_3 ASUS_{it} * Turne_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن $Turne_{it}$: دوره تصدی مدیر عامل و متغیر تعدیلگر مدل می‌باشد. فرضیه دوم پژوهش در صورت معناداری ضریب رگرسیونی β_3 ، تأیید خواهد شد. نتایج آزمون F لیمر بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می‌باشد. بنابراین برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج آزمون هاسمن در بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد نشده و اثرات تصادفی برای برآورد مدل مناسب است ($p - value = 0.013 > 0.05$). در نگاره ۶ برآورد ضرایب رگرسیونی، برای هر یک از متغیرهای پیش بین مدل رگرسیونی ارائه شده است.

نتایج نگاره ۶ نشان می دهد که آماره فیشر ($F_{df_1, df_2} = 9/777$) و بیشتر از آماره متناظر در نگاره فیشر می باشد لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می باشد. ($p = 0/01 < 0/05$). ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیونی نشان می دهد که ۱۶/۸۶ درصد تغییرات عملکرد شرکت بر اثر تغییرات متغیر پایداری شرکتی، دوره تصدی مدیرعامل و اثر توأم آن دو متغیر به همراه تغییرات در متغیرهای کنترلی می باشد. ضریب رگرسیونی متناظر با شاخص پایداری شرکت ۲۷/۹۹ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۱۳ و کمتر از ۰/۰۵ می باشد؛ لذا تاثیر پایداری شرکتی بر عملکرد شرکت مستقیم و معنادار می باشد ($p = 0/013 < 0/05$).

متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	β_0	-۷۲/۲۶۶	۲۴/۰۰۸	-۳/۰۱۰	۰/۰۰۲۷	
پایداری شرکتی (SUS _{it})	β_1	۲۷/۹۹۶	۸/۶۸۴	۳/۲۲۳	۰/۰۰۱۳	مستقیم و معنادار
دوره تصدی (Turne _{it})	β_2	۹/۸۴۱	۴/۵۲۳	۲/۱۷۵	۰/۰۲۹۹	مستقیم و معنادار
اثر توأم پایداری شرکتی و دوره تصدی	β_3	-۴/۳۸۵	۲/۰۶۰	-۲/۱۲۸	۰/۰۳۳۶	معکوس و معنادار
اهرم مالی (LEV _{it})	β_4	-۱۰۹/۱۳	۱۶/۶۸۴	-۶/۵۴۰	۰/۰۰۰۱	معکوس و معنادار
اندازه شرکت (Size _{it})	β_5	۱/۶۲۹	۰/۹۳۲	۱/۷۴۸	۰/۰۸۰۸	معنادار نیست
بازده دارایی ها (ROA _{it})	β_6	-۸/۷۵۸	۸/۶۸۶	-۱/۰۰۸	۰/۳۱۳۷	معنادار نیست
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۶۸۶	آماره F	۹/۷۷۷	
	آماره دوربین واتسون		۲/۲۶۲	سطح معناداری	۰/۰۰۱	
	آزمون F لیمر		۴/۹۵۱	سطح معناداری	۰/۰۱۶۰	
	آزمون هاسمن		۱۰/۶۰۸	سطح معناداری	۰/۱۰۱۳	

آزمون فرضیه سوم پژوهش

برای ارزیابی فرضیه سوم پژوهش مدل رگرسیونی زیر را به مشاهدات برازش می‌دهیم.

که در آن education_{it} : دوره تصدی مدیر عامل و متغیر تعدیلگر مدل می‌باشد. فرضیه دوم پژوهش در صورت معناداری ضریب رگرسیونی β_3 ، تأیید خواهد شد. نتایج آزمون F لیمر بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می‌باشد. بنابراین برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج آزمون هاسمن بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد شده و اثرات تصادفی برای برآورد مدل مناسب است ($p - \text{value} = 0.01 < 0.05$). در نگاره ۷ برآورد ضرایب رگرسیونی، برای هر یک از متغیرهای پیش، بین مدل رگرسیونی، ارائه شده است.

نتایج نگاره ۷ نشان می دهد که آماره فیشر ($F_{df_1, df_2} = ۸/۹۷۳$) و بیشتر از آماره متناظر در نگاره فیشر می باشد لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می باشد. ($p = ۰/۰۰۱ < ۰/۰۵$). ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیونی نشان می دهد که ۱۶/۲۷ درصد تغییرات عملکرد شرکت بر اثر تغییرات متغیر پایداری شرکتی، تحصیلات مدیرعامل و اثر توأم آن، دو متغیر به همراه تغییرات در متغیرهای کنترل، می باشد. ضریب رگرسیونی متناظر با شاخص پایداری شرکت ۷/۳۰۵

نوع صنعت، یا ساختار تصمیم‌گیری در شرکت‌ها باشد. در حالی که برخی مطالعات داخلی و خارجی نشان داده‌اند که تحصیلات مدیرعامل می‌تواند بر جنبه‌هایی از عملکرد شرکت تأثیر بگذارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه تقویت رابطه بین پایداری شرکتی و عملکرد مالی، تحصیلات مدیرعامل نقش معناداری ایفا نمی‌کند. با توجه به نتایج این پژوهش، چندین توصیه کاربردی برای مدیران و سیاست‌گذاران ارائه می‌شود:

- لزوم تقویت سیاست‌های پایداری شرکتی: شرکت‌ها باید پایداری شرکتی را به‌عنوان یک استراتژی کلیدی در نظر بگیرند و از اجرای سیاست‌های پایداری شرکتی به‌عنوان یک ابزار برای افزایش رقابت‌پذیری و بهبود عملکرد مالی استفاده کنند.

- توجه به ویژگی‌های مدیرعامل در انتخاب مدیران ارشد: هیئت‌مدیره شرکت‌ها باید تحصیلات و تجربه مدیرعامل را به‌عنوان یکی از معیارهای مهم در فرآیند انتخاب و انتصاب مدیران مدنظر قرار دهند.

- افزایش دوره تصدی مدیرعامل در شرکت‌های پایدار: توصیه می‌شود شرکت‌هایی که استراتژی‌های پایداری را دنبال می‌کنند، از مدیرانی با دوره تصدی طولانی‌تر بهره بگیرند تا اثرات این استراتژی‌ها در بلندمدت به ثمر برسد.

- برنامه‌های آموزشی برای مدیران: سازمان‌ها باید برنامه‌های آموزشی در حوزه مدیریت پایداری، تحلیل پایداری شرکتی و تصمیم‌گیری استراتژیک را برای مدیران ارشد خود طراحی کنند تا توانایی آن‌ها در اجرای سیاست‌های پایداری افزایش یابد.

محدودیت‌ها و پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

این پژوهش، علی‌رغم ارائه یافته‌های ارزشمند، دارای برخی محدودیت‌ها است که باید در پژوهش‌های آتی مدنظر قرار گیرد: - عدم بررسی سایر ویژگی‌های فردی مدیرعامل: این پژوهش بر تحصیلات و دوره تصدی تمرکز داشت، اما ویژگی‌های دیگری مانند سن، جنسیت، و سبک رهبری مدیرعامل نیز می‌توانند بر این رابطه تأثیرگذار باشند که در پژوهش‌های آینده قابل بررسی است.

- عدم تفکیک صنایع مختلف: تأثیر پایداری شرکتی ممکن است در صنایع مختلف متفاوت باشد. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده، اثرات این متغیر را در بخش‌های مختلف اقتصادی مقایسه کنند.

- استفاده از داده‌های کیفی: در این پژوهش، از شاخص‌های کمی برای سنجش پایداری و عملکرد مالی استفاده شد. پژوهش‌های آتی می‌توانند از روش‌های کیفی، مانند مصاحبه با مدیران ارشد، برای درک بهتر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با پایداری استفاده کنند.

منابع

- برزگر، قدرت‌الله؛ غواصی کناری، محمد (۱۳۹۵). مطالعه رابطه بین سطح افشای مسئولیت اجتماعی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابداری*، ۷(۲۴)، ۱۵۵-۱۸۰.
- زنوبی، ارسلان؛ یوسفی، رسول (۱۴۰۲). پایداری شرکت و عملکرد شرکت: با توجه به نقش تعدیل‌گر سطح تحصیلات و دوره تصدی مدیرعامل. *همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی*.
- قیصری، بهنام (۱۴۰۴). تأثیر پایداری شرکتی بر عملکرد مالی با تأکید بر نقش تعدیلگر دوره تصدی و تحصیلات مدیرعامل. *نهمین کنفرانس بین‌المللی و دهمین کنفرانس ملی یافته‌های نوین در مدیریت، روان‌شناسی و حسابداری*.
- نقی بهار، مهدی؛ قاسم آبادی، زهره (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین عملکرد پایداری شرکت و عملکرد مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌گر تحصیلات و دوره تصدی مدیرعامل. *کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*.
- یاری درمشکانلو، پریسا؛ ابراهیمی شقاقی، مرضیه؛ اسلامی مفید آبادی، حسین (۱۴۰۱). تأثیر خودشیفتگی و غرور مدیرعامل بر رابطه میان پایداری شرکتی و عملکرد مالی. *پژوهش‌نامه مالی و سرمایه‌گذاری*، ۳(۲)، ۹۰-۱۸۰.

Alrobai, F., & Albaz, M. M. (2025). The impact of CEO and firm attributes on ESG performance: Evidence from an emerging market. *Journal of Risk and Financial Management*, 18(5), 268

Barzegar, A., & Ghavasi Kenari, V. (2016). The study of the relationship between the level of social responsibility disclosure and dividend policy in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 7(24), 155–180. (in Persian)

Bhandari, A., & Javakhadze, D. (2023). Corporate sustainability and firm performance: A meta-analysis. *Journal of Financial Economics*, 148(2), 35-57

Elkington, J. (1997). *Cannibals with forks: The triple bottom line of 21st century business*. Capstone Publishing.

Gheysari, B. (2025). The impact of corporate sustainability on financial performance with an emphasis on the moderating role of CEO education and tenure. *9th International and 10th National Conference on New Findings in Management, Psychology, and Accounting*. (in Persian)

Hambrick, D. C., & Mason, P. A. (1984). Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. *Academy of Management Review*, 9(2), 193-206

López, F., Martos, R., & Rubio, L. (2024). Sustainability disclosure and market value: New insights from European firms. *European Accounting Review*, 33(1), 77-98

Naghih Bahar, M., & Ghasem Abadi, Z. (2023). Examining the relationship between corporate sustainability performance and financial performance with an emphasis on the moderating role of CEO education and tenure. *National Conference on New Research in Management, Economics, and Accounting*. (in Persian)

Sheikh, S. (2019). Measuring corporate social responsibility: A review of disclosure practices. *Sustainability Accounting*, 27(3), 210-225.

Surroca, J., Tribó, J. A., & Waddock, S. (2010). Corporate responsibility and firm performance: The role of intangible resources. *Strategic Management Journal*, 31(5), 463–490. <https://doi.org/10.1002/smj.820>

Yari Darmeshkanlou, P., Ebrahimi Shaghaghi, M., & Eslami Mofidabadi, H. (2022). The impact of CEO narcissism and pride on the relationship between corporate sustainability and financial performance. *Financial and Behavioral Researches in Accounting*, 3(2), 90–108. (in Persian)

Zanoubi, M., & Yousefi, A. (2023). Corporate sustainability and firm performance: Considering the moderating role of CEO education and tenure. *National Conference on Management and Humanities Research*. (in Persian)



Paper type: Research Article

The Impact of Corporate Governance and Operational Risk on the Relationship between Corporate Tax Avoidance and Stock Price Response

Bahman Zohrabi¹, Roya Darabi^{*2}

Received: 2025/01/21

Accepted: 2025/07/18

Abstract

Objective: The main objective of this study is to investigate the impact of corporate governance and operational risk on tax avoidance and stock price response in the Iranian capital market.

Method: The statistical population of the study was companies listed in the Iranian capital market during the fiscal period 2017 to 2023. The sampling method used in this study was screening, in which companies that did not meet the requirements were eliminated, and finally 129 companies were included in the final sample. The research method used in this study was to collect library information and also use the database of the Stock Exchange Organization, and the data were examined post-event. The regression method used was multivariate, and the data structure used was also in the form of a panel, and the regression assumptions were examined to implement the regression. In order to investigate this issue, two hypotheses were designed, and multivariate regression models based on mixed data and the fixed effects method were used to test the hypotheses.

Findings: The results of testing the research hypotheses using the panel data method showed that corporate governance has a significant and positive effect on the relationship between companies' tax avoidance and stock price response, but operational risk does not have a significant effect on the relationship between companies' tax avoidance and stock price response.

Conclusion: Since tax avoidance benefits shareholders and is positively associated with increasing shareholder returns, there exists a conflict of interest between corporate managers' objectives and governments' goals of generating revenue through taxation. In fact, managers may continue engaging in tax avoidance even when corporate governance quality improves, and thus, the quality of corporate governance may not necessarily affect tax avoidance as an efficient strategy for reducing taxes.

Keywords: Tax, Corporate Governance, Tax Avoidance, Operational Risk.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Zohrabi, B., & Darabi, R. (2025). The Impact of Corporate Governance and Operational Risk on the Relationship between Corporate Tax Avoidance and Stock Price Response. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(11), 95-111. (In Persian).

¹. Accounting Department, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

². Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

***Corresponding Author:** Royadarabi110@yahoo.com



نوع مقاله: علمی پژوهشی

تأثیر حاکمیت شرکتی و ریسک عملیاتی بر رابطه بین اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام

بهمن ظهرابی^۱، رویا دارابی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیرگذاری حاکمیت شرکتی و ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام در بازار سرمایه ایران می‌باشد.

روش: جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران طی دوره مالی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ بوده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق غربالگری بوده که شرکت‌هایی که واجد شرایط مدنظر نبوده حذف شده و در نهایت تعداد ۱۲۹ شرکت وارد نمونه نهایی شده‌اند. روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از پایگاه داده‌های سازمان بورس بوده و به‌صورت پس‌رویدادی داده مورد بررسی قرار گرفتند. روش رگرسیونی مورد استفاده چند متغیره بوده و ساختار داده‌های مورد استفاده نیز به‌صورت پانل بوده و برای اجرای رگرسیون مفروضات رگرسیون مورد بررسی قرار گرفته است. در راستای بررسی این موضوع، دو فرضیه طراحی شده است و برای آزمون فرضیه‌ها از الگوهای رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی و روش اثرات ثابت استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به روش داده‌های تابلویی نشان داد که حاکمیت شرکتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معنادار و مثبتی دارد، اما ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی سهام‌داران را منتفع می‌سازد و این مهم به طور مثبت با افزایش عایدی سهام‌داران در ارتباط است، یک تضاد منافع بین اهداف مدیران در شرکت‌ها و کسب درآمد دولت‌ها از طریق مالیات وجود دارد. در واقع مدیران حتی با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی باز هم دست به اجتناب مالیاتی خواهند زد و شاید کیفیت حاکمیت شرکتی تأثیری بر اجتناب مالیاتی به‌عنوان یک اقدام کارا جهت کاهش مالیات نداشته باشد.

واژه‌های کلیدی: مالیات، حاکمیت شرکتی، اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات، ریسک عملیاتی.



10.71600/JACGR.2024.977451



استناد: ظهرابی، بهمن؛ دارابی، رویا (۱۴۰۴). تأثیر حاکمیت شرکتی و ریسک عملیاتی بر رابطه بین اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴(۱۱)، ۹۵-۱۱۱.

^۱. گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲. گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: Royadarabi110@yahoo.com

مقدمه

وجود یک حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های کنترلی درون شرکتی و برون شرکتی است که تعادل مناسب بین حقوق صاحبان سهام از یکسو و نیازها و اختیارات هیئت‌مدیره را از سوی دیگر برقرار می‌کند. حاکمیت شرکتی ضعیف می‌تواند منجر به افزایش احتمال درماندگی مالی یا ورشکستگی در شرکت‌ها شود. یکی از اهداف مهم مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی ارتقای عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری در شرکت‌ها است. به دلیل اهمیت حفظ اعتماد سهام‌داران و به دنبال آن حفظ سلامت اقتصادی کشور و فضای حاکم بر آن، حاکمیت شرکتی به دنبال دستیابی شیوه‌هایی است که بر اساس آن، تأمین‌کنندگان مالی اطمینان حاصل نمایند که از سرمایه‌گذاری خود در شرکت بازده مناسبی را دریافت خواهند نمود. به دلیل آثار سوئی که فرار مالیاتی بر اقتصاد کشور دارد، توجه و بررسی بیشتری در این زمینه نیاز است. زیرا فرار مالیاتی سبب می‌شود که درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه‌های دولت تأمین نگردد و در نتیجه خدماتی که دولت می‌باید آن را فراهم سازد، در حد مورد نیاز و باکیفیت ارائه نشود. از طرف دیگر یکی از وظایف بسیار مهم مدیران مالی، و کاهش ریسک ورشکستگی شرکت است. به عبارتی مدیریت دارایی‌ها از مهم‌ترین وظایف در فرایند مدیریت مالی است. اکثریت مدیران بر این اعتقادند پرداخت مالیات موجب کاهش عملکرد و سودآوری شرکت می‌گردد. درحالی‌که اگر بورس کشوری به‌صورت کارا عمل نماید و دولت وظایف خود را در مقابل پرداخت‌کنندگان مالیات به‌خوبی انجام دهد باید این ذهنیت مدیران از بین رود و مالیات را ابزاری برای موفقیت در بازار سرمایه دانست. اجماع اندکی درباره این موضوع وجود دارد که آیا خودداری از پرداخت مالیات واقعاً برای شرکت سودمند است یا نه. هرچند که بیشتر تحقیقات تصدیق می‌کنند که خودداری از پرداخت مالیات به‌طور کلی یک فعالیت افزایش‌دهنده خطر است. به‌عنوان مثال، (بلافوس و همکاران^۱، ۲۰۱۶) و (گو و همکاران^۲، ۲۰۱۶) دریافتند که سهام‌داران، به طور بالقوه به دلیل صرفه‌جویی مالیات، خودداری از پرداخت مالیات را به طور مثبت (یا حداقل نه به طور منفی) درک می‌کنند. در مقابل، (حسن و همکاران^۳، ۲۰۱۴) دریافت‌اند که بستانکاران (یعنی بانک‌ها و دارندگان اوراق بهادار) نظر مثبتی درباره خودداری از پرداخت مالیات ندارند. (حسن و همکاران، ۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که بستانکاران، از صرفه‌جویی مالیات سود نمی‌برند، اما در معرض خطرات خودداری از پرداخت مالیات قرار دارند (داوان و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

شرکت‌های درگیر در اجتناب از پرداخت مالیات، اعتبار کمتر و رتبه‌بندی پایین‌تر در اوراق قرضه را دریافت کرده و کارشناسان مالی اظهار می‌کنند که این شرکت‌ها احتمال بیشتری برای نکول (عدم پرداخت بدهی در موعد مقرر) دارند (آیرس و همکاران^۵، ۲۰۱۰)؛ (کراپتری و مائر^۶، ۲۰۰۹) دلایل دیگری نیز برای اظهار این مطلب وجود دارد که اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است تأثیری مستقیم بر خطر ورشکستگی داشته باشد. نوگا و اشنادر^۷ (۲۰۱۲) دریافت‌اند که تغییرات بسیار بزرگ در تفاوت‌های نسبت بدهی به درآمد خالص (یا اجتناب از پرداخت مالیات) منجر به افزایش خطر ورشکستگی می‌شود. همچنین اجتناب از پرداخت مالیات این تردید را بالا می‌برد که مشکلاتی وجود خواهد داشت که مخصوص شرکت‌ها بوده و تنها مدیران و سهام‌داران که باعث اختلاف درآمد پیش از مالیات و درآمد مشمول مالیات می‌شوند، از آن‌ها مطلع هستند (داوان و همکاران، ۲۰۲۰). در بسیاری از کشورها بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت، از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها، متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آن‌ها دارد. از طرفی اجتناب مالیاتی یک نوع به‌کارگیری از قوانین مالیاتی است که ناشی از خلأهای قانونی موجود در قانون مالیاتی نشئت می‌گیرد است مالیات به‌عنوان یک بخش از درآمدهای دولت نقش مهمی در اقتصاد هر کشور دارد. آگاهی از وصول میزان درآمدهای مالیاتی نقش مهمی در پیش‌بینی بودجه دولت و برنامه‌ریزی‌های آتی جهت توزیع و مصرف

¹ Blaufus et al

² Goh et al

³ Hasan et al

⁴ Dhawan et al

⁵ Ayres et al

⁶ Crabtree And Maher

⁷ Noga and Schnader

آن دارد. اما باید در نظر داشت که بهترین مدیریت مالیاتی صرفاً آن نیست که بیشترین درآمد مالیاتی را وصول شود. این مسئله که چنین درآمدی چگونه وصول شده است؛ یعنی اثر آن بر عدالت مالیاتی، عواقب سیاسی آن برای دولت‌ها و تأثیر آن بر سطح رفاه اقتصادی نیز به همان اندازه مهم است. یک مدیریت مالیاتی ضعیف ممکن است از بخش‌هایی که وصول مالیات از آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر است، مثلاً حقوق‌بگیران، میزان معتنابهی مالیات وصول نماید درحالی‌که از وصول مالیات بر شرکت‌ها عاجز باشد. بنابراین سطح وصولی مالیات یک معیار ساده برای اندازه‌گیری کارایی مدیریت مالیاتی است. یک معیار دقیق‌تر اندازه‌گیری کارایی مدیریت مالی، درجه تمکین مؤدیان در میان بخش‌های مختلف جامعه مؤدیان است (مشدئی و همکاران، ۱۳۹۵).

مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای شرکت به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد. باتوجه‌به اینکه سهام‌داران به دنبال راه‌هایی برای جلوگیری از خروج وجه نقد از شرکت می‌باشند و مالیات پرداختنی یکی از موارد خروج وجه نقد از شرکت است. محققان معتقدند که شرکت‌های دارای سهام اقلیت نسبت به شرکت‌های دارای سهام نهادی بیشتر به مدیریت بدهی‌های مالیاتی خود می‌پردازند. در شرکت‌ها هزینه‌های مالیات بر درآمد از مهم‌ترین هزینه‌ها است و معمولاً شرکت‌ها آن را به‌عنوان هزینه‌ای که نباید پرداخت نمایند تلقی می‌کنند؛ زیرا با پرداخت مالیات نقدینگی بیشتری از شرکت خارج می‌شود و سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذی‌نفعان شرکت از جمله سهام‌داران کاهش می‌یابد. از این‌رو به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهام‌داران آن از طریق مدیران خود اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات نمایند (اسعدی، ۱۳۹۵). اگرچه اجتناب از پرداخت مالیات یا به عبارتی حداقل‌سازی مالیات، منجر به افزایش وجوه باقیمانده برای سهام‌داران شرکت می‌شود، اما بر اساس شواهد، فعالیت‌های مربوط به اجتناب مالیاتی می‌تواند این فرصت را برای مدیران فراهم سازد که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را در جهت افزایش ارزش شرکت انجام ندهند و اقدامات فرصت‌طلبانه خود را به‌منظور عدم افشاء این اخبار در داخل شرکت توسعه دهند. بر اساس مطالعات، اجتناب مالیاتی زمانی سودمند است که در جهت افزایش ارزش شرکت انجام شود. براین اساس انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی و ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیرگذار باشد.

مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای شرکت به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد. باتوجه‌به اینکه سهام‌داران به دنبال راه‌هایی برای جلوگیری از خروج وجه نقد از شرکت می‌باشند و مالیات پرداختنی یکی از موارد خروج وجه نقد از شرکت است. محققان معتقدند که شرکت‌های دارای سهام اقلیت نسبت به شرکت‌های دارای سهام نهادی بیشتر به مدیریت بدهی‌های مالیاتی خود می‌پردازند. براین اساس انتظار می‌رود اجتناب مالیاتی بر واکنش قیمت سهام و عملکرد شرکت تأثیرگذار باشد. در کشور ایران باتوجه‌به شرایط اقتصادی، سرمایه‌ها عمدتاً به‌سوی سفته‌بازی سوق داده می‌شوند. در این میان به وجود آوردن شرایطی که سرمایه‌گذاران از میان شقوق مختلف، سرمایه‌گذاری بر روی اوراق بهادار و سهام شرکت‌ها را برگزینند، دارای اهمیت خاص می‌باشد. بنابراین با بررسی نیازهای سرمایه‌گذاران و برآوردن تقاضاهای منطقی، باید زمینه انتقال سرمایه از کارهای غیرمولد به سمت کارهای تولیدی را فراهم ساخت (خانی و سلطانی، ۱۳۹۰).

از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است که آیا بین حاکمیت شرکتی و ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام، ارتباط معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حاکمیت شرکتی عبارت است از سیستم‌های داخلی و خارجی، مقررات و رویه‌هایی که توسط شرکت‌ها و در مسیر صحیح به‌منظور اطمینان از برآورده شدن منافع ذی‌نفعان انجام می‌شود. وقوع رسوایی‌های مالی بزرگ در کشورهای توسعه‌یافته، باعث شد حاکمیت شرکتی به موضوعی مهم در سرتاسر دنیا تبدیل شود. در واکنش به این رسوایی‌ها، قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (از جمله ایران) به‌منظور بهبود رویه‌های کنترلی ارائه شد.

این مسئله باعث شد در ایران تلاش‌هایی به‌منظور ایجاد و پذیرش بهترین رویه‌های حاکمیت شرکتی صورت گیرد. جهت تحقق این امر مقررات و رویه‌های حاکمیت شرکتی به شرکت‌های بورسی ابلاغ شد. انتظار این بود که با پیاده‌سازی و بهبود حاکمیت شرکتی مزایای گسترده‌ای در سطح اقتصاد از طریق بهبود رقابت، جذب سرمایه و توسعه بازارهای مالی و سرمایه در کشور حاصل شود. به عبارتی، انتظار می‌رود سیستم حاکمیتی که برای این منظور توسعه می‌یابد، به تعامل بین شرکت و ذی‌نفعان (که عبارت‌اند از سهام‌داران، اعتباردهندگان، کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان و محیط پیرامون شرکت است) اهمیت داده و علاوه بر آن به تلاش جهت همخوانی با قوانین و مقررات موجود بپردازد، اما تعامل گروه‌های ذی‌نفع می‌تواند به تضاد منجر شود. عقیده بر این است که تلاش جهت فهم نحوه تعامل و ترکیب اصول مختلف حاکمیت شرکتی به‌منظور تعیین یک سیستم حاکمیت شرکتی کارا از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش‌های گذشته به موضوع تعامل بین اصول مختلف حاکمیت شرکتی واکنش نشان داده‌اند (آگیلرا و کرسپیکالدرا، ۲۰۱۲).

واکنش قیمت سهام در بازار کارای سرمایه جریان ورود اطلاعات با حجم بسیار زیاد به طور مرتب تداوم داشته و سرمایه‌گذاران به طور منطقی به اطلاعات جدید واکنش نشان می‌دهند. واکنش منطقی سرمایه‌گذاران موجب تعدیل قیمت اوراق بهادار برای رسیدن به ارزش‌های واقعی (ذاتی) می‌شود. به دلیل وجود شرایط رقابتی، دست‌اندرکاران بازار نمی‌توانند به اتکای اطلاعات گذشته و یا مهارت شخصی خود، بازدهی بیشتر از بازده بازار کسب کنند. از طرفی چون اطلاعات به‌صورت تصادفی وارد بازار می‌شود؛ پیش‌بینی روند قیمت اوراق بهادار حتی در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، سرمایه‌گذاران با به‌کارگیری راهبردهای سرمایه‌گذاری مشخصی از قبیل راهبردهای سرمایه‌گذاری قدرت نسبی و معکوس نمی‌توانند بازده سرمایه‌گذاری خود را افزایش دهند. در چنین بازاری به‌کارگیری راهبردهای سرمایه‌گذاری مشخص برای شناسایی سرمایه‌گذاری‌های سودآور، با شکست مواجه می‌شوند (هوغان، ۲، ۱۹۹۷).

اجتناب مالیاتی منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است، در واقع اجتناب از مالیات نوعی استفاده از خلأ قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هانلون و هیتزمن، ۳، ۲۰۱۰).

ریسک عملیاتی را اولین بار، کمیته^۴ بال^۵ در توافق‌نامه بال^۵ به‌عنوان یکی از ریسک‌های اثرگذار در تعیین حجم سرمایه پوششی ریسک معرفی کرد. کمیته بال، ریسک عملیاتی را ریسک زیان ناشی از بی‌کفایتی یا ناکارآمدی فرایندها، افراد و سیستم‌های داخلی یا رویدادهای خارجی تعریف و رویدادهای زیان عملیاتی را به هفت دسته تقسیم کرده است: مشتریان، محصولات و روش‌های خطوط کسب‌وکار، آسیب به دارایی‌های فیزیکی، توقف در خطوط کسب‌وکار و خرابی سیستم‌ها، اجراء تحویل و مدیریت فرایند، تقلب داخلی، تقلب خارجی، ایمنی محل کار و روش‌های استخدام کارکنان. این کمیته در اصول چهارده‌گانه‌ای که با نام اقدامات مؤثر برای مدیریت ریسک عملیاتی تدوین کرده است، چهار فعالیت اصلی شناسایی، ارزیابی، نظارت و کاهش - کنترل را گام‌های مدیریت ریسک عملیاتی معرفی می‌کند. این کمیته، در اصل چهارم، مقوله شناسایی ریسک را بررسی می‌کند و باوجود معرفی کارت امتیازی، نگاشت ریسک و شاخص‌های ریسک به‌عنوان ابزارهای قابل استفاده برای شناسایی ریسک‌های عملیاتی، توضیحی درباره رویه‌های کاربردی تحلیل فرایندهای کسب‌وکار و شناسایی ریسک‌ها ارائه نمی‌دهد. در واقع، هدف این توافق‌نامه، تدوین اصول است و به همین دلیل، انتخاب تکنیک را به بانک‌ها و مؤسسات واگذار کرده است. کارت امتیازی به‌عنوان ابزار شناسایی ریسک، داده‌های زیان عملیاتی و شاخص‌های ریسک را ترکیب و با انجام نوعی خودارزیابی در خطوط کسب‌وکار، ریسک‌های عملیاتی بالقوه را شناسایی می‌کند (آکیزیدیس و بوچرو،

^۱ Aguilera

^۲ Hogan

^۳ Hanlon & Heitzman

^۴ کمیته بال مرکب است از نمایندگان ارشد بانک‌های مرکزی تعدادی از کشورهای گروه ده که بانک تسویه‌های بین‌المللی به‌عنوان دبیرخانه دائمی آن در شهر بال سوئیس معمولاً هر سه ماه یک بار تشکیل می‌دهد. کمیته بال، قدرت قانونی ندارد؛ ولی بیشتر کشورهای عضو آن به‌طور ضمنی، موظف به اجرای توصیه‌های آن هستند.

^۵ Basel II

^۶ Akkizidis & Bouchereau

(۲۰۰۵). نگاشت ریسک با هدف شناسایی ریسک‌های عملیاتی پیرامون این پرسش شکل می‌گیرد که «چه اشتباهی ممکن است رخ دهد؟» پاسخ به این پرسش تنها با تحلیل فرایندهای معین میسر است. اولین خروجی چنین تحلیلی، شناخت علت‌ها و پیامدهای رویدادهای ریسک است و خروجی دوم یک پایگاه داده کمی یا حداقل قابل کمی‌سازی است که می‌تواند برای الگوسازی پروفایل ریسک عملیاتی و هدایت اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه مدیریتی، مفید واقع شود (اسکاندیزو^۱، ۲۰۰۵). برای نگاشت ریسک، چندین شیوه وجود دارد. شاید متداول‌ترین تکنیک در این زمینه، نگاشت ریسک بر نمودار احتمال - شدت باشد که در چارچوب کوزو نیز بدان اشاره شده است (کرتیس و کری^۲، ۲۰۱۲). این روش، تصویری از ریسک‌ها و برخی پارامترهای مربوط از جمله شدت و احتمال آن‌ها ایجاد می‌کند؛ اما به علت‌ها و پیامدهای ریسک توجهی ندارد. روش دیگر در این زمینه، نگاشت ریسک‌ها بر مراحل فعالیت فرایندها است. در این روش، عوامل کلیدی ریسک و محرک‌ها را در هر فرایند می‌توان شناسایی کرد. این روش، نتایج پیچیده‌تری به دست می‌دهد که بیشتر دربردارنده اطلاعات کیفی است؛ اما تصویر روشنی از وضعیت بخش‌های نیازمند تغییر در فرایندها ایجاد می‌کند. از این منظر، نگاشت ریسک، ابزاری برای مرتبط کردن ریسک با بخش‌های مختلف فرایند است. طراحی این ابزار، نیازمند روش مناسبی برای شناسایی و پوشش تمام ریسک‌های مربوط است. نگاشت ریسک، امکان تحلیل علت‌های زیان عملیاتی و امکان ردیابی زیان مالی را به منشأ ایجادکننده آن فراهم می‌آورد. این امر، نقش کلیدی در اندازه‌گیری صحیح و گزارش‌دهی درباره منابع در معرض ریسک عملیاتی و پیش‌بینی و اتخاذ اقدام مناسب بر مبنای آن دارد. شاخص‌های کلیدی ریسک یکی دیگر از ابزارهای پیشنهادی کمیته بال برای شناسایی ریسک است. شاخص کلیدی ریسک، متغیری است که مبنای مطلوبی برای تخمین زیان ناشی از ریسک فراهم می‌آورد. پس از شناسایی روابط علت و معلولی بین علت‌های ریسک، رویدادهای ریسک و پیامدهای آن، از شاخص‌های کلیدی ریسک به عنوان شاخص پیش‌بینی وقوع ریسک و زیان ناشی از آن استفاده می‌شود. مقدار شاخص کلیدی ریسک در قالب تابعی از مقدار متغیرهای علت، ریسک و یا پیامدهای ریسک محاسبه می‌شود.

سجادی و حسن‌زاده (۱۴۰۳) به مطالعه هم‌بستگی درون‌صنعتی، تنوع سید سهام‌داران عمده و هزینه سرمایه شرکت: نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج از تأثیر منفی و معنادار تنوع سید سهام‌داران عمده و هم‌بستگی درون‌صنعتی بر هزینه سرمایه شرکت‌ها حکایت دارد. همچنین تمرکز مالکیت و تنوع جنسیتی در ترکیب هیئت‌مدیره، بر شدت این ارتباطات اثرگذار است. تمرکز مالکیت، ارتباط میان تنوع سید سهام‌داران با هزینه سرمایه را تقویت و رابطه میان هم‌بستگی درون‌صنعتی و هزینه سرمایه را تضعیف می‌کند؛ اما وجود هیئت‌مدیره زن، شدت هر دو رابطه مذکور را تضعیف می‌کند؛ یعنی در شرکت‌هایی که هیئت‌مدیره زن دارند، شدت روابط مذکور کمتر بوده است.

یاری فرد و هاشمی (۱۴۰۳) به مطالعه تأثیر گزارشگری مسئولیت اجتماعی بر ارزش شرکت با در نظر گرفتن نقش کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد گزارشگری مسئولیت اجتماعی بر ارزش شرکت شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی افزایش گزارشگری مسئولیت اجتماعی، افزایش ارزش شرکت به دنبال دارد؛ علاوه بر این، نتایج بیانگر این است که کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی رابطه بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت را تقویت می‌کند. درحالی‌که، مدیریت سود رابطه بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت را تضعیف می‌کند.

صادقی و همکاران (۱۴۰۲) نقش حاکمیت شرکتی بر موفقیت سرمایه‌گذاریهای مشترک بین‌المللی را بررسی کردند. برای دستیابی به هدف مذکور با استفاده از روش مرور نظام‌مند، ۴۰۰ پژوهش استخراج شد که از میان آنها، ۶۰ مقاله عمیقاً بررسی گردیدند. در نهایت ۳ عامل متجلی در قرارداد همکاری و مؤثر بر بهبود بهره‌وری و عملکرد و همچنین ۵ عامل که به طور مستقیم بر این مقوله تأثیر دارند، به همراه تبیین نحوه نقش‌آفرینی مجموعه این عوامل بر عملکرد نوآورانه در این تشکلهای، شناسایی شدند.

¹ Scandizzo

² Curtis & Carey

یادگیری و نعمت اله زاده (۱۴۰۲) تأثیر رقابت در بازار بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری را بررسی کرد. براین اساس به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌های متشکل از ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان داد حاکمیت شرکتی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی افزایش حاکمیت شرکتی، افزایش کارایی سرمایه‌گذاری به دنبال دارد؛ علاوه بر این، نتایج بیانگر این است که رقابت در بازار رابطه بین حاکمیت شرکتی بر کارایی سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند.

نمازیان و همکاران (۱۴۰۱) به مطالعه بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری میان نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار وجود دارد، به طوری که با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی آن‌ها افزوده می‌شود، لیکن با اضافه شدن متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی به رابطه فوق، اثر معنی‌داری بر رابطه میان نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. باتوجه به تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی انتظار می‌رود با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی، شرکت‌ها نسبت به اجتناب مالیاتی اقدام نمایند، ولی به دلیل عدم تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر آن رابطه، در عمل نشان داده می‌شود اجتناب مالیاتی کاهش نمی‌یابد. همچنین، اندازه شرکت، دارایی‌های ثابت مشهود و نرخ بازده دارایی‌ها نیز سبب کاهش، و عمر شرکت سبب افزایش اجتناب مالیاتی می‌گردد.

ملکی خیمه سری و بشیری چلکاسری (۱۴۰۱) به مطالعه بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و تصمیمات مالیاتی در شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که محافظه‌کاری ابزاری رایج و قابل قبول برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌باشد و حاکمیت شرکتی مناسب، موجبات افشا و گزارشگری به موقع توسط شرکت‌ها را فراهم می‌کند. عدم وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی مناسب، می‌تواند زمینه را برای اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران فراهم سازد؛ یکی از این اقدامات فرصت‌طلبانه سوق دادن فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی در جهت منافع خودشان می‌باشد که می‌تواند موجب اتلاف منابع مالیاتی گردد هدف حاکمیت شرکتی، حصول اطمینان از عدم وقوع رفتار فرصت‌طلبانه است که از طریق کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعات نامتقارن بالقوه بین نماینده مدیر و ذی‌نفعان مختلف (سهام‌داران، اعتباردهندگان و غیره)، تحقق می‌یابد. کاهش این گونه مشکلات، باعث افزایش اعتبار به دفاتر شرکت‌ها و مانع اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی می‌گردد. کمیت، کیفیت و به موقع بودن اطلاعات افشا شده از سوی مدیران شرکت، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری برای جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی می‌باشد.

فراه‌توسکی و موسوی پور (۱۴۰۰) به مطالعه بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین اجتناب مالیاتی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد، و بین مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین مالکیت نهادی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هیئت‌مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ونجی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) به مطالعه تأثیر مکانیسم‌های حاکمیتی پلتفرم تجارت الکترونیک بنگاه به بنگاه بر عملکرد شرکت‌های فروشنده پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که جایگاه اصلی شرکت‌های فروشنده این است که یک پلتفرم تجارت الکترونیک B2B باید بر شرکت‌های فروشنده نظارت کرده و آن‌ها را مدیریت کند تا عملکرد آن‌ها بهبود یابد. این مطالعه با تکیه بر نظریه هم‌زیستی، بیان می‌کند که مکانیسم‌های حاکمیتی پلتفرم (نظارت و جامعه‌سازی) حس‌تعلق شرکت‌های فروشنده را افزایش می‌دهد، بنابراین رضایت از رابطه را بهبود می‌بخشد و در نهایت عملکرد شرکت‌های فروشنده افزایش می‌یابد. این مطالعه مکانیسم‌های حاکمیتی کارآمدی را برای پلتفرم تجارت الکترونیک B2B باتوجه به نقش‌های جدید آن طراحی می‌کند. پلتفرم تجارت الکترونیک B2B علاوه بر نقش اقتصادی خود، باید نقش «هماهنگ‌کننده» و «ناظر» را نیز بر عهده بگیرد.

¹ Wenjie et al

نگوین و همکاران^۱ (۲۰۲۳) به مطالعه حاکمیت شرکتی و مدیریت سود: شواهدی از شرکت‌های بورسی ویتنام پرداختند. نتایج مشاهده شده در برابر معیارهای جایگزین تعديلات اختیاری، کل تعديلات و مدیریت سود واقعی مقاوم است. علاوه بر این، نتایج با استفاده از متغیرهای ابزاری، اثرات ثابت شرکت و روش‌های تطابق امتیاز تمایل برای مقابله با علیت معکوس بالقوه و سوگیری انتخاب نمونه تأیید می‌شوند.

سامی الدیب و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان آیا کیفیت حسابرسی تأثیر افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را بر ارزش شرکت تعدیل می‌کند؟ شواهد بیشتر از مصر به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و ارزش شرکت پرداختند. داده‌های نمونه از شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار مصر طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۲۱ جمع‌آوری شد و با استفاده از مدل‌های رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیر مثبت معناداری بر ارزش شرکت در بازار بورس اوراق بهادار مصر دارد. کیفیت حسابرسی به عنوان یک متغیر تعدیل کننده تأثیر معناداری بر رابطه بین افشای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و ارزش شرکت دارد.

وو و همکاران^۳ (۲۰۲۳)، اثرات تعدیل کننده حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری بر رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و عملکرد شرکت را بررسی کردند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی باعث بهبود ارزش شرکت و همچنین عملکرد حسابداری می‌شود. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که هم کارایی سرمایه‌گذاری و هم حاکمیت شرکتی تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر عملکرد شرکت را تعدیل می‌کنند. نویسندگان ادبیات حوزه استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بهینه را با نشان دادن اینکه تأثیر ترکیبی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری، پیوند بین انعطاف‌پذیری مالی و عملکرد شرکت را تقویت می‌کند، تکمیل و گسترش می‌دهند.

هوسین و هوسین^۴ (۲۰۲۲) تأثیر حاکمیت شرکتی و استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در یک سیستم حسابداری قاره‌ای را بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی نقشی در کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد بازی می‌کند و بر سرمایه‌گذاری کم تأثیر نمی‌گذارد، نشان می‌دهد که در یک کشور قانون‌کد، روابط غیررسمی و شخصی تمایل به جایگزینی نقش گزارش‌های مالی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری با حاکمیت شرکتی بهتر و با اجرای استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی افزایش می‌یابد. با این حال، نتایج هیچ شواهدی بین انگیزه‌های حداقل کردن سود برای اهداف مالیاتی و سرمایه‌گذاری کم شرکت‌ها ارائه نمی‌کند و همچنان برای شرکت‌هایی که بیش از حد سرمایه‌گذاری می‌کنند که انگیزه‌های بیشتری برای مدیریت سود خود برای اهداف مالیاتی دارند منفی است.

هسو و یانگ^۵ (۲۰۲۲) حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی در طول همه‌گیری کرونا را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که هیئت‌مدیره بزرگ‌تر به کاهش تأثیر منفی کرونا بر کیفیت گزارشگری مالی کمک می‌کند، اگرچه هیچ اثر کاهنده‌ای برای استقلال هیئت‌مدیره و دوگانگی مدیرعامل پیدا نکردند. این مقاله شواهد بیشتری در مورد تأثیر کرونا بر کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از یک تنظیم قوی در سطح کشور ارائه می‌دهد. همچنین این اولین مطالعه‌ای است که اثر کاهنده حاکمیت شرکتی را بر کیفیت گزارشگری مالی در طول همه‌گیری کرونا تجزیه و تحلیل می‌کند. نتایج این مطالعه پیشنهاد مفیدی را برای تمرین ارائه می‌دهد.

¹ Nguyen et al

² Samy El-Deeb et al

³ Wu et al

⁴ Houcine & Houcine

⁵ Hsu & Yang

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش مطالعات کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات لازم جهت انجام پژوهش با استفاده از کتب، نشریات، مقالات و مجلات جمع‌آوری گردیده است. از آنجایی که موضوع پژوهش در ارتباط با شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، لذا نمونه آماری نیز از این شرکت‌ها بوده و به گونه‌ای انتخاب شده است که از کلیه صنایع فعال در بورس، نمونه انتخاب شده و این نمونه قابلیت تعمیم نتایج حاصله از پژوهش به کل جامعه آماری (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران) را دارا می‌باشد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است، جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ است، از میان این شرکت‌ها، شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و وقفه معاملاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشند در نظر گرفته شدند. جامعه آماری در دسترس، شامل شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ است که نمونه‌ها با اعمال محدودیت‌های زیر انتخاب شدند.

۱. در بازه زمانی مدنظر، جزء شرکت‌های فعال باشند و کلی داده‌های آن در دسترس باشد؛
 ۲. علاوه بر اینکه تغییر سال مالی نداشته باشند، به منظور مقایسه بیشتر پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفندماه باشد؛
 ۳. به دلیل ماهیت متفاوت عملیات، جزء بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها و لیزینگ‌ها نباشند؛
 ۴. برای محاسب متغیر همبستگی درون صنعتی، باید حداقل ۸ شرکت در صنایع نمونه پژوهش وجود داشته باشد.
- تعداد کل شرکت‌های مدنظر در ابتدا ۵۳۲ شرکت بود است که پس از اعمال محدودیت‌های فوق، به تعداد ۱۲۹ شرکت رسیده است.

باتوجه به اینکه در این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام در بازار سرمایه ایران هستیم، لذا باتوجه به مفاهیم بیان شده مدل آماری این پژوهش به تبعیت از پژوهش بلافوس و همکاران (۲۰۱۹) به شرح زیر می‌باشد:

$$CAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it} + \beta_2 Governance_{it} + \beta_3 (ETR_{it} \times Governance_{it}) + \beta_4 Institutional\ Ownership_{it} + \beta_5 LowTaxRisk_{it} + \beta_6 Log(Asset)_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل آماری پژوهش جهت بررسی فرضیه دوم

$$CAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it} + \beta_2 Risk_{it} + \beta_3 (ETR_{it} \times Risk_{it}) + \beta_4 Institutional\ Ownership_{it} + \beta_5 LowTaxRisk_{it} + \beta_6 Log(Asset)_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته

در این پژوهش متغیر وابسته به شرح ذیل می‌باشد:

واکنش قیمت سهام (CAR): عبارت است از بازده غیرعادی سهام که پس از برآورد مدل رگرسیونی فاما و فرنچ به دست می‌آید:

$$R_{it} - R_{Ft} = \beta_1 (R_{Mt} - R_{Ft}) + \beta_2 SMB_{it} + \beta_3 HML_{it} + \varepsilon_{it}$$

R_{it} : بازده سهام شرکت i سال t ؛

R_{Ft} : ریسک مازاد شرکت i سال t ؛

R_{Mt} : ریسک عملیاتی شرکت i سال t ؛

SMB_{it} : عامل اندازه شرکت i سال t ؛

HML_{it} : عامل ارزش شرکت i سال t ؛ و

ε_{it} : پسماند مدل (بازده غیرعادی سهام)

متغیرهای مستقل

در این پژوهش متغیرهای مستقل به شرح ذیل تدوین شده‌اند:

اجتناب مالیاتی (Tax Avoidance): بلافوس و همکاران (۲۰۱۶) اجتناب مالیات را با استفاده از میانگین ETR اندازه‌گیری می‌کند و اشاره می‌کند که میانگین ETR برای اندازه‌گیری جریان‌های نقدی و مالیات توزیعی مناسب است. از آنجاکه هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (۱-) ضرب می‌شود.

$$\text{اجتناب مالیاتی (ETR)} = \frac{\text{کل هزینه مالیات}}{\text{سود قبل از مالیات}}$$

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش متغیرهای کنترلی عبارت‌اند از:

مالکیت نهادی (Institutional Ownership): برای محاسبه میزان مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست می‌آید.

حد پایین ریسک مالیاتی (Low Tax Risk): عبارت است از انحراف معیار تغییرات معیار ETR (اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات) شرکت در دوره پنج ساله پژوهش.

اندازه شرکت (Log(Asset): عبارت است از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

متغیر تعدیلگر

متغیر تعدیلگر متغیری است که به صورت غیرمستقیم بر جهت رابطه یا میزان رابطه متغیرهای مستقل و وابسته می‌تواند مؤثر باشد. اثرات این متغیر قابل مشاهده و اندازه‌گیری است. متغیر تعدیلگر این پژوهش عبارت است از:

حاکمیت شرکتی (Governance): امتیاز حاکمیت شرکتی مرکب است که از مجموع سه زیرشاخص روابط سرمایه‌گذار، افشاگری عمومی و شفافیت اطلاعات و هیئت‌مدیره به دست می‌آید.

امتیاز روابط سرمایه‌گذار (S) Governance: نمره زیر شاخص روابط سرمایه‌گذار برای شرکت است که در این پژوهش بر مبنای سیاست تقسیم سود امتیازدهی خواهد شد. اگر شرکت تقسیم سود داشته باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر ۰ است.

امتیاز افشاگری عمومی و شفافیت اطلاعات (P) Governance: نمره زیر شاخص افشاگری عمومی و شفافیت اطلاعات برای شرکت است که امتیازدهی آن در این پژوهش بر مبنای گزارش‌های سالانه، گزارش‌های سه، شش و نه ماهه می‌باشد.

امتیاز هیئت‌مدیره (D) Governance: امتیاز زیرشاخص هیئت‌مدیره برای شرکت است. در این پژوهش به منظور محاسبه امتیاز آن، از عوامل استقلال مدیران، جبران عملکرد، پاداش هیئت‌مدیره، ساختار کمیته و جدا بودن موقعیت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره استفاده خواهد شد.

ریسک عملیاتی (Risk): عبارت است از عبارت است از تغییرات سود عملیاتی نسبت به فروش (نوراله زاده و کلهری پور، ۱۴۰۳).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، اطلاعات مربوط به شرکت‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۴۰۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند تا ارتباط بین متغیرها برای آزمون فرضیه پژوهش بررسی شود. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار Excel محاسبه و با نرم‌افزار Spss23 و Eviews11 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

ابتدا با آمار توصیفی و با محاسبه شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار چولگی و کشیدگی چولگی شروع شده است. و، آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش را مورد بررسی قرار دادیم این آزمون با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱ انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل مدل‌ها از تحلیل پانلی^۲ استفاده شده است. در این مدل‌ها وجود یا عدم وجود اثرات و همچنین ثابت یا تصادفی بودن اثرات در مدل‌ها بررسی شده و در نهایت مناسب‌ترین مدل برآورد شده است. همچنین در کل پیش‌فرض‌های این مدل‌ها از جمله نرمال بودن متغیر وابسته، نداشتن خودهمبستگی، وجود ارتباط خطی، همسانی واریانس و نداشتن هم‌خطی بین متغیرهای مستقل با آزمون‌ها و نمودارهای مناسب بررسی شده است در صورت نقض هر کدام از پیش‌فرض‌ها راهکار مناسبی جهت رفع مشکل به کار گرفته شده است. مبنای استنباط از روی سطح معناداری^۳ یا مقدار احتمال^۴ بوده است بدین گونه که هر گاه مقدار احتمال یا سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود.

آمار توصیفی

در جدول زیر شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی از جمله انحراف معیار، کشیدگی و چولگی برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است بزرگ بودن میانه از میانگین وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد زیرا میانگین تحت تأثیر این مقادیر قرار می‌گیرد در این موارد توزیع داده‌ها چوله به چپ است

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای فرضیه‌های پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
واکنش قیمت سهام	۰/۱۲۵	۰/۱۰۸	-۰/۲۵۵	۰/۱۲۵	۰/۰۱۶	۰/۷۵۷	۱/۸۳۴	۰/۸۸۲	-۰/۲۵۵	۰/۶۲۷
اجتناب مالیاتی	۰/۱۶۴	۰/۱۱۳	۰/۰۵۷	۰/۱۹۶	۰/۰۳۹	۶/۲۸۹	۹۰/۵۴۰	۳/۴۶۱	-۰/۱۹۹	۳/۲۶۲
مالکیت نهادی	۶۱/۱۵۶	۷۲/۰۴۰	۱۰/۰۰۰	۲۶/۷۴۶	۷۱۵/۳۸۰	-/۸۲۴	-/۸۱۸	۷۹/۸۳۰	۱۰/۰۰۰	۸۹/۸۳۰
حد پایین ریسک مالیاتی	۰/۳۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۹	۰/۲۲۹	۰/۶۰۶	-۱/۶۳۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
اندازه شرکت	۱۳/۸۴۴	۱۳/۶۴۴	۱۰/۱۰۵	۱/۴۳۸	۲/۰۶۷	۰/۹۰۳	۱/۳۳۴	۸/۹۰۵	۱۰/۱۰۵	۱۹/۰۰۹
حاکمیت شرکتی	۰/۷۰۶	۰/۷۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۰۴۲	-۰/۰۲۴	-۱/۲۹۶	۰/۶۰۰	۰/۴۰۰	۱/۰۰۰
ریسک عملیاتی	۰/۷۳۸	۰/۶۵۰	۰/۱۸۰	۰/۸۶۱	۷/۴۱	۰/۶۹۸	۲/۲۰۱	۸/۱۲۰	-۲/۶۴۰	۵/۴۸۰

^۱ Kolmogorev-smirnov test

^۲ Panel

^۳ Significant Level

^۴ P-value

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در ادامه نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون مدل پژوهش برای بررسی فرضیه پژوهش در (نگاره ۲) ارائه شده است.

نگاره ۲. نتایج برآورد مدل پژوهش

پارامترها	مقدار ضرایب	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار احتمال	نتیجه	VIF
مقدار ثابت	-۱/۰۴۰	۰/۶۰۶	-۱/۷۱۵	۰/۰۸۷	بی‌معنی	---
ETR	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۲/۳۳۲	۰/۰۲۰	معنادار و منفی	۱/۰۰۶
Governance	۰/۰۲۷	۰/۰۱۱	۲/۳۴۵	۰/۰۱۹	معنادار و مثبت	۱/۰۰۲
ETR*Governance	۰/۲۹۵	۶/۷۱۳	۴/۳۹۶	۰/۰۰۲	معنادار و مثبت	۱/۳۵۵
InstitutionalOwnership	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	-۱/۰۴۸	۰/۲۹۴	بی‌معنی	۱/۰۱۱
LowTaxRisk	-۰/۱۰۲	۰/۶۱۸	-۱/۶۵۴	۰/۰۹۸	بی‌معنی	۱/۰۷۵
LogAsset	۰/۰۹۶	۰/۰۴۲	۲/۳۱۳	۰/۰۲۱	معنادار و مثبت	۱/۰۱۹
مقدار احتمال F	۰/۰۰۰				مقدار آماره F	۶/۷۹۸۹۹۱
ضریب تعیین	۰/۶۵۹				دوربین واتسون	۱/۶۴۹

در جدول بالا رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشخص شده است رابطه مثبت و معنادار به این مفهوم است که با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد در حالی که در ارتباط منفی معنادار با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته کاهش می‌یابد در ارتباط بی‌معنی هم رابطه‌ای بین متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد.

مقدار آماره t برای ETR برابر با -۲/۳۳۲۵۲۲- و برای سطح اطمینان ۹۵ معنادار و منفی است. مقدار آماره t برای Governance برابر با ۲/۳۴۵۶۰۲ و برای سطح اطمینان ۹۵ معنادار و مثبت است. مقدار آماره t برای ETR*Governance برابر با ۴/۳۹۵۸۳۹ و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار و مثبت است. مقدار آماره t برای InstitutionalOwnership برابر با -۱/۰۴۸۳۸۶- و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی‌معنی است. مقدار آماره t برای LowTaxRisk برابر با -۱/۶۵۴۳۱۱- و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی‌معنی است. مقدار آماره t برای LogAsset برابر با ۲/۳۴۱۹۹۸ و برای سطح اطمینان ۹۵ بی‌معنی است. مقدار آماره t برای عرض از مبدأ برابر با ۲/۳۱۲۸۱۷ است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار دارد یعنی عرض از مبدأ معنادار است. لذا مدل برازش شده به صورت زیر است:

$$CAR_{it} = -0.003078ETR_{it} + 0.026754Governance_{it} + 0.295093(ETR_{it} \times Governance_{it}) + 0.096567Log(Asset)_{it} + \varepsilon_{it}$$

آماره t برای متغیر توضیحی ETR*Governance (با بتای ۰/۲۹۵۰۹۳) برابر با ۴/۳۹۵۸۳۹ است و سطح معنی‌داری متغیر مذکور نیز برابر با ۰/۰۰۲۴ است که در سطح اطمینان ۹۵٪ از نظر آماری معنی‌دار و مثبت است (نگاره ۲). لذا فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه حاکمیت شرکتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد، تأیید می‌گردد.

در نهایت برای بررسی فرضیه دوم پژوهش نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون مدل پژوهش برای بررسی فرضیه‌های پژوهش در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره ۳. نتایج برآورد مدل پژوهش

پارامترها	مقدار ضرایب	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار احتمال	نتیجه	VIF
مقدار ثابت	-۱/۱۰۴	۰/۵۹۳	-۱/۸۶۱	۰/۰۶۳	بی‌معنی	-
ETR	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	-۲/۳۴۶	۰/۰۱۹	معنادار و منفی	۱/۰۰۶
Risk	-۰/۰۳۳	۰/۰۴۹	-۰/۶۷۵	۰/۴۹۹	بی‌معنی	۱/۱۹۰
ETR*Risk	۰/۳۱۸	۰/۲۱۵	۱/۴۸۱	۰/۱۳۹	بی‌معنی	۱/۳۳۰
InstitutionalOwnership	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	-۰/۹۹۷	۰/۳۱۹	بی‌معنی	۱/۰۱۱
LowTaxRisk	-۰/۱۰۴	۰/۰۶۲	-۱/۶۹۲	۰/۰۹۱	بی‌معنی	۱/۰۷۵
LogAsset	۰/۰۹۴	۰/۰۴۳	۲/۱۹۸	۰/۰۲۸	معنادار و مثبت	۱/۰۱۹
مقدار احتمال F			۰/۰۰۰		مقدار آماره F	۴/۵۳۵
ضریب تعیین			۰/۵۵۱		دوربین واتسون	۱/۶۳۶

در جدول بالا رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشخص شده است رابطه مثبت و معنادار به این مفهوم است که با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد درحالی‌که در ارتباط منفی معنادار با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته کاهش می‌یابد در ارتباط بی‌معنی هم رابطه‌ای بین متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد.

مقدار آماره t برای ETR برابر با ۲/۳۴۶۰۰۴- و برای سطح اطمینان ۹۵ معنادار و منفی است. مقدار آماره t برای Risk برابر با ۰/۶۷۵۴۹۷- و برای سطح اطمینان ۹۵ بی‌معنی است. مقدار آماره t برای ETR*Risk برابر با ۱/۴۸۰۸۵۹ و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی‌معنی است. مقدار آماره t برای InstitutionalOwnership برابر با ۰/۹۹۶۶۰۳- و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی‌معنی است. مقدار آماره t برای LowTaxRisk برابر با ۱/۶۹۱۷۶۷- و برای سطح اطمینان ۹۵ درصد بی‌معنی است. مقدار آماره t برای LogAsset برابر با ۲/۱۹۷۷۷۷ و برای سطح اطمینان ۹۵ بی‌معنی است. مقدار آماره t برای عرض از مبدأ برابر با ۱/۸۶۱۱۶۳- است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار دارد یعنی عرض از مبدأ معنادار است. لذا مدل برازش شده به‌صورت زیر است:

$$CAR_{it} = -0.003078ETR_{it} + 0.026754Risk_{it} - 0.295093(ETR_{it} \times Risk_{it}) + 0.096567Log(Asset)_{it} + \varepsilon_{it}$$

آماره t برای متغیر توضیحی ETR*Risk (با بتای ۰/۲۹۵۰۹۳-) برابر با ۴/۳۹۵۸۳۹- است و سطح معنی‌داری متغیر مذکور نیز برابر با ۰/۰۰۲۴ است که در سطح اطمینان ۹۵٪ از نظر آماری معنی‌دار نیست (نگاره ۳). لذا فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد، رد می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ می‌باشد. که پس از اعمال محدودیت‌های تحقیق تعداد ۱۲۹ شرکت به‌عنوان نمونه مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شدند. پس از لندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های پانل برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده گردید. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که: فرضیه اول: حاکمیت شرکتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر مثبت معناداری دارد. نتایج حاصله حاکی از این است که با افزایش یا کاهش یک واحد در میزان حاکمیت شرکتی، بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام در جهت مستقیم تأثیر می‌پذیرد. فرضیه دوم. ریسک عملیاتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

نتایج حاصله نشان‌دهنده رد این فرضیه می‌باشد. لذا افزایش یا کاهش یک واحد در میزان ریسک عملیاتی، بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام، تأثیری ندارد.

نتایج این بخش با تحقیق داوان و همکاران^۱ (۲۰۲۰) همسو است زیرا نتایج این پژوهش نشان داد اجتناب از پرداخت مالیات موجب خدشه‌دار شدن اعتبار شرکت، افزایش هزینه نمایندگی و افزایش ریسک ورشکستگی شرکت می‌گردد و ارتباط مستقیمی بین اجتناب از پرداخت مالیات و ریسک عملیاتی به‌دست‌آمده است. لذا پژوهش حاضر هم به این نتیجه رسیده است که ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات تأثیر و ارتباط مستقیم دارد.

در مقام مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش صورت گرفته توسط مینیکو نوگا^۲ (۲۰۱۰) نسبتاً همسو است و بیان می‌کند نشانه‌های اندکی در خصوص ارتباط حاکمیت شرکتی و کاهش اجتناب مالیاتی وجود دارد. اما، با پژوهش‌های بهارمقدم و امینی نیا (۱۳۹۳) و قرنجمک و گرکز (۱۳۹۷) که به رابطه معنی‌دار و منفی رسیده‌اند، همسو نیست.

در واقع می‌توان استدلال کرد باتوجه به اینکه اجتناب مالیاتی سهام‌داران را منتفع می‌سازد و این مهم به طور مثبت با افزایش عایدی سهام‌داران در ارتباط است، یک تضاد منافع بین اهداف مدیران در شرکت‌ها و کسب درآمد دولت‌ها از طریق مالیات وجود دارد. در واقع مدیران حتی با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی باز هم دست به اجتناب مالیاتی خواهند زد و شاید کیفیت حاکمیت شرکتی تأثیری بر اجتناب مالیاتی به‌عنوان یک اقدام کارا جهت کاهش مالیات نداشته باشد.

در بعد عدم تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی نیز می‌توان استدلال کرد با توجه به اینکه حاکمیت شرکتی در ایران به طور کامل توسعه نیافته و مکانیزم‌ها و ساختارهای فعلی آن در ایران هنوز به طور استاندارد و همه‌گیر پیاده‌سازی نشده است، محیط کنترلی و نظارتی، همراه با کارایی کمتری، البته نه به طور کامل، باعث گردد در چنین شرایطی این تأثیر در بعد نظارتی کاهش یابد.

پیشنهادهای پژوهش

باتوجه به اینکه حاکمیت شرکتی بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام تأثیر معناداری دارد، به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود ضمن توجه به استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی شرکت‌ها، پیامدهای احتمالی مربوطه را بر رابطه اجتناب شرکت‌ها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام باتوجه به نقش حاکمیت شرکتی را شرکت‌ها مورد توجه قرار دهند و اطلاعات مربوط را در الگوی تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند. تدوین استراتژی‌های مناسب برای یک سازمان نیاز به شناخت آن سازمان دارد که این امر در گرو انجام فرآیند صحیح برنامه‌ریزی استراتژیک است. بدین معنا که در ابتدا اهداف، وظایف و مأموریت آن سازمان مشخص می‌شود پس از آن، عوامل داخلی و خارجی سازمان بررسی خواهد شد، سپس این عوامل مورد مقایسه قرار گرفته و در نهایت استراتژی مناسب سازمان و اولویت آن‌ها تدوین می‌گردد، همچنین به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و کسانی که به تفسیر عملکرد شرکت‌ها علاقه‌مند هستند، پیشنهاد می‌شود در ملاحظات خود حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار دهند، زیرا با بهبود ساختار حاکمیت شرکتی، رابطه اجتناب مالیاتی و واکنش قیمت سهام نیز تشدید می‌شود.

باتوجه به اینکه بانک‌ها و مؤسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و لیزینگ‌ها از نمونه این پژوهش حذف شد، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در آینده موضوع پژوهش حاضر را در این گروه از شرکت‌ها مورد بررسی قرار دهند. -بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات و حاکمیت شرکتی بر ریسک عملیاتی به تفکیک صنعت در بورس اوراق بهادار تهران.

-بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و ریسک عملیاتی شرکت‌ها. -بررسی نقش انواع مالکیت بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و ریسک عملیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

¹ Dhawan et al

² Minnick & Noga

منابع

- بهار مقدم، مهدی و امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۴)، ۳۶-۲۳.
- سجادی، زانیار و حسن‌زاده، شادی. (۱۴۰۳). هم‌بستگی درون‌صنعتی، تنوع سبد سهام‌داران عمده و هزینه سرمایه شرکت: نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۱(۱)، ۷۰-۹۴.
- صادق، محمدهادی، پرچی سرقین، مریم و تاج‌الدینی، محمد حسین. (۱۴۰۲). نقش حاکمیت شرکتی بر موفقیت سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین‌المللی. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۴(۵۴)، ۶۱-۸۰.
- فرهادتوسکی، امید و موسوی پور، سیده سمیه. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۴)، ۵۵-۶۸.
- قرنجیک، آرزو و گرکز، منصور. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۸(۷۰)، ۱۷۵-۱۹۳.
- ملکی خیمه‌سری، صدیقه و بشیری چلکاسری، هادی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و تصمیمات مالیاتی در شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۶(۲۰)، ۱۴۴۱-۱۴۵۹.
- نمازیان، علی، پور حیدری، امید و زینلی، حدیث. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی، ۱۰(۴)، ۱۷۷-۱۹۶.
- نوراله زاده نورو و کلهری پور، زینب. (۱۴۰۳). بررسی ارتباط بین ریسک عملیاتی بر اجتناب شرکتها از پرداخت مالیات و واکنش قیمت سهام. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۸(۳۱)، ۲۷۰-۲۸۱.
- یادگاری، سعید و نعمت‌اله زاده، مرجان. (۱۴۰۲). تأثیر رقابت در بازار بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۷(۲۵)، ۱۰۷۷-۱۰۹۴.
- یاری فرد، رسول و هاشمی، نگار. (۱۴۰۳). تأثیر گزارشگری مسئولیت اجتماعی بر ارزش شرکت با در نظر گرفتن نقش کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۷(۹۴)، ۱-۲۷.

- Aguilera, R. V., & Crespi-Cladera, R. (2012). Firm family firms: Current debates of corporate governance in family firms. *Journal of Family Business Strategy*, 3(2), 66-69.
- Akkizidis, I. S., & Bouchereau, V. (2005). *Guide to Optimal Operational Risk and BASEL II* (1st ed.). Auerbach Publications.
- Ayers, J. W., Ribisl, K., & Brownstein, J. S. (2011). Using Search Query Surveillance to Monitor Tax Avoidance and Smoking Cessation following the United States' 2009 "SCHIP" Cigarette Tax Increase. *PLOS ONE* 6(3): e16777.
- Baharmoghadam, M., & Amininia, M. (2014). An Investigation of the Relationship between Ownership Concentration and Tax Aggressiveness. *Financial Accounting Research*, 6(4), 23-36. (in persian)
- Blaufus, K., Hundsdoerfer, J., Jacob, M., & Sünwoldt, M. (2016). Does legality matter? The case of tax avoidance and evasion. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 127, 182-206.
- Blaufus, K., Möhlmann, A., & Schwäbe, A. N. Stock price reactions to news about corporate tax avoidance and evasion. *Journal of Economic Psychology*, 72, 278-292.
- Crabtree, A., & Maher, J. J. (2009). The Influence of Differences in Taxable Income and Book Income on the Bond Credit Market. *Journal of the American Taxation Association*, 31(1), 75-99.
- Curtis, P., & Carey, M. (2012). Risk Assessment in Practice. COSO.
- Dhawan, A., Ma, L., & Kim, M. H. (2020). Effect of corporate tax avoidance activities on firm bankruptcy risk. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 16(2), 100187.

- FarhadToski, O., & Mousavipour, S. S. (2022). Investigating the effect of tax avoidance and corporate governance on social responsibility in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(54), 55-68. (in persian)
- Gharanjik, A., Garkaz, M. (2018). Investigating the relationship between some corporate governance mechanisms and tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 18(70), 175-193. (in persian)
- Goh, B. W., Lee, J., Lim, C. Y. & Shevlin, T. (2016). The effect of corporate tax avoidance on the cost of equity. *The Accounting Review*, 91(6), 1647-1670.
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3), 127-178.
- Hasan, I., Hoi, C. K. S., Wu, Q., & Zhang, H. (2014). Beauty is in the eye of the beholder: The effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of financial economics*, 113(1), 109-130.
- Hogan, C. E (1997). Costs and Benefits of Audit Quality in the IPO Market: a self - Selection Analysis. *The Accounting Review*, 72(1), 67-86.
- Houcine, A., & Houcine, W. (2020). Does earnings quality affect the cost of debt in a banking system? Evidence from French listed companies. *Journal of General Management*, 45(4), 183-191.
- Hsu, Y.-L., & Yang, Y.-C. (2022). Corporate governance and financial reporting quality during the COVID-19 pandemic. *Finance Research Letters*, 47(4), 102778.
- Li, W., Sun, C., Li, Y., & Ertz, M. (2024). Effects of business to business e-commerce platform-governance mechanisms on seller firms' performance. *Research in International Business and Finance*, 67(PB).
- Maleki Kheimh Sari, S., & Bashiri Chalkasari, Hadi. (2013). Investigating the impact of corporate governance and tax decisions on listed companies. *Journal of New research approaches in management and accounting*, 6(20), 1441-1459. (in persian)
- Minnick, K., & Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management?. *Journal of Corporate Finance*, 16(5), 703-718.
- Namazian, A., Pourheidari, O., & Zeinali, H. (2022). Investigating the Effect of Effective Tax rate and Quality of Corporate Governance on Tax Avoidance in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Management Strategy*, 10(4), 177-196. (in persian)
- Nguyen, Q., Kim, M., & Ali, S. (2023). Corporate governance and earnings management: Evidence from Vietnamese listed firms. *International Review of Economics & Finance*. 89(2), 775-801.
- Noga, T. J., & Schnader, A. L. (2013). Book-Tax Differences as an Indicator of Financial Distress. *Accounting Horizons*, 27(3), 469-489.
- Nouralehzadeh, N., & Kalhoripour, Z. (2025) Investigating the relationship between operational risk on corporate tax avoidance and stock price response. *Journal of New research approaches in management and accounting*, 8(31), 270-281. (in persian)
- Sadegh, M. H., Parchami Sarghein, M., & Tajadini, M. H. (2023). The role of corporate governance in the success of international joint ventures. *Journal of Strategic Management Studies*, 14(54), 61-80. (in persian)
- Sajjadi, Z., & Hasanzadeh, S. (2024). Intra-industry Connectedness, Large Shareholders Portfolio Diversification and Cost of Capital: The Moderating Role of Corporate Governance. *Accounting and Auditing Review*, 31(1), 70-94. (in persian)
- Samy El-Deeb, M., Ismail, T. H., & El Banna, A. A. (2023). Does audit quality moderate the impact of environmental, social and governance disclosure on firm value? Further evidence from Egypt. *Journal of Humanities and Applied Social Sciences*, 5(4), 293-322
- Scandizzo, S. (2005). Risk Mapping and Key Risk Indicators in Operational Risk Management. *Economic Notes*, 34(2), 231-256.
- Wu, W., Alkaraan, F., & Le, C. (2023). The moderating effects of corporate governance and investment efficiency on the nexus between financial flexibility and firm performance. *Journal of Financial Reporting and Accounting*.

- Yadegari, S., & Nematollahzadeh, M. (2023). The Effect of Market Competition on the Relationship between Corporate Governance and Investment Efficiency. *Journal of New research approaches in management and accounting*, 7(29), 1077-1094. (in persian)
- Yari Fard, R., & hashemi, N. (2024). The Effect of Social Responsibility Reporting on Firm Value Considering the Role of Audit Quality, Corporate Governance and Earnings Management in Companies Listed in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Vision*, 7(94), 1-27. (in persian)



Paper type: Research Article

The Impact of Differences in Financial and Non-Financial Metrics on Stock Price Crash Risk: Testing the Mechanisms of Influence

Pouria Sarrafinezhad^{*1}, Mehdi Asadi Joabadi²

Received: 2025/06/07

Accepted: 2025/08/11

Abstract

The aim of this research is to evaluate the impact of differences between financial and non-financial metrics on stock price crash risk. Additionally, the mechanisms of this influence have been assessed considering the mediating role of financial fraud and real activity manipulation. The difference between financial and non-financial metrics refers to the discrepancies and contradictions between financial performance metrics and related non-financial metrics. Based on data collected from 153 firms listed on the Tehran Stock Exchange from 2015 to 2023, and using econometric techniques, the findings of the study indicate that a significant discrepancy between the growth rate of operating profit as a financial metric and the growth rates of sales and inventory as non-financial metrics is associated with a higher risk of stock price crashes. Furthermore, testing the mechanisms of influence revealed that the differences in financial and non-financial metrics increase stock price crash risk through heightened financial fraud and manipulation of real activities. These results may be beneficial for regulatory authorities in enhancing the transparency of financial reporting and designing more effective regulatory mechanisms to reduce incentives for manipulation and fraud.

Keywords: Stock Price Crash Risk, Differences in Financial and Non-Financial Metrics, Financial Fraud, Manipulation of Real Activities.



10.71600/JACGR.2024.977451



How to cite this article: Sarrafinezhad, P., & Asadi Joabadi, M. (2025). The Impact of Differences in Financial and Non-Financial Metrics on Stock Price Crash Risk: Testing the Mechanisms of Influence. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(11), 95-127. (In Persian).

¹. Department of Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

***Corresponding Author:** P.sarafinejad@isu.ac.ir

². Department of Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

تأثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام؛ آزمون مکانیسم‌های اثرگذاری

پوریا صرافى نژاد^۱، مهدی اسدی جوآبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

چکیده

هدف این پژوهش ارزیابی تأثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام است. بعلاوه مکانیسم‌های این اثرگذاری با در نظر گرفتن نقش میانجی تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی نیز ارزیابی شده است. تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی به معنای اختلاف و تناقض بین معیارهای مالی عملکرد و معیارهای غیرمالی مرتبط است. بر اساس اطلاعات گردآوری شده از ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ و با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی، یافته‌های پژوهش نشان داد تفاوت زیاد بین نرخ رشد سود عملیاتی به عنوان معیار مالی و نرخ رشد فروش و نرخ رشد موجودی کالا به عنوان معیارهای غیرمالی، با ریسک سقوط قیمت سهام بالاتر همراه است. همچنین، آزمون مکانیسم‌های اثرگذاری نشان داد که تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی از طریق افزایش تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی، باعث افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود. این نتایج می‌تواند برای تنظیم‌کننده‌های مقررات نظارتی در جهت بهبود شفافیت گزارش‌گری مالی و طراحی مکانیسم‌های نظارتی کارآمدتر به منظور کاهش انگیزه‌های دستکاری و تقلب مفید باشد.

واژه‌های کلیدی: ریسک سقوط قیمت سهام، تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، تقلب مالی، دستکاری فعالیت‌های واقعی.



10.71600/JACGR.2024.977451



استناد: صرافى نژاد، پوریا؛ اسدی جوآبادی، مهدی (۱۴۰۴). تأثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام؛ آزمون مکانیسم‌های اثرگذاری. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴(۱۱)، ۱۱۳-۱۲۷.

^۱. گروه مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: P.sarafinejad@isu.ac.ir

^۲. گروه مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

مقدمه

سقوط قیمت سهام نه تنها به نفع سرمایه‌گذاران نیست، بلکه برای ثبات و سلامت بازار سرمایه نیز مضر است و در نتیجه بر اقتصاد واقعی تأثیر منفی می‌گذارد. به همین دلیل، بررسی علل و عوامل مؤثر بر سقوط قیمت سهام توجه گسترده‌ای از سوی سرمایه‌گذاران، نهادهای نظارتی و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. پژوهشگران پیشین تأثیر عواملی چون شفافیت اطلاعات (کیم و همکاران^۱، ۲۰۱۶)، ویژگی‌های شخصی مدیران (کیم و ژانگ^۲، ۲۰۱۶) و رفتارهای سطح شرکت (کانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۱) را بر ریسک سقوط قیمت سهام مورد بررسی قرار داده‌اند. با این حال، علی‌رغم پژوهش‌های گسترده در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک سقوط قیمت سهام، پتانسیل معیارهای غیرمالی و تفاوت‌های بین معیارهای مالی و غیرمالی در شناسایی این ریسک نادیده گرفته شده است. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداخته است.

بیان مسئله

معیارهای غیرمالی می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند و مستقل برای ارزیابی اعتبار داده‌های مالی مورد استفاده قرار گیرند (برازل و همکاران^۴، ۲۰۰۹). پژوهش‌های پیشین به بررسی ارتباط بین اطلاعات غیرمالی و عملکرد مالی پرداخته و نشان داده‌اند که اطلاعات غیرمالی می‌تواند به پیش‌بینی عملکرد مالی شرکت‌ها کمک کند (ایتنر و لارکر^۵، ۱۹۹۸؛ بهن و رایلی^۶، ۱۹۹۹). علاوه بر این، نشان داده‌اند که وجود تناقضات قابل توجه بین معیارهای مالی و غیرمالی می‌تواند به عنوان یک علامت خطر در نظر گرفته شود که نشان‌دهنده ریسک بالای تقلب است (برازل و همکاران، ۲۰۰۹). آن‌ها دریافتند که تفاوت بین نرخ رشد تعداد کارکنان (به عنوان یک معیار غیرمالی) و نرخ رشد دارایی‌ها (به عنوان یک معیار مالی) می‌تواند به طور مؤثری ریسک تحریف با اهمیت در شرکت‌ها را شناسایی کند (دجو و همکاران^۷، ۲۰۱۱).

بنابراین، فرض بر این است که اختلافات قابل توجه بین معیارهای مالی مانند سود عملیاتی و معیارهای غیرمالی مرتبط ممکن است نشانه‌ای از مشکلات جدی در شرکت‌ها، از جمله تقلب مالی و دستکاری سود باشد که در نهایت می‌تواند به سقوط قیمت سهام منجر شود (وای و ژانگ^۸، ۲۰۲۳). به طور کلی، ریسک سقوط قیمت سهام به دلیل پنهان‌سازی اخبار منفی برای مدت طولانی و سپس افشای ناگهانی این اخبار به بازار سرمایه ایجاد می‌شود. اگر گزارش‌های مالی به طور کامل شفاف نباشند، مدیران ممکن است انگیزه داشته باشند تا به منظور حفظ شغل و شهرت خود، اطلاعات منفی داخلی را مخفی کنند؛ بنابراین، فرایندی که منجر به کاهش شفافیت در گزارشگری مالی می‌شود، می‌تواند شرایطی را برای بروز ریسک سقوط قیمت سهام فراهم کند. در این پژوهش استدلال شده است که تفاوت بین معیارهای مالی و غیرمالی مرتبط، نشانه‌ای از عدم شفافیت کامل در شرکت‌ها و وجود تحریف با اهمیت است که به مدیران این امکان را می‌دهد تا اخبار نامطلوب را پنهان کنند. در نهایت، زمانی که این اطلاعات منفی به حد اشباع برسد، نگهداری آن غیرممکن می‌شود و ورود ناگهانی آن به بازار سرمایه می‌تواند به سقوط قیمت سهام منجر گردد (حبيب و همکاران^۹، ۲۰۱۸).

در این پژوهش، با بهره‌گیری از داده‌های کمی غیرمالی (مانند ارزش فروش و موجودی کالا)، بررسی شده است که آیا می‌توان از این معیارهای غیرمالی برای شناسایی ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها استفاده کرد یا خیر. به این منظور،

¹ Kim et al

² Kim & Zhang

³ Kong et al

⁴ Brazel et al

⁵ Ittner & Larcker

⁶ Behn & Riley

⁷ Dechow et al

⁸ Wei & Zhang

⁹ Habib et al

تفاوت‌های موجود بین معیارهای مالی، از جمله رشد سود عملیاتی، و معیارهای غیرمالی مرتبط با رشد سود، نظیر فروش و موجودی کالا، محاسبه و تأثیر این تفاوت‌ها بر ریسک سقوط قیمت سهام ارزیابی شده است. بر اساس استانداردهای گزارشگری مالی، شرکت‌های تولیدی در بورس اوراق بهادار تهران ملزم به افشای اطلاعات مربوط به فروش و موجودی کالا هستند. در مقایسه با پژوهش‌هایی که به افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی بر اساس معیارهای ذهنی اتکا می‌کنند (برازل و همکاران، ۲۰۰۹؛ دجو و همکاران، ۲۰۱۱)، این پژوهش از داده‌های غیرمالی منتشر شده توسط شرکت‌ها استفاده کرده است که مطابق با قوانین موجود است. این رویکرد نه تنها می‌تواند سوگیری ناشی از انتخاب افشای داده‌های مالی را کاهش دهد، بلکه می‌تواند به بهبود مقایسه و اعتبار داده‌های غیرمالی در بین شرکت‌های مختلف نیز کمک کند.

همچنین، این فرض مطرح شده است که وقتی نرخ رشد سود (به عنوان یک معیار مالی)، بیشتر از نرخ رشد معیارهای غیرمالی (مانند فروش و موجودی کالا) باشد، احتمالاً شرکت درگیر تقلب مالی شده است. از سوی دیگر، اگر نرخ رشد سود کمتر از نرخ رشد معیارهای غیرمالی باشد، ممکن است شرکت به دستکاری فعالیت‌های واقعی خود پرداخته باشد؛ بنابراین، انتظار می‌رود که تفاوت‌های بین معیارهای مالی و غیرمالی با وقوع تقلب مالی و دستکاری در فعالیت‌های واقعی مرتبط باشد (وای و ژانگ، ۲۰۲۳). به همین دلیل، به منظور بررسی مکانیسم‌های اثرگذاری تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام، نقش میانجی تقلب مالی و دستکاری در فعالیت‌های واقعی نیز بررسی شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر دستاوردهای مفیدی از جنبه نظری و کاربردی دارد. از جنبه نظری، می‌تواند به توسعه مبانی نظری مربوط به عوامل تعیین‌کننده ریسک سقوط قیمت سهام کمک کند. بسیاری از پژوهش‌های پیشین بر تأثیر محیط خارجی و ویژگی‌های شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام تمرکز کرده‌اند (کیم و همکاران، ۲۰۱۶؛ کیم و ژانگ، ۲۰۱۶). اما این پژوهش با معرفی یک عامل جدید مبتنی بر تفاوت بین معیارهای مالی و غیرمالی، مفهوم جدیدی را ارائه می‌دهد و زمینه پژوهشی تازه‌ای را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، این پژوهش با تمرکز بر معیارهای غیرمالی در شناسایی ریسک سقوط قیمت سهام، بررسی کرده است که آیا تفاوت‌های قابل توجه بین معیارهای مالی و غیرمالی می‌تواند به عنوان یک شاخص معتبر برای درک ریسک سقوط قیمت سهام مورد استفاده قرار گیرد یا خیر. در ادبیات گذشته، تلاش‌هایی برای بررسی تأثیرات معیارهای غیرمالی بر عملکرد شرکت (ایتنر و لارکر، ۱۹۹۸؛ بهن و رایلی، ۱۹۹۹)، شناسایی ریسک تقلب (برازل و همکاران، ۲۰۰۹) و پیش‌بینی تحریف‌های با اهمیت حسابداری (دجو و همکاران، ۲۰۱۱) انجام شده است. این پژوهش با بررسی تأثیر تفاوت بین معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام و ارائه یک ارزیابی تجربی از قابلیت معیارهای غیرمالی در شناسایی و اعتبارسنجی ریسک سقوط قیمت سهام، به توسعه مبانی نظری مربوط به معیارهای غیرمالی کمک می‌کند. از نظر کاربردی نیز یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران و نهادهای تنظیم‌کننده مقررات گزارشگری مالی مفید باشد.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی و ریسک سقوط قیمت سهام

معیارهای مالی و غیرمالی هر دو به عنوان ابزارهای مؤثری برای ارزیابی ریسک سقوط قیمت سهام به کار می‌روند. معیارهای مالی، شاخص‌هایی هستند که بر اساس اطلاعات مالی شرکت، می‌توانند روند درآمد، سودآوری و عملکرد آن را تحلیل کنند. از سوی دیگر، معیارهای غیرمالی به عنوان ابزارهایی برای ارزیابی عوامل غیرمالی که ممکن است بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ بنابراین، با بهره‌گیری از هر دو نوع معیار مالی و غیرمالی، می‌توان ریسک سقوط قیمت سهام یک شرکت را بررسی کرد. اگر معیارهای مالی نشان‌دهنده عملکرد ضعیف شرکت باشند، احتمال سقوط قیمت سهام نیز افزایش می‌یابد. در عین حال، معیارهای غیرمالی نیز به عنوان عوامل کلیدی در ارزیابی ریسک سقوط قیمت سهام شناخته می‌شوند (وای و ژانگ، ۲۰۲۳).

با این حال، در این پژوهش به اثرات منحصربه‌فرد معیارهای مالی و غیرمالی پرداخته نشده است، بلکه تاثیر تفاوت بین این دو نوع معیار بر ریسک سقوط قیمت سهام مورد بررسی قرار گرفته است. استدلال شده است که اختلاف قابل توجه بین معیارهای مالی مانند سود عملیاتی و معیارهای غیرمالی مرتبط ممکن است نشانه‌ای از وجود مسائل جدی در شرکت‌ها، از جمله تقلب مالی و دستکاری درآمد باشد. از سوی دیگر، ریسک سقوط قیمت سهام به دلیل پنهان‌سازی اخبار منفی به مدت طولانی و انتشار ناگهانی این اخبار انباشته شده در بازار سرمایه اتفاق می‌افتد (جین و مایرز^۱، ۲۰۰۶). اگر گزارش‌های مالی به طور کامل شفاف نباشند، مدیران ممکن است انگیزه داشته باشند تا به منظور حفظ شغل و اعتبار خود، اطلاعات منفی داخلی را مخفی کنند؛ بنابراین، فرآیندی که منجر به کاهش شفافیت در گزارشگری مالی می‌شود، می‌تواند زمینه‌ساز ریسک سقوط قیمت سهام باشد (کیم و همکاران، ۲۰۱۶). در این پژوهش، استدلال شده است که تفاوت در معیارهای مالی و غیرمالی مرتبط، نشان‌دهنده عدم شفافیت کامل در شرکت‌ها و وجود تحریف‌های قابل توجه است که شرایط را برای مدیران فراهم می‌کند تا اخبار نامطلوب را پنهان کنند. در نهایت، زمانی که این اطلاعات منفی به حدی برسد که دیگر قابل نگهداری نباشد، ورود ناگهانی آن به بازار سرمایه می‌تواند منجر به سقوط قیمت سهام شود (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، انتظار می‌رود که اختلاف زیاد بین معیارهای مالی و غیرمالی با افزایش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران همراه باشد. با توجه به این استدلال‌ها، فرضیه اول به صورت زیر تبیین شده است:

فرضیه اول) تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر دارد.

مکانیسم‌های اثرگذاری

به منظور بررسی مکانیسم‌های اثرگذاری تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام، نقش میانجی تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی نیز ارزیابی شده است. در این زمینه استدلال شده است، زمانی که نرخ رشد سود عملیاتی (به عنوان معیار مالی) بیشتر از نرخ رشد معیارهای غیرمالی (حجم فروش و حجم موجودی کالا) باشد، شرکت به احتمال زیاد درگیر تقلب مالی شده است. علاوه بر این، زمانی که نرخ رشد سود عملیاتی کمتر از نرخ رشد معیارهای غیرمالی باشد، شرکت احتمالاً دستکاری فعالیت‌های واقعی را انجام می‌دهد؛ بنابراین، انتظار می‌رود که تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی با تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی توسط شرکت‌ها مرتبط باشد و از طریق آن بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیرگذار باشد (وای و ژانگ، ۲۰۲۳).

پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند شرکت‌های با مدیریت سود واقعی، افزایش زیادی را در سقوط قیمت سهام خود در سال آینده تجربه می‌کنند (برادران حسن زاده و حشمت، ۱۳۹۸). به عنوان مثال، لوریرو و سیلوا^۲ (۲۰۲۲)، دریافتند شرکت‌های خارج‌شده از بورس‌های اصلی ایالات متحده، افزایش ریسک سقوط مرتبط با مدیریت سود را تجربه کرده‌اند. خورانا و همکاران^۳ (۲۰۱۷)، به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود واقعی به طور مثبت با ریسک سقوط قیمت سهام خاص شرکت مرتبط است، زیرا هموارسازی سود واقعی به مدیران کمک می‌کند اخبار بد را پنهان کنند که ریسک سقوط را افزایش می‌دهد. با وجود پژوهش‌های گسترده در تایید اثرگذاری تقلب مالی و مدیریت سود بر ریسک سقوط قیمت سهام، ادبیات قبلی در زمینه اثرگذاری تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر تقلب مالی و مدیریت سود و سپس افزایش ریسک سقوط قیمت سهام، محدود است و تنها پژوهش وای و ژانگ (۲۰۲۳)، نشان داده است که تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی دلیل اصلی اثربخشی معیارهای غیرمالی در شناسایی ریسک سقوط قیمت سهام است. ولی از آنجا که این پژوهش در بازار سرمایه چین به عنوان یک بازار توسعه یافته انجام شده، نتایج آن قابل تعمیم به ایران نیست و برای نتیجه‌گیری قطعی در این زمینه نیاز به شواهد تجربی بومی وجود دارد. بر این اساس، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

فرضیه دوم) تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی از طریق تقلب مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر دارد.

¹ Jin & Myers

² Loureiro & Silva

³ Khurana et al

فرضیه سوم) تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک طرح پژوهش کمی با رویکرد تجربی است. به منظور آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چندمتغیره با تکنیک‌های اقتصادسنجی و نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۲ استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری هدف کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ است. از بین جامعه آماری، شرکت‌های مالی به دلیل تفاوت‌های قابل توجه در روش‌ها و شیوه‌های حسابداری و همچنین محدودیت‌های نظارتی مختلف برای این شرکت‌ها در مقایسه با همتایان غیرمالی‌شان، از جامعه آماری حذف شده‌اند. همچنین، جامعه آماری غربال شده شامل شرکت‌هایی است که از ابتدای دوره مورد بررسی در بازار سهام پذیرفته شده‌اند و شرکت‌هایی که در طول دوره مورد بررسی فعالیت خود را متوقف کرده‌اند، حذف شده‌اند. بعلاوه، هیچ تغییری در شرکت‌های مشمول، مانند تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت، در طول دوره مطالعه رخ نداده باشد. علاوه بر این، گزارش‌های سالانه شرکت و داده‌های بازار سهام باید برای تمام سال‌های مورد بررسی در دسترس باشد.

به این ترتیب، تعداد ۱۵۳ شرکت به عنوان جامعه آماری غربال شده، انتخاب شدند. با توجه به نحوه محاسبه برخی از متغیرها که به داده‌های چند سال قبل نیاز دارد، داده‌ها از سال ۱۳۹۰ گردآوری شده‌اند.

مدل‌های رگرسیونی برای آزمون فرضیه‌ها

رگرسیون پایه برای آزمون فرضیه‌ها به صورت مدل ۱ است.

$$Crashrisk_{it} = \beta_0 + \beta_1|DIFF|_{it} + \beta_2Size_{it} + \beta_3Lev_{it} + \beta_4MB_{it} + \beta_5ROA_{it} + \beta_6Dturn_{it} + \beta_7Ret_{it} + \beta_8Sigma_{it} + \beta_9Dual_{it} + \beta_{10}Top_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

در این مدل، Crashrisk نماد ریسک سقوط قیمت سهام، $|DIFF|$ نماد تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، Size نماد اندازه شرکت، Lev نماد اهرم مالی، MB نماد ارزش بازار، ROA نماد سودآوری، Dturn نماد حجم معاملات سهام، Ret نماد بازدهی سهام، Sigma نماد نوسانات بازدهی سهام، Dual نماد دوگانگی نقش مدیرعامل، Top نماد تمرکز مالکیت، i شرکت‌ها، t سال‌های آماری، β ضرایب و ε پسماندهای مدل هستند.

برای آزمون فرضیه دوم ابتدا تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر تقلب مالی با استفاده از مدل ۲ ارزیابی و سپس تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام در حضور تقلب مالی با استفاده از مدل ۳ بررسی شده تا به این ترتیب یکی از مکانیسم‌های تاثیرگذاری تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام مشخص شود.

$$Fraud_{it} = \beta_0 + \beta_1|DIFF|_{it} + \beta_2Size_{it} + \beta_3Lev_{it} + \beta_4MB_{it} + \beta_5ROA_{it} + \beta_6Dturn_{it} + \beta_7Ret_{it} + \beta_8Sigma_{it} + \beta_9Dual_{it} + \beta_{10}Top_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

$$Crashrisk_{it} = \beta_0 + \beta_1|DIFF|_{it} + \beta_2Fraud_{it} + \beta_3Size_{it} + \beta_4Lev_{it} + \beta_5MB_{it} + \beta_6ROA_{it} + \beta_7Dturn_{it} + \beta_8Ret_{it} + \beta_9Sigma_{it} + \beta_{10}Dual_{it} + \beta_{11}Top_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

برای آزمون فرضیه سوم ابتدا تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر دستکاری فعالیت‌های واقعی با استفاده از مدل ۴ ارزیابی و سپس تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام در حضور دستکاری فعالیت‌های واقعی با استفاده از مدل ۵ بررسی شده تا یکی دیگر از مکانیسم‌های تاثیرگذاری تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام مشخص شود.

$$RAM_{it} = \beta_0 + \beta_1|DIFF|_{it} + \beta_2Size_{it} + \beta_3Lev_{it} + \beta_4MB_{it} + \beta_5ROA_{it} + \beta_6Dturn_{it} + \beta_7Ret_{it} + \beta_8Sigma_{it} + \beta_9Dual_{it} + \beta_{10}Top_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

$$Crashrisk_{it} = \beta_0 + \beta_1|DIFF|_{it} + \beta_2RAM_{it} + \beta_3Size_{it} + \beta_4Lev_{it} + \beta_5MB_{it} + \beta_6ROA_{it} + \beta_7Dturn_{it} + \beta_8Ret_{it} + \beta_9Sigma_{it} + \beta_{10}Dual_{it} + \beta_{11}Top_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۵)$$

در این مدل‌ها، Fraud نماد تقلب مالی و RAM دستکاری فعالیت‌های واقعی است. در نهایت از شروط بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶)، برای نتیجه‌گیری نهایی در مورد فرضیه‌های میانجیگری استفاده شده است که به شرح زیر هستند:

شرط اول این است که متغیر مستقل بر متغیر وابسته تاثیر معناداری داشته باشد.
شرط دوم این است که متغیر مستقل بر متغیر میانجی تاثیر معناداری داشته باشد.
شرط سوم این است که متغیر میانجی بر متغیر وابسته تاثیر معناداری داشته باشد.
شرط چهارم این است که وقتی متغیر میانجی وارد معادله رگرسیونی می‌شود، تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته، غیرمعنادار شود که در این حالت متغیر مورد نظر، میانجی‌گر کامل است و یا اینکه این رابطه در حضور متغیر میانجی کاهش یابد (حداقل ۰/۱۰) ولی همچنان معنادار باقی بماند، که در این حالت نقش متغیر میانجی، جزئی خواهد بود.

نحوه اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری داده‌ها

ریسک سقوط قیمت سهام (متغیر وابسته): بر اساس ادبیات پیشین (کیم و همکاران، ۲۰۱۶) برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام از معیار چولگی منفی بازده سهام استفاده شده است. در این خصوص ابتدا مدل ۶ به صورت مقطعی برآورد و پسماندهای آن استخراج شده است.

$$r_{it} = \alpha_j + \beta_{1i}r_{mt-2} + \beta_{2i}r_{mt-1} + \beta_{3i}r_{mt} + \beta_{4i}r_{mt+1} + \beta_{5i}r_{mt+2} + \varepsilon_{it} \quad (۶)$$

در این مدل، r_{it} بازده سهام شرکت i در ماه t طی سال مالی و r_{mt} بازده بازار در ماه t است. سپس بازده ماهانه خاص شرکت با مدل ۷ محاسبه شده است.

$$W_{it} = \ln(1 + \varepsilon_{it}) \quad (۷)$$

در این مدل، W_{it} بازده ماهانه خاص شرکت i در ماه t سال مالی و ε_{it} باقیمانده سهام شرکت i در ماه t و عبارت است از پسماندهای رگرسیون بازار در مدل ۶.

سپس با استفاده از بازده ماهانه خاص شرکت، چولگی منفی بازده سهام و سقوط آن محاسبه شده است. نشانه‌های سقوط قیمت سهام از یک سال قبل از وقوع این پدیده شکل می‌گیرد و یکی از این نشانه‌ها، وجود چولگی منفی در بازده سهام شرکت است؛ بنابراین، شرکت‌هایی که در سال گذشته چولگی منفی بازده سهام را تجربه کرده‌اند، با احتمال بیشتری در سال آینده با پدیده سقوط قیمت سهام رو به رو خواهند شد. بنابراین هرچه مقدار ضریب منفی چولگی بیشتر باشد، آن شرکت در معرض سقوط قیمت سهام بیشتری خواهد بود. برای محاسبه ضریب چولگی منفی بازده سهام از مدل ۸ استفاده شده است:

$$NCSKEW_{it} = -[n(n-1)^{3/2} \sum W_{it}^3] / [(n-1)(n-2) (\sum W_{it}^2)^{3/2}] \quad (۸)$$

¹ Baron & Kenny

تأثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام...

در این مدل، $NCSKEW_{it}$ چولگی منفی بازده سهام شرکت i طی سال مالی t ، W_{it} بازده ماهانه خاص شرکت i در ماه t و n تعداد ماههایی که بازده آنها محاسبه شده، هستند. داده‌های مورد نیاز برای محاسبه این متغیر از جمله قیمت سهام و شاخص بازار از آرشیو بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده‌اند.

تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی (متغیر مستقل): برای این متغیر از دو معیار به شرح زیر استفاده شده است (وای و ژانگ، ۲۰۲۳): معیار اول) قدرمطلق تفاوت بین رشد سود عملیاتی (معیار مالی) و رشد مبلغ فروش (معیار غیرمالی)؛ معیار دوم) قدرمطلق تفاوت بین رشد سود عملیاتی (معیار مالی) و رشد ارزش موجودی کالا (معیار غیرمالی). داده‌های مورد نیاز در اینجا از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها که در سایت کدال موجود است، گردآوری شده‌اند.

تقلب مالی (متغیر میانجی): برای اندازه‌گیری تقلب مالی از مدل تعدیل شده بنیش^۱ (۱۹۹۹) به شرح زیر استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای این مدل، از صورت‌های مالی حسابرسی شده گردآوری شده‌اند.

$$MSCORE = -4.84 + 0.920DSRI_{it} + 0.528GMI_{it} + 0.404AQI_{it} + 0.892SGI_{it} + 0.115DPEI_{it} - 0.172SGAI_{it} + 4.679TATA_{it} - 0.327LVGI_{it} \quad (9)$$

هرچه امتیاز این شاخص بزرگ‌تر باشد، به معنای احتمال بیشتر تقلب مالی است (امیرمعزی و همکاران، ۱۴۰۳). شاخص‌های مورد استفاده در مدل بنیش در نگاره ۱ معرفی شده‌اند.

نگاره ۱. شاخص‌های مورد نیاز برای محاسبه تقلب مالی

نماد	نام	رابطه
DSRI	روزهای فروش نسبی	نسبت حساب‌های دریافتی به فروش در سال t به $t-1$
GMI	حاشیه سود ناخالص	نسبت سود ناخالص به فروش در سال t به $t-1$
AQI	کیفیت دارایی	نسبت مجموع دارایی جاری و دارایی ثابت به کل دارایی در سال t به $t-1$
SGI	رشد فروش	نسبت فروش در سال t به فروش در سال $t-1$ تقسیم بر فروش در سال $t-1$
DPEI	هزینه استهلاک	نسبت هزینه استهلاک به جمع استهلاک و دارایی ثابت مشهود در سال t به $t-1$
GAI	هزینه‌های عمومی، اداری و فروش	نسبت هزینه‌های عمومی، اداری و فروش به فروش در سال t به $t-1$
TATA	جمع اقلام تعهدی	سود عملیاتی منهای جریان نقد عملیاتی در سال t تقسیم بر کل دارایی در سال $t-1$
LVGI	اهرم مالی	نسبت کل بدهی به کل دارایی در سال t به $t-1$

دستکاری فعالیت‌های واقعی (متغیر میانجی): از جریان نقد عملیاتی غیرعادی (A_CFO) و هزینه‌های تولید غیرعادی (A_PROD) برای اندازه‌گیری دستکاری فعالیت‌های واقعی استفاده شده است (وای و ژانگ، ۲۰۲۳). جریان نقد عملیاتی غیرعادی که نشان‌دهنده دستکاری فروش و هزینه‌های تولیدی غیرعادی که نشان‌دهنده دستکاری تولید است به ترتیب از پسماندهای مدل ۱۰ و ۱۱ به دست می‌آیند.

$$\frac{CFO_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta S_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (10)$$

$$\frac{PROD_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 MV_{it} + \alpha_3 Q_{it} + \alpha_4 \left(\frac{S_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_5 \left(\frac{\Delta S_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (11)$$

در این مدل‌ها، CFO جریان نقد عملیاتی، A کل دارایی، S فروش، ΔS تغییر در فروش، $PROD$ هزینه تولید (مجموع بهای تمام شده کالای فروخته شده و تغییرات موجودی مواد و کالا)، MV لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام، Q نسبت کیوتوبین هستند. قدرمطلق تفاضل جریان نقد عملیاتی غیرعادی از هزینه‌های تولیدی غیرعادی برابر با دستکاری فعالیت‌های واقعی است؛ به طوری که بیشتر بودن مقدار آن نشان‌دهنده دستکاری بیشتر در فعالیت‌های واقعی شرکت یا به عبارتی

¹ Beneish

نشان‌دهنده انحراف جریان نقد عملیاتی و هزینه‌های تولید از سطوح بهینه یا عادی است. هرچه مقادیر این متغیر نزدیک به صفر باشد، به معنای کمتر بودن دستکاری فعالیت‌های واقعی در شرکت‌ها است. داده‌های مورد نیاز در اینجا از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و گزارش‌های مالی سالانه، گردآوری شده‌اند.

همچنین، از مجموعه‌ای از متغیرهای کنترلی در مدل‌های رگرسیونی استفاده شده که نحوه اندازه‌گیری آن‌ها به این شرح است: اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی، اهرم مالی برابر با نسبت کل بدهی به کل دارایی، ارزش بازار برابر با نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام، سودآوری برابر با نسبت سود خالص به کل دارایی، حجم معاملات سهام برابر با لگاریتم طبیعی حجم معاملات سهام، بازده سالانه سهام برابر با قیمت سهام در پایان سال t منهای قیمت در سال $t-1$ تقسیم بر قیمت سهام در سال $t-1$ ، نوسانات بازده سهام برابر با انحراف استاندارد بازده سالانه سهام برای یک دوره سه ساله، دوگانگی نقش مدیرعامل برابر با یک متغیر مجازی به این صورت که اگر مدیرعامل شرکت، رییس یا نایب رییس شرکت نیز باشد، ارزش ۱ و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد و تمرکز مالکیت برابر با درصد سهام در دست بزرگ‌ترین سهامدار شرکت. داده‌های مورد نیاز این متغیرها نیز از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و گزارش‌های مالی سالانه شرکت‌ها گردآوری شده‌اند.

یافته‌ها

آمار توصیفی

اولین گام در بخش تحلیل داده‌ها ارائه آمار توصیفی است که نتایج آن در نگاره ۲ مشاهده می‌شود. لازم به توضیح است که تعداد مشاهدات برابر با ۱۳۷۷ سال-شرکت است و به منظور جلوگیری از سوگیری در نتایج، مشاهدات پرت و دورافتاده در صدک‌های ۱ و ۹۹ وینزورایز^۱ شدند.

نگاره ۲. آمار توصیفی

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
ریسک سقوط قیمت سهام	-۰/۴۷۷	-۰/۵۰۰	۱/۹۳۱	-۳/۱۵۶	۱/۲۶۳
تفاوت رشد سود عملیاتی و فروش	۰/۸۸۸	۰/۳۷۹	۴/۹۵۴	۰/۰۳۱	۱/۲۵۴
تفاوت رشد سود عملیاتی و موجودی کالا	۱/۰۰۸	۰/۵۴۹	۴/۹۷۲	۰/۰۴۴	۱/۲۴۹
تقلب مالی	-۲/۳۱۲	-۲/۵۷۷	۰/۶۹۱	-۴/۲۴۶	۱/۳۲۷
دستکاری فعالیت‌های واقعی	۰/۲۷۳	۰/۲۰۹	۰/۸۱۱	۰/۰۱۶	۰/۲۲۵
اندازه شرکت	۱۵/۵۵۹	۱۵/۳۲۹	۲۱/۸۹۹	۱۱/۱۹۷۶	۱/۸۰۹
اهرم مالی	۰/۵۲۶	۰/۵۲۴	۰/۹۱۴	۰/۱۰۱	۰/۲۰۰
ارزش بازار	۵/۴۹۷	۴/۲۹۳	۱۶/۶۳۵	۱/۲۵۴	۴/۰۲۹
سودآوری	۰/۱۶۸	۰/۱۴۲	۰/۴۷۰	-۰/۰۵۰	۰/۱۴۸
حجم معاملات سهام	۱۳/۶۳۱	۱۳/۹۸۴	۲۰/۸۶۷	۳/۹۱۲	۲/۶۲۷
بازده سالانه سهام	۰/۴۴۷	۰/۰۸۰	۳/۷۱۳	-۰/۷۴۴	۱/۱۳۸
نوسانات بازده سهام	۱/۱۴۴	۰/۷۶۲	۳/۹۷۳	۰/۱۴۵	۱/۰۲۶
تمرکز مالکیت	۰/۵۰۳	۰/۵۰۷	۰/۸۹۸	۰/۰۹۹	۰/۱۹۰
دوگانگی نقش مدیرعامل	۵۰۴	فراوانی	درصد فراوانی		
					۳۶/۶۰

میانگین چولگی منفی بازده سهام برابر با -۰/۴۷۷ است که نشان می‌دهد احتمال وقوع بازده‌های منفی (سقوط قیمت) بیشتر است. به عبارت دیگر، این وضعیت می‌تواند حاکی از این باشد که ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌ها بالا است. میانگین قدرمطلق تفاوت رشد سود عملیاتی و رشد فروش، برابر با ۰/۸۸۸ است و میانگین قدرمطلق تفاوت بین رشد سود

^۱ Winsorized

عملیاتی و رشد موجودی کالا برابر با ۱/۰۰۸ است که نشان می‌دهد تفاوت بین رشد سود عملیاتی و رشد موجودی کالا به طور متوسط بیشتر از تفاوت با رشد فروش است. میانگین تقلب مالی برابر با ۲.۳۱۲- است که از آستانه ۱.۷۸- تعیین شده توسط بنیاد کوچک‌تر است، به این معنا که به طور متوسط شرکت‌ها تقلب مالی انجام نمی‌دهند، با این حال مقدار بیشینه این متغیر برابر با ۰/۶۹۱ است که نشان‌دهنده تقلب مالی در برخی از مشاهدات است. میانگین دستکاری فعالیت‌های واقعی نیز برابر با ۰/۲۷۳ با انحراف معیار ۰/۲۲۵ است.

آزمون همبستگی

در این بخش برای بررسی وجود مسئله همخطی چندگانه، به انجام آزمون همبستگی پرداخته شده است که نتیجه آن در نگاره ۳ مشاهده می‌شود. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد ریسک سقوط قیمت سهام با هر دو شاخص تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، همبستگی مثبت و معناداری دارد که نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی زیاد است، ریسک سقوط قیمت سهام نیز بیشتر است. این نتیجه می‌تواند یک حمایت اولیه از فرضیه اول پژوهش باشد. همچنین ریسک سقوط قیمت سهام با تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی نیز همبستگی مثبت و معناداری دارد که نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که تقلب مالی انجام می‌دهند یا فعالیت‌های واقعی را دستکاری می‌کنند، ریسک سقوط قیمت سهام بالاتر است. همچنین، تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی با تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی، همبستگی مثبت و معناداری دارد که با این استدلال که اختلاف زیاد بین معیارهای مالی و معیارهای غیرمالی مرتبط، ممکن است نشانه‌ای از مسائل جدی شرکت‌ها مانند تقلب مالی و دستکاری درآمد باشد، هم‌راستا است.

نگاره ۳. آزمون همبستگی

نام متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
ریسک سقوط	۱	۰/۱۲۵	۰/۰۹۶	۰/۲۴۳	۰/۱۱۹	۰/۱۳۴	۰/۰۰۷	-۰/۱۲۹	-۰/۰۶۲	۰/۱۰۳	-۰/۰۴۱	۰/۱۸۹	۰/۰۰۸	-۰/۰۲۲
قیمت سهام	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	۰/۷۵۵	۰/۴۰۳
تفاوت رشد	۱	---	۰/۶۷۰	۰/۰۸۵	۰/۰۷۷	-۰/۱۱۸	۰/۱۲۶	۰/۰۲۱	-۰/۲۵۱	۰/۱۴۴	۰/۱۶۱	۰/۰۵۷	۰/۰۱۸	-۰/۰۵۷
سود عملیاتی و فروش	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴	۰/۴۹۳	۰/۰۳۳
تفاوت رشد سود عملیاتی و موجودی کالا	۱	---	۰/۰۴۴	۰/۱۴۸	-۰/۰۹۳	۰/۰۴۵	۰/۰۵۱	-۰/۱۵۱	۰/۱۲۲	۰/۱۳۸	۰/۰۷۰	-۰/۰۰۶	-۰/۰۶۱	-۰/۰۶۱
تقلب مالی	۱	---	۰/۰۶۹	۰/۰۱۰	۰/۲۲۳	-۰/۲۳۵	۰/۱۱۱	۰/۴۵۵	۰/۱۲۲	۰/۱۳۰	۰/۲۴۰	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۶
دستکاری فعالیت‌های واقعی	۱	---	۰/۰۵۹	۰/۰۲۸	-۰/۰۹۶	۰/۱۳۳	۰/۱۲۶	۰/۰۶۱	۰/۰۲۳	۰/۰۹۴	۰/۱۲۵	۰/۰۵۹	۰/۰۲۰	-۰/۰۲۰
اندازه شرکت	۱	---	۰/۱۲۵	-۰/۰۵۳	۰/۳۰۵	۰/۴۹۷	-۰/۱۰۳	-۰/۰۳۰	۰/۰۴۴	۰/۱۱۳	-۰/۱۱۳	۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۳
اهرم مالی	۱	---	۰/۱۴۰	-۰/۵۹۹	-۰/۲۱۴	۰/۰۰۳	-۰/۰۷۲	۰/۰۳۵	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ارزش بازار	۱	---	۰/۱۹۱	-۰/۱۳۷	۰/۲۵۹	۰/۲۵۶	۰/۰۲۰	۰/۴۴۴	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سودآوری	۱	---	۰/۸۹۱	۰/۰۰۳	۰/۱۴۷	۰/۱۳۹	۰/۰۴۱	۰/۰۲۴	۰/۳۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

نام متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
رشد حجم										۱	۰/۰۱۹	۰/۱۳۴	۰/۰۱۹	-۰/۲۷۷
معاملات										---	۰/۴۶۶	۰/۰۰۰	۰/۴۷۴	۰/۰۰۰
سهام														
بازده سهام											۱	۰/۱۲۶	۰/۰۰۴	-۰/۰۱۲
											---	۰/۰۰۰	۰/۸۵۵	۰/۶۳۵
نوسانات بازده											۱		-۰/۰۳۷	-۰/۰۳۱
سهام													۰/۳۰۳	۰/۲۳۵
دوگانگی نقش													۱	۰/۰۳۸
مدیرعامل													---	۰/۱۵۱
تمرکز مالکیت														۱

در نهایت، مشخص شد بین متغیرهای مستقل مورد استفاده در مدل‌های رگرسیونی، همبستگی شدید وجود ندارد و ضرایب همبستگی نسبتاً کوچک هستند؛ لذا می‌توان اطمینان حاصل کرد که مدل رگرسیونی از مشکلات همخطی شدید رنج نمی‌برد و نتایج نهایی قابل اتکا هستند. به عبارتی همبستگی بین متغیرها بر تحلیل نهایی اثرگذار نیست.

تحلیل رگرسیون و آزمون فرضیه‌ها

با توجه به ماهیت داده‌ها ابتدا آزمون‌های تشخیصی انتخاب بهترین رویکرد شامل آزمون چاو و هاسمن برای همه مدل‌های رگرسیونی انجام و مشخص شد بهترین رویکرد برای برآورد، استفاده از رگرسیون اثرات ثابت است؛ لذا مدل‌های رگرسیونی با روش اثرات ثابت برآورد شده است. در نگاره ۴ نتیجه برآورد مدل رگرسیونی ۱ مشاهده می‌شود. در ضمن با توجه به اینکه دو شاخص برای سنجش متغیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی تعیین شده، هر مدل رگرسیونی دوبار برآورد شده است.

نگاره ۴. برآورد مدل ۱ (متغیر وابسته: ریسک سقوط قیمت سهام)

نام متغیر	شاخص (۱)			شاخص (۲)		
	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۱۰/۵۶۳	-۱۶/۱۶۵	۰/۰۰۰	-۱۰/۵۶۳	-۱۶/۱۶۵	۰/۰۰۰
تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی	۰/۰۶۱	۲/۸۷۸	۰/۰۰۴	۰/۰۳۰	۲/۱۶۰	۰/۰۳۰
اندازه شرکت	۰/۶۴۴	۱۶/۹۹۸	۰/۰۰۰	۰/۶۴۴	۱۶/۹۹۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۱/۲۹۹	۴/۴۶۶	۰/۰۰۰	۱/۲۹۹	۴/۴۶۸	۰/۰۰۰
ارزش بازار	-۰/۰۳۴	-۳/۶۴۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۳۴	-۳/۶۴۲	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۹۵۹	-۲/۷۱۴	۰/۰۰۶	-۰/۹۵۸	-۲/۷۱۲	۰/۰۰۶
حجم معاملات سهام	-۰/۳۵۶	-۱۰/۴۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۶	-۱۰/۴۴۹	۰/۰۰۰
بازده سهام	-۰/۰۳۱	-۱/۷۸۶	۰/۰۷۴	-۰/۰۳۱	-۱/۷۸۵	۰/۰۷۴
نوسانات بازده سهام	۰/۰۸۰	۲/۷۸۱	۰/۰۰۵	۰/۰۸۰	۲/۷۷۹	۰/۰۰۵
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۱۵۹	۲/۰۲۳	۰/۰۴۳	۰/۱۵۹	۲/۰۲۲	۰/۰۴۳
تمرکز مالکیت	۱/۱۶۹	۲/۵۷۵	۰/۰۱۰	۱/۱۶۹	۲/۵۷۶	۰/۰۱۰
آماره فیشر	۴/۰۶۲			۴/۰۶۱		
	(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)		
ضریب تعیین	۰/۶۵۱			۰/۶۵۲		

نتایج به نشان می‌دهد متغیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی با هر دو شاخص، به لحاظ آماری معنادار است؛ لذا این متغیر تاثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد، در نتیجه فرضیه اول پذیرفته می‌شود. از طرفی ضریب هر دو شاخص

تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام...

متغیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی ۲ و ۳ برای آزمون فرضیه دوم به ترتیب در نگاره ۵ و ۶ مشاهده می‌شود.

نگاره ۵. برآورد مدل ۲ (متغیر وابسته: تقلب مالی)

نام متغیر	شاخص (۱)			شاخص (۲)		
	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۵/۹۰۳	-۱۰/۰۴۱	۰/۰۰۰	-۵/۸۵۴	-۹/۹۰۹	۰/۰۰۰
تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی	۰/۱۹۸	۸/۵۵۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸۵	۸/۳۳۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۱۷۲	۴/۹۳۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۳	۴/۶۴۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۲۹	۰/۱۰۲	۰/۹۱۸	۰/۰۷۸	-۰/۲۷۳	۰/۷۸۴
ارزش بازار	-۰/۰۱۱	-۱/۴۸۰	۰/۱۳۸	-۰/۰۱۰	-۱/۴۳۲	۰/۱۵۲
سودآوری	-۵/۱۵۲	-۱۵/۸۲۵	۰/۰۰۰	-۵/۱۵۳	-۱۵/۶۶۹	۰/۰۰۰
حجم معاملات سهام	-۰/۰۰۷	-۰/۵۳۰	۰/۵۹۶	-۰/۰۰۵	-۰/۳۷۸	۰/۷۰۵
بازده سهام	۰/۰۶۰	۲/۴۴۶	۰/۰۱۴	۰/۰۶۲	۲/۵۴۳	۰/۰۱۱
نوسانات بازده سهام	۰/۰۸۲	۲/۷۲۹	۰/۰۰۶	۰/۰۸۱	۲/۶۷۹	۰/۰۰۷
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۱۴۶	۱/۹۷۱	۰/۰۴۸	-۰/۱۳۶	-۱/۸۲۹	۰/۰۶۷
تمرکز مالکیت	-۰/۰۹۶	-۰/۲۴۱	۰/۸۰۹	-۰/۰۵۳	-۰/۱۳۴	۰/۸۹۲
آماره فیشر		۷/۹۲۰			۷/۸۷۶	
		(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین		۰/۵۱۴			۰/۵۱۳	

در اینجا متغیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی با هر دو شاخص، تاثیر معناداری بر تقلب مالی دارد. از طرفی ضریب آن‌ها نیز مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، احتمال تقلب مالی افزایش می‌یابد.

نگاره ۶. برآورد مدل ۳ (متغیر وابسته: ریسک سقوط قیمت سهام)

نام متغیر	شاخص (۱)			شاخص (۲)		
	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۱۰/۴۲۶	-۱۵/۶۱۶	۰/۰۰۰	-۱۰/۴۳	-۱۵/۶۵۲	۰/۰۰۰
تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی	۰/۰۱۷	۰/۷۳۱	۰/۴۶۴	۰/۰۱۷	۰/۷۴۷	۰/۴۵۴
تقلب مالی	۰/۰۶۶	۳/۰۸۶	۰/۰۰۲	۰/۰۶۷	۳/۱۶۵	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۰/۶۲۸	۱۶/۲۵۱	۰/۰۰۰	۰/۶۲۹	۱۶/۳۱۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۱/۳۶۳	۴/۶۹۵	۰/۰۰۰	۱/۳۶۰	۴/۶۹۱	۰/۰۰۰
ارزش بازار	-۰/۰۳۳	-۳/۸۰۵	۰/۰۰۰	-۰/۰۳۳	-۳/۷۹۹	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۸۷۷	-۲/۴۹۶	۰/۰۱۲	-۰/۸۷۶	-۲/۴۹۱	۰/۰۱۲
حجم معاملات سهام	-۰/۳۵۹	-۱۰/۶۷۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۹	-۱۰/۶۶۷	۰/۰۰۰
بازده سهام	-۰/۰۷۵	-۲/۶۶۳	۰/۰۰۷	-۰/۰۷۵	-۲/۶۵۶	۰/۰۰۸
نوسانات بازده سهام	۰/۰۲۵	۱/۴۲۰	۰/۱۵۵	۰/۰۲۵	۱/۴۳۱	۰/۱۵۲
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۱۴۴	۱/۸۱۸	۰/۰۶۹	۰/۱۴۵	۱/۸۳۴	۰/۰۶۶
تمرکز مالکیت	۱/۱۳۶	۲/۴۹۵	۰/۰۱۲	۱/۱۳۵	۲/۴۹۶	۰/۰۱۲
آماره فیشر		۴/۴۹۷			۴/۴۹۵	
		(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین		۰/۶۷۷			۰/۶۷۵	

نتایج نشان می‌دهد که تقلب مالی تاثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. از طرفی ضریب متغیر تقلب مالی مثبت که نشان می‌دهد با افزایش احتمال تقلب مالی توسط مدیران، ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می‌یابد. نکته قابل توجه نتایج در اینجا عدم معناداری متغیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی با هر دو شاخص سنجش بر ریسک سقوط قیمت سهام پس از وارد کردن متغیر تقلب مالی در مدل است؛ بنابراین، طبق شروط بارون و کنی (۱۹۸۶) تقلب مالی به عنوان یک متغیر میانجی کامل تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام را واسطه می‌کند. به این ترتیب فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت و مشخص شد که تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، به دلیل افزایش احتمال تقلب مالی توسط مدیران در شرکت‌ها، منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی ۴ و ۵ برای آزمون فرضیه سوم به ترتیب در نگاره ۷ و ۸ مشاهده می‌شود.

نگاره ۷. برآورد مدل ۴ (متغیر وابسته: دستکاری فعالیت‌های واقعی)

نام متغیر	شاخص (۱)			شاخص (۲)		
	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۰۱۸	۰/۱۷۲	۰/۸۶۳	۰/۰۱۳	۰/۱۲۴	۰/۹۰۱
تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی	۰/۰۱۸	۴/۸۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۵/۲۶۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۱۲	۲/۱۶۳	۰/۰۳۰	۰/۰۱۳	۲/۱۷۰	۰/۰۳۰
اهرم مالی	۰/۰۱۷	۰/۴۲۲	۰/۶۷۲	۰/۰۱۹	۰/۴۷۷	۰/۶۳۳
ارزش بازار	-۰/۰۰۳	-۲/۷۹۲	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۳	-۲/۷۳۸	۰/۰۰۶
سودآوری	-۰/۳۸۵	-۶/۶۸۵	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۶	-۶/۶۷۹	۰/۰۰۰
حجم معاملات سهام	-۰/۰۰۱	-۰/۵۹۴	۰/۵۵۲	-۰/۰۰۱	-۰/۵۵۶	۰/۵۷۷
بازده سهام	-۰/۰۰۱	-۰/۴۵۶	۰/۶۴۷	-۰/۰۰۱	-۰/۴۶۶	۰/۶۴۰
نوسانات بازده سهام	۰/۰۱۵	۳/۴۸۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۳/۴۴۶	۰/۰۰۰
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۰۲۴	۲/۱۲۸	۰/۰۳۳	۰/۰۲۴	۲/۱۶۳	۰/۰۳۰
تمرکز مالکیت	-۰/۱۰۳	-۱/۶۵۰	۰/۰۹۹	-۰/۱۰۱	-۱/۶۰۷	۰/۱۰۸
آماره فیشر		۹/۷۷۲			۹/۷۲۵	
		(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین		۰/۵۶۶			۰/۵۶۵	

در اینجا متغیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی با هر دو شاخص، تاثیر معناداری بر دستکاری فعالیت‌های واقعی دارد. از طرفی ضریب متغیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، احتمال دستکاری فعالیت‌های واقعی افزایش می‌یابد.

نگاره ۸. برآورد مدل ۵ (متغیر وابسته: ریسک سقوط قیمت سهام)

نام متغیر	شاخص (۱)			شاخص (۲)		
	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۱۰/۵۶۴	-۱۶/۲۰۰	۰/۰۰۰	-۱۰/۵۵۰	-۱۶/۲۰۵	۰/۰۰۰
تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی	۰/۰۰۵	۰/۲۱۴	۰/۸۳۰	۰/۰۱۰	۰/۴۴۸	۰/۶۵۳
دستکاری فعالیت‌های واقعی	۰/۵۵۶	۳/۴۹۲	۰/۰۰۰	۰/۵۵۵	۳/۴۸۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۶۵۰	۱۷/۱۷۴	۰/۰۰۰	۰/۶۵۰	۱۷/۱۸۷	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۱/۳۴۱	۴/۶۳۲	۰/۰۰۰	۱/۳۴۷	۴/۶۶۶	۰/۰۰۰
ارزش بازار	-۰/۰۳۲	-۳/۴۴۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۳۲	-۳/۴۵۶	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۷۰۶	-۱/۹۹۴	۰/۰۴۶	-۰/۶۹۹	-۱/۹۷۴	۰/۰۴۸
حجم معاملات سهام	-۰/۳۴۹	-۱۰/۲۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۴۹	-۱۰/۲۹۳	۰/۰۰۰

نام متغیر	شاخص (۱)			شاخص (۲)		
	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
بازده سهام	-۰/۰۳۱	-۱/۸۲۳	۰/۰۶۸	-۰/۰۳۱	-۱/۸۲۳	۰/۰۶۸
نوسانات بازده سهام	۰/۰۸۲	۲/۸۵۹	۰/۰۰۴	۰/۰۸۳	۲/۸۸۶	۰/۰۰۴
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۱۳۷	۱/۷۵۵	۰/۰۷۹	۰/۱۳۷	۱/۷۵۷	۰/۰۷۹
تمرکز مالکیت	۱/۰۹۷	۲/۴۶۶	۰/۰۱۳	۱/۰۹۱	۲/۴۵۷	۰/۰۱۴
آماره فیشر		۴/۱۷۰			۴/۱۷۴	
		(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین		۰/۶۵۹			۰/۶۵۹	

نتایج نشان می‌دهد که دستکاری فعالیت‌های واقعی تاثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. ضریب آن نیز مثبت است که نشان می‌دهد دستکاری فعالیت‌های واقعی با افزایش ریسک سقوط قیمت سهام همراه است. اما تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی پس از اینکه دستکاری فعالیت‌های واقعی وارد مدل شد، غیرمعنادار است؛ لذا با توجه به شروط بارون و کنی (۱۹۸۶) دستکاری فعالیت‌های واقعی به عنوان یک متغیر میانجی کامل تاثیر تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی بر ریسک سقوط قیمت سهام را واسطه می‌کند. به این ترتیب فرضیه سوم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت و مشخص شد که تفاوت معیارهای مالی و غیرمالی، به دلیل افزایش احتمال دستکاری فعالیت‌های واقعی توسط مدیران در شرکت‌ها، منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با استفاده از اطلاعات ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲، بررسی شده است که آیا می‌توان از تناقضات مهم بین معیارهای مالی و غیرمالی برای شناسایی ریسک سقوط قیمت سهام استفاده کرد یا خیر. نتایج تجربی نشان می‌دهد که تفاوت بیشتر بین معیارهای مالی و غیرمالی، ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد، زیرا نشانه‌ای از تقلب یا تحریف با اهمیت در گزارشگری مالی شرکت‌ها است. معیارهای غیرمالی می‌توانند ابزاری مستقل و مؤثر برای ارزیابی اعتبار داده‌های مالی باشند و اختلاف بزرگ بین معیارهای مالی و غیرمالی می‌تواند نشانه‌ای از مشکلات جدی مانند تقلب مالی و دستکاری سود باشد که می‌تواند زمینه‌ساز ریسک سقوط قیمت سهام باشد، زیرا به مدیران اجازه می‌دهد اخبار نامطلوب را پنهان کنند. این نتیجه با یافته‌های برازل و همکاران (۲۰۰۹)، دچو و همکاران (۲۰۱۱) و وای و ژانگ (۲۰۲۳) هم‌راستا است.

همچنین آزمون مکانیسم اثرگذاری نشان می‌دهد که تفاوت بین معیارهای مالی و غیرمالی از طریق افزایش احتمال تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی، منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود، زیرا تفاوت بین معیارهای مالی و غیرمالی، با تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی مرتبط است و تقلب مالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی نیز منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شوند. زمانی که معیارهای مالی و غیرمالی تفاوت زیادی دارند، احتمالاً شرکت درگیر تقلب یا دستکاری فعالیت‌های واقعی است که شرایطی برای پنهان کردن اخبار بد شرکت فراهم می‌کند و ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد. این نتیجه با یافته‌های لوریرو و سیلوا (۲۰۲۲) و وای و ژانگ (۲۰۲۳) هم‌راستا است.

این پژوهش کاربردهای مهمی دارد؛ از جمله اینکه، نقش معیارهای غیرمالی را در شناسایی ریسک سقوط قیمت سهام شرکت برجسته می‌کند. یافته‌های این مطالعه به مدیران این آگاهی را می‌دهد که تناقضات اساسی بین معیارهای مالی و غیرمالی گزارش شده ممکن است برای برای بازار سرمایه سیگنالی از مشکلات پنهان در عملکرد و شفافیت شرکت باشد. این آگاهی می‌تواند به مدیران کمک کند تا در تصمیم‌گیری‌های مالی و استراتژیک خود تجدیدنظر کنند و به بهبود شفافیت گزارشگری مالی بپردازند. همچنین، شایسته است که تنظیم‌کننده‌های مقررات گزارشگری، مقررات افشای شاخص‌های

غیرمالی شرکت‌های بورسی را بیشتر تقویت کنند تا به طور موثری تقلب‌های مالی احتمالی و دستکاری فعالیت‌های واقعی را مهار کنند.

منابع

- امیرمعزی، حسین؛ پورآقاخان، عباسعلی؛ و جعفری، علی. (۱۴۰۳). کشف تقلب صورت‌های مالی: قیاس توانایی مدل‌های مبتنی بر متغیرهای حسابداری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۳ (۵۲)، ۱۷۳-۱۸۸.
- برادران حسن زاده، رسول؛ و حشمت، نسا. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر متمایز انحراف از فعالیت‌های واقعی و مدیریت واقعی سود در خطر سقوط قیمت سهام. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۷ (۲۵/۲)، ۸۱-۹۸.
- Amirmoezzi, H., Poraghajan, A. & Jafari, A. (2024). Detecting Financial Statement Fraud: Comparing the Ability of Models Based on Accounting Variables. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 13(52), 173-188. (in persian)
- Baradaran Hasanzadeh, R. & Heshmat, N. (2019). Studying the Distinct Impact of Abnormal Real Operations and Real Earnings Management on the Subsequent Crash Risk in Stock Prices. *Journal of Asset Management and Financing*, 7(2), 81-98. (in persian)
- Behn, B. K., & Riley, R. A. (1999). Using nonfinancial information to predict financial performance: The case of the U.S. airline industry. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 14(1), 29-56.
- Brazel, J., Jones, K., & Zimbelman, M. (2009). Using nonfinancial measures to assess fraud risk. *Journal of Accounting Research*, 47(5), 1135-1166.
- Dechow, P. M., Ge, W., Larson, C. R., & Sloan, R. G. (2011). Predicting material accounting misstatements. *Contemporary Accounting Research*, 28(1), 17-82.
- Habib, A., Hasan, M. M., & Jiang, H. (2018). Stock price crash risk: Review of the empirical literature. *Accounting & Finance*, 58, 211-251.
- Ittner, C. D., & Larcker, D. F. (1998). Are nonfinancial measures leading indicators of financial performance? An analysis of customer satisfaction. *Journal of Accounting Research*, 36, 1-35.
- Jin, L., & Myers, S. C. (2006). R² around the world: new theory and new tests. *Journal of Financial Economics*, 79(2), 257-292.
- Khurana, I. K., Pereira, R., & Zhang, E. (2017). Are real earnings smoothing harmful? Evidence from firm-specific stock price crash risk. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 558-587.
- Kim, J. B., & Zhang, L. (2016). Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm-level evidence. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 412-441.
- Kim, J. B., Wang, Z., & Zhang, L. D. (2016). CEO overconfidence and stock price crash risk. *Contemporary Accounting Research*, 33(4), 1720-1749.
- Kong, D., Shi, L., & Zhang, F. (2021). Explain or conceal? Causal language intensity in annual reports and stock price crash risk. *Economic Modelling*, 94, 715-725.
- Loureiro, G., & Silva, S. (2022). Earnings management and stock price crashes post U.S. cross-delistings. *International Review of Financial Analysis*, 82, 102215.
- Wei, L., & Zhang, Y. (2023). Nonfinancial indicators in identifying stock price crash risk. *Finance Research Letters*, 52, 103513.